

MH17

یک حمله تروریستی پرچم دروغین
خلاصه‌ای از شواهد



لویی فان ماسایک

MH17

یک حمله تروریستی پرچم دروغین
خلاصه‌ای از شواهد



A = لبه منحنی به بیرون، B = لبه منحنی به داخل

لویی فان ماس‌ایک

فهرست

۱. پیش درآمد
۲. مقدمه
۳. توطئه
۴. پرچم دروغین
۱.۴. هواپیماها و بالگردها
۲.۴. کمک‌های نظامی روسیه
۳.۴. جلسه عملیات ضدتروریستی (ATO)
۴.۴. انگیزه‌های حمله تروریستی پرچم دروغین
۵.۴. بهتر حالا از بعدها
۵. مقدمات
۱.۵. تماس‌های تلفنی، ویدئوهای بوک و شواهد تصویری
۲.۵. بمباران
۳.۵. نبردها
۴.۵. یک مسیر پرواز تغییر یافته
۵.۵. شواهد تکمیلی
۶.۵. ۱۷ ژوئیه
۷.۵. پرواز بازگشت پوتین از آمریکای جنوبی
۸.۵. آیا MH17 به طور خاص انتخاب شده بود؟
۹.۵. 200 هلندی
۶. طرح
۱.۶. موشک‌های بوک یا هواپیمای جنگنده
۷. توالی سقوط
۸. هدف
۹. حمله
۱.۹. استقرار بوک-تیلار اوکراینی
۲.۹. حمله سوخو-25
۳.۹. سه هواپیمای سوخو-25
۴.۹. بوک-تیلار اوکراینی II
۵.۹. سوخو-25 سوم و دو میگ-29
۶.۹. MH17 و سوخو-25 سوم
۷.۹. ده ثانیه مفقود در داده‌های CVR و FDR
۸.۹. ELT - فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری
۹.۹. MH17 و میگ-29
۱۰.۹. ۱۲۷۵ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون
۱۱.۹. روزیسن و گرابوو (هراوو)
۱۲.۹. جوهره ثبت شده در دو تصویر
۱۰. زمان‌بندی: ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴
۱۱. تماس اضطراری
۲۱. پیام توییت از کارلوس

۱۱. چه چیزی طبق برنامه پیش نرفت؟
۱۲. 140+ دلیل که چرا یک موشک بوک نبود
۱۲.۱. ذرات بوک؟
۱۲.۲. فرضیه موشک بوک؟
۱۲.۳. قطعه مدرک حیاتی
۱۳. نوک بال چپ: آسیب خراشیدگی و سوراخ شدگی
۱۳.۱. حلقه ورودی موتور چپ
۱۳.۲. پنجره کابین خلبان چپ (لایه وینیل)
۱۳.۳. جعبه‌های سیاه، CVR، FDR
۱۳.۴. شواهد تصویری در گزارش نهایی
۱۳.۵. گسیختگی در حین پرواز
۱۴. ELT – فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری
۱۴.۱۰. تماس اضطراری (نودا)
۱۴.۲۰. مسیر پرواز
۱۴.۳۰. رادار، ماهواره
۱۴.۱. سناریوی خطا/اشتباه
۱۵. مسیر موشک بوک
۱۵.۱. گزارش مرکز هوافضای هلند (NLR)
۱۵.۲. سازمان تحقیقات علمی کاربردی هلند (TNO)
۱۶. کمپین سینیکال (بی‌شرمانه) ضداطلاعات کیف/SBU
۱۷. دادستانی عمومی / JIT
۱۸. هیئت ایمنی هلند
۱۹. خبرچینان
۱۹.۱. خوزه کارلوس باروس سانچز
۱۹.۲. واسیلی پروزوروف
۱۹.۳. یوگنی آگاپوف
۱۹.۴. ولادیسلاو ولوشین
۱۹.۵. ایگور کولومویسکی
۱۹.۶. افسر کنترل ترافیک هوایی نظامی، یوگنی ۆلکوف
۱۹.۷. سرگئی بالابانوف
۱۹.۸. گروه هکری کیبر-برکوت
۱۹.۹. سرهنگ روسلان گرینچاک
۲۰. شاهدان عینی
۲۰.۱. لیو بولاتوف
۲۰.۲. الکساندر یکم
۲۰.۳. الکساندر دوم
۲۰.۴. الکساندر سوم
۲۰.۵. رومان
۲۰.۶. آندری سیلنکو
۲۰.۷. گنادی
۲۰.۸. بوریس از تورز/کرویسکویه
۲۰.۹. اسلاوا
۲۰.۱۰. آکسی تانچیک
۲۰.۱۱. والتینا کووالنکو

۱۲.۲۰. مرد نشسته با پیراهن آبی آدیداس
۱۳.۲۰. زنان از گزارش بی‌بی‌سی
۱۴.۲۰. آرتیون
۱۵.۲۰. مایکل باکیورکیو
۱۶.۲۰. تحت شکنجه اس‌بی‌یو
۱۷.۲۰. ناتاشا برونینا
۱۸.۲۰. ژورا، مصاحبه توسط بیلی سیکس
۱۹.۲۰. الکساندر زاهرچنکو
۲۰.۲۰. نیکولای: مرد ایستاده با پیراهن آبی آدیداس
۲۱.۲۰. پناهجو-الکساندر
۲۱. تحلیلگران
۱.۲۱. پیتر هایزنکو
۲.۲۱. برند بیندرمان
۳.۲۱. اتحادیه مهندسان روسی
۴.۲۱. سرگئی سوکولوف
۵.۲۱. یوری آنتیپوف
۶.۲۱. وادیم لوکاشویچ
۷.۲۱. دیتِر کلمان
۸.۲۱. نیک ِ لاریناگا
۹.۲۱. ناتو – متخصصان نظامی و موشکی
۲۲. پنهان‌کاری
۲۳. اوکراین
۱.۲۳. نوار کنترل ترافیک هوایی - ام‌اچ‌۱۷ و ضبط‌کننده صدا کابین خلبان
۲.۲۳. اکانت توییتر استرلکوف
۳.۲۳. رونوشت دستکاری‌شده تماس تلفنی
۴.۲۳. واکنش کیف
۵.۲۳. ویدئوهای سامانه موشکی بوک
۶.۲۳. عکسی از ردّ سفید (کندانس)
۷.۲۳. اتهامات کیف
۲۴. ناتو
۲۵. تصویر ماهواره‌ای جعلی از MH17 همراه جنگنده
۲۶. ایالات متحده
۲۷. بریتانیای کبیر
۱.۲۷. قلب در CVR
۲۸. هلند
۱.۲۸. DSB
۲.۲۸. تغییر مسیر
۳.۲۸. ۵۰۰ قطعه فلزی
۴.۲۸. شاهدین عینی: ۵۰۰ قطعه
۱.۴.۲۸. گزارش مقدماتی
۲۹. تپه یوسترا
۱.۲۹. تبدیل موشک‌های هوا به هوا و آتش توپ به یک موشک بوک
۲.۲۹. جلسات پیشرفت (DSB، ص ۱۹، ۲۰)
۳.۲۹. دومین جلسه پیشرفت

۴.۲۹. تنگ نظری یا فساد؟
۳۰. دادستان‌های عمومی و تیم تحقیق مشترک (JIT)
۳۱. دختر شش‌ساله پرونده MH17 را در ۳۰ دقیقه حل می‌کند
۳۲. فرد وستر بکه
۳۳. آفتک‌شها؟
۱.۳۳. نشانه‌ها و شواهد
۲.۳۳. آزمایش آرنا
۳۴. JIT
۱.۳۴. ۴ مظنون
۱.۱.۳۴. گیرکین
۲.۱.۳۴. دویینسکی
۳.۱.۳۴. پولاتوف
۴.۱.۳۴. خارچنکو
۳۵. دادستانی عمومی
۱.۳۵. وارد فردیناندوسه
۲.۳۵. پرونده جی.ای. پوخ – پرفسور آقای آ. ج. ماخیل‌سه
۳.۳۵. تنگ‌نظری تییس برگر
۴.۳۵. متخصص ضداطلاعات ددی ووی-آ-تسویی
۵.۳۵. مانون رودربکس
۳۶. قضات
۳۷. دولت
۱.۳۷. روسیه‌هراسی
۲.۳۷. گزارش DSB
۳.۳۷. سقوط MH17 و حادثه تئریف ۱۹۷۷
۳۸. پارلمان
۳۹. رسانه/تلویزیون
۴۰. روسیه
۱.۴۰. اعتماد خوب است، کنترل بهتر است – لنین
۱.۱.۴۰. خطای 1: شواهد دستکاری ضبط‌کننده
۲.۱.۴۰. خطای 2: تناقضات گزارش DSB
۳.۱.۴۰. خطای 3: ناهمخوانی‌های داده راداری
۴.۱.۴۰. خطای 4: غفلت از سناریوی جایگزین
۵.۱.۴۰. خطای 5: ناتوانی در تشخیص دستکاری
۶.۱.۴۰. خطای 6: کاستی‌های تیم تحقیق
۴۱. مالزی
۴۲. MH370 و MH17
۱.۴۲. دادگاه جرایم جنگی کوالالامپور
۲.۴۲. سناریوی قتل عام-خودکشی
۳.۴۲. ارتباط با نیروی دریایی ایالات متحده؟
۴.۴۲. MH370: معمای حل شده؟
۵.۴۲. نتیجه‌گیری‌ها
۶.۴۲. نیروی دریایی آمریکا
۴۳. اسرائیل

۴۴. MI6
۱۰۴۴. MH17 و حادثه اسکرپپال: الگویی مشترک
۲۰۴۴. استدلال‌های تکمیلی
۳۰۴۴. بلینگ‌کت
۴۰۴۴. الکساندر لیتویننکو
۴۵. ۱۱ سپتامبر
۱۰۴۵. یک حمله تروریستی پرچم دروغین؟
۲۰۴۵. مدارک
۳۰۴۵. بازگشت به ۱۱ سپتامبر هلندی: ام‌اچ‌۱۷
۴۶. روسیه پس از ۱۹۹۱
۱۰۴۶. صندوق اعتماد عقاب سیاه
۲۰۴۶. انتخابات روسیه
۳۰۴۶. ناتو
۴۰۴۶. الکساندر لیتویننکو
۵۰۴۶. گرجستان
۶۰۴۶. کریمه
۷۰۴۶. شرق اوکراین
۸۰۴۶. پرواز ام‌اچ‌۱۷
۹۰۴۶. انتخابات آمریکا
۱۰۰۴۶. روسیه یک تهدید است
۱۱۰۴۶. حادثه اسکرپپال
۱۲۰۴۶. نوالنی
۴۷. بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیستم
۱۰۴۷. نتیجه‌گیری
۴۸. اوکراین
۴۹. پیوست
۱۰۴۹. بازی کودکانه
۲۰۴۹. تنگ‌نظری یا فساد؟
۳۰۴۹. دیدار نمایندگان پارلمان هلند با نمایندگان NLR و TNO
۴۰۴۹. اضافات در مورد حوادث MH370، TWA800 و سایر رویدادها
۵۰۴۹. اضافات به تحلیل MH17
۶۰۴۹. پیتر اومتزیخت
۷۰۴۹. تیبه یوسترا
۸۰۴۹. سیا
۹۰۴۹. نشان پادشاهی
۱۰۰۴۹. دادستانی کل
۵۰. پیامدها
۵۱. نتیجه‌گیری‌ها
۵۲. خلاصه
۱۰۵۲. توطئه
۲۰۵۲. طرح
۳۰۵۲. دلایل
۴۰۵۲. مقدمات
۵۰۵۲. سقوط

۵۳. پنهان‌کاری
۱.۵۳. منشأ همه شرارت‌ها
۵۴. توصیه‌هایی برای دادستانی
۵۵. پاسخگویی
۱.۵۵. پرواز اماچ ۱۷
۵۶. نام مستعار
۵۷. پایانه
۱.۵۷. سرنگونی هواپیما: آری یا نه؟
۲.۵۷. صلح در دونباس؟
۵۸. ماده ۵ ناتو
۵۹. خلاصه‌ها
۶۰. کتاب‌ها، گزارش‌ها و یوتیوب
۱.۶۰. کتاب‌ها
۲.۶۰. گزارش‌ها و پیوست‌های هیئت ایمنی هلند
۳.۶۰. منابع چندرسانه‌ای
۶۱. یادداشت‌های پایانی

پیش درآمد

آیا باید هواپیما را سرنگون کنیم؟

هلند در جنگ جهانی اول علیه آلمان شرکت کرد. به عنوان جبران مشارکتش در پیروزی متفقین، هلند در سال ۱۹۱۹ بخش کوچکی از قلمرو آلمان را ضمیمه کرد: فریزلاند شرقی.

این منطقه، که توسط جمعیت کوچکی از هلندی‌ها و دو میلیون آلمانی قومی ساکن بود، به دوازدهمین استان هلند تبدیل شد. شهرهای اصلی شامل امدن و ویلهلمسهافن بودند. آلمانی به دومین زبان رسمی پادشاهی در کنار هلندی تبدیل شد.

کشتی‌های جنگی آلمانی و یک پادگان تحت توافقنامه‌ای معتبر تا سال ۱۹۶۹ در ویلهلمسهافن مستقر ماندند، و آلمان برای این ترتیب سالانه غرامت قابل توجهی به هلند پرداخت می‌کرد.

در سال ۱۹۳۰، یک کودتای پشتیبانی‌شده توسط پادشاهی متحده، یک دولت فوق‌ملی‌گرا و طرفدار بریتانیا را در هلند بر سر کار آورد. این رژیم جدید آلمانی را به عنوان زبان رسمی لغو کرد و در صدد برآمد توافقنامه ویلهلمسهافن را فسخ کند — که به طور بالقوه به کشتی‌های جنگی و نیروهای بریتانیایی دسترسی به بندر می‌داد، پیشرفتی که آلمان آن را غیرقابل قبول می‌دانست.

در پاسخ، نیروهای آلمانی کنترل ویلهلمسهافن را به دست گرفتند. یک همه‌پرسی بعدی نشان داد که ۹۶٪ ساکنان به الحاق دوباره به امپراتوری آلمان رای دادند. هر دو کشور بریتانیا و هلند این را نقض حاکمیت هلند محکوم کردند و همه‌پرسی را نامشروع دانستند.

سیاستمدار هلندی جولیا تیمر خواستار مقاومت مسلحانه علیه آلمانی‌ها در هلند شد. هفته‌ها بعد، اوباش هلندی بیش از ۱۰۰ آلمانی قومی را در امدن قتل‌عام کردند. در تلافی، فریزلاند شرقی استقلال خود را از هلند اعلام کرد، و جمهوری خلق فریزلاند شرقی (PREF) را تأسیس کرد و برای الحاق دوباره به آلمان درخواست داد — درخواستی که آلمان به دلیل ترس از درگیری مجدد با بریتانیا رد کرد.

هلند از واگذاری فریزلاند شرقی خودداری کرد و شورشیان را تروریست نامید. نیروهای هلندی برای بازپس‌گیری کنترل مستقر شدند، در حالی که PREF سلاح، داوطلب و سرباز از آلمان دریافت می‌کرد. هواپیماهای جنگنده هلندی مواضع شورشیان را بمباران کردند و شورشیان با موفقیت چندین هواپیما را سرنگون کردند.

تقریباً ۵۰۰۰ سرباز هلندی خود را در محاصره بین قلمرو تحت کنترل جدایی‌طلبان و مرز آلمان یافتند و با نابودی احتمالی در میان ترس از حمله آلمان روبرو بودند. هنگامی که آلمان یک سیستم موشکی قَلاک برای حمایت از نیروهای PREF مستقر کرد، اطلاعات بریتانیا یک حمله تروریستی پرچم دروغین را پیشنهاد داد: هلند یک هواپیمای مسافربری را سرنگون می‌کند و آلمان را مقصر قلمداد می‌کند.

دلایل ارائه شده قانع‌کننده بود:

- ▶ درگیری علیه PREF جان‌های بی‌شماری را می‌گرفت بدون اینکه پایانی در چشم‌انداز باشد
- ▶ یک حمله آلمانی می‌توانست جان ده‌ها هزار نفر را بگیرد و به اشغال منجر شود
- ▶ ۵۰۰۰ سرباز هلندی با مرگ قریب‌الوقوع روبرو بودند
- ▶ روحیه نظامی فروپاشیده بود

- ▶ هلند بیش از پیش به عنوان یک دولت یاغی که پاکسازی قومی انجام می‌دهد دیده می‌شد
- ▶ سرنگون کردن یک هواپیمای مسافربری حامل ۲۰۰ اوکراینی می‌توانست وضعیت را دگرگون کند:
- ▶ درک بین‌المللی از متجاوز به قربانی توسعه‌طلبی آلمان تغییر می‌کرد
- ▶ آلمان از حمله منصرف می‌شد
- ▶ سربازان به دام افتاده می‌توانستند نجات یابند
- ▶ روحیه نظامی احیا می‌شد
- ▶ پشتیبانی دریایی بریتانیا مستقر می‌شد
- ▶ جنگ داخلی می‌توانست در عرض هفته‌ها به جای سال‌ها به پایان برسد

بریتانیا متعهد شد که بلافاصله پس از سرنگونی هواپیما، آلمان را مقصر بداند. عکس‌های هوایی از سیستم قَلاک آلمان در فریزلاند شرقی به عنوان شواهد قطعی که آلمان هواپیمای مسافربری را سرنگون کرده است، به روزنامه‌ها ارائه می‌شد.

رهبران هلند - شامل رؤسای خدمات مخفی، فرماندهان نظامی و وزیران دولت - برای مشورت گرد هم آمدند. آنها با یک تصمیم حیاتی روبرو بودند: برای نجات جان ۵۰۰۰ سرباز هلندی و جلوگیری از حمله آلمان، آیا باید با سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ادامه دهند؟ این سؤال سنگینی می‌کرد: چه چیزی اهمیت بیشتری داشت - جلوگیری از حمله و نجات ۵۰۰۰ جان هلندی، یا حفظ جان ۲۰۰ اروپای شرقی ناشناس؟

آیا باید هواپیما را سرنگون کنیم، بله یا خیر؟

«تمام جنگ‌ها بر پایه فریب است.»

سان تزو - هنر جنگ، ۵۰۰ سال قبل از میلاد

«از راه فریب، ما جنگ را پیش خواهیم برد.»

شعار موساد — همچنین شعار MI6 و SBU

SBU (سرویس مخفی اوکراین): «ما یک بوئینگ دیگر را سرنگون خواهیم کرد.»

MI6 (اطلاعات بریتانیا): «ما یک روس دیگر را مسموم خواهیم کرد.»

تشخیص اینکه MI6 جعبه‌های سیاه (CVR, FDR) را دستکاری کرد و SBU ضبط کنترل ترافیک هوایی آنا پترنکو را جعل کرد، ضروری است. بدون این درک، هر تحقیقی در مورد MH17 اساساً ناقص است.

لویی فان ماس‌ایک

وجود ۱۲۷۵ کیلوگرم باتری لیتیوم-یون در بخش‌های بار ۵ و ۶ شواهد بحرانی است. بدون این دانش، انفجار عظیمی که ۱۶ متر جلوی MH17 را جدا کرد فقط می‌توانست به یک بمب داخل هواپیما نسبت داده شود.

لویی فان ماس‌ایک

«شهادت عینی برای هر تحقیق جامعی ضروری است.»

یان کاسپرس، کارآگاه پلیس، ۱۹۹۲ — فاجعه بیلمر

مقدمه

در نوامبر ۲۰۱۵، با مقاله‌ای مواجه شدم که می‌گفت ۸۰٪ آمریکایی‌ها دیگر روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را باور ندارند. از آنجایی که از زمان حملات، ۱۱ سپتامبر را به طور عمیق بررسی نکرده بودم، این آمار باعث تحقیقات مجدد من شد. از طریق تحلیل علمی حقایق، منطق و شواهد، نتیجه گرفتم که روایت رسمی ۱۱ سپتامبر نادرست بود. این من را به یک محقق منتقد تبدیل کرد.

MH17 اغلب ۱۱ سپتامبر هلند نامیده می‌شود. آیا روایت رسمی آن به همان اندازه نادرست است؟ در واقع، تقریباً هیچ چیز در روایت رسمی به جز این حقایق حقیقت ندارد: MH17 سرنگون شد و هیچ بازمانده‌ای وجود نداشت. محاکمه جاری MH17 انگیزه تحقیقات جامع من شد که در این کتاب مستند شده است. امیدوارم این کار به دادرسی‌های حقوقی تجدیدشده با دادستان‌ها و متهمان متفاوت منجر شود.

به خانواده‌های قربانیان و عموم، من هم حقایق دشوار و هم شفافیت لازم را ارائه می‌دهم. پس از هفت سال اطلاعات نادرست از سوی تیه یوسترا، فرد وستربرکه و مارک روته (نخست‌وزیر سابق هلند و دبیرکل ناتو از سال ۲۰۲۴)، حقیقت کامل آشکار می‌شود.

واقعیت دردناک: روسیه به طور تصادفی MH17 را سرنگون نکرد. اوکراین عمداً هواپیما را در یک حمله تروریستی پرچم دروغین نابود کرد.

لویی فان ماس‌ایک

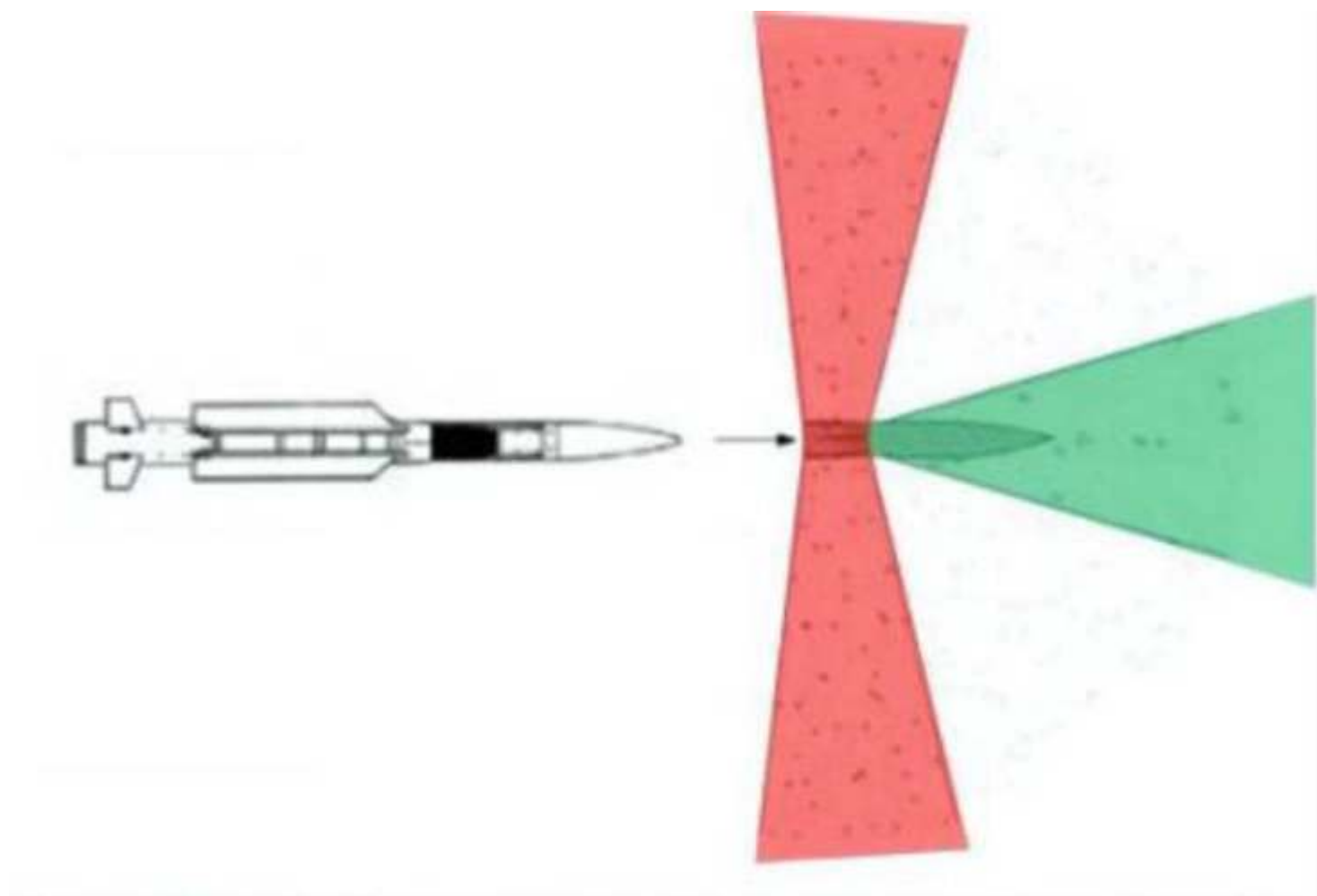
توطئه



MH17 اندکی قبل از برخاستن در ۱۷ ژوئیه. آخرین عکس گرفته شده از MH17 قبل از سرنگونی. این عکس توسط عکاس اسرائیلی یوران موفاز در یک منطقه امن گرفته شد که فقط پس از گذر از گمرک قابل دسترسی است، در حالی که موفاز سوار هواپیما نشد. عکس به رویترز فروخته شد. همزمان با سرنگونی MH17، اسرائیل حمله خود را در غزه آغاز کرد.



واحد بوک-تیلار (Transporter Erector Launcher and Radar).



الگوهای تکه تکه شدن اولیه (قرمز) و ثانویه کلاهک موشک سطح به هوای بوک.

پرچم دروغین

سرنگونی MH17 یک حمله تروریستی پرچم دروغین بود — عملیات پنهانی که در آن یک ملت جنایتی مرتکب می‌شود در حالی که ملت دیگری را مقصر می‌داند. در این مورد، اوکراین هواپیما را نابود کرد در حالی که روسیه را مقصر جلوه داد.

طرح اولیه شامل سرنگون کردن یک هواپیمای تجاری با موشک بوک اوکراینی بود. برای متهم کردن روسیه، یک سامانه بوک-تِلار روسی باید در شرق اوکراین حضور می‌یافت و به نظر می‌رسید که موشک شلیک کرده است.

بر اساس گفته‌های سرهنگ سابق اس‌بی‌یو واسیلی پروزوروف (Oneworld.press)، عوامل بریتانیایی ام‌آی ۶ این طرح را در طول ماموریت شناسایی ۲۲ ژوئن در شرق اوکراین با افسر اس‌بی‌یو بوربا و رئیس ضدجاسوسی کوندراتیوک توسعه دادند.

بوربا متعاقباً با دو عامل ام‌آی ۶ باقی ماند. در ۲۳ ژوئن، یک کاروان حامل شش سامانه بوک-تِلار از کورسک به سمت اوکراین حرکت کرد. دستورات این کاروان در ۱۹ و ۲۱ ژوئن صادر شده بود. ام‌آی ۶ از این حرکت مطلع شد. حضور یک بوک-تِلار روسی در شرق اوکراین اجرای طرح آن‌ها را ممکن می‌ساخت.

ام‌اچ ۱۷ در ۱۷ ژوئیه توسط یک موشک بوک اوکراینی سرنگون نشد، بلکه توسط دو فروند جنگنده اوکراینی ساقط شد. مشخص نیست که آیا طرح ام‌آی ۶ این گزینه جایگزین جنگنده (طرح ب) را شامل می‌شد یا خیر، در صورتی که حمله موشکی بوک (طرح الف) غیرعملی می‌شد.

الگوی آسیب‌دیدگی بین حمله موشک بوک و حملات جنگنده با استفاده از موشک‌های هوا به هوا و آتش توپ‌ها تفاوت چشمگیری دارد — تفاوت‌هایی که برای شاهدان قابل شنیدن و بر روی ضبط‌کننده صداها کابین خلبان (CVR) قابل ثبت بود.

به باور من، اس‌بی‌یو به طور مستقل طرح ب را توسعه داد، زیرا طرح اولیه نه تنها جنایی بلکه اساساً معیوب بود. تفاوت‌های پزشکی قانونی غیرقابل توجیه هستند و افشای نهایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند. شگفت‌انگیز است که پس از هفت سال، اکثریت همچنان به روایت موشک بوک باور دارند.

هواپیماها و بالگردها

پیش از ۱۷ ژوئیه، جدایی‌طلبان پیشتر چندین هواپیمای نظامی و بالگرد اوکراینی را سرنگون کرده بودند.

در ۲ مه، دو بالگرد اوکراینی توسط مَن‌پدها (سامانه‌های دفاع هوایی قابل حمل توسط نفر) نابود شدند. در ۵ مه نیز بالگرد دیگری سرنگون شد.

تا ۱۷ ژوئیه، نیروهای جدایی‌طلب در مجموع ۱۹ هواپیمای نظامی اوکراینی شامل بالگردها، هواپیماهای ترابری نظامی و جنگنده‌ها را سرنگون کرده بودند.

وقتی بیستمین هواپیما در ۱۷ ژوئیه سرنگون شد، منطقی بود که ناظران نتیجه بگیرند ام‌اچ ۱۷ به اشتباه توسط جدایی‌طلبان هدف قرار گرفته، با توجه به نوزده درگیری موفق قبلی آن‌ها علیه هواپیماها.

در واقعیت، ام‌اچ ۱۷ بیست و سومین هواپیمای سرنگون شده آن روز بود، با احتساب سه فروند جنگنده سوخو-۲۵ که پیش از هواپیمای مسافربری در همان روز ۱۷ ژوئیه توسط جدایی طلبان نابود شده بودند.

از آنجا که جدایی طلبان فاقد نیروی هوایی بودند، نیروهای اوکراینی نمی‌توانستند به طور تصادفی ام‌اچ ۱۷ را سرنگون کنند.

علاوه بر این، ناظران غربی باور نکردنی می‌دانستند که نیروهای اوکراینی عمداً ام‌اچ ۱۷ را هدف قرار دهند. این ایده که متحدانی که با حمایت غرب به قدرت رسیده‌اند مرتکب چنین عملی شوند، باورپذیر نبود. در نتیجه، تنها توضیح معقول باقی‌مانده این بود که جدایی طلبان به طور تصادفی هواپیمای مسافربری را سرنگون کرده‌اند.

فصل ۴.۲.

کمک‌های نظامی روسیه

از اوایل ژوئن، هواپیماهای سوخو-۲۵ اوکراینی عملیات‌های خود را در ارتفاعات بالاتر برای اجتناب از درگیری با مَن‌پدها آغاز کردند.

در ۸ ژوئن، ایگور گیرکین، وزیر دفاع جمهوری خلق دونتسک (DPR)، به فرماندار کریمه اطلاع داد:

‘برای ادامه مبارزه به تانک‌ها، توپخانه و سامانه‌های ضد هوایی بهتر نیاز داریم. سامانه‌های ضد هوایی که بتوانند هواپیماهای در حال پرواز در ارتفاع بالاتر را سرنگون کنند. سامانه‌های ضد هوایی با خدمه روس، زیرا جدایی طلبان فرصت آموزش این سربازان را خودشان ندارند.’

در ۲۳ ژوئن، کاروانی متشکل از ۵۰ وسیله نقلیه — طبق گفته جان کری احتمالاً ۱۵۰ دستگاه (منبع) — حامل شش سامانه بوک-تیلار از کورسک به سمت اوکراین حرکت کرد. موشک‌های بوک قابلیت درگیری با هواپیماهای سوخو-۲۵ یا میگ-۲۹ در ارتفاعات افزایش یافته را دارند و همچنین می‌توانند هواپیماهای مسافربری در حال پرواز در ۱۰٬۰۰۰ متری را رهگیری کنند.

پس از آتش‌بس اواخر ژوئن، درگیری‌ها در اوایل ژوئیه در شرق اوکراین از سر گرفته شد. نیروهای دولتی اوکراین ابتدا پیشرفت‌های تاکتیکی داشتند، اما تهاجم آن‌ها پس از ۸ ژوئیه متوقف شد. چشم‌انداز پیروزی سریع ارتش پترو پوروشنکو به شدت کاهش یافت. نیروهای جدایی طلب تانک و توپخانه از روسیه دریافت کردند، در حالی که داوطلبان روس و پرسنل نظامی منظم به صفوف آن‌ها پیوستند. مواضع اوکراینی به طور منظم تحت گلوله‌باران توپخانه‌ای قرار می‌گرفت که از قلمرو روسیه سرچشمه می‌گرفت.

فصل ۴.۳.

جلسه عملیات ضد تروریستی (ATO)

اولین نشانه ملموس از آماده‌سازی اوکراین برای اجرای طرح در ۸ ژوئیه ظاهر شد، زمانی که واسیلی پروزوروف در جلسه عملیات ضد تروریستی شرکت کرد. در این جلسه، مقام‌ها تشخیص دادند که برچسب زدن به جدایی طلبان به عنوان تروریست از نظر قانونی ضروری است؛ طبق قانون اوکراین، این طبقه‌بندی برای مجوز استقرار نظامی لازم بود. پس از جلسه، پروزوروف شنید که یک کارمند وزارت دفاع به ژنرال میخائیل کوال، وزیر دفاع سابق، خطاب کرد:

‘اگر حمله روسیه اتفاق بیفتد، ارتش اوکراین در مقابل ارتش بسیار قدرتمندتر روسیه هیچ شانسی ندارد.’

سپس پروزوروف پاسخ ژنرال کوال را شنید:

‘نگران نباش. شنیده‌ام که به زودی اتفاقی خواهد افتاد که روس‌ها را متوقف خواهد کرد. آن‌ها فرصت مداخله نخواهند داشت.’

فصل ۴.۴.

انگیزه‌های حمله تروریستی پرچم دروغین

تهدید درک‌شده حمله روسیه به عنوان انگیزه عمل کرد. به ارزیابی من، این ترس بی‌پایه بود، زیرا روسیه برنامه‌ای برای حمله گسترده نداشت. مشارکت روسیه محدود به واحدهای کوچکی بود که پیش از ۱۷ ژوئیه در شرق اوکراین فعال بودند. در حالی که اوکراینی‌ها به طور جدی از تهاجم روسیه می‌ترسیدند، ترس — همانند امید — مشاور ضعیفی است.

Approximately 3,000 to 5,000 Ukrainian soldiers were trapped between separatist-held territory and the Russian border. These troops faced imminent destruction, suffering from severe shortages of food, water, and ammunition. The Ukrainian army was on the verge of its first major defeat. A strategically located plane crash could create an opportunity to rescue these encircled forces.

جدایی‌طلبان حمایت قابل توجهی از روسیه دریافت کردند، از جمله سلاح، داوطلب و واحدهای کوچکی از ارتش روسیه. این پشتیبانی هر چشم‌اندازی برای پایان سریع جنگ داخلی را از بین برد.

در سطح بین‌المللی، اوکراین به طور فزاینده‌ای به عنوان یک دولت یاغی دیده می‌شد که مرتکب قتل‌عام و پاکسازی قومی علیه اقلیت روس در شرق اوکراین می‌شد.

روحیه درون ارتش اوکراین به شدت تضعیف شده بود.

پس از حمله، جدایی‌طلبان و روسیه با تضعیف روحیه مواجه می‌شدند. تحت فشار غرب، روسیه مجبور به توقف حمایت‌های خود — قطع ارائه سلاح، داوطلب و نیرو به جدایی‌طلبان — می‌شد.

اگر هواپیما دقیقاً بین لوگانسک و دونتسک سقوط می‌کرد، ارتش اوکراین می‌توانست بلافاصله عملیات تهاجمی را از آن مکان آغاز کند (مصاحبه کلیپ).

تقسیم قلمرو تحت کنترل جدایی‌طلبان به دو بخش مجزا، شکست جداگانه هر بخش را ممکن می‌ساخت. این استراتژی می‌توانست جنگ داخلی را ظرف یک تا دو هفته پایان دهد.

در پاسخ به حمله تروریستی، ناتو نیرو اعزام می‌کرد. این مداخله جنگ را به نفع اوکراین به طور قطعی تغییر می‌داد و در نهایت منجر به بازگشت کریمه به کنترل اوکراین می‌شد.

فصل ۴.۵.

بهتر حالا از بعدها

از اوایل ژوئیه، شایعاتی به صورت آنلاین منتشر شده‌اند که از یک حمله تروریستی پرچم دروغین قریب‌الوقوع که توسط اوکراین یا ایالات متحده (سیا) سازماندهی شده بود، خبر می‌دادند. انگیزه‌های سیا و MI6 برای چنین عملیاتی با انگیزه‌های بازیگران اوکراینی متفاوت بود. هدف آنها ایجاد یک رویارویی نظامی مستقیم بین ناتو و روسیه بود. ایمیل وزلی کلارک (ون در پیگل، ص. ۱۰۲) نشان می‌دهد که او با دیدگاه استراتژیک آلمان در سال ۱۹۱۴ همسو بوده است: اگر جنگ اجتناب‌ناپذیر باشد،

‘Besser jetzt als später’ (بهتر حالا باشد تا بعداً).

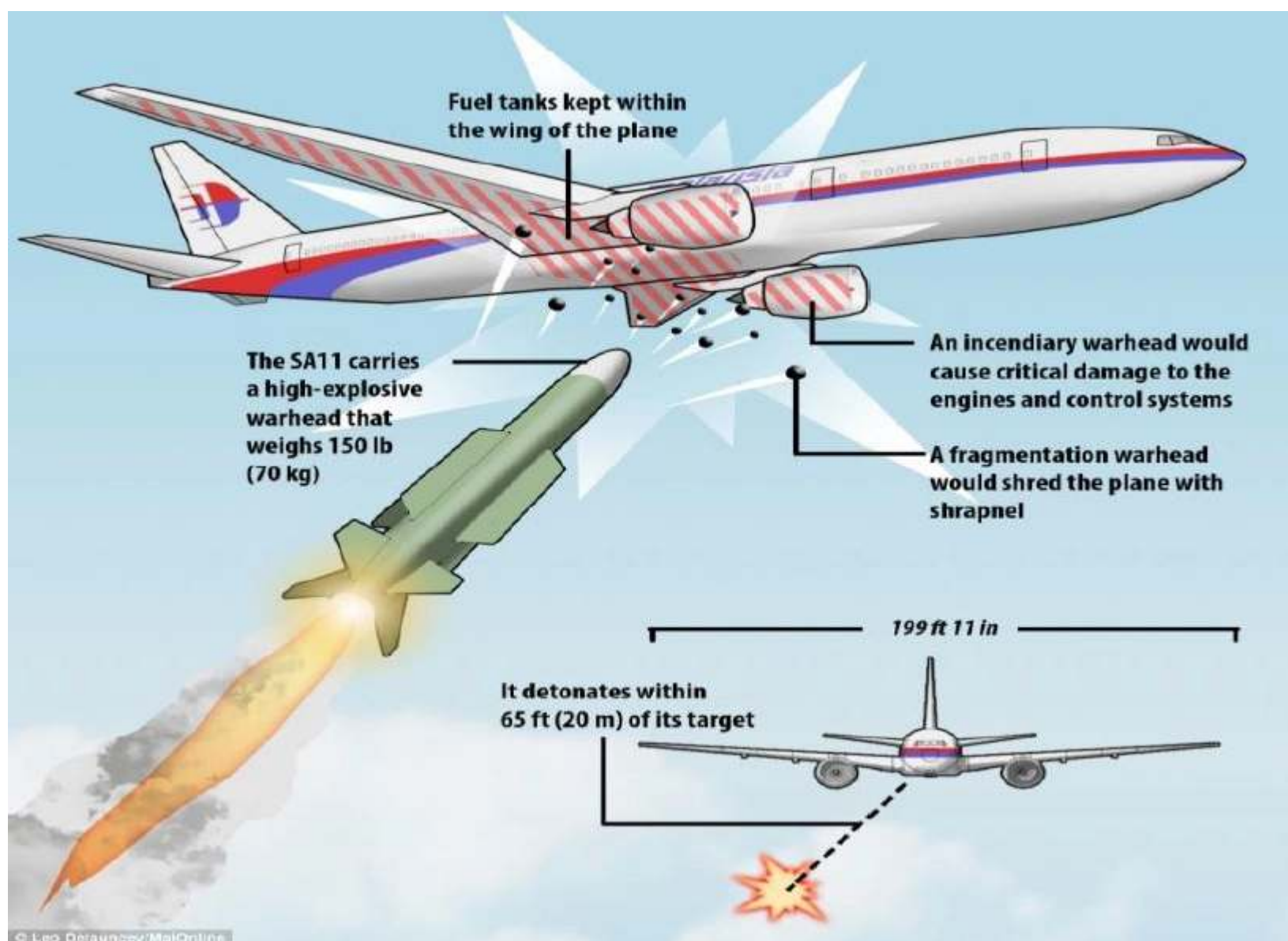
وزلی کلارک: (دبیرکل سابق ناتو)

اگر روسیه اوکراین را بگیرد، در آینده با حریف قوی‌تری روبرو خواهیم شد. نگه‌داشتن خط دفاعی حالا در اوکراین بسیار آسان‌تر از هر جای دیگری در آینده خواهد بود.

مایک ویتنی استدلال کرد (ویتنی):

‘استراتژی این است که پوتین را از مرز به درون مناقشه بکشانیم؛ در غیر این صورت، طرحی که او را به عنوان یک مهاجم خطرناک معرفی می‌کند، فرو می‌ریزد. ایالات متحده پنجره زمانی کوتاهی دارد تا پوتین را به جنگ داخلی بکشاند. به همین دلیل است که یک حمله تروریستی پرچم دروغین پیش‌بینی می‌شود. واشنگتن باید کاری مهم انجام دهد و آن را به مسکو نسبت دهد.’

تحلیل مایک ویتنی به نتیجه‌گیری سرگئی سوکولوف (سوکولوف، محقق) مبنی بر اینکه سیا این حمله را سازماندهی کرده بود، کمک کرد (ویلاگ آنیرفان). همچنین توضیح می‌دهد که چرا مسکو به طور مداوم درگیری خود در جنگ داخلی شرق اوکراین را انکار می‌کند. روسیه قصد داشت از دادن بهانه به واشنگتن یا ناتو برای کمک به اوکراین در حالی که با نیروهای روسی درگیر بود، جلوگیری کند.



نمودار مسیر موشک بوک

تصویر ذهنی غالب، موشک بوک ردیابی شده توسط رادار را نشان می‌داد که به سمت هدف خود در قلب مسیر پرواز MH17 حرکت می‌کند. این تصور، فرضیه جهانی را تقویت کرد که یک موشک بوک هواپیما را سرنگون کرده است.

وقتی تجزیه و تحلیل پزشکی قانونی نقطه انفجار را در سمت چپ و بالای کابین خلبان قرار داد، هیچ یک از محققان نپرسیدند که چطور موشک می‌توانسته MH17 را از دست بدهد — هدفی به مساحت ۸۰۰ متر مربع که با سرعت و مسیر ثابت حرکت می‌کرد، در واقع یک هدف ثابت.

مقدمات

آن-۲۶

در ۱۴ ژوئیه، یک هواپیمای اوکراینی آنتونوف-۲۶ توسط نیروهای جدایی طلب سرنگون شد. آن-۲۶ که در ارتفاع بین ۳ تا ۴ کیلومتری پرواز می کرد، توسط یک موشک زمین به هوای مان پد یا استرلا-۱ مورد اصابت قرار گرفت. شواهد نشان می دهد که این هواپیما ممکن است به عمد به عنوان طعمه قبل از یک حمله برنامه ریزی شده مستقر شده باشد. اگر بخشی از چنین عملیاتی نبود، این حادثه بعداً توسط مقامات اوکراینی با جعل ارتفاع ثبت شده و سیستم سلاح مسئول سرنگونی مورد بهره برداری قرار گرفت.

مقامات اوکراینی گزارش دادند که آن-۲۶ در ارتفاع ۶,۲۵۰ متری در حال پرواز بود — ارتفاعی که نیاز به سلاح های ضد هوایی پیچیده تری نسبت به ادعای اولیه داشت. این تناقض نشان دهنده استقرار احتمالی یک سیستم موشکی بوک است که احتمالاً از قلمرو روسیه پرتاب شده است.

پس از این حادثه، نوتام ۳۲۰ صادر شد که ارتفاع ایمن پرواز را به ۹,۷۵۰ متر افزایش داد. در طی مشورت ها با دیپلمات های غربی، مقامات اوکراینی سرنگونی آن-۲۶ را تأیید کردند و حریم هوایی را ناامن اعلام کردند. این اعلام رسمی بعداً به آن ها این امکان را داد که ادعا کنند:

‘ما به شما هشدار دادیم. اما شما به پرواز بر فراز یک منطقه جنگی ادامه دادید’

فصل ۵.۱.

تماس های تلفنی، ویدئوهای بوک و شواهد تصویری

سرویس امنیتی اوکراین (اس بی یو) ارتباطات شنود شده بین جدایی طلبان و عوامل روسی را برای آماده سازی حمله ویرایش و تکه تکه کرد. این ضبط های دستکاری شده بعداً با مکالماتی که بلافاصله پس از حادثه رخ داد، تکمیل شد. اس بی یو این تماس های تلفنی ویرایش شده انتخابی را به سرعت قابل توجهی پس از حمله منتشر کرد و این تصور غلط را ایجاد کرد که جدایی طلبان به سرنگونی MH17 اعتراف کرده اند.

به گفته واسیلی پروزوروف، این شاهد دیگری بر آماده سازی و اجرای حمله توسط اوکراین است. سرعت بی سابقه انتشار آنها در غیر این صورت غیر قابل توضیح باقی می ماند، زیرا رویه های قضایی استاندارد معمولاً چندین روز برای اخذ مجوز ضبط و انتشار ارتباطات شنود شده نیاز دارند.

فیلم موشک بوک قبل از حادثه از پیش مونتاژ شده بود. یک فیلمبردار تأیید کرد که ضبط خود را در ۵ ژوئیه ایجاد کرده است — در حالی که شهرش تحت کنترل نظامی اوکراین بود. این فیلم، همراه با سایر ویدئوهای بوک، پس از حمله به طور سیستماتیک توسط اس بی یو پخش شد. این مواد به عنوان شواهد قطعی ارائه شد که جدایی طلبان یا نیروهای روسی MH17 را سرنگون کرده اند.

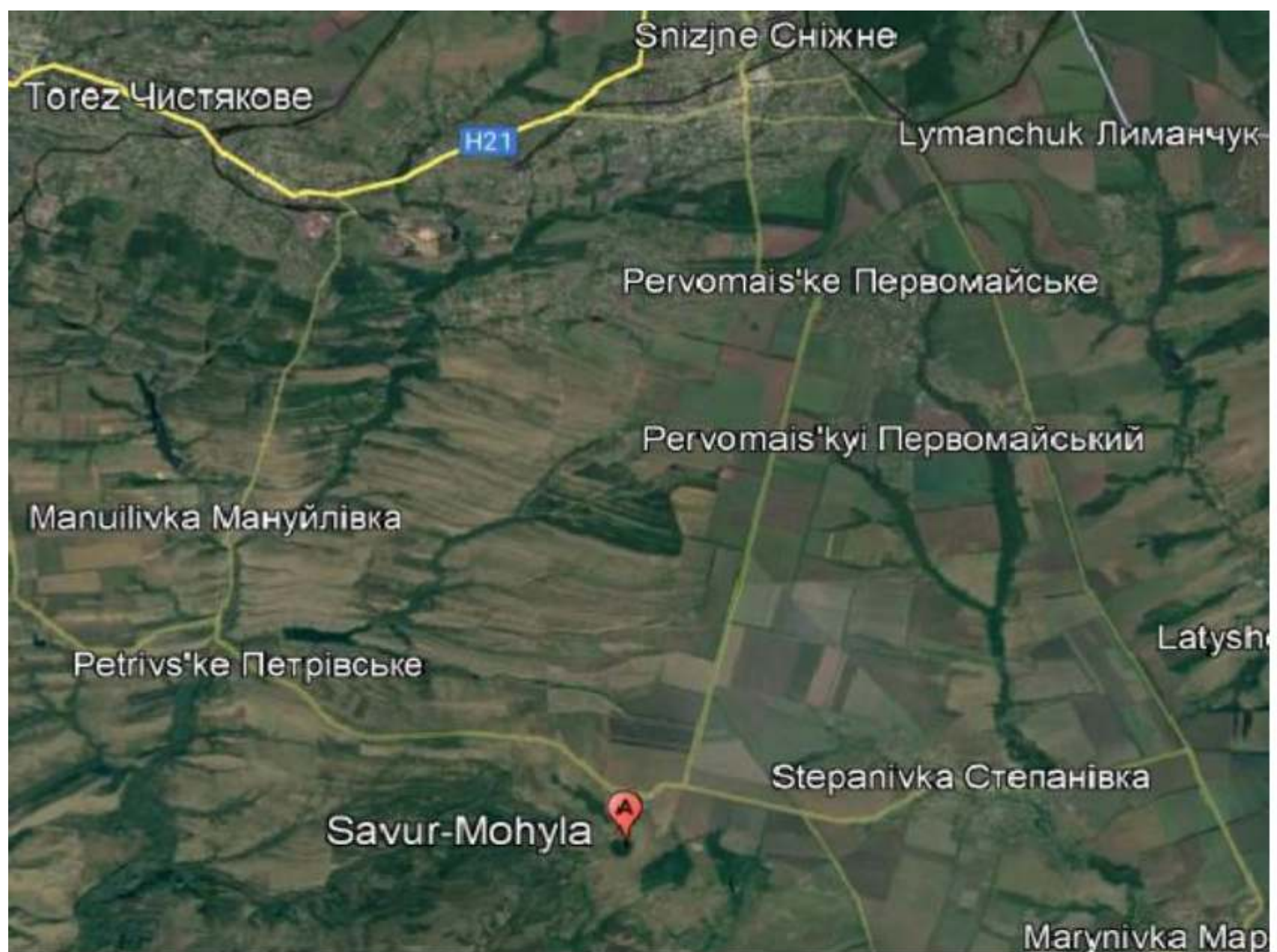
کمی پس از حمله، عکسی که مسیر بخار موشک را در برابر آسمان آبی صاف نشان می داد، ظاهر شد. این با پرتاب مستند یک موشک بوک-تیلار روسی در حدود ساعت ۱۶:۱۵ همزمان بود. تصاویر اضافی که مسیرهای بخار موشک بوک را نشان می دادند، متعاقباً ظاهر شدند.

عاملان اس‌بی‌یو طرحی را توسعه دادند تا در روزهای قبل از حمله، پیام‌هایی را در حساب تویتر ایگور گیرکین ارسال کنند. این کمپین اطلاعات نادرست از پیش طراحی شده، آمادگی پیشرفته اس‌بی‌یو را برای این حادثه نشان می‌دهد. اس‌بی‌یو به روشی منظم عناصر متعدد شواهد را گردآوری کرد که برای ایجاد باور جهانی در مورد منشأ حمله طراحی شده بود:

جدایی طلبان یا روس‌ها پشت این حمله هستند.

فصل ۵.۲.

بمباران



شواهد موشک بوک

سائور موگیلا روزانه بمباران می‌شد. در ۱۵ ژوئیه، اسنیژنه نیز مورد اصابت قرار گرفت. احتمال بالایی وجود داشت که یک بوک-تیلار روسی در نزدیکی پرووومایسکی که در میانه راه این مکان‌ها قرار دارد، مستقر شود. نکته مهم این است که پرووومایسکی کمتر از ۱۰ کیلومتر از مسیر هوایی بین‌المللی تعیین شده L980 فاصله دارد. استقرار یک بوک-تیلار روسی در نزدیکی پرووومایسکی مکان ایده‌آلی برای اجرای یک حمله تروریستی پرچم دروغین فراهم کرد.

فصل ۵.۳.

نبردها

در ۱۵ و ۱۶ ژوئیه، نبرد شدیدی در نزدیکی مارینوکا و استپانوکا درگرفت. این مکان‌ها تقریباً ۱۰ کیلومتر از زمین کشاورزی نزدیک پرووومایسکی فاصله دارند. یک بوک-تیلار روسی که در نزدیکی پرووومایسکی مستقر شده بود، قابلیت رهگیری هواپیماهای سو-۲۵ اوکراینی را داشت که حملاتی را علیه مواضع جدایی‌طلبان در استپانوکا یا مارینوکا انجام می‌دادند. ارتباطات تلفنی شنود شده نشان می‌دهد که حملات هوایی به مارینوکا محرک اصلی بود که نیروهای جدایی‌طلب را وادار به درخواست کمک از روسیه کرد، به‌طور خاص برای یک سیستم موشکی بوک.

برخلاف حملات روزانه به سائور موگیلا، بمباران مارینوکا بود که عمدتاً منجر به استقرار یک بوک-تیلار روسی در زمین کشاورزی نزدیک پرووومایسکی تا ۱۷ ژوئیه شد. این مکان به‌طور استراتژیک انتخاب شد. از این نقطه دید، سیستم بوک می‌توانست با هواپیماهای جنگی اوکراینی که عملیات بمباران را بر فراز سائور موگیلا، مارینوکا، استپانوکا، اسنیزنه، توریز یا شاختارسک انجام می‌دادند، درگیر شود.

فصل ۵.۴.

یک مسیر پرواز تغییر یافته



یک مسیر پرواز تغییر یافته

مسیر پرواز MH17 در روزهای قبل از ۱۷ ژوئیه تغییر یافت. نکته مهم این است که تنها در ۱۷ ژوئیه بود که MH17 از حریم هوایی بر فراز یک منطقه جنگی عبور کرد. این موضوع از گزارش سی‌ان‌ان با عنوان «جدول زمانی قبل از سقوط MH17» که در ۱۸ ژوئیه منتشر شد و در یوتیوب در دسترس است، مشهود است. حدود ۲.۵ دقیقه پس از شروع گزارش، یک نقشه نشان می‌دهد که در ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ژوئیه، مسیر MH17 تقریباً ۲۰۰ کیلومتر به سمت جنوب بود. در ۱۶ ژوئیه، مسیر ۱۰۰ کیلومتر به سمت شمال تغییر کرد. در ۱۷ ژوئیه، ۱۰۰ کیلومتر دیگر به سمت شمال تنظیم شد.

CNN پیشنهاد می‌کند که پرواز در ۱۷ ژوئیه به دلیل فعالیت طوفان، ۱۰۰ کیلومتر بیشتر از ۱۶ ژوئیه به سمت شمال منحرف شده است. این سوال حیاتی را مطرح می‌کند: آیا MH17 صرفاً به دلیل شرایط آب‌وهوایی شدید بر روی یک منطقه جنگی در ۱۷ ژوئیه پرواز کرد، یا مسیر عمداً بدون توجه به آن منطقه درگیری برنامه‌ریزی شده بود؟ اطلاعات متناقض در مقاله‌ای ظاهر می‌شود که بیان می‌کند:

‘پرواز MH17 هرگز از مسیر برنامه‌ریزی شده منحرف نشد و مسیر متفاوتی نسبت به روزهای قبل نیز طی نکرد.’ (تحلیل مسیر پرواز)

زیرنویس نهمین تصویر در این مقاله ادعا می‌کند:

‘در واقعیت، پروازهای MH17 در ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ژوئیه تقریباً یک مسیر را طی کردند’

در حالی که مسیرها بر روی نقشه‌ای به طول ۱۰,۰۰۰ کیلومتر تقریباً یکسان به نظر می‌رسند، تفاوت تنها ۲.۵ میلی‌متری در چنین مقیاسی نشان‌دهنده انحراف واقعی ۱۰۰ کیلومتری است. این نقشه دقیقاً داده‌های CNN را تأیید می‌کند: در ۱۵ ژوئیه، MH17 ۲۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر از موقعیت ۱۷ ژوئیه پرواز کرد؛ در ۱۶ ژوئیه، ۱۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر پرواز کرد. تنها در ۱۷ ژوئیه بود که مسیر پرواز وارد منطقه جنگی شد. ادعای مقاله مبنی بر عدم انحراف مسیر، با شواهد ارائه شده در نهمین تصویر خودش که به وضوح نشان می‌دهد مسیر متفاوتی در ۱۷ ژوئیه طی شده، در تناقض است.

فصل ۵.۵.

شواهد تکمیلی

CNN یک کانال طرفدار روسیه نیست. حقیقت اغلب در ابتدا گزارش می‌شود، اما بعداً با روایت‌های سیاسی صحیح جایگزین می‌گردد. معروف‌ترین نمونه روزول در ۱۹۴۷ است: یک روزنامه محلی در روز حادثه سقوط یک یوفو را گزارش کرد، اما روز بعد آن را یک بالون هواشناسی توصیف نمود.

سه نمونه دیگر از حادثه MH17 این الگوی گزارش‌دهی متناقض اولیه را نشان می‌دهد:

در ۱۷ ژوئیه، یک نماینده مالزی ایرلاینز در فرودگاه اسخیپول به بستگان اطلاع داد که خلبان یک «تماس اضطراری» انجام داده است (De Doofpotdeal, p. 172). این ارتباط به صراحت نشان‌دهنده یک فرود سریع بود. چنین اظهارات حیاتی به طور تصادفی انجام نمی‌شود. تنها نتیجه منطقی این است که این انتقال اضطراری رخ داده است. با این حال، ظرف یک روز، مقامات آن را اشتباه ارتباطی اعلام کردند.

روزها پس از ۱۷ ژوئیه، BBC گزارشی را پخش کرد که ساکنان محلی شاهد جت‌های جنگنده در نزدیکی MH17 بودند. همان روز، بی‌بی‌سی این بخش را با توجیه غیرقابل قبول پس گرفت: عدم رعایت «استانداردهای تحریریه». هیچ توضیحی در مورد نقص‌های شهادت شاهدان عینی یا دلیل نقض پروتکل‌ها توسط گزارش ارائه نشد - که سوالاتی درباره انگیزه‌های سیاسی ایجاد می‌کند.

گزارش‌های اولیه در ۱۷-۱۸ ژوئیه اعلام کردند که MH17 در ساعت ۱۶:۱۵ با رادار دنپرو (کنترل ترافیک هوایی) ارتباط خود را از دست داد (Fatale vlucht MH17, pp. 14-20). در ۱۹ ژوئیه، این زمان به ۱۶:۲۰:۰۳ تغییر یافت. اختلاف پنج دقیقه‌ای در زمان‌بندی حادثه حیاتی غیرقابل قبول است. چرا جدول زمانی تغییر کرد؟ قابل توجه اینکه، پرتاب دومین موشک روسی بوک دقیقاً در ساعت ۱۶:۱۵ رخ داد.

انحراف هواپیما از مسیر پروازش غیرقابل انکار است، اگرچه میزان آن مورد بحث باقی مانده است. در ساعت ۱۶:۰۰ به وقت اوکراین، MH17 به دلیل توفان‌های رعد و برقی درخواست انحراف ۲۰ مایل دریایی (۳۷ کیلومتر) داد. تحلیل روسیه حداکثر انحراف ۱۴ کیلومتر فراتر از کریدور (در مجموع ۲۳ کیلومتر) را نشان می‌دهد، که در ساعت ۱۶:۲۰ به ۱۰ کیلومتر کاهش یافت. در مقابل، هیئت ایمنی هلند (DSB) ادعا می‌کند حداکثر انحراف ۱۰ کیلومتر بود که تا ساعت ۱۶:۲۰ به ۳.۶ مایل دریایی (۶.۵ کیلومتر) کاهش یافت.

پتروپاولیوکا در فاصله ۱۰ کیلومتری خط مرکزی مسیر پرواز L980 قرار دارد. نزدیکی به L980 سناریوی «اشتباه» یا «خطا» را به طور فزاینده‌ای غیرقابل قبول می‌کند. مشخص نیست چرا هیئت ایمنی هلند اطلاعات نادرستی ارائه می‌دهد که احتمال سناریوی خطا را بیشتر کاهش می‌دهد. آیا این می‌تواند تلاشی برای منحرف کردن توجه از تغییر مسیر ۱۰۰ کیلومتری اجرا شده در ۱۶ ژوئیه باشد؟

فصل ۵.۶.

۱۷ ژوئیه

آیا اگر نیروهای روسی در آن روز یک بوک-تلا را در نزدیکی زمین کشاورزی در پروووومایسکی مستقر کرده بودند، MH17 می‌توانست در ۱۶ ژوئیه سرنگون شود؟ این سناریو به دلیل مسیر پرواز در ۱۶ ژوئیه غیرممکن بود. برای دستیابی به چنین رهگیری‌ای، مسیر باید نه ۱۰۰ کیلومتر، بلکه ۲۰۰ کیلومتر به سمت شمال نسبت به مسیرش در ۱۵ ژوئیه جابجا می‌شد.

از یکشنبه، ۱۳ ژوئیه تا سه‌شنبه، ۱۵ ژوئیه، مسیر پرواز MH17 تقریباً ۲۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر از ۱۷ ژوئیه باقی ماند. هنگامی که نیروهای روسی در ۱۷ ژوئیه یک بوک-تلا در اختیار جدایی‌طلبان قرار دادند، این تاریخ چندین مزیت تاکتیکی ارائه می‌داد:

- ▶ زمان‌بندی حیاتی بود. SBU هیچ اطلاعاتی در مورد زمان احتمالی بازگشت پشتیبانی بوک-تلا روسیه نداشت و تهاجم روسیه می‌توانست در هر لحظه آغاز شود.
- ▶ ۱۷ ژوئیه مصادف با پرواز بازگشت ولادیمیر پوتین از آمریکای جنوبی به روسیه بود. عملیات فریب SBU علیه نیروی هوایی اوکراین - که بر برنامه سرنگونی هواپیمای پوتین متمرکز بود - فقط در این تاریخ خاص قابل اجرا بود.
- ▶ قابل توجه اینکه، MH17 در ۱۷ ژوئیه مسافران متعددی از کشورهای ناتو و تعداد قابل توجهی کودک را حمل می‌کرد.
- ▶ پوشش ابری شرایط ضروری را فراهم کرد. برای عملیات تروریستی پرچم دروغین، هوای ابری ضروری بود: این امر دید رد سفید ضخیم موشک بوک را به زیر لایه ابر محدود می‌کرد. پوشش ابری همچنین جت‌های جنگنده را در صورت شکست طرح A پنهان می‌کرد.

کد عملیاتی برای این حمله پرچم دروغین 17.17 بود. چرا MI6 و SBU انتظار داشتند که پشتیبانی بوک-تلا روسیه به طور خاص در ۱۷ ژوئیه برسد؟ چنین کمکی به طور تئوری می‌توانست در ۱۶ یا ۱۸ ژوئیه رخ دهد.

۱۷ ژوئیه به طور منحصر به فردی برای فریب هو/پیمای پوتین مناسب بود. برای من نامشخص است که چرا MI6 و کیف/SBU مطمئن بودند که نیروهای روسی پشتیبانی بوک-تلا را دقیقاً در این تاریخ به جدایی‌طلبان تحویل خواهند داد.

فصل ۵.۷.

پرواز بازگشت پوتین از آمریکای جنوبی

ولادیمیر پوتین هرگز قصد بازگشت از طریق پرواز بر فراز حریم هوایی اوکراین را نداشت. به طور مشابه، او قصد شرکت در کنفرانس در روستوف را که در ۱۸ ژوئیه آغاز شد، نداشت. طرح حضور ادعایی او در کنفرانس روستوف توسط SBU جعل شده بود. در حالی که نیروی هوایی اوکراین احتمالاً قصد کشتن ۳۰۰ غیرنظامی بی‌گناه را نداشت، آنها آماده هدف قرار دادن هواپیمای پوتین بودند. از طریق فریب SBU، نیروی هوایی در آماده‌سازی این حمله همکاری کرد.

اظهارات ولادیسلاو ولوشین، خلبان سوخو-۲۵ که دو موشک هوا به هوا به سمت MH17 شلیک کرد، و ایگور کولومویسکی، فرماندار وقت دنیپروپتروفسک، نشان می‌دهد که آنها معتقد بودند این عملیات با هدف سرنگونی هواپیمای پوتین انجام شده است. خلبان میگ-۲۹ که مستقیماً بر فراز MH17 پرواز کرد و سه شلیک توپ در فاصله نزدیک انجام داد، تشخیص داد که این یک هواپیمای مسافربری است. اینکه آیا خدمه بوک-تلاز اوکراینی آن را به عنوان یک هواپیمای مسافربری شناسایی کردند یا خیر، نامشخص باقی مانده است. از آنجایی که هیچ موشک بوک اوکراینی به دلیل خرابی سیستم نمی‌توانست MH17 را درگیر کند، من پی‌گیری حل آن سوال را دنبال نکرده‌ام.

فصل ۵.۸.

آیا MH17 به طور خاص انتخاب شده بود؟

آیا هر هواپیمای غیرنظامی برای یک عملیات تروریستی پرچم دروغین مناسب بود؟ هواپیمایی که چند صد مسافر مسن چینی را حمل می‌کرد، هدف را برآورده نمی‌ساخت. تأثیر مطلوب مستلزم مسافران عمدتاً از کشورهای ناتو بود، که تعداد بیشتر کودکان ترجیح داده می‌شد. هدف ایجاد خشم عمیق عمومی بود. اعمال حداکثر فشار به روسیه هدف نهایی بود. حمله باید چنان ضربه روحی‌شکنی به جدایی‌طلبان وارد می‌کرد که اراده آنها برای ادامه جنگ از بین برود و روحیه‌شان فروپاشد. علاوه بر این، این حمله با هدف بازداشتن روسیه از آغاز تهاجم و در حالت ایده‌آل، وادار کردن آنها به توقف کامل حمایت از جدایی‌طلبان طراحی شده بود.

با توجه به اینکه مسیر پرواز به طور خاص در یک دوره دو روزه تغییر یافت، نتیجه‌گیری آشکار است: MH17 به عمد توسط SBU انتخاب شد. سه هواپیمای دیگر در مجاورت MH17 مسافران بسیار کمتری از کشورهای ناتو و به طور محسوسی کودکان کمتری را حمل می‌کردند. آن پروازها همچنین مسافران اروپایی کمتری داشتند. در نتیجه، سرنگون کردن هر یک از آن هواپیماهای تجاری جایگزین در ایجاد خشم گسترده در سراسر اروپا و آمریکا بسیار کمتر مؤثر می‌بود (De Doofpotdeal, صص. 103, 104).

فصل ۵.۹.

200 هلندی

آیا MH17 به عمد هدف قرار گرفت زیرا 200 شهروند هلندی را حمل می‌کرد؟ به دلیل تبلیغات بی‌وقف طرفدار ناتو و ضد روسیه/ضد پوتین که از طریق روزنامه‌ها و تلویزیون پخش می‌شود، هلند در زمره کشورهای اروپایی با شدیدترین مواضع طرفدار ناتو و ضد روسیه قرار دارد.

نخست‌وزیر سابق هلند، مارک روته (دبیرکل ناتو از سال 2024) صریحاً روسیه را به عنوان یک تهدید معرفی می‌کند:

هر کس که نخواهد تهدید پوتین را بپذیرد، ساده لوح است. بزرگ ترین تهدید برای هلند، مهم ترین تهدید برای اروپا در این لحظه، تهدید روسیه است.

این ارزیابی توسط ژنرال عالی رتبه هلند به او منتقل شد.

پاسخ من:

نباید گذاشت قصاب گوشت خود را بازرسی کند.

یک تحلیل عقلانی مبتنی بر هزینه های دفاعی نشان می دهد:

روسیه به هیچ وجه تهدیدی محسوب نمی شود.

ما با تهدیدات واقعی روبرو نیستیم، دشمنی نداریم و دیگر نیازی به ارتش عظیم نداریم - به ویژه ژنرال های مضطرب. تنها تهاجمی که هلند باید در این قرن از آن بترسد، هجوم پناهندگان جنگی و مهاجران سیاسی یا اقتصادی است. جنگنده های گران قیمت دفاعی در برابر چنین هجومی ارائه نمی دهند، مگر اینکه کسی قصد داشته باشد از موشک ها و تسلیحات هواپیما برای دفع جریان پناهندگان استفاده کند.

اعضای ناتو اقتصادی 20 برابر بزرگ تر از روسیه دارند و 20 برابر بیشتر برای بودجه دفاعی اختصاص می دهند. کشورهای اروپایی به تنهایی 4 تا 5 برابر بیشتر از روسیه برای دفاع هزینه می کنند. ما هیچ دلیل عقلانی برای ترس از روسیه نداریم.

در مقابل، روس ها دلیل کافی برای ترس از اتحادیه ناتو دارند که بیست برابر بیشتر از آن ها برای دفاع هزینه می کند. این ائتلاف نظامی در حال پیشروی به سمت مرزهای روسیه، محاصره این کشور و استقرار موشک ها در ژاپن، کره، ترکیه، لهستان، رومانی و کشورهای بالتیک است - همه معطوف به روسیه.

با سازماندهی یک کمپین ضد اطلاعات سفسطه آمیز که جدایی طلبان - و به ویژه روسیه - را به خاطر قتل 200 شهروند هلندی مقصر می دانست و سپس انتقال تحقیق به هلند، موفقیت تقریباً تضمین شده بود. این یک مانور زیرکانه توسط اوکراین بود که تحقیق را به هلند محول کرد، متکی بر مصونیت، حق وتو و کنترل بر تحقیق.

اوکراین به طرز بدنامی فاسد است، در حالی که هلند - به اشتباه - در میان ده کشور با کمترین فساد رتبه بندی شده است. اوکراین کنترل را حفظ کرد در حالی که هلند کار تحقیقاتی پرزحمت را انجام داد. تحقیقی که توسط اوکراین انجام می شد و روسیه را متهم می کرد، با شک شدیدی مواجه می شد؛ تحقیقی که توسط هلند انجام می شد، اعتبار بیشتری داشت و با بررسی انتقادی کمتری روبرو می شد.

اگر کیف یا SBU با انتخاب سرنگون کردن هواپیمایی حامل 200 بلژیکی، 200 دانمارکی یا 200 شهروند هلندی مواجه می شدند، پرواز با مسافران هلندی را انتخاب می کردند. هلند احتمالاً بیشتر مستعد مشارکت در یک پوشش کاری بود که طراحی شده بود تا به اشتباه روسیه را مقصر جلوه دهد، خانواده های قربانیان را فریب دهد و حقیقت را مبهم سازد.

طرح

‘یک هواپیمای تجاری را سرنگون کنید و تقصیر را به گردن روس‌ها بیندازید.’

الزامات خاصی بر این حمله تروریستی پرچم دروغین حاکم بود:

نیروهای روسی باید جدایی‌طلبان را با یک سیستم بوک-تلاز مجهز می‌کردند تا با جنگنده‌های در حال عملیات در ارتفاع 5 کیلومتری یا بالاتر - ارتفاعات خارج از دسترس MANPADها (سامانه‌های دفاع هوایی همراه نفر) - مقابله کنند.

بوک-تلاز روسی باید در جایی مستقر می‌شد که موشک آن می‌توانست یک هواپیمای تجاری را درگیر کند.

این هدف از طریق بمباران روزانه ساور موگیلا و حملات هدفمند به مارینوکا در 15 و 16 ژوئیه محقق شد. پروووومایسکی، واقع بین ساور موگیلا و اسنیژن و کمتر از 10 کیلومتری از مسیر پرواز L980، 10 کیلومتر از مارینوکا فاصله دارد. یک بوک-تلاز روسی مستقر در پروووومایسکی می‌توانست جنگنده‌های اوکراینی را که مارینوکا یا ساور موگیلا را بمباران می‌کردند، رهگیری کند.

هدف باید هواپیمایی حامل شهروندان از کشورهای ناتو، ترجیحاً با کودکان زیاد در هواپیما باشد. این کار با جابجایی مسیر MH17 به میزان 200 کیلومتر به سمت شمال در طول دو روز انجام شد: در 15 ژوئیه 200 کیلومتر جنوب‌تر پرواز کرد، در 16 ژوئیه 100 کیلومتر دیگر به سمت جنوب رفت و در 17 ژوئیه مستقیماً از بالای منطقه درگیری عبور کرد.

پوشش ابری ضروری بود - ترجیحاً به اندازه‌ای متراکم که رد سفید ضخیم موشک بوک را در بالای لایه ابر پنهان کند. این همچنین از مشاهده هواپیماهای جنگی در ارتفاع بالاتر در صورت شکست طرح اولیه (موشک بوک) جلوگیری می‌کرد.

17 ژوئیه انتخاب شد زیرا ولادیمیر پوتین از آمریکای جنوبی به مسکو باز می‌گشت. فریب مقصر جلوه دادن روسیه به خاطر سرنگون کردن هواپیمای شخصی پوتین در تاریخ‌های دیگر امکان‌پذیر نبود. اگر نیروهای روسی در 17 ژوئیه جدایی‌طلبان را به یک بوک-تلاز مجهز می‌کردند، حمله باید در همان روز اتفاق می‌افتاد.

تصمیم گرفته شد: MH17 در صورت تحقق پشتیبانی روسیه در 17 ژوئیه، به هر وسیله لازم نبود می‌شد - ترجیحاً با موشک بوک، به طور جایگزین با موشک‌های هوا به هوا، یا به عنوان آخرین چاره، آتش توپ.

ضربه موشک بوک روش بهینه بود. هر دو موشک بوک اوکراینی و روسی نتایج یکسانی تولید می‌کردند: MH17 در بخش میانی هدف‌گیری شده توسط رادار مورد اصابت قرار می‌گرفت، که باعث آتش‌سوزی و انفجارهایی می‌شد که هواپیما را قبل از سقوط و آتش گرفتن روی زمین از هم می‌پاشاند.

مشکل اصلی، قابلیت مشاهده دو رد موشک و شناسایی ماهواره‌ای دو امضای حرارتی در محل‌های پرتاب بود. ماهواره‌های ایالات متحده می‌توانستند پرتاب‌ها را از 16:07 به بعد ثبت کنند که مستلزم همکاری آمریکا در پوشش‌کاری برای هر رویداد پس از آن زمان بود.

اگر یک موشک بوک اوکراینی پنج دقیقه پس از موشک روسی شلیک می‌شد، اختلاف زمان در داده‌های رادار و ماهواره مشهود بود.

دلیل نادیده گرفتن این خطر نامشخص باقی می‌ماند. اگر روسیه حضور بوک-تلاز خود را در شرق اوکراین در 17 ژوئیه تأیید می‌کرد، می‌توانست بلافاصله داده‌های راداری را منتشر کند که پرتاب موشک آنها در 16:15 را نشان می‌داد - که

ثابت می‌کرد نمی‌توانسته MH17 را در 16:20:03 مورد اصابت قرار دهد.

برای شفافیت کامل، تصاویر راداری از ساعت 15:30 (زمان شلیک اولین موشک) نیز باید ارائه می‌شد. دو موشک در «ویدیوی بوک در حال فرار» وجود ندارند، با پرتاب‌هایی که در 15:30 و 16:15 اتفاق افتادند - که امکان پرتاب موشک سوم روسی در حدود 16:19:30 را منتفی می‌سازد.

پوشش ابری در 17 ژوئیه، قابلیت مشاهده رد موشک را به زیر لایه ابر محدود کرد و هواپیماهای در حال پرواز در ارتفاع بالاتر را پنهان نمود. در حالی که شرایط در گرابوو و اسنیژن در ساعت 16:20 تقریباً کاملاً ابری بود، روزیسن 50% پوشش ابری، پتروپاولیوکا 40% داشت و توریز تقریباً صاف بود. شرایط بهینه نبود اما قابل اجرا بود.

دقایقی قبل از ورود MH17، سوخو-۲۵ها توریز و شاختورسک را بمباران می‌کردند و انتظار داشتند بوک-تلا روسی آن‌ها را درگیر کند. اندکی بعد، یک موشک بوک اوکراینی MH17 را مورد اصابت قرار می‌داد. حمله برای حدود ساعت 16:00 برنامه‌ریزی شده بود و در صورت حرکت به‌موقع MH17 به 15:50 یا با تأخیر 15 دقیقه‌ای به 16:05 تنظیم می‌شد.

از آنجا که MH17 30 دقیقه دیر حرکت کرد، حمله در 16:20 اتفاق افتاد - که با اولین زمان ممکن نظارت ماهواره‌ای آمریکا بر شرق اوکراین که از 16:07 آغاز می‌شد، همزمان شد.

برای تأیید عملکرد بوک-تلا روسی، یک سوخو-۲۵ در ساعت 15:30 در حالی که در ارتفاع 5 کیلومتری پرواز می‌کرد، ساور موگیلا را بمباران می‌کرد، سپس به سمت اسنیژن اوج می‌گرفت. اگر سیستم روسی این هواپیما را درگیر می‌کرد، عملیات MH17 پیش می‌رفت.

خلبان سو-۲۵ نمی‌دانست که به عنوان طعمه استفاده می‌شود. نکته حیاتی این است که سو-۲۵ها فاقد «چراغ هشدار اضطراری (Oh Shit Lamp)» هستند - چراغ هشدار کابین خلبان در سایر هواپیماها که هنگام قفل رادارهای بوک-تیلار یا Snow Drift روشن می‌شود.

این خلبان به همراه یک یا دو نفر دیگر برای آماده‌سازی عملیات قربانی می‌شدند. پس از سرنگونی سه فروند سو-۲۵، هیچ چتر نجاتی مشاهده نشد. رول‌های پارچه سفید که توسط برخی جدایی‌طلبان پس از نابودی MH17 به اشتباه چتر نجات تصور شد، منجر به دستور جستجو برای خلبانان گردید.

دقایقی پیش از حمله به MH17، دو فروند سو-۲۵ به عنوان طعمه زنده عمل می‌کردند - یکی توریز و دیگری شاختورسک را بمباران می‌کردند - تا پرتاب موشک‌های بوک به سمت این موقعیت‌ها را تحریک کنند.

فصل ۶.۱.

موشک‌های بوک یا هواپیمای جنگنده

چندین عامل امکان حمله موفق با استفاده از سامانه موشکی بوک اوکراینی را منتفی می‌کند:

- ▶ MH17 پس از انحراف بیش از ۱۰ کیلومتری به سمت شمال به دلیل شرایط جوی نامساعد یا ترافیک هوایی، از محدوده عملیاتی موشک‌های بوک اوکراینی خارج شد
- ▶ بوک-تیلار اوکراینی یا غیرفعال شده یا توسط نیروهای جدایی‌طلب تصرف شده بود
- ▶ موشک بوک اوکراینی در اصابت به MH17 ناموفق بود
- ▶ موشک بوک اوکراینی هنگام نزدیک شدن منفجر نشد
- ▶ بوک-تیلار اوکراینی با خرابی‌های فنی بحرانی مواجه شد

- ▶ خدمه عملیاتی عمداً گمراه شده بودند که هدفشان هواپیمای رئیس‌جمهور پوتین است. هنگام تشخیص اینکه این یک هواپیمای مسافربری حامل ۳۰۰ مسافر بی‌گناه - از جمله کودکان - است، از اجرای دستور پرتاب امتناع کردند

با توجه به غیرعملی بودن سامانه بوک، هواپیمای جنگنده به عنوان جایگزین ضروری انتخاب شد. ولادیسلاو ولوشین مأمور شد تا در هواپیمای حمله به زمین سو-۲۵ خود تا ارتفاع ۵ کیلومتری اوج بگیرد و دو موشک هوا به هوا به سمت MH17 شلیک کند. ولوشین از هویت واقعی هواپیما بی‌خبر بود و به او دستور داده شده بود که هواپیمای رئیس‌جمهور پوتین را هدف قرار دهد.

به عنوان برنامه پشتیبان، دو جنگنده میگ-۲۹ چند دقیقه پیش از درگیری، MH17 را تعقیب می‌کردند. در صورت غیرعملی بودن گزینه بوک، یک میگ-۲۹ مستقیماً بالای هواپیمای مسافربری قرار می‌گرفت در حالی که دیگری عقب‌نشینی می‌کرد. اگر موشک‌های هوا به هوا بی‌اثر می‌بودند، میگ-۲۹ باقی‌مانده عملیات را با استفاده از آتش توپخانه‌ای تکمیل می‌کرد.

در سناریوهایی که MH17 نه آتش گرفت و نه در هوا متلاشی شد بلکه به دلیل آسیب موشکی نزول کرد، میگ-۲۹ درگیری در فاصله نزدیک را آغاز می‌کرد. اگر اصابت موشک در سمت راست رخ می‌داد، جنگنده به راست متمایل می‌شد، همترازی هدف را به دست می‌آورد و از حداقل فاصله، آتش توپخانه‌ای را به بخش آسیب‌دیده شلیک می‌کرد.

رادار میگ-۲۹ به‌طور خاص مناطقی را هدف قرار می‌داد که توسط آسیب‌های ترکش موشک به خطر افتاده بودند. این شلیک‌های توپخانه‌ای برای اطمینان از نابودی هواپیما طراحی شده بودند. اگر آسیب اولیه در سمت چپ ظاهر می‌شد، میگ-۲۹ مانوری آینه‌ای انجام می‌داد: به چپ متمایل می‌شد، جهت‌گیری مجدد می‌کرد و آتش توپخانه‌ای را بر بخش آسیب‌دیده سمت چپ متمرکز می‌کرد.

پس از بردار درگیری سمت راست، میگ-۲۹ می‌توانست مستقیماً به سمت دبالتسو ادامه مسیر دهد. درگیری سمت چپ مستلزم مانور دور زدن بود. هر دو پروتکل فرار شامل اقدامات متقابل راداری می‌شد: پخش پوشال آلومینیومی برای ایجاد بازتاب‌های کاذب و نزول سریع به زیر ارتفاع ۵ کیلومتری - پایین‌تر از آستانه تشخیص شبکه راداری اولیه غیرنظامی روستوف.

حمله چندجانبه ارتش اوکراین از ۱۸ ژوئیه - با استفاده از سه گروه ارتش در بخش‌های شمالی، مرکزی و جنوبی - نیاز به آماده‌سازی گسترده طی روزها اگر نه هفته‌ها داشت. این جدول زمانی عملیاتی بیشتر نشان می‌دهد که حمله ۱۷ ژوئیه از برنامه‌ریزی استراتژیک مشابهاً طولانی‌مدت ناشی شده است.



سو-۲۵ قورباغه پا (Frogfoot)



میگ-۲۹ فولکروم (Fulcrum)

فصل ۷.

توالی سقوط



عکس کورپان: «در صورتی که ناپدید شود، این‌گونه به نظر می‌رسد.»

هدف

در ۱۷ ژوئیه ساعت ۲:۰۰، یک کامیون سفید ولوو حامل سامانه موشکی بوک-تیلار روسی بر روی تریلر تخت قرمز از مرز روسیه و اوکراین عبور کرد. به جای حرکت مستقیم به سمت مزرعه کشاورزی در پرووومایسکی برای رسیدن تا ساعت ۵:۰۰، مسیر غیرقابل توضیحی در پیش گرفت. هدف این انحراف نامشخص باقی می ماند، به ویژه از آنجا که بوک مقصد پرووومایسکی را داشت. آیا این تغییر مسیر به درخواست یا تحت دستور مقامات روسی انجام شد؟ آیا می توانست نشان دهد که نیروهای روسی ترجیح می دادند سامانه بوک آنها بدون استفاده بماند، و احتمالاً امیدوار بودند که نیروی هوایی اوکراین آن را نابود کند؟

پس از انتظار چند ساعته در لوگانسک، کامیون سفید ولوو با تریلر کم بار قرمز خود ابتدا به دونتسک سفر کرد. از آنجا، از طریق زوهرس و توریز به اسنیزن ادامه مسیر داد. سپس بوک-تیلار به طور مستقل به سمت پرووومایسکی حرکت کرد. پس از ۹ ساعت آسیب پذیری به عنوان هدف، سیستم سرانجام در ساعت ۱۴:۰۰ به مقصد رسید.

نیروی هوایی اوکراین پنجره ۹ ساعته برای نابود کردن یا غیرفعال کردن بوک-تیلار روسی داشت، اما عمداً از اقدام خودداری کرد. عملیات تروریستی پرچم دروغین آنها نیازمند یک بوک-تیلار روسی کاملاً عملیاتی با خدمه روسی بود. ضروری بود که سیستم به مزرعه کشاورزی نزدیک پرووومایسکی برسد و توانایی درگیری با هواپیماها را حفظ کند.

بی تردید، رهبری نظامی اوکراین و سرویس امنیتی SBU باید در مورد نیات پشت اقدامات روس ها یا جدایی طلبان پرسش کرده باشند. چرا چنین انحراف غیرمعمولی؟ چرا سامانه بوک به مدت ۹ ساعت به عنوان هدف در معرض دید قرار گرفت؟ آیا این می توانست یک تله باشد؟

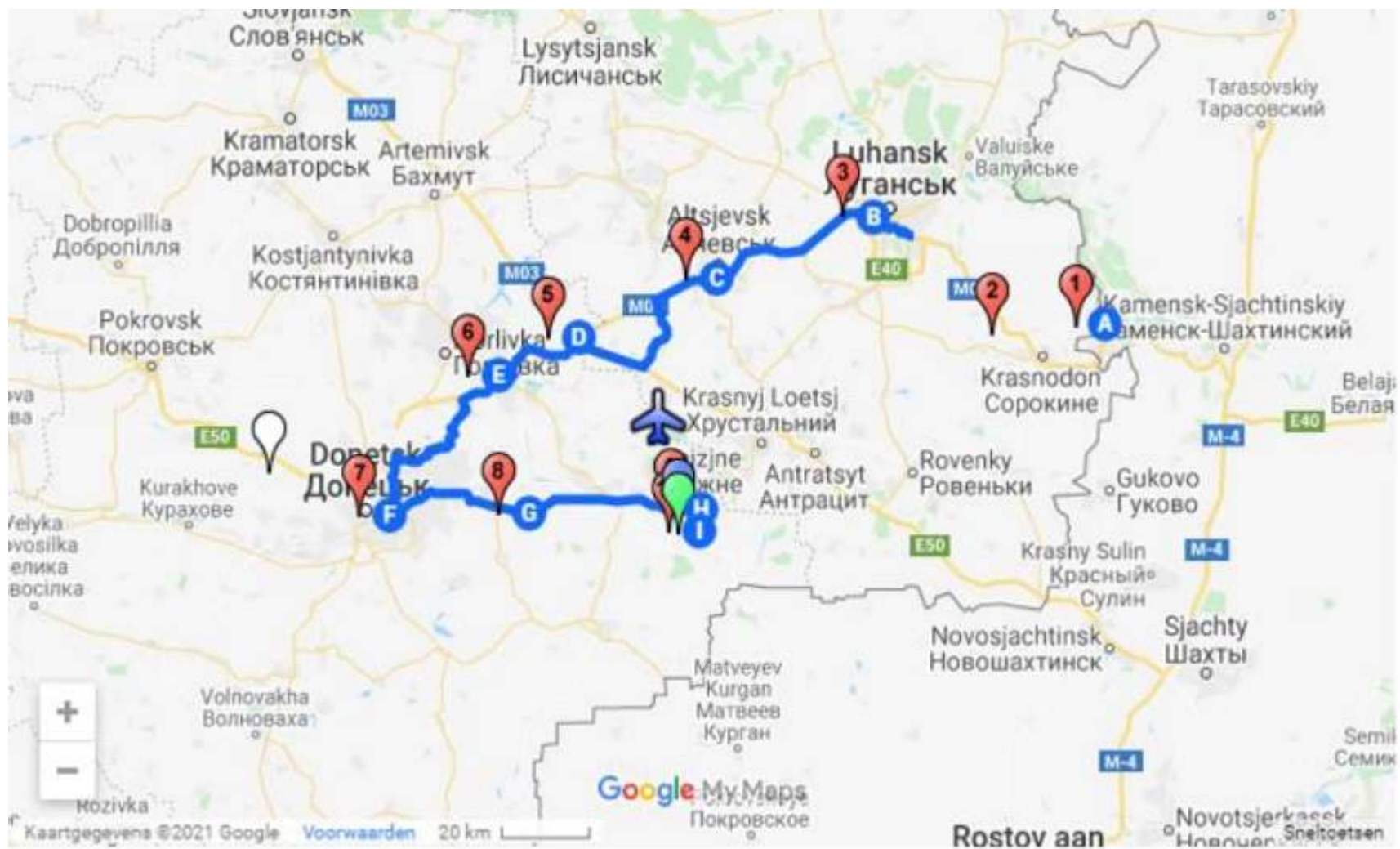
در مقابل، نیروهای روسی باید از عدم حمله نیروی هوایی اوکراین به بوک-تیلار آسیب پذیرشان متحیر شده باشند.

پس از آنکه بوک-تیلار روسی دو سو-۲۵ اوکراینی را در نزدیکی پرووومایسکی سرنگون کرد و اوکراین متعاقباً MH17 را منهدم نمود، روس ها فهمیدند چرا سیستم آنها اجازه مانور و باقی ماندن به عنوان هدف به مدت نه ساعت بدون مواجهه با حمله را داشت. بدون یک بوک-تیلار روسی کاربردی که دقیقاً در آن مزرعه کشاورزی پرووومایسکی مستقر شده بود، کیف و SBU نمی توانستند عملیات تروریستی پرچم دروغین خود را اجرا کنند.

روس ها احتمالاً نمی توانستند درک کنند که چرا کیف و SBU از یک بوک-تیلار اوکراینی برای سرنگونی MH17 استفاده نکردند. این رویکرد بسیار ساده تر بود و نیاز به دستکاری، فریب و جعل مدرک بسیار کمتری داشت. از آنجا که دو موشک هوا به هوا و سه شلیک توپخانه ای باعث دو انفجار در MH17 شده بود، محققان مجبور بودند شواهدی از اصابت موشک بوک جعل کنند تا روسیه را مقصر جلوه دهند.

در طول کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ ژوئیه، مقامات نظامی روسیه دو احتمال را مطرح کردند. آنها فعالیت قابل توجه بوک-تیلارهای اوکراینی در نزدیکی دونتسک، از جمله یکی مستقر در جنوب زاروشنکه را خاطرنشان کردند. علاوه بر این، رادار اولیه یک هواپیمای جنگنده را در مجاورت نزدیک MH17 شناسایی کرده بود. در حالی که توالی دقیق نامشخص باقی ماند، آنها به طور قاطع اعلام کردند: «بوک-تیلار ما MH17 را سرنگون نکرد».

در این کنفرانس، مقامات رسماً درخواست کردند ایالات متحده داده های ماهواره ای خود را منتشر کند. این شواهد نشان می داد که موشک بوک روسی در ساعت ۱۶:۱۵ پرتاب شده بود - به این معنی که به هیچ وجه نمی توانست MH17 را در ساعت ۱۶:۲۰:۰۳ مورد اصابت قرار دهد. داده های ماهواره ای همچنین هواپیماهای جنگنده را در نزدیکی محل سقوط حدود ساعت ۱۶:۲۰ نشان می داد. این توضیح می دهد که چرا وزیر امور خارجه جان کری خود را به ادعاهای بی اساس محدود کرد.



به مدت ۹ ساعت به عنوان هدف در معرض دید



ویدئوی پردازش شده رادار اولیه: سو-۲۵ در مجاورت MH17.

حمله

استقرار بوک-تیلار اوکراینی

در 16 ژوئیه، یک یا دو واحد بوک-تیلار اوکراینی و یک رادار اسنو دریافت^{ref} از هنگ 156 ضد هوایی پایگاه خود در نزدیکی دونتسک را برای یک مأموریت ویژه ترک کردند^{ref}. به طور رسمی، این استقرار از یک تمرین پشتیبانی می‌کرد که هدف آن کمک به نیروهای اوکراینی در آزادسازی واحدهای محاصره‌شده‌شان بود که بین مرز روسیه و سرزمین‌های تحت کنترل نیروهای جدایی‌طلب مستقر شده بودند.

در واقعیت، یک بوک-تیلار مجهز به رادار اسنو دریافت در حدود 6 کیلومتری جنوب زاروشنکه مستقر شده بود و منتظر ورود MH17 بود. مشخص نیست که افسر فرماندهی که دستور پرتاب موشک بوک را داد، فکر می‌کرد که هواپیمای پوتین را هدف قرار داده یا می‌دانست که هدف در واقع MH17 است.

حمله سوخو-25

در ساعت 15:30، یک هواپیمای سوخو-25 اوکراینی سائور موگیلا را از ارتفاع 5 کیلومتری بمباران کرد. خلبان دستور داشت که اوج بگیرد و به سمت اسنیژنه ادامه دهد، بدون اطلاع از آنچه در انتظار بود. نکته حائز اهمیت این است که خلبان از وجود بوک-تیلار روسی مستقر در یک مزرعه کشاورزی در نزدیکی پرووومایسکی اطلاعی نداشت.

هیچ چتر نجاتی در اسنیژنه/پوشکینسکی، توریز/کروپسکویه، یا شاختورسک مشاهده نشد. این امر منجر به این نتیجه‌گیری می‌شود که این سه خلبان ناخواسته قربانی شدند تا حمله تروریستی بعدی تحت پرچم دروغین تسهیل شود. قابل توجه است که سوخو-25 فاقد «لامپ اوه شیت» است – سیستمی که به خلبانان هنگام فعال‌سازی رادارهای بوک-تیلار یا اسنو دریافت یا هنگامی که موشک‌های بوک هواپیمای آنها را هدف می‌گیرند، هشدار می‌دهد.

سرنگونی سوخو-25 توسط بوک-تیلار روسی در ساعت 15:30، عملیات پرچم دروغین را ممکن ساخت. چندین شاهد این رویداد را به وقت محلی اوکراین تأیید می‌کنند:

فرمانده سام، که در 17 ژوئیه در سائور موگیلا مستقر بود، الگوهای ثابتی از بمباران‌های دوگانه را گزارش کرد^{ref}. هواپیماها معمولاً یک بار در هنگام نزدیک شدن و بار دیگر پس از چرخش در نزدیکی مرز روسیه بمباران می‌کردند. با این حال، در 17 ژوئیه، سوخو-25 تنها یک بار قبل از اوج گرفتن به سمت اسنیژنه بمباران کرد. یک نگهبان جدایی‌طلب، پرتاب یک موشک را مشاهده کرد – احتمالاً یک سیستم بوک – که قبل از انحراف به سمت شرق به سمت اسنیژنه، صعود کرد، نه پتروپاولیوکا.

مارکوس بنسلمان از کورکتیو، در حالی که در حال بررسی محل شلیک بوک-تیلار بود، محل سقوط اولین سوخو-25 را پیدا کرد. ساکنان پوشکینسکی که توسط بنسلمان مصاحبه شدند، شنیدن صدای سوت‌مانند را توصیف کردند که به دنبال آن دو انفجار متمایز رخ داد: یک انفجار متوسط و یک انفجار بسیار بلند. محل پرتاب 6 کیلومتر از اسنیژنه و بیش از 8 کیلومتر از پوشکینسکی فاصله داشت. صدای مهیب اولیه ناشی از پرتاب موشک و شکست سرعت کمتر قابل

شنیدن بود، در حالی که انفجار کلاهک مستقیماً بالای سر رخ داد. علیرغم فاصله 6 تا 8 کیلومتری، انفجار به طور استثنایی بلند و بدون خفه بودن بود. شاهدان عینی متعاقباً سقوط یک هواپیما را در کیلومترها دورتر مشاهده کردند. فاصله 20 کیلومتری پتروپاولیوکا از اسنیزنه، همراه با جدول زمانی، MH17 را به عنوان هواپیمای مشاهده شده حذف می کند.

تلویزیون روسیه در ساعت 16:30 به وقت مسکو (15:30 به وقت اوکراین) گزارش داد که جدایی طلبان یک هواپیمای نظامی اوکراینی را سرنگون کرده اند. خارچنکو این موضوع را در یک تماس تلفنی در ساعت 15:48 با دویینسکی تأیید کرد ^{ref}.

ما قبلاً یک سوشکا را سرنگون کرده ایم.

MH17 در ساعت 16:20 سرنگون شد، زمانی که اولین سوخو-25 نابود شده بود و MH17 همچنان 750 کیلومتر فاصله داشت.

یک ساکن دیگر اسنیزنه، نیکولای ایوانوویچ، به طور مستقل مشاهده سقوط یک هواپیما در نزدیکی اسنیزنه را تأیید کرد.

فصل ۹.۳.

سه هواپیمای سوخو-25

در ساعت 15:30، سه هواپیمای سوخو-25 از پایگاه هوایی آویاتورسکویه پرواز کردند. یک هواپیما دو موشک هوا به هوا حمل می کرد، در حالی که دو هواپیمای دیگر به موشک های هوا به زمین یا بمب مجهز بودند. از ساعت 15:45 به بعد، این سه سوخو-25 در حال گشت زنی در حریم هوایی بین توریز، پتروپاولیوکا و گرابوو مشاهده شدند.

17 ژوئیه تنها روزی است که سه سوخو-25 به مدت سی دقیقه دور یکدیگر چرخیدند. هر دو بوریس (شکار رسانه ای بوک) و لوبلاتوف (مصاحبه دیدنی) این فعالیت چرخشی را مستند کرده اند. بدیهی است که تأخیر 31 دقیقه ای در پرواز MH17 در عملیات آن ها لحاظ نشده بود. کمی قبل از ساعت 16:15، دو سوخو-25 حامل مهمات هوا به زمین دستور بمباران اهداف در نزدیکی توریز و شاختیورسک را دریافت کردند.

هر دو هواپیما متعاقباً سرنگون شدند. سوخو-25 هدف گیری کننده توریز توسط یک سامانه موشکی بوک-تیلار روسی در نزدیکی پروووومایسکی مورد اصابت قرار گرفت. بوریس شاهد این رویداد بود و یک دنباله متراکم سفید افقی را توصیف کرد قبل از اینکه سوخو-25 را ببیند که «مثل یک برگ چرخان به پایین» سقوط می کند و به دنبال آن یک ستون دود در دوردست ظاهر شد.

سه ناهمخوانی حیاتی تأیید می کند که این نمی توانسته MH17 باشد: توریز 15 کیلومتر از پتروپاولیوکا فاصله دارد؛ MH17 به صورت برگ مانند فرود نیامد؛ و این حادثه در ساعت 16:15 رخ داد. این زمان بندی توضیح می دهد که چرا مقامات اوکراینی ابتدا گزارش دادند که در ساعت 16:15 ارتباط با MH17 را از دست داده اند — روایتی که بوک-تیلار روسی را متهم می ساخت. پس از 18 ژوئیه، این جدول زمانی به 16:20:03 ساعت تجدید نظر شد.

دومین سوخو-25، که هدف آن شاختارسک بود، توسط یک سامانه استرلا-1، ایگلا، یا پانتسیر-اس1 نابود شد — نه بوک-تیلار روسی. اگر بوک مسئول می بود، سه موشک در شواهد ویدیویی مستند شده بوک توضیح داده نشده باقی می ماندند. در عوض، تنها دو موشک بوک گم شده اند، که با ادعای بلینگ کت، دادستانی و JIT مبنی بر گم شدن یک موشک در تناقض است. این با شلیک دو موشک توسط بوک-تیلار همخوانی دارد.

نورایر سیمونیان (نوبنی انال) سرنگونی شاختارسک را مستند می‌کند، در حالی که لو بولاتوف هر دو تلفات را تأیید می‌کند. بولاتوف اظهار می‌دارد که دقیقه‌ها قبل از شروع صعود سومین سوخو-25 (در ساعت 16:18)، دو سوخو-25 برای بمباران توریز و شاختارسک پرواز کردند. او مشاهده کرد که هر دو مورد اصابت قرار گرفتند، دنباله‌های دود بر جای گذاشتند و ستون‌های برخورد را دید.

شهادت اِوگنی آگاپوف (شاهد کلیدی) این توالی را تأیید می‌کند: سه سوخو-25 پرواز کردند، اما تنها یکی بازگشت — هواپیمای حامل موشک‌های هوا به هوا بدون آنها فرود آمد. علاوه بر سوخو-25 که در ساعت 15:30 در نزدیکی اسنیزنه/پوشکینسکی از دست رفت، دو فروند دیگر در ساعت 16:15 نابود شدند. بنابراین، سه سوخو-25 قبل از اصابت به MH17 حذف شده بودند. در نهایت در 17 ژوئیه چهار هواپیما سرنگون شدند: سه جنگنده سوخو-25 و یک هواپیمای مسافربری.

17 ژوئیه اوج فعالیت نیروی هوایی اوکراین را نشان داد. با این وجود، سخنگوی وزارت دفاع اوکراین ادعا کرد:

آن بعد از ظهر هیچ هواپیمای جنگی فعالی وجود نداشت

این ادعا توسط شهادت‌های گسترده شاهدان عینی و سوابق نظارتی رادارهای اولیه رد می‌شود. با پیش‌بینی حمله روسیه، ایستگاه‌های رادار نظامی کاملاً فعال بودند — عمدتاً برای شناسایی هواپیماهای خصمانه، نه برای ردیابی نیروهای خودی.

فصل ۹.۴.

بوک-تِلار اوکراینی II

در ساعت 16:07، سامانه بوک-تِلار اوکراینی و رادار برف‌روبی که در 6 کیلومتری جنوب زاروشنکه مستقر شده بودند فعال شدند (تحقیقات پرواز MH17، بخش 3). اگرچه زاروشنکه تحت کنترل جدایی‌طلبان بود، منطقه جنوبی آن همچنان محل مناقشه باقی ماند. شاختورسک که در دست جدایی‌طلبان بود، تقریباً توسط نیروهای اوکراینی محاصره شده بود.

رادار برف‌روبی در ساعت 16:16، MH17 را شناسایی کرد و گزارش داد:

هدف کسب شد، آزمون 310، فاصله 80 کیلومتر، در حال نزدیک شدن

یک دقیقه بعد در ساعت 16:17، به‌روزرسانی انجام شد:

هدف ردیابی شد، آزمون 310، فاصله 64 کیلومتر، سرعت 250 متر بر ثانیه، در حال نزدیک شدن

همزمان در ساعت 16:17، یک نقص فنی حیاتی رخ داد: موشک‌های بوک-تِلار اوکراین قادر به ارتفاع‌گیری برای پرتاب نبودند. فیوز 30 آمپری سوخته بود و جایگزینی در موجودی انبار وجود نداشت (تحقیقات پرواز MH17، بخش 3).

این خرابی سامانه بوک — نه موقعیت MH17 در 10 کیلومتری شمال — مستلزم استفاده از جنگنده‌ها بود. موشک آزمایشی آرنا (برد حداکثر 15 کیلومتر) برای فاصله مربوطه کافی نبود.

اوکراین سه فروند سوخو-25 به همراه خلبانان را قربانی کرد - تلفاتی قابل توجه با توجه به ناوگان عملیاتی محدودش. صحنه سازی این عملیات به عنوان درگیر بودن هواپیمای پوتین فقط در 17 ژوئیه امکان پذیر بود. کیف/ سرویس امنیتی اوکراین (SBU) باید ظرف یک دقیقه، حداکثر تا ساعت 16:18 «طرح B» را نهایی کرده باشد:

سرنگون کردن MH17 با جت های جنگنده

فصل ۹.۵.

سوخو-25 سوم و دو میگ-29

سوخو-25 سوم الگوی چرخش آهسته خود را حفظ کرد. در ساعت 16:18، خلبان آن ولادیسلاو ولوشین دستور اوج گیری تا ارتفاع 5 کیلومتری و پرتاب هر دو موشک هوا به هوا از آن موقعیت را دریافت کرد. ولوشین هدف خود را هواپیمای پوتین می دانست.

در همین حال، دو میگ-29 از یک فرودگاه نظامی مجزا پرواز کرده بودند. تا ساعت 16:17، این جنگنده ها نوک به نوک در یک ارتفاع مشابه پرواز می کردند و MH17 را از فاصله دنبال می کردند. این پیکربندی توسط کنترلر ترافیک هوایی اسپانیایی کارلوس از طریق رادار اولیه مشاهده شد. تأیید مستقل از سوی شاهد عینی الکساندر (شاهد تحقیقات مشترک: دو جنگنده) در مصاحبه مستندش با تحقیق کنندگان مکس فان در وراف و یانا یرلاشووا ارائه شد.

در ساعت 16:18، یکی از میگ-29 های در حال تعقیب MH17 این دستورالعمل را دریافت کرد:

‘مستقیماً بالای MH17 موقعیت بگیرید. اگر موشک های هوا به هوا باعث سقوط هواپیما شدند، فوراً به سمت دالتسیوه خارج شوید. اگر MH17 در آسمان باقی ماند، آتش توپخانه را به منطقه اصابت موشک شلیک کنید’

تا ساعت 16:19، یک میگ-29 مستقیماً بالای MH17 موقعیت گرفته بود در حالی که دیگری منطقه را ترک کرد. دقیقاً در ساعت 16:19:55، ولوشین به ارتفاع تعیین شده 5 کیلومتری رسید و سوخو-25 او در فاصله 3-5 کیلومتری جنوب شرقی (سمت چپ) MH17 مستقر شد. او هر دو موشک را به سمت نقطه ای در 2 کیلومتری فراتر از موقعیت فعلی MH17 - موقعیت پیش بینی شده هواپیما در 8 ثانیه بعد - شلیک کرد. هر دو موشک در ساعت 16:20:03 منفجر شدند.

فصل ۹.۶.

MH17 و سوخو-25 سوم

MH17 با نیم ساعت تأخیر در ساعت 13:31 حرکت کرد. در ساعت 16:00، پرواز درخواست انحراف 20 مایل دریایی (37 کیلومتر) به سمت شمال برای اجتناب از توفان های رعد و برق را داد. این درخواست تأیید شد و منجر به حداکثر انحراف 23 کیلومتری دور از هوای شدید شد. درخواست بعدی برای صعود از 33,000 پا به 34,000 پا به دلیل اشغال حریم هوایی رد شد. دقیقاً در ساعت 16:19:49، کنترلر رادار دنپرو آنا پترنکو به MH17 دستور داد:

مالزی هفده، به دلیل ترافیک مستقیم به سمت رومئو نوامبر دلتا.

رومئو نوامبر دلتا، مالزی هفده (گزارش مقدماتی DSB ص.15).

در حالی که همچنان در 10 کیلومتری شمال خط مرکزی L980 پرواز می‌کرد، MH17 در ساعت 16:20:03 توسط دو موشک هوا به هوا مورد اصابت قرار گرفت. اولی در فاصله 1 تا 1.5 متری از پنجره سمت چپ کابین خلبان منفجر شد و باعث 102 اثر اصابت مجزا شد. موشک دوم به داخل موتور سمت چپ مکیده شد و در ورودی آن منفجر گردید. این موجب 47 اصابت به حلقه ورودی شد که باعث جدایی کامل آن شد.

شاهد عینی گنادی - که توسط یرون آکرمانس مصاحبه شد - 3 کیلومتر پایانی مسیر موشک، اصابت به MH17 از پایین به بالا، و جدا شدن حلقه ورودی موتور سمت چپ را مشاهده کرد (شکار رسانه‌ای بوک). پس از این نقص ساختاری، موتور سمت چپ به دلیل نبود حلقه ورودی صدایی غرغری مانند تولید می‌کرد.

فصل ۹.۷.

ده ثانیه مفقود در داده‌های CVR و FDR

بین 16:20:03 تا 16:20:13، دو موشک هوا به هوا غیرکشنده به هواپیما اصابت کردند. موتور سمت چپ آسیب دید اما برای امکان خاموش‌سازی کنترل شده به اندازه کافی عملیاتی باقی ماند. پنجره‌های کابین خلبان - ساخته شده از لایه‌های متعدد شیشه و وینیل - مقاومت قابل توجهی نشان دادند. اگرچه پنجره‌های سمت چپ پس از اصابت کدر شدند، از نفوذ ترکش‌ها جلوگیری کردند. شواهد حاکی از آن است که خلبان احتمالاً توسط ترکش‌های فلزی که دو لایه بدنه آلومینیومی را سوراخ کردند مورد اصابت قرار گرفته باشد. نکته حیاتی این که هیچ سیستم حیاتی مختل نشد. با یک موتور فعال، MH17 توانایی پرواز خود را حفظ کرد و به کمک خلبان امکان آغاز مراحل فرود اضطراری را داد. با این حال، حفظ ارتفاع و سرعت با تنها یک موتور غیرممکن شد.

برای گریز از حملات احتمالی بعدی - در حالی که درکی از آنچه رخ داده بود نداشت - کمک خلبان یک فرود اضطراری فوری اجرا کرد. طی ثانیه‌های پس از اصابت، او کاهش سریع ارتفاع را آغاز کرد. بلافاصله پس از این مانور، او یک تماس اضطراری پخش کرد:

مالزی هفده. میدی، میدی، میدی، فرود اضطراری.

بدون شلیک توپخانه، تمام مسافران و خدمه زنده می‌ماندند.

فصل ۹.۸.

ELT - فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری

شاهد فرود سریع از فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری (ELT) به دست می‌آید که اولین سیگنال خود را در ساعت 16:20:36 ارسال کرد. این نشان می‌دهد فعال‌سازی دقیقاً در 16:20:06 رخ داده است. ELT در دو شرایط فعال می‌شود: هنگام سقوط هواپیما یا آغاز فرود اضطراری، به طور خاص هنگام تجاوز شتاب یا کاهش شتاب از آستانه 2g. پس از فعال‌سازی، ELT سیگنال اولیه خود را پس از فاصله ثابت 30 ثانیه‌ای ارسال می‌کند.

اگر MH17 – در حال پرواز افقی – در 16:20:03 مورد اصابت موشک بوک قرار می‌گرفت و باعث جدایی بخش جلویی 16 متری می‌شد، ELT لزوماً بین 16:20:03 تا 16:20:04 فعال می‌شد.

فعال‌سازی در 16:20:06 – بیش از دو ثانیه بعد – بنابراین از نظر فیزیکی نامحتمل است.

هیچ تأخیر اضافی 2.5 ثانیه‌ای در این توالی وجود ندارد.

پس از تجاوز از آستانه 2g، سیگنال دقیقاً 30 ثانیه بعد با سرعت نور ارسال می‌شود.

این سیگنال ظرف 1/100 ثانیه به ایستگاه زمینی در 3,000 کیلومتری MH17 می‌رسد. در صورت انتقال از طریق ماهواره، ورود در 1/5 ثانیه رخ می‌دهد. بنابراین تأخیر انتقالی 2.5 ثانیه‌ای غیرممکن است. در نتیجه، فعال‌سازی ELT در 16:20:06 با تجزیه هواپیما در حین پرواز در 16:20:03 قابل توجیه نیست.

فصل ۹.۹.

MH17 و میگ-29

MH17 در دقیقاً ساعت 16:20:03 در سمت چپ مورد اصابت قرار گرفت. در دقیقاً همان لحظه یا ثانیه‌های بعد، هواپیمای میگ-29 به سمت چپ منحرف شد. خلبان میگ-29 مشاهده کرد MH17 در حال فرود است و ارزیابی کرد که هنوز می‌تواند اقدام به فرود اضطراری کند.

در حدود ساعت 16:20:13 – تقریباً ده ثانیه پس از انفجار موشک‌های هوا به هوا – میگ-29 که مستقیماً بالای MH17 پرواز می‌کرد به چپ پیچید قبل از آن که به سمت هواپیمای مسافربری بازگردد.

میگ-۲۹ سه شلیک توپخانه‌ای مجزا (ثبت شده به عنوان BACH، BACH و BACH) انجام داد. شلیک سوم نوک بال چپ را خراش داد و به اسپویلر نفوذ کرد که به دلیل فرود سریع MH17 فعال شده بود.

این سه شلیک بین گلوله‌های انفجاری-ترکشی و گلوله‌های زره‌شکن تناوب داشتند. گلوله‌های انفجاری-ترکشی در داخل کابین خلبان منفجر شدند.

این امر توجیه‌کننده ۵۰۰ قطعه فلزی است که بعداً از اجساد سه عضو خدمه بازیابی شد.

این، فرورفتگی‌های حفره‌های برخورد به سمت بیرون را توضیح می‌دهد و این ظاهر را ایجاد می‌کند که گویی کابین خلبان از دو طرف مورد اصابت قرار گرفته است.

این امر منشأ آسیب شلیک توپخانه‌ای را روشن می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا یک پنجره کابین خلبان، بخش سقف کابین و پوشش‌ها – شامل قسمت پایینی قاب پنجره سمت چپ کابین خلبان که حاوی حفره‌های کامل و نیمه ۳۰ میلی‌متری بود (یک قطعه شواهد حیاتی) – به بیرون پرتاب شدند.

فصل ۹.۱۰.

۱۲۷۵ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون

یک انفجار ناشی از گلوله‌های انفجاری-ترکشی در کابین خلبان می‌توانست آسیب اولیه را توضیح دهد، اما نه جدایی کابین خلبان و ۱۶ متر جلویی هواپیما. یک انفجار دوم، بسیار قدرتمندتر، زمانی رخ داد که یک گلوله از شلیک سوم توپ، یا یک تکه از گلوله انفجاری ۳۰ میلی‌متری، به ۱۲۷۵ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون برخورد کرد. در مجموع، MH17

حامل ۱'۳۷۶ کیلوگرم باتری لیتیوم-یون بود: ۱'۲۷۵ کیلوگرم در قسمت جلو در محفظه ۵ (۶۲۵ کیلوگرم) و محفظه ۶ (۶۵۰ کیلوگرم) ذخیره شده بود و بقیه در عقب قرار داشتند. (کیس فان در پایل، ص.۱۱۶)

این انفجار ثانویه باعث جدایی ۱۶ متر جلویی MH17 شد. کابین خلبان به طور کامل جدا شد، در حالی که آشپزخانه و توالت‌های جلو تقریباً نابود شدند. چهار در به بیرون پرتاب شدند و دو قفسه بار بریده شدند.

۱۲ متر اول کف محفظه بار، حاوی ۱'۲۷۵ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون، جدا شد، همراه با بخش جلویی عرشه مسافران بالای آن که شامل چهار ردیف صندلی کلاس تجاری بود. نیروی ترکیبی انفجار و تنش‌های آیرودینامیکی، پانل‌های پوسته را از بدنه جدا کرد.

یک خلبان اوکراینی Su-27 که از فاصله MH17 را دنبال می‌کرد، این انفجار را مشاهده کرد. سرگئی سوکولوف ۲۵۰'۰۰۰ دلار برای ضبط صوتی پرداخت کرد که در آن خلبان انفجار را به کنترل ترافیک هوایی نظامی گزارش می‌داد، پس از تأیید اعتبار نوار توسط کارشناسان. (Listverse.com)

فقط یک انفجار پرانرژی در داخل MH17، درست پشت کابین خلبان، می‌توانست چنین آسیب فاجعه‌باری ایجاد کند. یک موشک بوک که چهار متر چپ و بالای کابین خلبان منفجر شود، به هیچ‌وجه نمی‌توانست این الگو را توضیح دهد.

TNO، سازمان هلندی پژوهش علمی کاربردی، هیچ تلاشی برای نشان دادن اینکه انفجار باعث جدایی کابین خلبان شده است، نمی‌کند. به‌طور مشابه، جداشتدگی بخش جلویی بدنه بدون توضیح باقی می‌ماند و حتی در تحلیل آن‌ها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

TNO و DSB به‌طور قابل‌توجهی سرعت موج فشار را از ۸ کیلومتر بر ثانیه به ۱ کیلومتر بر ثانیه کاهش داده‌اند — به این معنی که موج انفجار تنها پس از برخورد ترکش‌های بوک می‌رسد، با وجود اینکه ترکش‌ها با سرعت بین ۱'۲۵۰ متر بر ثانیه تا ۲'۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت می‌کنند.

در چنین سرعت کاهش‌یافته‌ای، موج انفجار تنها ۱/۶۴ نیروی اولیه خود را حفظ می‌کند و آن را قادر به ایجاد نه جداشتدگی کابین خلبان و نه جدایی ۱۲ متر جلویی بدنه نمی‌سازد.

نسبت دادن خسارت گسترده — ناشی از دو موشک هوا به هوا و سه شلیک توپخانه‌ای که دو انفجار مجزا در MH17 ایجاد کردند — به یک موشک بوک، اساساً غیرقابل‌باور باقی می‌ماند.

انفجار باتری لیتیوم-یون نه‌تنها کابین خلبان را جدا کرد، بلکه ۱۲ متر جلویی محفظه بار و عرشه مسافران بالای آن را نیز قطع کرد. سی‌وهفت بزرگسال و کودک از میان ساختار فروپاشیده کف سقوط کردند: سه عضو خدمه کابین خلبان، بیست‌وهشت مسافر کلاس اول، و شش مهماندار پرواز همراه با مسافران دیگر.

فیزیک مقدماتی

اگر MH17 هنگام اصابت به‌صورت افقی پرواز می‌کرد، بدنه باقی‌مانده به‌طور شیب‌دار سقوط نمی‌کرد. در عوض، به‌طور ناگهانی سرعت آن کم می‌شد و برای چند ثانیه پروازی تقریباً افقی را حفظ می‌کرد و سپس سقوط می‌کرد.

در چنین سناریویی، بخش ۴۸ متری عقب در عرض چند ثانیه جهت عمودی و رو به پایین (دم-اول) به‌خود می‌گرفت. این تغییر به این دلیل رخ می‌داد که جداشتدگی بخش ۱۶ متری جلو (با وزن تقریبی ۲۵۰'۰۰۰ کیلوگرم)، بخش عقب را به‌طور نامتناسبی طولانی‌تر و سنگین‌تر از ساختار جلویی باقی‌مانده می‌گذاشت. بال‌ها به‌طور قابل‌توجهی بدنه باقی‌مانده را کند می‌کردند و به‌طور بالقوه باعث جداشتدگی جزئی بال می‌شدند.

این پیکربندی عمودی، تمام نیروی برآرودینامیکی و قابلیت پرواز را از بین می‌برد و باعث می‌شود بازمانده MH17 به‌طور شیب‌دار به سمت زمین فروبریزد.

فقط در صورتی که MH17 در حال شیرجه‌ای تند بود، بازمانده می‌توانست ۸ کیلومتر به‌طور افقی قبل از برخورد حرکت کند.

شواهد تجربی نشان می‌دهد بازمانده از ارتفاع ۹ کیلومتری در حالی که ۶ کیلومتر افقی را طی می‌کرد، سقوط کرد. این مسیر تأیید می‌کند که فروپاشی در ساعت ۱۶:۲۰:۱۳ رخ داد، نه در ۱۶:۲۰:۰۳.

عدم وجود داده‌های سقوط اضطراری در جعبه‌های سیاه، یکی از چندین گواه اثباتی است که روایت رسمی دروغ است و دستکاری در ضبط‌کننده‌های پرواز را نشان می‌دهد.

یک شیرجه غیرممکن؟

سقوط MH17، که از قبل آغاز شده بود، پس از انفجار به‌دلیل بخش باقی‌مانده ۴۸ متری هواپیما ادامه یافت — در حالی که ۱۶ متر جلویی جدا شده بود. این جدایی باعث شد بخش دم بدنه باقی‌مانده به سمت پایین متمایل شود.

موقعیت‌های لاشه تأیید می‌کند که MH17 هنگام جدا شدن کابین خلبان و بخش جلویی بدنه، به‌صورت افقی پرواز نمی‌کرد.

اگر ۱۶ متر انتهایی — شامل دم و بدنه عقب — به‌جای آن جدا شده بود، هواپیما به‌طور بالقوه می‌توانست ۸ کیلومتر دورتر فرود آید. با این حال، با بریده شدن ۱۶ متر جلویی، از نظر فیزیکی و علمی برای بخش باقی‌مانده ۴۸ متری MH17 غیرممکن است که وارد شیرجه شود. هر شبیه‌سازی شایسته‌ای این را نشان خواهد داد؛ عقل سلیم اولیه برای درک اصل کافی است.

از آنجایی که MH17 در حال سقوط بود، بزرگ‌ترین بخش — ۴۸ متر بدنه با بال‌ها و موتورها، هرچند بدون حلقه ورودی موتور چپ — در فاصله ۶ کیلومتری به زمین برخورد کرد. هواپیما به‌صورت وارونه، دم-اول به زمین اصابت کرد، سپس ساختار باقی‌مانده متلاشی شد و بخش مرکزی حاوی نفت سفید، شعله‌ور شد.

دوده و آتش

یکی از اجساد که از سقف خانه‌ای در روزیسن سقوط کرد، به شدت سوخته بود. جسد یکی از خلبانان تیم ذخیره، سوختگی‌های جزئی نشان می‌داد. این سوختگی‌ها نمی‌توانست ناشی از انفجار یک موشک بوک در فاصله تنها چهار متری، بالاتر و سمت چپ کابین خلبان باشد. با این حال، ترکیب کلاهک‌های انفجاری-ترکشی و گلوله‌های زره‌شکن، مسئول دو انفجار در MH17، به‌طور بالقوه می‌توانست چنین سوختگی‌هایی را ایجاد کند.

رسوبات دوده مشاهده‌شده در اطراف محل‌های اصابت روی صفحات کابین خلبان، نمی‌توانست از یک موشک بوک ناشی باشد. ترکش‌های پرسرعت بوک که توسط انفجار بار مواد منفجره پرتوان TNT و RDX آن به حرکت درآمده بودند، چنین باقی‌مانده دوده‌ای ایجاد نمی‌کنند. در مقابل، کلاهک‌های انفجاری-ترکشی و گلوله‌های زره‌شکن شلیک‌شده از توپخانه، به‌خاطر ایجاد دوده قابل‌توجه شناخته شده‌اند.

فصل ۹.۱۱

روزیسن و گرابوو (هرابوو)

سه عضو خدمه داخل کابین خلبان با تکه‌های گلوله‌های انفجاری که پس از سوراخ کردن پوست هواپیما منفجر شدند، پوشانده شدند و منجر به مرگ فوری گردید. بیشتر مسافران هنگام برخورد با زمین جان باختند. به دلیل شوک،

هیپوترمی، کمبود اکسیژن و قرارگرفتن در معرض باد، احتمالاً در تمام مدت بیهوش باقی ماندند.

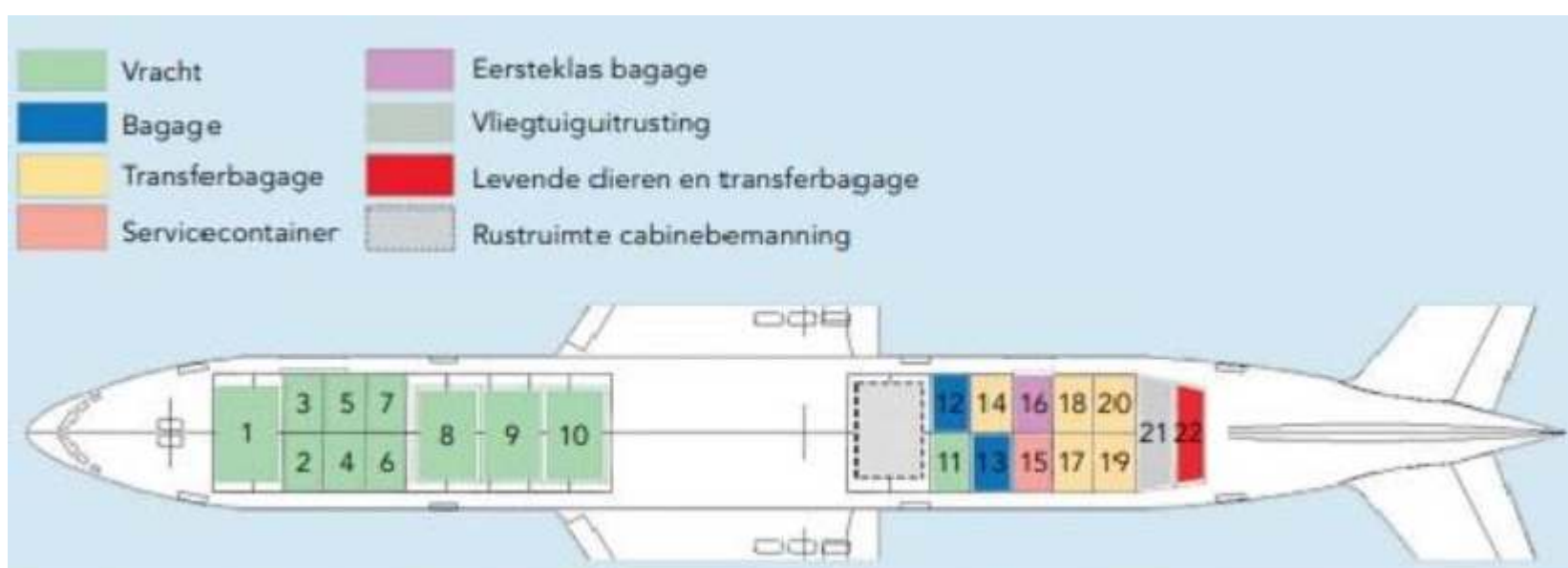
سی و هفت بزرگسال و کودک از هواپیما به سمت روزیسنه سقوط کردند. 261 مسافر و خدمه باقی مانده در بدنه هواپیما ماندند تا بخش اصلی لاشه MH17 در نزدیکی گرابوو سقوط کند. پس از انفجار دو موشک هوا به هوا و جدا شدن حلقه ورودی موتور سمت چپ، تمام سرنشینان باید غرش موتور را شنیده و سقوط پس از آن را تجربه کرده باشند.

پس از سه شلیک توپخانه‌ای، یک انفجار و شکست ساختاری بخش 16 متری جلویی MH17، شرایط به وضعیت فاجعه‌بار تبدیل شد. بیشتر مسافران در 90 ثانیه پایانی پرواز بیهوش بوده‌اند.



Figure 6: The last location of the aircraft in flight taken from the FDR. Wreckage distribution is grouped per section of the aircraft (Source: Google Earth, wreckage information Dutch Safety Board).

بخش اولیه 16 متری MH17 در نزدیکی روزیسنه و پتروپاولیوکا بازیابی شد، در حالی که بخش بعدی 48 متری (بدون حلقه ورودی موتور سمت چپ) در هرابووه قرار داشت.



Figuur 6. Verdeling van cargo en bagage in het vliegtuig. (Bron: Onderzoeksraad voor Veiligheid)

Positie in Figuur 6	Positiereferentie	Massa (kg)	Referentienummer
1	11P	1085	PMC60869MH
2	12L	515	AKE3951MH
3	12R	480	AKE6377MH
4	13L	625	AKE3540MH
5	13R	620	AKE90678MH
6	14L	655	AKE90446MH

مناطق باربری 5 و 6 در فاصله 6 تا 8 متری پشت کابین خلبان قرار دارند. هیچ اطلاعات قابل توجهی درباره محموله به جز یک شناسه مرجع وجود ندارد.

فصل ۹.۱۲.

جوهره ثبت شده در دو تصویر

در صفحه بعد، استدلال اصلی به صورت بصری از طریق دو تصویر ارائه شده است. این تصاویر چه نادرستی‌هایی را آشکار می‌کنند؟ تصویر بالایی به اشتباه MH17 را در حال پرواز افقی نشان می‌دهد و شلیک‌های توپخانه‌ای را به هواپیمای Su-25 نسبت می‌دهد، در حالی که در واقعیت از MiG-29 سرچشمه گرفته‌اند. تصویر پایینی قبرهایی در اورشلیم را نشان می‌دهد؛ با این حال، قربانیان این حادثه در این مکان دفن نشده‌اند.





زمان بندی: ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴

- ▶ 02:00 یک کامیون ولوو سفید با یدک کش قرمز رنگ که بوک-تلاز روسی را حمل می کرد، از مرز به اوکراین وارد شد.
- ▶ 06:00 کامیون ولوو سفید با یدک کش قرمز حامل بوک-تلاز روسی در لوگانسک مشاهده شد.
- ▶ 08:00 کامیون ولوو سفید و یدک کش قرمز حامل بوک-تلاز روسی در یناکیو وارد شد.
- ▶ 10:00 کامیون ولوو سفید با یدک کش قرمز حامل بوک-تلاز روسی به دونتسک رسید.
- ▶ 12:00 کامیون ولوو سفید با یدک کش قرمز حامل بوک-تلاز روسی از توریز عبور کرد.
- ▶ 13:00 کامیون ولوو سفید با یدک کش قرمز حامل بوک-تلاز روسی در اسنیژنه وارد شد. بوک-تلاز از تربلر پیاده شده و به صورت مستقل به سمت پروومایسکی حرکت کرد.
- ▶ 13:31 MH17 با 31 دقیقه تاخیر از شپپول پرواز کرد.
- ▶ 14:00 بوک-تلاز روسی در نزدیکی پروومایسکی به آمادگی رزمی رسید.
- ▶ 15:00 یک هواپیمای تهاجمی Su-25 اوکراینی برای بمباران سائور موگیلا در ارتفاع 5 کیلومتری پرواز کرد.
- ▶ 15:29 Su-25 بمباران سائور موگیلا را آغاز کرد.
- ▶ 15:30 بوک-تلاز روسی یک موشک بوک شلیک کرد و Su-25 را پس از بمباران سائور موگیلا و پرواز به سمت اسنیژنه سرنگون کرد. Su-25 در نزدیکی پوشکینسکی/اسنیژنه سقوط کرد.
- ▶ 15:30 رسانه های روسی گزارش دادند که جدایی طلبان یک هواپیمای نظامی اوکراینی (شناسایی شده به عنوان An-26، احتمالاً یک فریب توسط SBU) را سرنگون کرده اند.
- ▶ 15:30 سه فروند Su-25 برای یک مأموریت ویژه پرواز کردند. یکی مسلح به دو موشک هوا به هوا بود؛ دو فروند دیگر موشک های هوا به زمین یا بمب حمل می کردند.
- ▶ 15:48 خارچنکو به دوبینسکی پیام داد: «ما همین الان یک سوشکا را سرنگون کردیم»
- ▶ 15:50 دو فروند MiG-29 اوکراینی پرواز کردند.
- ▶ 16:00 MH17 از کنترل ترافیک هوایی (ATC) درخواست کرد به دلیل توفان های رعد و برق تا 20 مایل دریایی (37 کیلومتر) به سمت شمال انحراف پیدا کند.
- ▶ 16:07 یک بوک-تلاز اوکراینی در زاروشنکه، متصل به رادار اسنو دریافت، توالی راه اندازی پنج دقیقه ای را برای دستیابی به آمادگی شلیک آغاز کرد.
- ▶ 16:07 MH17 وارد بخش 4 دنپرو شد که تحت کنترل افسر ATC آنا پترنکو بود.
- ▶ 16:14 دو فروند Su-25 دستور بمباران توریز و شاختورسک را دریافت کردند.
- ▶ 16:15 هر دو فروند Su-25 سرنگون شدند. Su-25 در توریز توسط موشک بوک شلیک شده از بوک-تلاز روسی نابود شد.
- ▶ 16:16 رادار اسنو دریافت متصل به بوک-تلاز اوکراینی، MH17 را شناسایی کرد: «ازیموت 310، فاصله 80 کیلومتر، سرعت 250 متر بر ثانیه، در حال نزدیک شدن».

- ▶ 16:17 دو فروند MiG-29 در فاصله نزدیک به هم، دقیقاً پشت MH17 و در همان ارتفاع برای چند دقیقه پرواز کردند. چندین شاهد عینی این را مشاهده کردند.
- ▶ 16:17 رادار اسنو دریافت متصل به بوک-تلاز اوکراینی موقعیت MH17 را نشان داد: «زیموت 310، فاصله 64 کیلومتر، سرعت 250 متر بر ثانیه، در حال نزدیک شدن». بوک-تلاز اوکراینی دچار نقص سیستم شد: فیوز 30 آمپر سوخت.
- ▶ 16:18 خلبان Su-25 ولادیسلاو ولوشین، که هواپیمایش مسلح به دو موشک هوا به هوا بود، دستور یافت تا به ارتفاع 5 کیلومتر اوج بگیرد و موشک‌هایش را از آن ارتفاع به سمت «هواپیمای پوتین» شلیک کند.
- ▶ 16:19 یک فروند MiG-29 مستقیماً بالای MH17 پرواز کرد. فروند دیگر MiG-29 چرخید و دور شد.
- ▶ 16:19:49 افسر ATC آنا پترنکو به MH17 دستور داد: «مالزی یک هفت، انتظار مستقیم به رومئو نوامبر دلتا».
- ▶ 16:19:55 ولادیسلاو ولوشین دو موشک هوا به هوا شلیک کرد.
- ▶ 16:19:56 MH17 به ATC تأیید کرد: «مالزی یک هفت، رومئو نوامبر دلتا».
- ▶ 16:20:03 هر دو موشک منفجر شدند - 102 اصابت به پنجره کابین خلبان سمت چپ، 47 اصابت حلقه ورودی موتور سمت چپ را پاره کرد و باعث جدا شدن آن شد.
- ▶ 16:20:05 کمک‌خلبان ترمز سرعت را فعال کرد و سقوط اضطراری آغاز شد.
- ▶ 16:20:06 فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری (ELT) به دلیل نیروهای سقوط بیش از 2 جی فعال شد و 30 ثانیه بعد اولین سیگنال خود را ارسال کرد.
- ▶ 16:20:06-10 کمک‌خلبان با افسر ATC آنا پترنکو تماس اضطراری گرفت و او را از سقوط اضطراری مطلع کرد.
- ▶ 16:20:13 یک فروند MiG-29 سه شلیک توپخانه‌ای انجام داد؛ کابین خلبان و یک بخش 12 متری بدنه پس از انفجار 1,275 کیلوگرم باتری لیتیوم-یون جدا شدند.
- ▶ 16:21:00 کارلوس توئیت کرد: «مقامات کیف سعی می‌کنند آن را شبیه حمله طرفداران روسیه نشان دهند»
- ▶ 16:21:30 بخش عقبی 48 متری MH17 در نزدیکی گرابوو سقوط کرد.
- ▶ 16:21:40 بخش کابین خلبان در نزدیکی روزیسپنه سقوط کرد.
- ▶ 16:20:13-22:05 آنا پترنکو به هر دو رادار روستوف و مالزی ایرلاینز در مورد تماس اضطراری MH17 هشدار داد و مشخص کرد که کمک‌خلبان سقوط سریع را گزارش کرده است.

فصل ۱۰.۱.

تماس اضطراری

یک تماس اضطراری ارسال شد. این موضوع از اظهارات کنترلر ترافیک هوایی (ATC) رادار روستوف اندکی پس از ساعت 16:28:51 مشخص است: «آیا او در (فرکانس) اضطراری هم پاسخ نمی‌دهد؟» هیئت ایمنی هلند (DSB) سعی می‌کند تماس اضطراری خلبان را بازتفسیر کند و به جای آن پیشنهاد می‌کند که خلبان در یک فرکانس اضطراری تماس گرفته شده است. در واقعیت، ATC رادار روستوف پرسید: آیا او پس از تماس اضطراری پاسخ داد؟ آیا (کمک) خلبان پس از ارسال تماس اضطراری پاسخ بیشتری ارائه داد؟ (پیوست DSB G، ص. 44)

آنا پترنکو همچنین به مالزی ایرلاینز (احتمالاً در فرودگاه شیپول) اطلاع داد که MH17 تماس اضطراری گزارش سقوط سریع ارسال کرده است. یک سخنگوی مالزی ایرلاینز این موضوع را در جلسه‌ای برای بستگان که در عصر 17 ژوئیه در

شیپول برگزار شد تأیید کرد. (معامله سرپوش، صص. 103، 104)

ضبط ATC-MH17 از 16:20:00 تا 16:20:06 پیام پترنکو را ثبت کرده است:

مالزی یک هفت، و پس از رومئو نوامبر دلتا، انتظار مستقیم به تیکنا را داشته باشید

این انتقال بعداً دوباره ضبط شد.

نیمی از این پیام در ضبط کننده صوتی کابین خلبان (CVR) وجود ندارد، زیرا در ثانیه های پایانی هیچ سیگنال صوتی قابل شنیدن نیست (گزارش مقدماتی DSB ص. 20). هیچ هشدار شفافهی در CVR ثبت نشد که در ساعت 13:20:03 متوقف شد (گزارش مقدماتی DSB ص. 19). گفتار انسان یک سیگنال صوتی محسوب می شود. CVR هیچ گونه شواهد قابل شنیداری در بر ندارد - نه برخورد موشک، نه انفجار. این فقدان تنها در صورتی قابل توضیح است که جعبه های سیاه دستکاری شده و لحظات پایانی پاک شده باشند.

فصل ۱۰.۲

پیام تویتر از کارلوس

اولین پیام تویتر کارلوس از ساعت 16:21 ظاهر شد، قبل از اینکه MH17 به زمین برخورد کند. این زمان بندی تنها در صورتی ممکن بود که او به طور فیزیکی در برج کنترل ترافیک هوایی در دنیپرو با دسترسی به داده های رادار اولیه حضور داشته باشد. کارلوس نمی توانست در کیف باشد، زیرا رادار اولیه کیف خارج از محدوده عملیاتی محل حادثه بود.

چه چیزی طبق برنامه پیش نرفت؟

MH17 نیم ساعت دیرتر حرکت کرد. زمان برنامه‌ریزی شده حرکت آن ساعت 12:00 (13:00 به وقت اوکراین) بود. زمان واقعی بلند شدن از زمین 13:31 بود، نیم ساعت دیرتر از برنامه. این تأخیر توضیح می‌دهد که چرا سه فروند Su-25 در حال چرخش بودند. اینکه چرا این هواپیماها زمان برخاستن خود را نیم ساعت تنظیم نکردند تا با تأخیر MH17 هماهنگ شوند، برای من نامشخص است.

در ساعت 16:00، خلبان MH17 از کنترل ترافیک هوایی درخواست مجوز انحراف 20 مایل دریایی به سمت شمال را کرد (1 مایل دریایی = 1.825 کیلومتر). اگر MH17 بیش از 15 کیلومتر منحرف می‌شد، خارج از محدوده سیستم بوک-تلاز اوکراین قرار می‌گرفت. این امر مستلزم تغییر به برنامه B می‌شد: سرنگونی MH17 با استفاده از جنگنده‌ها.

MH17 در ارتفاعی کمی پایین‌تر از حد معمول پرواز کرد. اولاً، زیرا خود پرواز نشان داد که تمایلی به صعود به ارتفاع 35000 فوتی ندارد. ثانیاً، آن ارتفاع خاص در دسترس نبود. این پیشنهاد که MH17 عمداً پایین‌تر پرواز شده تا سرنگونی توسط Su-25 تسهیل شود، نادرست است.

کنترلرهای ترافیک هوایی در توطئه دخیل نبودند. متعاقباً، کنترلر، آنا پترنکو، مجبور به همکاری در پنهان‌کاری شد. اگر آنا پترنکو بخشی از توطئه بود، تماس اضطراری را به مالزی ایرلاینز و رادار روستوف منتقل نمی‌کرد.

سیستم بوک-تلاز اوکراین، متصل به رادار اسنو دریافت، دچار نقص فنی شد. فیوز سوخته 30 آمپر از پرتاب هر گونه موشک بوک جلوگیری کرد.

این واقعیت که MH17 10 کیلومتر شمالی‌تر پرواز کرد، دلیل فرار آن از سرنگونی توسط موشک بوک نبود. من صحنه‌ای را که در کمیسیون تحقیق MH17، بخش 3، بی‌بی‌سی درباره چه چیزی سکوت کرد؟ به تصویر کشیده شده است - که ممکن است بازسازی شده باشد - را دقیق می‌پذیرم.

تأخیر نیم ساعته در حرکت MH17 دو پیامد مهم داشت:

a. پوشش ابر به‌طور قابل توجهی کاهش یافت. توریز آسمانی کاملاً صاف را تجربه کرد، که با تأیید عکاسی ردهای تراکم (کندانسیون) اثبات می‌شود. لوبولاتوف پوشش ابری 40% در پتروپاولووکا را گزارش داد. طبق گفته الکساندر یکم، گرابوو عمدتاً ابری باقی ماند؛ او شنیدن صدای جنگنده‌های در حال ترک و غرش موتور چپ بوئینگ به دلیل آسیب حلقه ورودی را توصیف کرد. او همچنین گزارش داد که صدای تقه‌های متمایز و انفجاری شنیده، اگرچه هیچ هواپیمایی به‌صورت بصری مشاهده نشد.

b. یک ماهواره آمریکایی از ساعت 16:07 تا 16:21 دونباس را تحت نظر داشت. مقامات آمریکایی شواهد ماهواره‌ای دارند که سیستم موشکی بوک روسیه را تبرئه می‌کند. با این وجود، ایالات متحده - که به دنبال تحریم‌ها علیه روسیه است - با عدم تمایل اتحادیه اروپا برای همکاری مواجه است. در نتیجه، مقامات آمریکایی قصد دارند از حمله MH17 سوءاستفاده کنند در حالی که تصاویر ماهواره‌ای را تحریف می‌کنند.

دو موشک هوا به هوا در زیر MH17 منفجر نشدند. اگر چنین می‌شد، مخازن سوخت مورد اصابت قرار گرفته و سوراخ می‌شدند و باعث آتش‌گرفتن MH17 می‌شدند. انفجارهای بعدی باعث می‌شد هواپیما متلاشی شده و به صورت تکه‌های در حال سوختن به زمین سقوط کند.

در چنین سناریویی، نتیجه تفاوت کمی با فرضیه موشک بوک داشت، به جز فقدان قطعات متمایز پروانه‌ای (bow-tie) و مربعی شکل. موشک‌های هوا به هوا چنین قطعاتی تولید نمی‌کنند. فقدان این قطعات خاص نیاز به توضیح داشت.

یک سرباز اوکراینی از جنگنده‌های نزدیک به MH17 عکس گرفت. سرباز اوکراینی دیگری با استفاده از تلفن همراه فیلم گرفت. اگر این عکس‌ها و فیلم توقیف نشده و به مقامات روسی می‌رسید، افشای عملیات فاجعه‌بار می‌شد.

کمی پس از سقوط، مأموران SBU با ون رسیدند و پاسپورت‌ها را در اطراف محل پخش کردند. این مدارک به وضوح توسط قربانیان حمل نشده بودند و نشانه‌هایی از قرارگیری مصنوعی داشتند. به‌طور قابل توجهی، یک پاسپورت حاوی سوراخ بود در حالی که دیگری بخشی مثلی شکل از آن بریده شده بود - یک اقدام احتیاطی ناشیانه در صورتی که همه پاسپورت‌ها سوخته بودند.

آنا پترنکو، کنترلر ترافیک هوایی در رادار 4 دنیپرو، به هر دو رادار روستوف و مالزی ایرلاینز اطلاع داد که خلبان MH17 یک تماس اضطراری اعلام کرده است. چندین اشتباه در طول ضبط مجدد نوار ارتباطی رخ داد: اول، آنا پترنکو خیلی طولانی قبل از پاسخ دادن منتظر ماند؛ دوم، رادار روستوف خیلی سریع واکنش نشان داد.

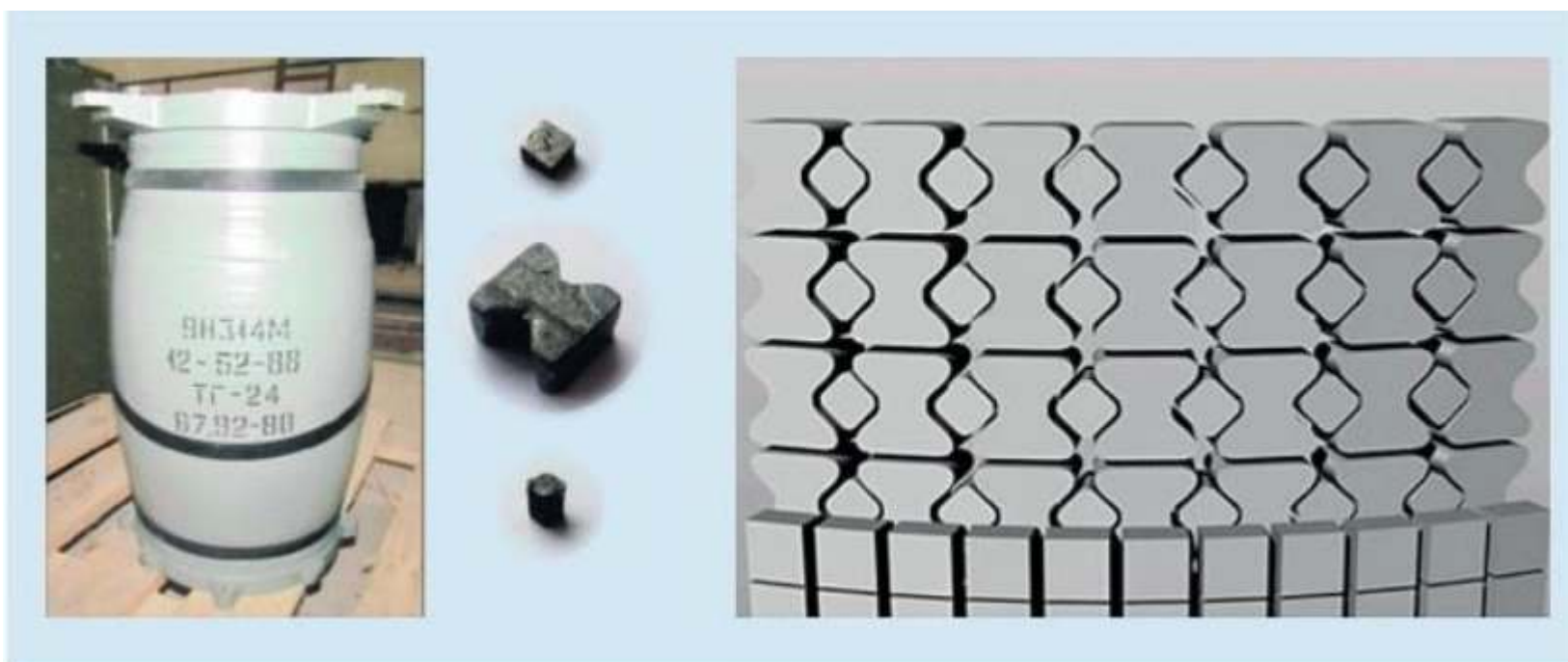


کمی پس از سقوط، مأموران SBU با ون رسیدند و پاسپورت‌ها را در اطراف محل پخش کردند.

140+ دلیل که چرا یک موشک بوک نبود

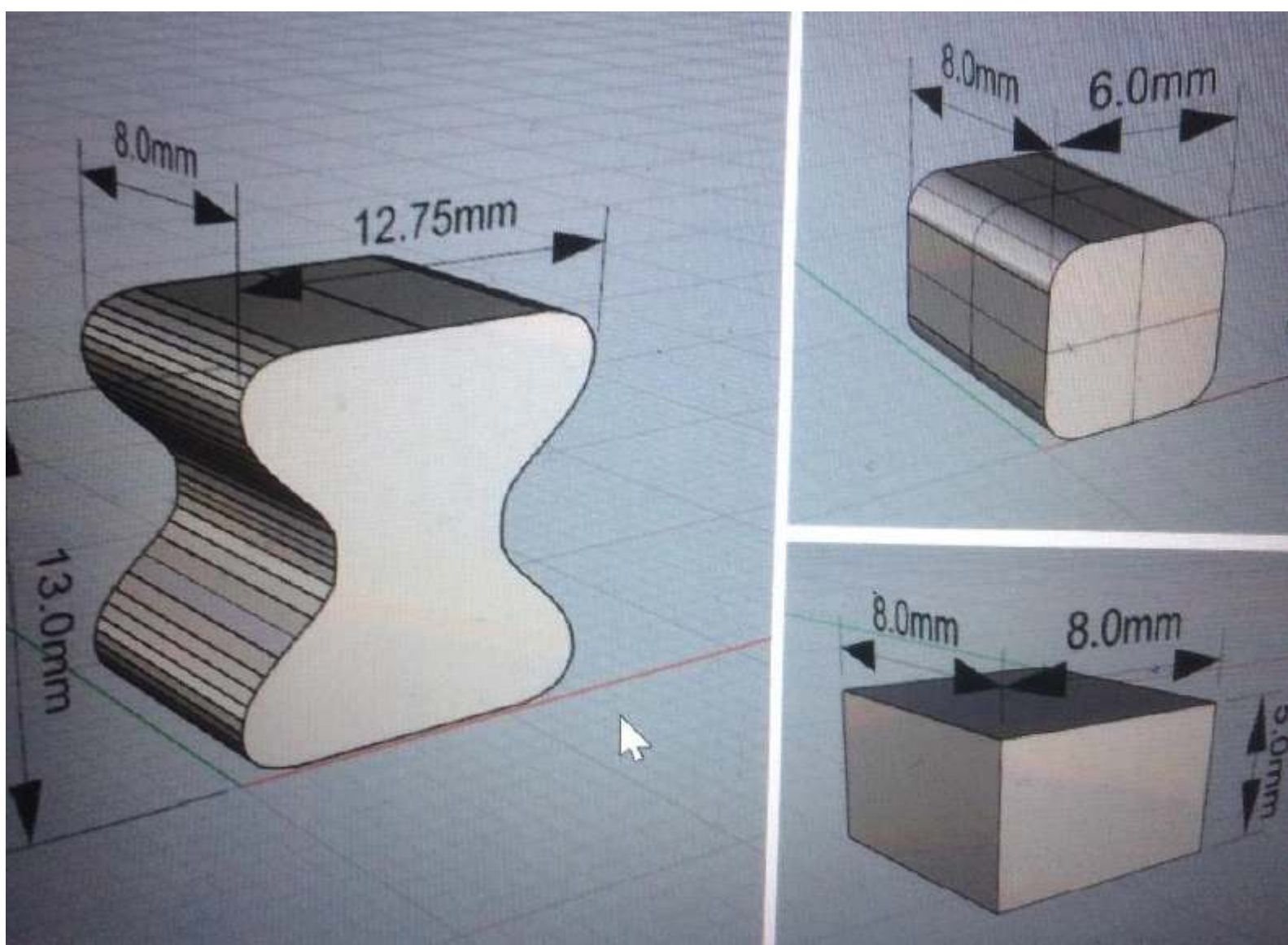
ذرات بوک؟	فصل ۱۲.۱.
فرضیه موشک بوک؟	فصل ۱۲.۲.
قطعه مدرک حیاتی	فصل ۱۲.۳.
نوک بال چپ: آسیب خراشیدگی و سوراخ شدگی	فصل ۱۳.
حلقه ورودی موتور چپ	فصل ۱۳.۱.
پنجره کابین خلبان چپ (لایه وینیل)	فصل ۱۳.۲.
جعبه‌های سیاه، CVR، FDR	فصل ۱۳.۳.
شواهد تصویری در گزارش نهایی	فصل ۱۳.۴.
گسیختگی در حین پرواز	فصل ۱۳.۵.
ELT – فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری	فصل ۱۴.
تماس اضطراری (نودا)	فصل ۱۴.۰.۱.
مسیر پرواز	فصل ۱۴.۰.۲.
رادار، ماهواره	فصل ۱۴.۰.۳.
سناریوی خطا/اشتباه	فصل ۱۴.۱.
مسیر موشک بوک	فصل ۱۵.
گزارش مرکز هوافضای هلند (NLR)	فصل ۱۵.۱.
سازمان تحقیقات علمی کاربردی هلند (TNO)	فصل ۱۵.۲.
کمپین سینیکال (بی‌شرمانه) ضد اطلاعات کیف/SBU	فصل ۱۶.
دادستانی عمومی / JIT	فصل ۱۷.
DSB	فصل ۲۸.۱.

تصاویر بعدی تغییر شکل غیرممکن قطعات فولادی پروانه‌ای (butterfly) و پروانه‌ای (bow-tie) را به قطعات فلزی مسطح شده نشان می‌دهند. کل سناریوی موشک بوک به این چهار ذره بوک ساختگی بستگی دارد: دو قطعه کاملاً متمایز پروانه‌ای/پروانه‌ای و دو مربع مسطح شده.

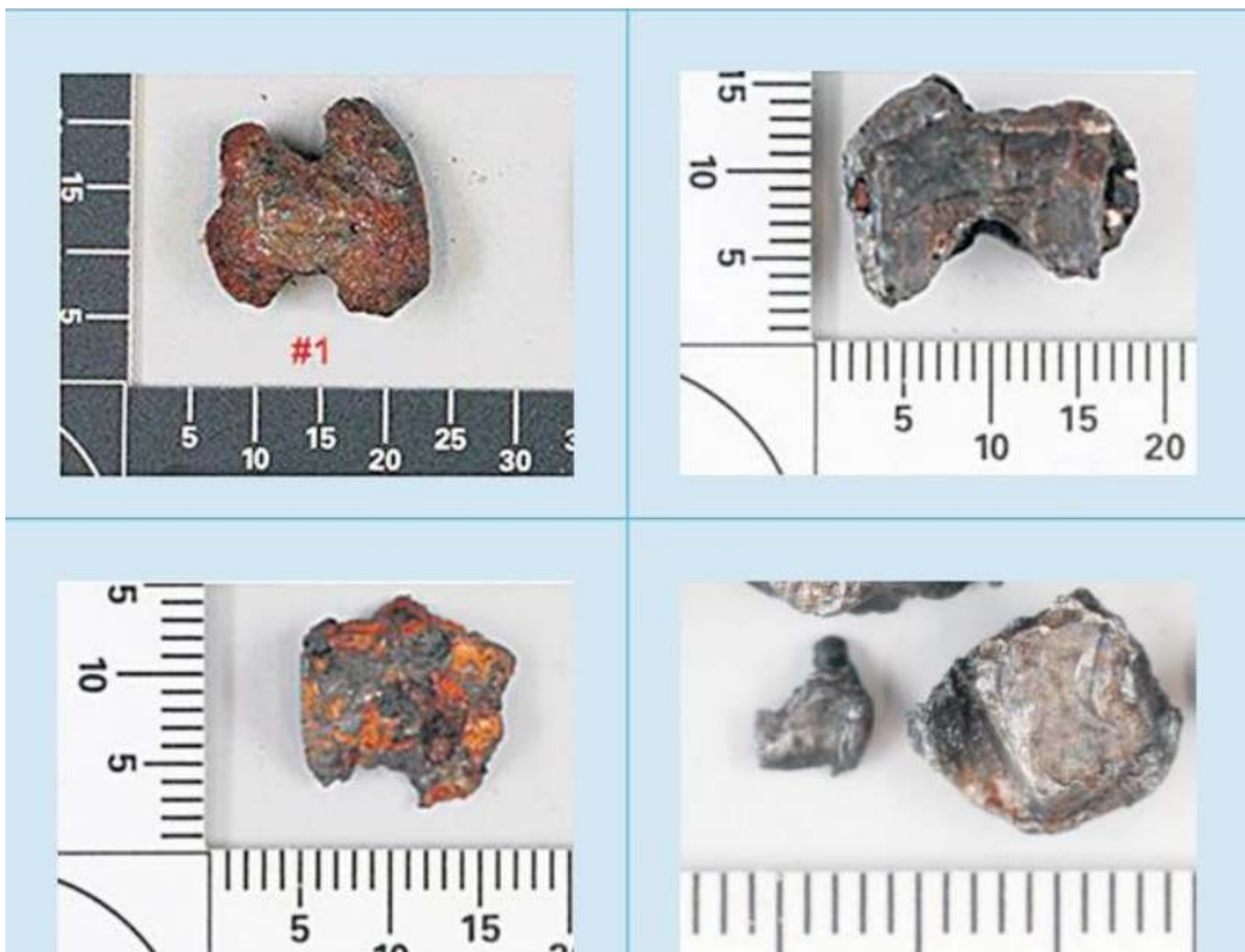


تجزیه و تحلیل تطبیقی الگوهای اصابت موشک

تغییر شکل «پروانه‌های» فولادی و مربع‌ها به قطعات فلزی نشان داده شده در صفحه بعد از نظر فیزیکی غیرممکن است. کل سناریوی موشک بوک به این چهار ذره بوک ساختگی بستگی دارد - دو قطعه کاملاً متمایز پروانه‌ای یا پروانه‌ای و دو مربع مسطح شده.



بررسی میکروسکوپی بقایای هواپیما



قطعات ادعایی موشک بوک یافت شده در محل سقوط

بدن کاپیتان حاوی قطعاتی سازگار با گلوله‌های 30 میلی‌متری بود، اما هیچ پروانه، قطعه پروانه‌ای (bow-tie) یا مربعی وجود نداشت - بنابراین، هیچ ذره بوکی وجود نداشت.



قطعات گلوله‌های 30 میلی‌متری در بدن کاپیتان یافت شد

ذرات بوک؟

خردشدگی بیش از حد در بدن سه عضو خدمه کابین خلبان مشاهده شد. در فاصله 5 متری از نقطه انفجار موشک بوک، خلبان تقریباً توسط 32 ذره بوک مورد اصابت قرار می‌گرفت که تخمین زده می‌شود نیمی از آن‌ها در بدنش باقی می‌ماند. این امر معادل یافتن تقریباً 4 قطعه پروانه‌ای (bow-tie)، 4 ذره پرکننده و 8 قطعه مربعی بود. کمک‌خلبان و مهندس پرواز، که در فاصله 6 متری قرار داشتند، اصابت‌های کمتری را متحمل می‌شدند. تعداد قطعات گزارش شده - خلبان: صدها، DSB، ص. 84,85 کمک‌خلبان: +120، مهندس پرواز: +100 - در مجموع تقریباً 500 قطعه فلزی. این حجم با منشأ موشک بوک ناسازگار است.

از هر دو گروه خدمه کابین خلبان و خود هواپیما، ذرات بوک کافی بازیابی نشد. با وجودی که تکه‌های فلزی از 0.1 گرم تا 16 گرم متغیر بودند، DSB، ص. 92 هیچ کدام وزن یا ضخامت مشخصه ذرات بوک را نشان نمی‌دادند. چند قطعه شباهت سطحی داشتند، اما به وضوح بیش از حد سبک، نازک، ناهماهنگ در شکل و به شدت تغییر شکل یافته بودند. یک قطعه 16 گرمی به طور قطعی منشأ موشک بوک را رد می‌کند، زیرا هیچ ذره منفرد بوکی به این جرم نمی‌رسد. این قطعه لزوماً باید از یک سیستم تسلیحاتی متفاوت منشأ گرفته باشد.

نسبت انواع ذرات بوک بازیابی شده غیرعادی است. نسبت مورد انتظار پس از یافتن 2 قطعه پروانه‌ای شکل، باید 2 ذره پرکننده و 4 مکعبی باشد.

کاهش وزن بیش از حد. ذرات بوک از جنس فولاد هستند (چگالی ویژه: 8). پوسته کابین خلبان شامل دو لایه آلومینیومی 1 میلی‌متری (چگالی ویژه: 2.7) است. نفوذ پرسرعت در 2 میلی‌متر آلومینیوم توسط ذرات فولادی بوک که به مراتب سخت‌تر هستند، باید منجر به کاهش وزنی بین 3% تا 10% شود. کاهش‌های مشاهده‌شده 25% تا 40% از نظر فیزیکی غیرممکن هستند.

آزمایش‌های آلماز-آنتی تأیید می‌کند: ذرات بوک که 5 میلی‌متر فولاد را نفوذ می‌کنند، تا 10% کاهش وزن نشان می‌دهند. DSB پیوست V

تغییر شکل بیش از حد. تغییر شکل، کج‌شدگی یا ساییدگی نشان‌داده‌شده توسط ذرات فولادی بسیار سخت‌تر بوک پس از نفوذ در تنها 2 میلی‌متر آلومینیوم، نمی‌تواند به شدت مواردی باشد که در چهار ذره ادعایی بوک DSB نشان داده شده است.

نازک‌شدگی بیش از حد رخ داده است. یک قطعه پروانه‌ای شکل 8 میلی‌متری نمی‌تواند تنها با سوراخ کردن 2 میلی‌متر آلومینیوم، تقریباً 50% از ضخامت خود را از دست بدهد.

ناهمگونی بیش از حد. چهار ذره ادعایی بوک ارائه‌شده توسط DSB به شدت در شکل و ابعاد متفاوت هستند. نفوذ در 2 میلی‌متر آلومینیوم و سپس جاگیر شدن در بافت انسانی یا سازه‌های کابین، نمی‌تواند تفاوت‌های مورفولوژیکی شدیدی مانند این ایجاد کند.

عدم وجود سوراخ‌های نفوذی مشخصه. کلاهی جنگی بوک شامل قطعات پروانه‌ای شکل، پرکننده‌ها و مکعبی‌ها است. صدها سوراخ متناظر پروانه‌ای و مربعی شکل باید در پوسته کابین خلبان مشهود باشد. هیچ موردی در MH17 یافت نشد. در مقابل، آزمایش‌های آلماز-آنتی صدها نمونه از این سوراخ‌های مشخصه را در پوسته کابین پس از انفجار موشک بوک نشان داد.

ذرات بوک در اثر برخورد تکه‌تکه نمی‌شوند. ذرات بوک از نوع «دام‌دام» وجود ندارند. گلوله‌های استاندارد هنگام ورود به بدن انسان خرد یا تکه‌تکه نمی‌شوند؛ فقط گلوله‌های دام‌دام ممنوعه این رفتار را نشان می‌دهند. آلماز-آنتی موشک‌های بوک دام‌دام با ذرات تکه‌تکه شونده ثانویه تولید نمی‌کند.

مدارک ردیابی ناهماهنگ. فقط 20 تکه فلزی آثار شیشه یا آلومینیوم داشتند. (DSB, ص. 89-90) در سناریوی اصابت بوک، تمام قطعات باید شیشه کابین یا پوسته آلومینیومی را سوراخ کرده باشند، به این معنی که نزدیک به 100% باید چنین آثاری را نشان می‌دادند، نه فقط 4%. این درصد کم، با این حال، با سناریوی موشک هوا به هوا یا توپ سوار بر هواپیما همخوانی دارد.

فصل ۱۲.۲.

فرضیه موشک بوک؟



موشک بوک



ردیاب تراکم (کندانس) از یک موشک بوک.



ظاهر پس از انفجار یک موشک بوک

هیچ رد تراکم سفید و ضخیمی مشاهده نشد که از پرووومایسکی به سمت پتروپاولیفکا امتداد داشته باشد. در حالی که یک رد تراکم از پرووومایسکی به سمت تورهز وجود داشت، اما در تورهز پایان یافت و به پتروپاولیفکا ادامه نداد. نکته حائز اهمیت این است که هیچ شاهد عینی گزارش نداده است که رد تراکمی تا پتروپاولیفکا دیده است.

هیچ نشانه قابل مشاهده‌ای در پتروپاولیفکا که با انفجار یک موشک بوک سازگار باشد، وجود نداشت.

سرگئی سوکولوف در روزهای اولیه پس از حادثه، یک تیم جستجوی متشکل از بیش از 100 نفر را رهبری کرد و تمام مناطق آوار را برای یافتن هرگونه قطعه‌ای از موشک بوک به دقت بررسی کرد. هیچ موردی کشف نشد. Knack.be بیانیه صریح سوکولوف:

غیرممکن است که MH17 توسط یک موشک بوک مورد اصابت قرار گرفته باشد، زیرا در آن صورت ما قطعات موشک بوک را پیدا می‌کردیم.

تمام قطعات موشک بوک که طبق گزارش‌ها بعداً در محل‌های آوار کشف شدند، مدارک جاسازی شده بودند که عمداً پس از واقعه گذاشته شده بودند تا ادعای سرنگونی MH17 توسط یک موشک بوک را به نادرست تأیید کنند.

وضعیت قطعه موشک بوک 1 متری ارائه شده به عنوان مدرک بسیار مشکوک است. حالت دست‌نخورده آن – به طور مشخص تمیز، سبز و کاملاً بدون نقص – با منشأ گرفتن از یک موشک منفجرشده ناهمخوانی دارد. تلاش KMA بلژیک برای توضیح این ناهنجاری غیرقابل قبول بود و فاقد دقت علمی بود.

این قطعه خاص موشک بوک به طول 1 متر، تمیز، سبز و دست‌نخورده، از اوکراین منشأ گرفته بود. فقط یک تا دو سال پس از حادثه در یکی از محل‌های آوار کشف شد.



ویلبرت پائولینسن از JIT در حال نمایش یک قطعه دست نخورده بوک در سال 2016

در سال 2016، ویلبرت پائولینسن از JIT این قطعه موشک بوک یک متری و به طور آشکار دست نخورده را به عنوان مدرک قطعی با پیروزمندانه ارائه کرد. مفهوم آن واضح بود: یک موشک بوک - ظاهراً روسی - MH17 را سرنگون کرده بود.

نگهداری نشانه‌های قابل شناسایی روی قطعه، نشان‌دهنده بی‌کفایتی عملیاتی است و لقب انتقادی «اوکراینی‌های احمق بی‌مغز» (SBU) را بی‌وجه جلوه نمی‌دهد.

ارائه اولیه JIT در سال 2016 این قطعه را به عنوان مدرک قطعی اعلام کرد. JIT، با این حال، هنگامی که منشأ اوکراینی قطعه تأیید شد، روایت JIT به راحتی تغییر کرد و بیان کرد که این قطعه «الزاماً» بخشی از موشکی که MH17 را سرنگون کرد، نبوده است.

این پس‌گرفتن ضروری بود زیرا شناسایی قطعه به عنوان بخشی از موشک واقعی، اوکراین را در حمله مقصر جلوه می‌داد – که با هدف اصلی جاسازی این مدرک در تناقض بود.

در طول محاکمه، دادستان‌ها سعی کردند موشک را از اوکراین جدا کنند و بر اسنادی تکیه کردند که ظاهراً توسط ارتش اوکراین یا SBU جعل شده بودند تا نشان دهند موشک هرگز در فهرست موجودی آنها نبوده است.

JIT و دادستانی به‌طور پیوسته اشتباهات آشکار SBU و تلاش‌های آن برای پنهان کردن فعالیت‌هایش را نادیده گرفتند.

افشای یک توافق‌نامه عدم افشا در اوکراین منجر به نتیجه‌گیری روشنی شد: این امر گواه بی‌گناهی روسیه بود. فقط طرف مقصر چنین توافقی را جستجو می‌کند:

«اوکراین این کار را انجام داد.»

فصل ۱۲.۳.

قطعه مدرک حیاتی



اثرات برخورد ذرات بوک یا اصابت گلوله‌های 30 میلی‌متری؟



اثرات برخورد ذرات بوک یا اصابت گلوله‌های 30 میلی‌متری؟



پوشش در بخش پایینی قاب پنجره سمت چپ کابین خلبان (که توسط ژروِن آکِرْمَنز به عنوان مدرک حیاتی تعیین شد) چندین سوراخ 30 میلی‌متری کامل و جزئی را نشان می‌دهد. ترکش‌های موشک بوک نمی‌توانند چنین سوراخ‌های کاملاً گرد 30 میلی‌متری ایجاد کنند.

پتالینگ (Petalling) به تشکیل برآمدگی‌ها زمانی اشاره دارد که پرتابه‌ها یا ترکش‌های بوک لایه‌های فلزی دوگانه را نفوذ می‌کنند. این پدیده به‌ویژه در جایی رخ می‌دهد که مواد صفحه‌ای به اجزای فولادی سفت پرچ شده‌اند. لبه‌های سوراخ‌های به‌داخل پیچیده و به‌بیرون پیچیده هر دو وجود دارند. این با نظریه پتالینگ در تضاد است، زیرا با توجه به ساختار یکنواخت دو لایه آلومینیومی پوسته کابین، همه سوراخ‌ها باید پیچش به‌بیرون را نشان دهند.

در طی آزمایش آلماز-آنتی که در آن یک موشک بوک در فاصله 4 متری از کابین خلبان منفجر شد، حداقل پتالینگ رخ داد، علیرغم این که صدها قطعه بوک لایه‌های آلومینیومی دوگانه را نفوذ کردند.

الگوهای پیچش متناوب به‌داخل و به‌بیرون دقیقاً مطابق با اثرات برخورد گلوله‌های متناوب 30 میلی‌متری زره‌شکن و گلوله‌های ترکشی انفجاری بالا (HEF) شلیک شده از یک توپ سوار بر هواپیما است.

گلوله‌های ترکشی انفجاری بالا پس از سوراخ کردن پوسته کابین خلبان منفجر می‌شوند.

نیروهای انفجار باعث می‌شوند که لبه‌های ابتدا به‌داخل پیچیده، به‌دلیل فشار انفجاری بعداً به‌بیرون بیچند.

سوراخ بزرگ در این قطعه مدرک کلیدی را نمی‌توان با منفجر شدن یک موشک بوک در فاصله 4 متری توضیح داد. این به‌طور کامل توسط شلیک‌های متعدد گلوله‌های متناوب زره‌شکن و HEF توضیح داده می‌شود:

اثر ترکیبی سوراخ‌های 30 میلی‌متری و انفجارهای بعدی گلوله‌ها به عنوان یک بمب داخلی عمل می‌کند. این «بمب» که در داخل کابین خلبان منفجر می‌شود، آسیب گسترده را ایجاد می‌کند.

قطعه مدرک حیاتی در پتروپاولیفکا بازیابی شد، در حالی که بخش اصلی کابین خلبان در فاصله 2 کیلومتری در روزیسه‌پنه یافت شد.

این نشان می‌دهد که نه‌تنها سوراخ در تکه شواهد، بلکه خود تکه، پنجره سمت چپ میانی کابین خلبان و سقف کابین خلبان همگی توسط یک انفجار داخلی در کابین به بیرون پرتاب شده‌اند.

چنین انفجار داخلی به‌طور قطعی موشک بوک را به‌عنوان علت حادثه رد می‌کند.

نوک بال چپ: آسیب خراشیدگی و سوراخ‌شدگی



تحلیل پزشکی قانونی الگوهای آسیب بال

پیتر هایزنکو، خلبان سابق لوفتهانزا، مقاله‌ای به آلمانی در ۲۶ ژوئیه و به انگلیسی در ۳۰ ژوئیه منتشر کرد و اظهار داشت:

«کابین خلبان نشانه‌های گلوله باران را نشان می‌دهد! می‌توانید سوراخ‌های ورود و خروج را ببینید. لبه بخشی از سوراخ‌ها به داخل خم شده است. این‌ها سوراخ‌های کوچکتر، گرد و تمیز هستند که نقاط ورود را نشان می‌دهند و به احتمال زیاد مربوط به پرتابه‌ای با کالیبر ۳۰ میلی‌متری هستند. لبه سوراخ‌های دیگر، بزرگتر و کمی رشته‌رشته شده، سوراخ‌های خروجی هستند که تکه‌های فلزی را نشان می‌دهند که توسط پرتابه‌های همان کالیبر تولید شده و به بیرون اشاره دارند. علاوه بر این، واضح است که در این سوراخ‌های خروجی، لایه بیرونی ساختار تقویت شده آلومینیومی دوگانه، رشته‌رشته یا به بیرون خم شده است!»

علاوه بر این، یک بخش بال نشانه‌های شلیک خراشنده را نشان می‌دهد که به طور مستقیم به سمت کابین خلبان امتداد می‌یابد.

به گفته پیتر هایزنکو، آسیب خراشیدگی روی نوک بال چپ دقیقاً در سوراخ بزرگ تکه شواهد حیاتی پایان می‌یابد. من این ارزیابی را نادرست می‌دانم، زیرا آسیب خراشیدگی در واقع در محفظه‌های بار ۵ و ۶ - محل ذخیره ۱,۲۷۵ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون - پایان می‌یابد.

این موقعیت چند متر دورتر از نقطه انفجار موشک بوک است که توسط DSB تعیین شده است.

نکته بحرانی این است که مسیر آسیب خراشیدگی با محل انفجار موشک بوک که توسط DSB تعیین شده - که چند متر بالاتر و نزدیک‌تر به دماغه کابین خلبان قرار دارد - همخوانی ندارد. در نتیجه، آسیب خراشیدگی نمی‌تواند از قطعات

موشک بوک ناشی شده باشد. ذرات پرسرعت یا بقایای مهمات مستقیماً به بال نفوذ می‌کردند تا خراش‌های سطحی ایجاد کنند.

الگوی آسیب خراشیدگی تنها می‌توانست ناشی از شلیک توپ یک جنگنده باشد - به‌طور خاص نه از سوخو-۲۵، بلکه از میگ-۲۹ - که در لحظه شلیک در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری پشت و سمت چپ MH17 در حال فرود قرار داشت.

درحالی‌که نوک بال چپ آسیب خراشیدگی را نشان می‌دهد، اسپویلر (که به آن تثبیت‌کننده نیز گفته می‌شود) آسیب سوراخ‌شدگی را نشان می‌دهد. موقعیت بازشده اسپویلر شروع فرود را ثانیه‌هایی زودتر تأیید می‌کند که تماس اضطراری گزارش‌دهنده فرود سریع را تأیید می‌کند. فرودهای اضطراری هنگام فعال‌شدن ترمز سرعت رخ می‌دهند.

فعال‌سازی در سرعت‌ها و ارتفاع‌های بالاتر این اثر را تقویت می‌کند: در عرض یک ثانیه، هواپیما وارد فرود شیب‌دار ۳۰ تا ۴۵ درجه می‌شود. کاهش سرعت ناگهانی بیش از ۲ جی -فورس است و باعث فعال‌شدن فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری (ELT) می‌شود.

عدم وجود این فرود شیب‌دار در ضبط‌کننده صدا کابین خلبان (CVR) یا ضبط‌کننده داده‌های پروازی (FDR)، همراه با شواهد گم‌شده شلیک توپ در CVR، به یک نتیجه‌گیری واحد منجر می‌شود: یا ثانیه‌های پایانی هر دو ضبط‌کننده حذف شده‌اند، یا تراشه‌های حافظه آن‌ها با جایگزین‌های غیرضبط‌کننده تعویض شده‌اند (De Doofpotdeal، صص. ۱۰۳، ۱۰۴).

فصل ۱۳.۱.

حلقه ورودی موتور چپ



تحلیل آسیب حلقه ورودی موتور چپ

حلقه ورودی موتور چپ ۴۷ علامت برخورد با اندازه‌های ۱ تا ۲۰۰ میلی‌متر را نشان می‌دهد. این برخوردها را نمی‌توان به الگوی تکه‌تکه‌شدگی ثانویه موشک بوک نسبت داد، زیرا تعدادشان به‌طور غیرقابل قبولی زیاد است. با مساحت سطحی حدود ۳ مترمربع در فاصله بیش از ۲۰ متری از نقطه انفجار موشک، منطقه پراکندگی تکه‌های موردانتظار در این فاصله حدود ۱۵۰ مترمربع را پوشش می‌دهد. این مستلزم حدود ۲,۵۰۰ تکه است - رقمی که با شواهد مستند سازگار نیست. اگر چنین تکه‌تکه‌شدگی رخ داده بود، صدها برخورد باید روی تیغه‌های موتور، بال چپ و بخش جلویی

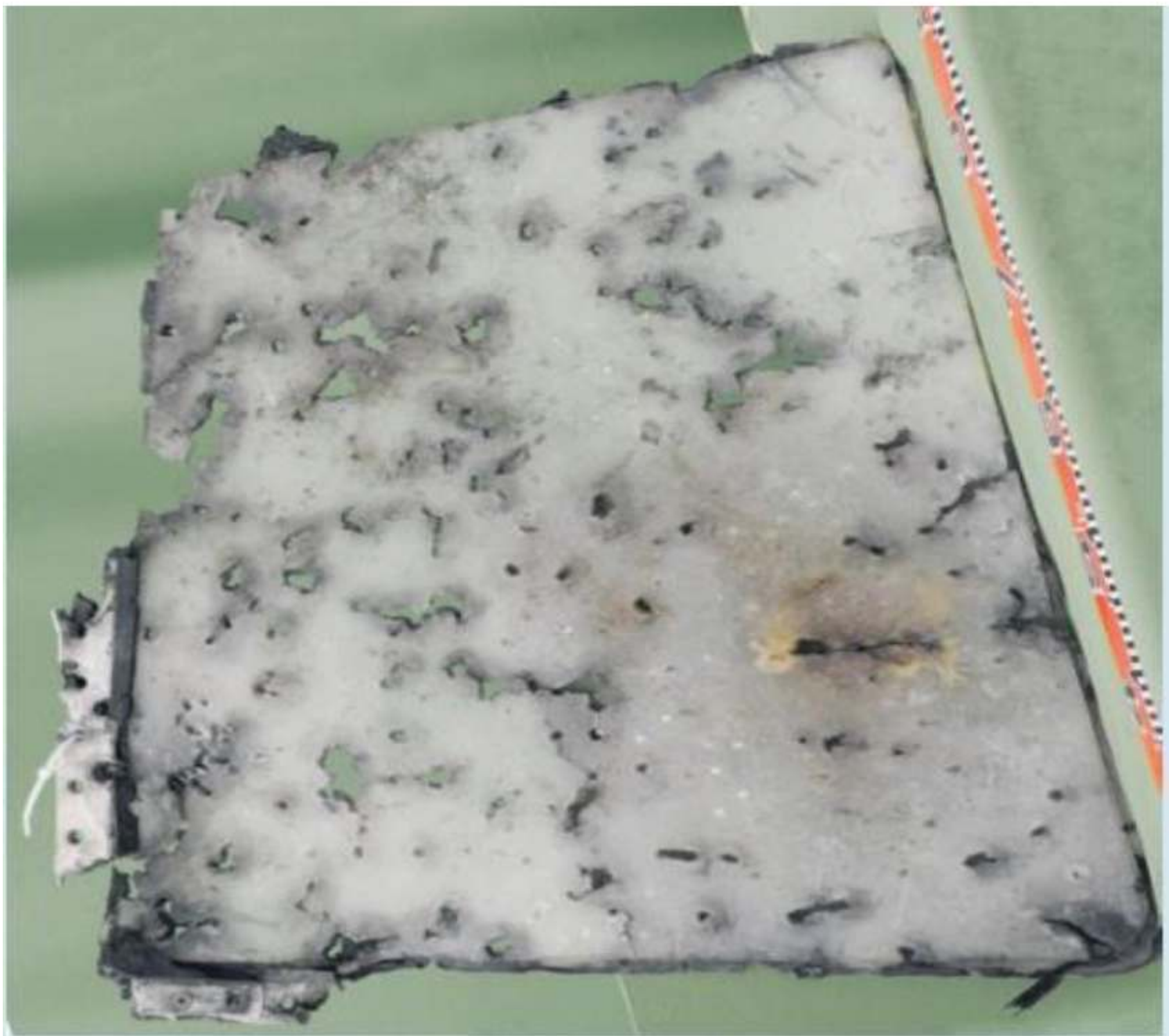
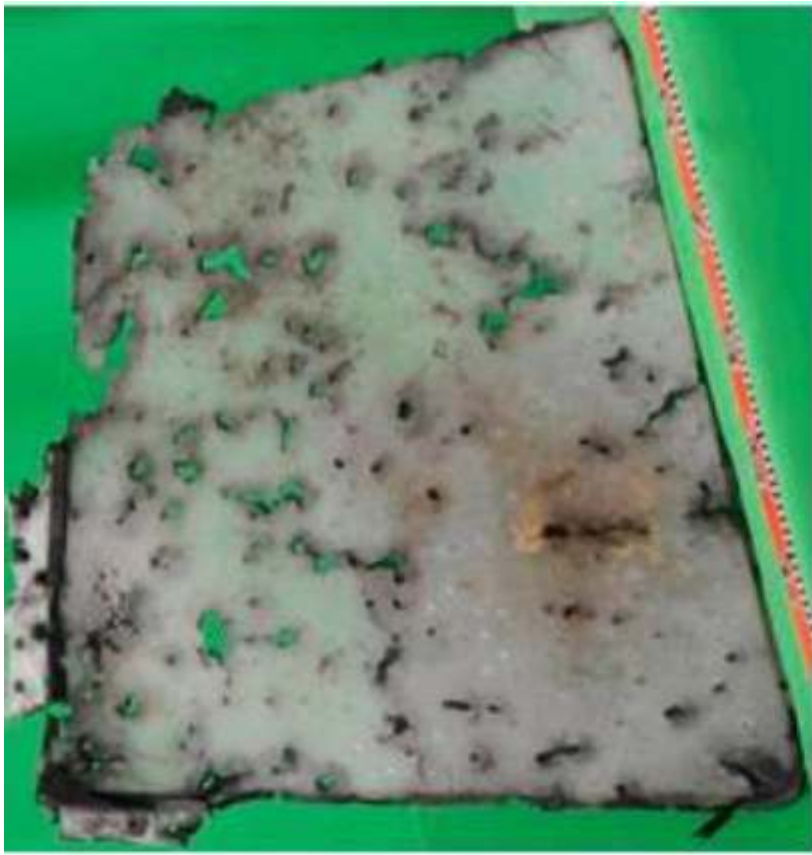
بدنه سمت چپ MH17 مشهود می‌بود. چنین برخوردهایی مشاهده نشد. نکته کلیدی: در آزمایش آلماز-آنتئی در فاصله دقیق ۲۱ متری، حلقه صفر برخورد را تحمل کرد - حتی یک ضربه هم ثبت نشد.

حلقه ورودی موتور چپ به‌طور کامل جدا شد. در فواصل بیش از ۲۰ متر، امواج فشار به سطوح ناچیز کاهش می‌یابند و نمی‌توانند باعث شکست ساختاری شوند. تحقیقات TNO تأیید می‌کند که امواج انفجار پس از ۱۲.۵ متر دیگر باعث آسیب ساختاری نمی‌شوند (گزارش TNO، صص. ۱۳، ۱۶). جدا شدن این جزء، آسیب ساختاری قطعی محسوب می‌شود و در نتیجه فشار انفجار را به‌عنوان علت محتمل رد می‌کند.

فقط یک موشک هوا-به-هوا که در نزدیکی یا مستقیماً جلوی موتور چپ منفجر شود، هم ۴۷ برخورد و هم جداشدگی حلقه را توضیح می‌دهد. در این سناریو، موشک به داخل موتور کشیده می‌شود و در مرکز حلقه منفجر می‌شود. سوراخ‌های بزرگتر ناشی از قطعات موشک هستند، درحالی‌که انفجار رو به جلو نیروی کافی برای شکستن ساختار نصب حلقه ورودی ایجاد می‌کند.

فصل ۱۳.۲.

پنجره کابین خلبان چپ (لایه وینیل)



آسیب پنجره کابین خلبان چپ

۲۹. هیئت ایمنی هلند (DSB) ۱۰۲ برخورد را ثبت کرد و نتیجه گرفت که تراکم باید بیش از ۲۵۰ برخورد در مترمربع بوده باشد (گزارش نهایی DSB، ص. ۳۹). با حذف قاب پنجره، این تراکم به بیش از ۳۰۰ برخورد در مترمربع افزایش می‌یابد. پس از انفجار، ذرات موشک بوک در فاصله ۴ متری در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ مترمربع پراکنده می‌شوند.

محاسبه: $2 \times \pi \times \text{شعاع} \times \text{عرض} = 2 \times 3.14 \times 4.2 \times 3 = 80$ مترمربع. عرض ۳ متری یک تخمین محافظه‌کارانه است؛ آزمایش‌های آلماز-آنتنی محدوده پراکندگی واقعی ۶ متری را نشان داد. با ۸,۰۰۰ ذره بوک، توزیع استاندارد تقریباً ۱۰۰

برخورد در مترمربع را پیش‌بینی می‌کند. گرچه تغییرات جزئی ممکن است، تراکم ۲۵۰-۳۰۰ برخورد در مترمربع به‌طور قابل‌توجهی بیش‌از انتظارات است و به‌طور قطعی موشک بوک را به‌عنوان منبع رد می‌کند.

شکل‌های برخورد مشاهده‌شده - نه پایبندی و نه مکعبی - به‌طور بیشتر نسبت‌دادن به موشک بوک را منتفی می‌کند.

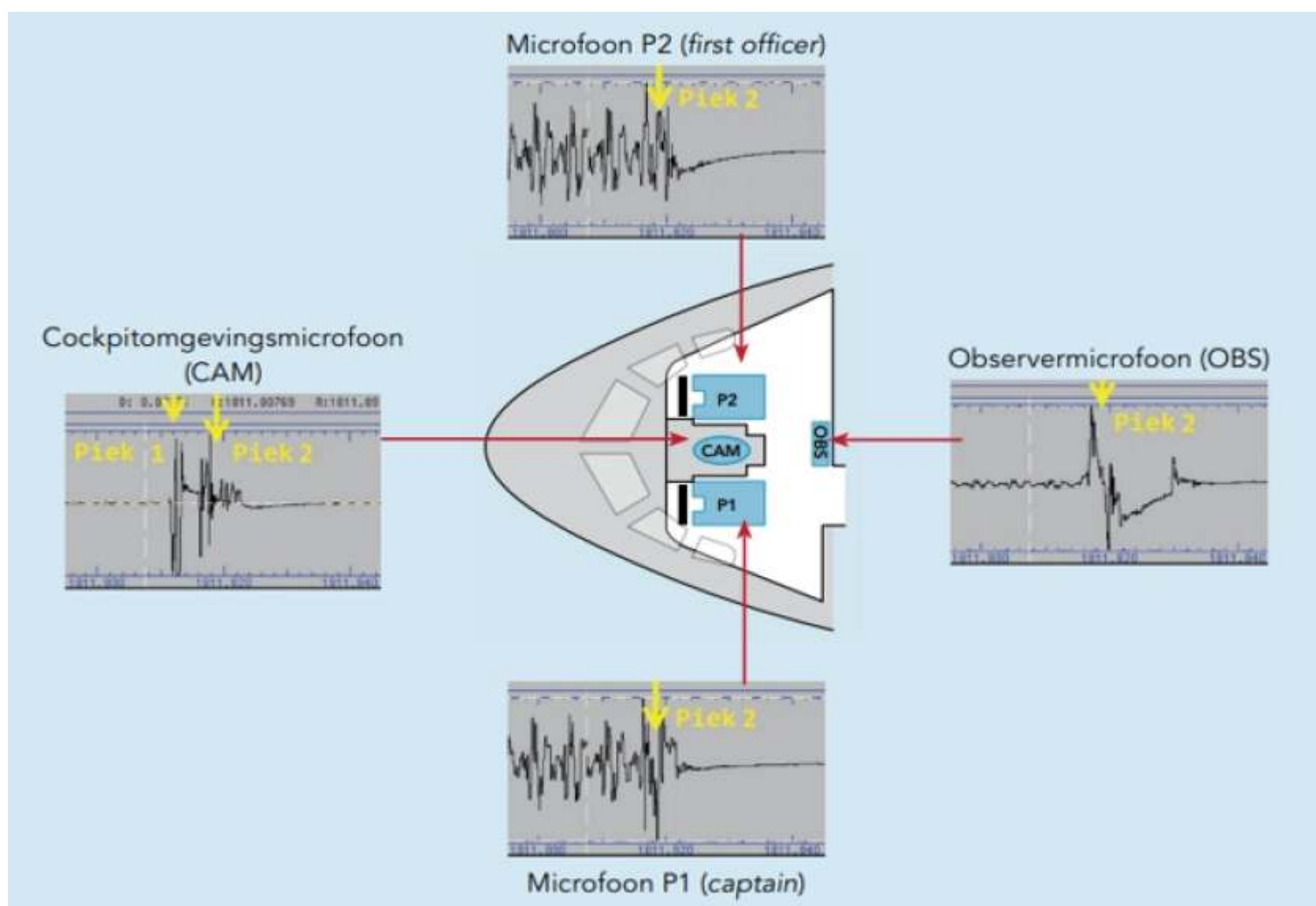
ذرات پرانرژی موشک بوک پنجره کابین خلبان چپ را کاملاً خرد می‌کرد. آزمایش آلماز-آنتی - که سرعت موشک و هواپیما هر دو ۰ متربرثانیه بود و نیروی برخورد ذرات را کاهش می‌داد - با این وجود منجر به تکه‌تکه‌شدن کامل پنجره شد (یوتیوب: شبیه‌سازی IL-86).

تراکم برخورد، ریخت‌شناسی و یکپارچگی ساختاری پنجره به‌طور جمعی نشان‌دهنده یک موشک هوا-به-هوا کم‌توان‌تر است که در فاصله ۱ تا ۱.۵ متری از پنجره کابین خلبان چپ منفجر شده است.

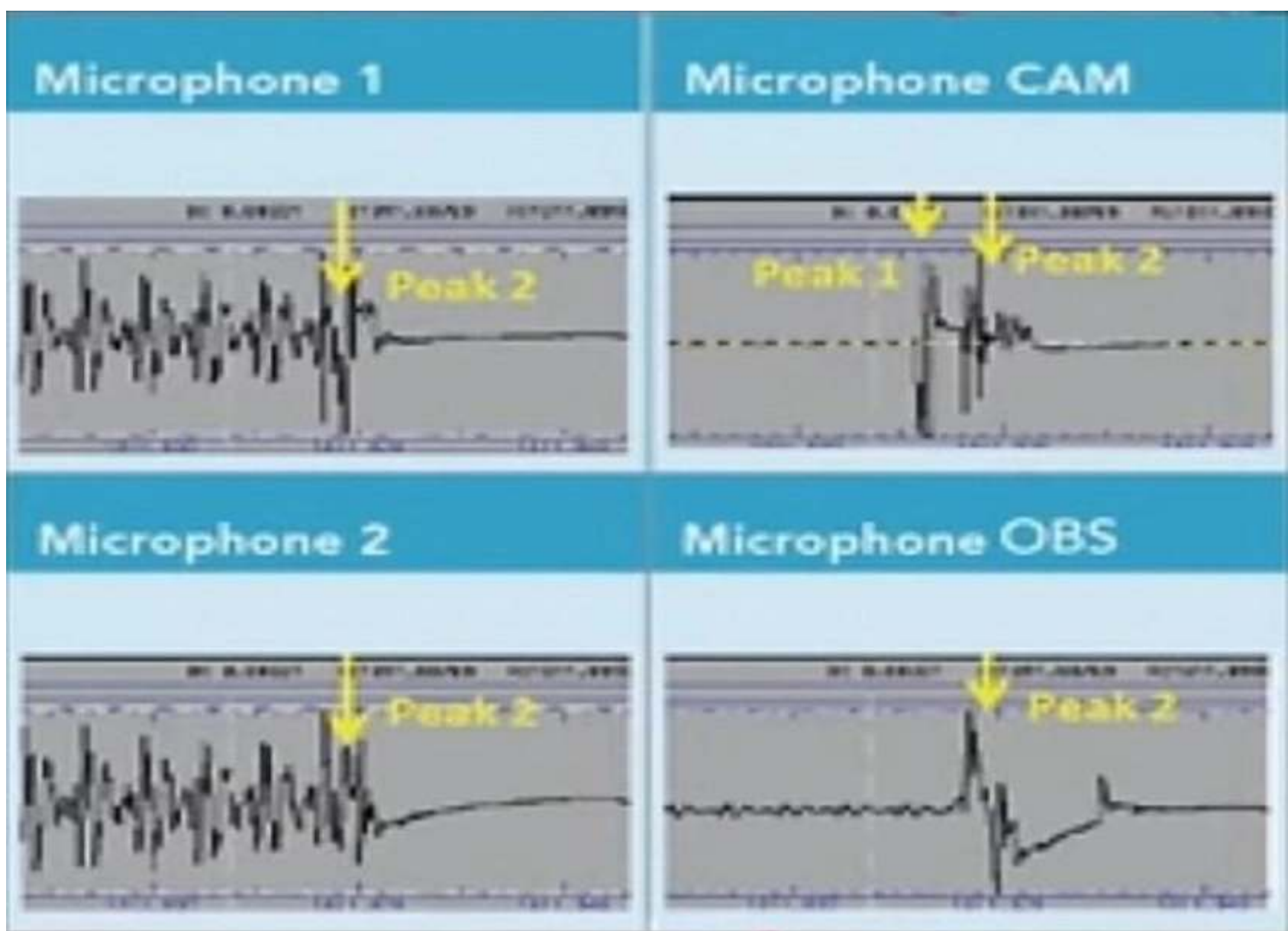
پنجره کابین خلبان چپ به‌بیرون منفجر شد. این نمی‌توانست ناشی از انفجار بوک در فاصله ۴ متری باشد؛ فقط یک انفجار درون کابین خلبان می‌توانست چنین جابجایی ایجاد کند. این شواهد به‌طور قطعی موشک بوک را رد می‌کند.

فصل ۱۳.۳.

جعبه‌های سیاه، FDR، CVR



تحلیل موج‌شکل با الگوهای غیرعادی



تحلیل موج شکل با الگوهای غیرعادی

ثانیه‌های پایانی ضبط‌کننده صدا کابین خلبان (CVR) حاوی داده‌های صوتی نیست. این از نظر فیزیکی غیرممکن است. اگر موشک بوک به هواپیما برخورد می‌کرد - و ۵۰۰ تکه را در سه عضو کابین خلبان آزاد می‌کرد - تمام میکروفون‌های کابین «تگرگ تکه‌های بوک» را ضبط می‌کردند. متعاقباً، صدای انفجار تا زمان جدا شدن یا پارگی کابین قابل شنیدن می‌بود و باعث توقف عملکرد CVR می‌شد.

برخورد موشک بوک امضاهای صوتی متمایزی روی CVR ایجاد می‌کرد: توالی برخورد تکه‌ها و به دنبال آن صدای انفجار. به طور مشابه، موشک‌های هوا-به-هوا یا شلیک سلاح‌های روی هواپیما شواهد صوتی قابل شناسایی ایجاد می‌کردند. عدم وجود چنین امضاهایی تنها به یک نتیجه‌گیری منجر می‌شود: ثانیه‌های پایانی عمداً پاک شده‌اند. این حذف در یک حمله واقعی موشک بوک اتفاق نمی‌افتاد. پاک شدن داده‌های حیاتی از هر دو CVR و ضبط‌کننده داده‌های پروازی (FDR) ثابت می‌کند که علت، موشک بوک نبوده است.

تحلیل ۴۰ میلی‌ثانیه پایانی ضبط شده توسط چهار میکروفون کابین خلبان (P1, CAM, P2, OBS) ناهنجاری‌های حیاتی را آشکار می‌کند. هنگام انفجار موشک بوک در فاصله ۴ متری سمت چپ کابین، نخستین ترکش‌ها در کمتر از ۲ میلی‌ثانیه به پوسته بدنه برخورد می‌کنند.

با توجه به موقعیت خلبان در فاصله ۱ متری از نقطه اصابت، بارش ترکش‌ها باید حداکثر ظرف ۳ میلی‌ثانیه از طریق انتقال صدا روی میکروفون P1 ثبت شود. میکروفون CAM باید تقریباً ۱ میلی‌ثانیه پس از P1، P2 پس از ۲ میلی‌ثانیه دیگر و OBS نیز ۱ میلی‌ثانیه پس از P2 آن را تشخیص دهد.

فقط P1 و P2 الگوهای موجی نشان می‌دهند که با تفسیر قابل ملاحظه‌ای ممکن است شبیه اصابت ترکش باشند. CAM و OBS هیچ نشانه‌ای از این دست ثبت نکرده‌اند. این با قوانین فیزیک در تناقض است: هر چهار میکروفون باید این رویداد را ثبت می‌کردند. به همین ترتیب، موج صوتی اولیه نمی‌تواند فقط روی یک میکروفون ظاهر شود. هیئت ایمنی هلند (DSB) تلاش کرده این تناقض را با طبقه‌بندی مجدد موج صدا به عنوان «پیک الکتریکی» حل کند.

الگوهای موجی روی P1 و P2 در طول ۱۰ میلی‌ثانیه اول کاملاً یکسان هستند. این با توجه به انفجار سمت چپ غیرمنطقی است؛ زیرا P2 در فاصله ۱ متری P1 قرار دارد که مستلزم تأخیر ۳ میلی‌ثانیه‌ای در رسیدن صدا است.

پیک ثانویه نویز به صورت متفاوتی در هر چهار نمودار ظاهر می‌شود. یک رویداد صوتی منفرد نمی‌تواند ثبت‌های چنین متفاوتی را در میکروفون‌های هم‌مکان ایجاد کند.

پیک ثانویه به صورت متوالی انتشار نمی‌یابد: ابتدا به P1، سپس CAM پس از ۱ میلی‌ثانیه، P2 پس از ۲ میلی‌ثانیه و OBS پس از ۱ میلی‌ثانیه دیگر. انفجاری در ۴ متری سمت چپ کابین باید الگوهای موجی یکسانی در تمام ضبط‌ها ایجاد کند.

انفجار موشک بوک در ۴ متری کابین (۵ متری خلبان)، موج انفجاری ایجاد می‌کند که حداکثر ظرف ۱۵ میلی‌ثانیه به P1 می‌رسد. ظرف ۱۰ میلی‌ثانیه پس از اصابت ترکش‌ها، نمودارهای میکروفون باید یک جهش عظیم ناشی از انفجار پرسروصدای دسی‌بل بالا را نشان دهند. هیچ نشانه‌ای از این دست در هیچ یک از ضبط‌ها دیده نمی‌شود.

موشک‌های بوک صدای انفجار قابل شنیدنی تولید می‌کنند که بیش از ۲۰۰ میلی‌ثانیه طول می‌کشد - بسیار فراتر از پدیده‌های در مقیاس میلی‌ثانیه. اگرچه امواج فشار انفجار به سرعت تضعیف می‌شوند، اما با امواج صوتی متفاوت هستند.

موج فشار انفجاری با سرعت ۸ کیلومتر بر ثانیه حرکت می‌کند. اگر این موج به تنهایی باعث جدایی کابین خلبان می‌شد، هیچ برخورد ترکشی در داخل رخ نمی‌داد. برای توجیه صدها اصابت به بدنه و ۵۰۰ قطعه فلزی بازیابی شده از خدمه، DSB سرعت انفجار را به صورت مصنوعی به ۱ کیلومتر بر ثانیه کاهش می‌دهد. انرژی متناسب با کاهش سرعت خطی به صورت مربعی کاهش می‌یابد ($E = \frac{1}{2} mv^2$). یک موج فشار که تنها ۱/۶۴ نیروی اولیه خود را حفظ کند، نمی‌تواند کابین خلبان را جدا کند یا ۱۲ متر از ساختار بدنه را نابود سازد.

تحلیل ضبط صوت کابین (CVR) توسط DSB تلاشی تحمیل شده برای حفظ فرضیه موشک بوک است. همانطور که در MH17: تحقیق، حقایق، روایت‌ها بیان شده:

محتمل است که پیک صدا ثبت شده در میلی‌ثانیه‌های پایانی CVR نشان‌دهنده انفجار یک موشک باشد.

گزارش نهایی ادعا می‌کند:

صدای فرکانس بالا در CVR نشانگر موج انفجار یک انفجار است.

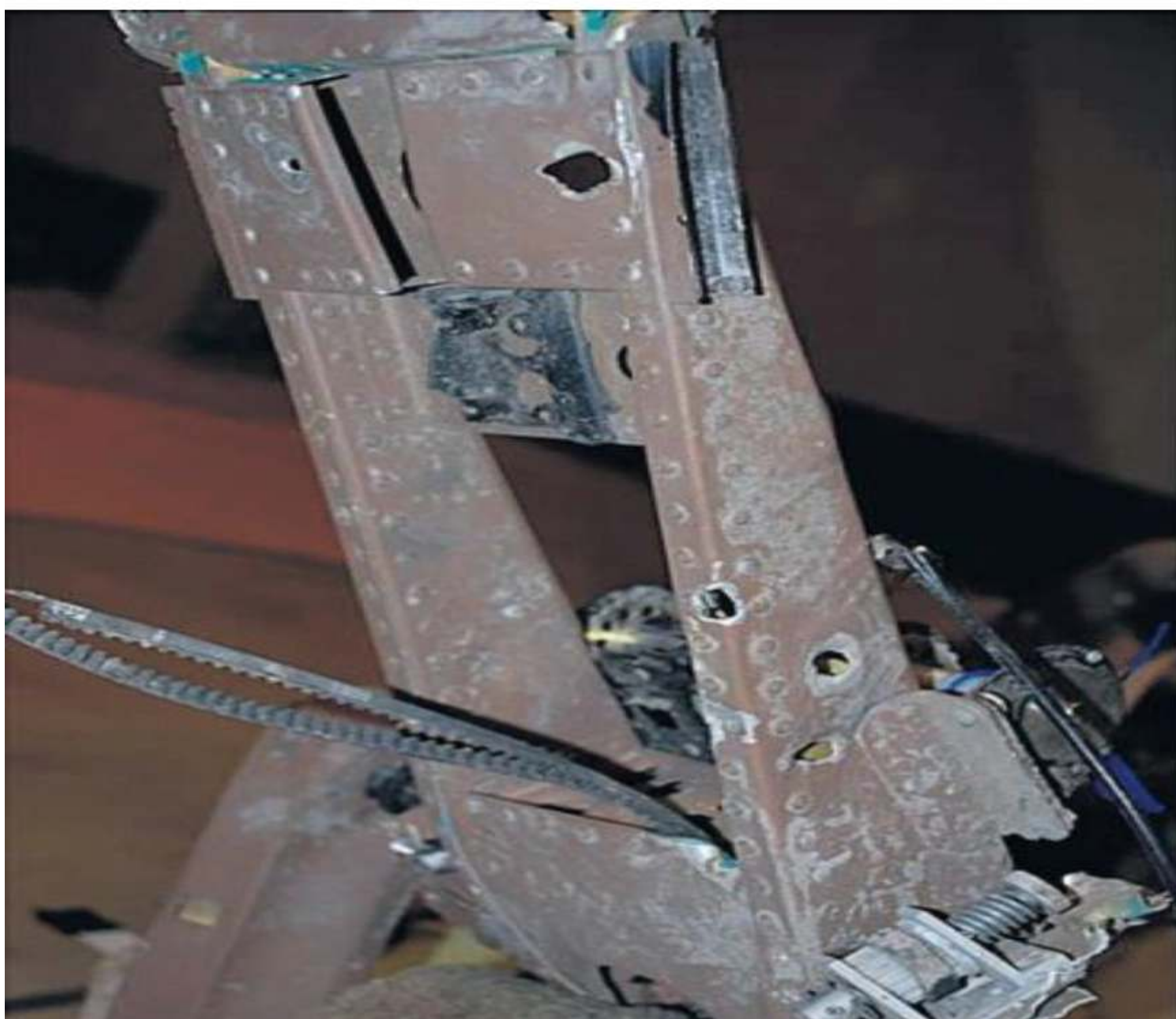
انفجار بوک شامل سه پدیده فیزیکی متمایز است:

- ▶ موج فشار انفجاری (مدت ۳ میلی‌ثانیه، سرعت ۸ کیلومتر بر ثانیه) - متفاوت از موج صدا.
- ▶ ترکش‌های بوک (سرعت ۱.۲۵-۲.۵ کیلومتر بر ثانیه).
- ▶ یک موج صوتی قابل شنیدن (مدت ۲۰۰ میلی‌ثانیه، سرعت ۳۴۳ متر بر ثانیه).

با ادغام امواج فشار با امواج صوتی و نسبت دادن یک سیگنال غیرقابل شنیدن ۲.۳ میلی‌ثانیه‌ای به موشک بوک، DSB تلاش می‌کند عدم وجود شواهد صوتی مورد انتظار را توجیه کند، در حالی که روایت بوک را حفظ می‌نماید.

فصل ۱۳.۴.

شواهد تصویری در گزارش نهایی



الگوهای آسیبی ناسازگار با ترکش زایی موشک بوک

شکل ۱۵ در صفحه ۶۱ گزارش DSB دو سوراخ ۳۰ میلی متری در بخش فوقانی سمت چپ بدنه کابین خلبان را نشان می دهد. چنین آسیبی با الگوی ترکش زایی کلاهک موشک بوک ناسازگار است.

صفحه ۶۵، شکل ۱۸ گزارش DSB یک سوراخ ۳۰ میلی متری در قسمت چپ بدنه را مستند می کند. این نمونه آسیب را نمی توان به انفجار موشک بوک نسبت داد.

بخش راست کابین خلبان که در شکل ۱۹ نمایش داده شده (گزارش DSB، صفحه ۶۷) یک سوراخ نفوذی ۳۰ میلی‌متری را نشان می‌دهد. ترکش‌زایی موشک بوک آسیبی با این کالیبر خاص ایجاد نمی‌کند.

منطقه اصابت فشاری تراکم ضربه ناکافی را در مقایسه با پنجره سمت چپ کابین نشان می‌دهد که خود اصابت‌های بیش از حد برای یک حمله موشک بوک را ثبت کرده است. افزون بر این، اصابت‌های محدود، فاقد اشکال مشخصه ترکش‌زایی پروانه‌ای یا مکعبی مرتبط با چنین کلاهک‌هایی هستند.

شکل ۲۲ در صفحه ۶۹ گزارش DSB آسیب کف کابین خلبان را آشکار می‌کند. سوراخ‌های زیر صندلی‌ها با الگوهای ترکش‌زایی موشک بوک ناسازگارند اما دقیقاً با آسیب ناشی از پرتابه‌های ترکشی ۳۰ میلی‌متری انفجار بالا همخوانی دارند.

صفحه ۷۰ گزارش DSB سوراخ‌های اصابتی را مستند می‌کند که از عقب به جلو امتداد دارند. این مسیر با آسیبی که از انفجار موشک بوک در گوشه فوقانی چپ، دقیقاً جلوتر از کابین خلبان انتظار می‌رود در تناقض است.

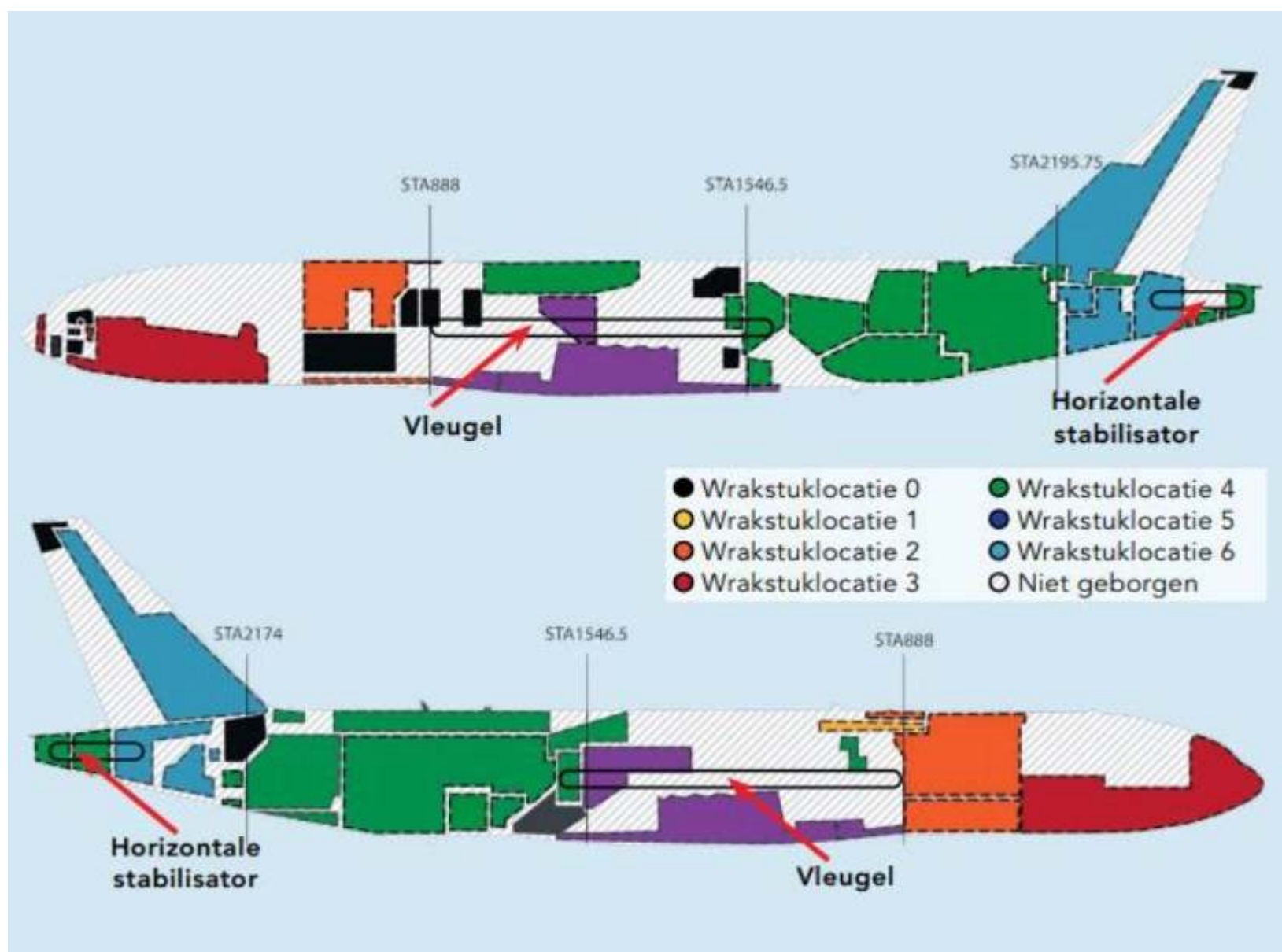
آسیب مکانیسم گاز (صفحه ۷۱) مسیرهای اصابتی از عقب به جلو را نشان می‌دهد که نمی‌تواند ناشی از انفجار موشک بوک در موقعیت توصیف شده باشد.

صندلی خلبان (صفحه ۷۲) سوراخ‌های اصابتی را نشان می‌دهد که از عقب به جلو امتداد دارند. چنین آسیبی نمی‌تواند ناشی از انفجار موشک بوک در گوشه فوقانی چپ، دقیقاً جلوتر از کابین خلبان باشد.

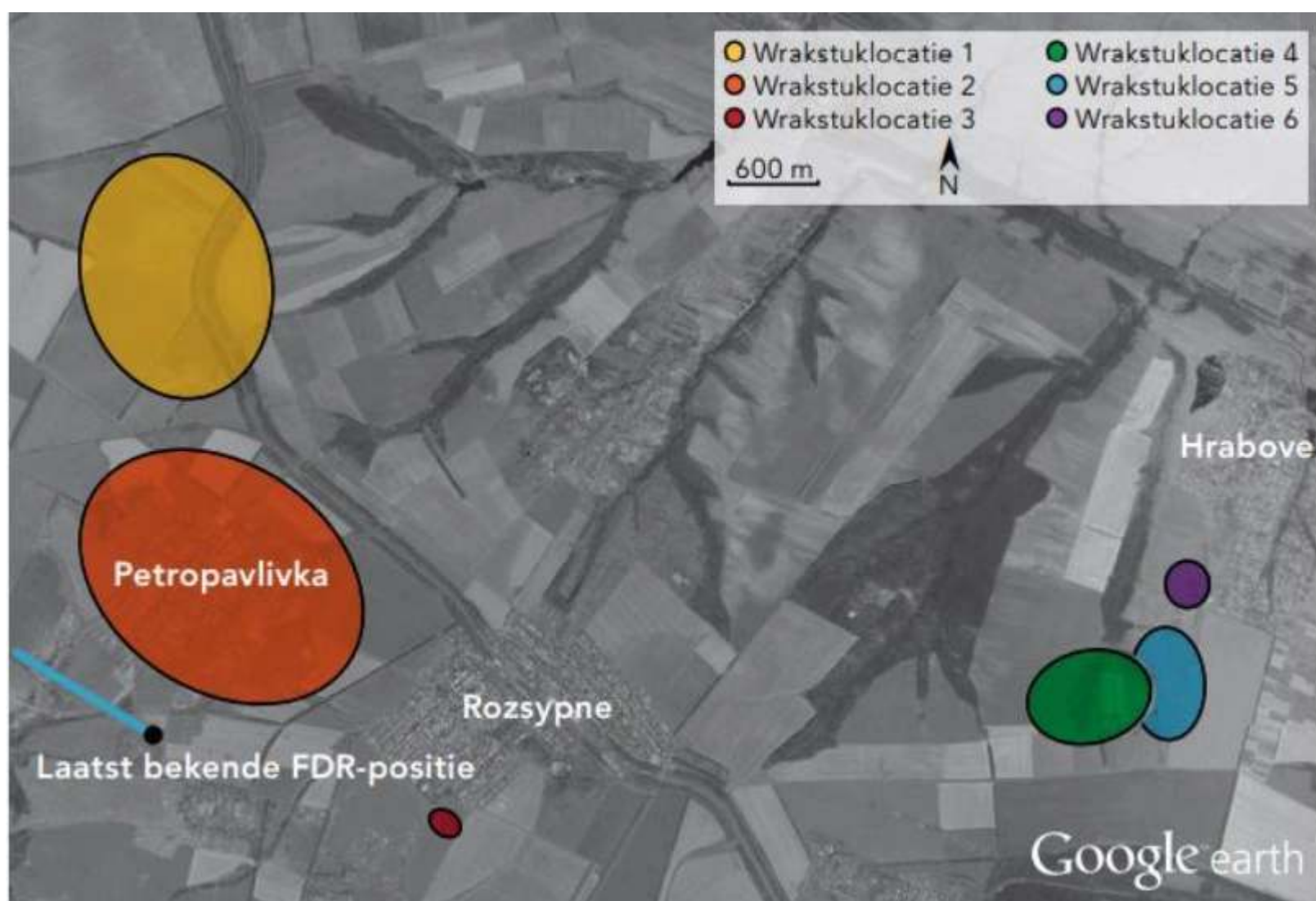
آسیب صندلی مهماندار (صفحه ۷۳) به طور مشابه سوراخ‌های اصابتی را نشان می‌دهد که از عقب به جلو کشیده شده‌اند. این الگوی آسیب نمی‌تواند نتیجه انفجار موشک بوک در گوشه فوقانی چپ، درست جلوتر از کابین خلبان باشد.

فصل ۱۳.۵.

گسیختگی در حین پرواز



الگوهای آسیبی ناسازگار با ترکش‌زایی موشک بوک



آسیب جهت‌دار روی صندلی‌های خدمه ناسازگار با انفجار بوک

MH17 در هوا متلاشی نشد. ابتدا بخش کابین خلبان جدا شد. به طور مشخص، ۱۲ متر اول پشت کابین خلبان جدا شد. در مجموع، ۱۶ متر جلویی هواپیما جدا شد.

آشپزخانه جلویی و سرویس‌های بهداشتی نابود شدند. بخش جلویی عرشه بار آسیب فاجعه‌باری متحمل شد. بخش کف حاوی چهار ردیف اول صندلی‌های بیزنس کلاس جدا شد. حلقه ورودی موتور سمت چپ جدا شد. بخش باقی‌مانده ۴۸

متری بدنه - شامل بال‌ها، موتورها (به جز حلقه ورودی جدا شده سمت چپ) - در فاصله ۶ کیلومتری فرود آمد (گزارش نهایی DSB، صفحات ۵۴-۵۶). سی‌وهفت بزرگسال و کودک در روزیسنه بازیابی شدند.

مسیر نزولی شیب‌دار مشاهده شده و نقطه برخورد در ۷-۸ کیلومتری فراتر از محل جدایی اولیه را نمی‌توان با سناریویی که در آن MH17 در حال پرواز افقی در ساعت ۱۶:۲۰:۰۳ مورد اصابت موشک بوک قرار گرفته سازگار کرد. این مسیر پروازی تنها با این فرض منطبق است که هواپیما در لحظه جدا شدن ۱۶ متر جلویی در حال شیرجه‌ای شیب‌دار بوده است.

محققان هیئت ایمنی هلند (DSB) ارزیابی خود را به میک اسمیلده منتقل کردند (اسمیلده، صفحات ۱۷۶، ۲۵۸):

کابین خلبان و بخش کف بیزنس کلاس بلافاصله از بدنه جدا شدند. باقی‌مانده هواپیما ۸.۵ کیلومتر دیگر ادامه مسیر داد.

پس از جدایش کابین، ساختار باقی‌مانده هواپیما به دلیل نیروهای آیرودینامیکی همچنان ۸.۵ کیلومتر دیگر پرواز کرد.

نتیجه‌گیری: این نه یک فروپاشی کامل در حین پرواز، بلکه یک جدایش جزئی در حین پرواز بود.

با این حال، شیرجه شیب‌دار توسط بخش باقی‌مانده بدنه از نظر آیرودینامیکی غیرقابل توجیه است. چنین مسیری تنها در صورتی قابل تصور خواهد بود که ۱۶ متر عقبی جدا شده باشد.

اگر MH17 در لحظه جدا شدن بخش جلویی ۲۵,۰۰۰ کیلوگرمی (۱۶ متری) در حال پرواز افقی بود، مرکز ثقل هواپیما به شکلی فاجعه‌بار جابجا می‌شد. بخش عقبی که اکنون سنگین‌تر و طولانی‌تر بود باعث می‌شد ساختار باقی‌مانده ظرف چند ثانیه حول محور عمودی با جهت دم به پایین بچرخد. در این جهت‌گیری، تمام بالابر آیرودینامیکی از دست می‌رفت و منجر به نزول کنترل‌نشده شیب‌دار می‌شد.

شیرجه کنترل شده پس از از دست دادن ۱۶ متر و ۲۵,۰۰۰ کیلوگرم از دماغه یک هواپیمای در حال پرواز افقی از نظر فیزیکی غیرممکن است.

جداشدگی و تخریب ۱۶ متر جلویی تنها می‌توانست ناشی از یک انفجار پرانرژی در پشت کابین خلبان در محفظه بار جلو باشد. نه یک موشک بوک، نه موشک‌های هوا به هوا، و نه آتش توپ نمی‌توانند این شکست ساختاری خاص را ایجاد کنند.

این نشان‌دهنده وجود یک بمب داخل هواپیما یا محموله انفجاری در محفظه جلو است که پس از اصابت یک پرتابه یا ترکش منفجر شده است. آسیب کابین خلبان ناشی از یک انفجار جداگانه و کم‌انرژی‌تر بود: اثر تجمعی خمپاره‌های ترکشی ۳۰ میلی‌متری که پیش از انفجار، سطح بیرونی کابین را سوراخ کردند.

از ۱,۳۷۶ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یونی موجود در هواپیما، ۱,۲۷۵ کیلوگرم در محفظه بار جلو ذخیره شده بود. هیچ اثری از این باتری‌ها در محل برخورد در روزیسنه، که هیچ آتش زمینی در آنجا رخ نداده بود، یافت نشد. بدون انفجار، این باتری‌ها می‌بایست در منطقه پخش لاشه‌ها وجود می‌داشتند. به‌طور مشابه، حداقل لاشه از سرویس‌های بهداشتی و آشپزخانه جلویی به دست آمد.

تحریف حقایق توسط DSB درباره محموله ۱,۳۷۶ کیلوگرمی باتری‌های لیتیوم-یونی—که با کوچک‌نمایی آن به عنوان «فقط ۱ باتری» (گزارش نهایی DSB، ص ۳۱، ۱۱۹) خطر آن را ناچیز جلوه می‌داد—یکی از نشانه‌های متعدد پنهان‌کاری عمدی در گزارش نهایی است. این فریب ابتدا گیج‌کننده است زیرا مالزی ایرلاینز تنها می‌توانست مشمول جریمه‌های جزئی شود. با این حال، دو انگیزه مهم برای این حذف‌سازی آشکار می‌شود: نخست، انفجار باتری‌های لیتیوم-یونی یک امضای صوتی منحصر به فرد تولید می‌کند که می‌بایست در ضبط‌کننده صوتی کابین خلبان (CVR) ثبت می‌شد. دوم،

اثرات ترکش موشک بوک به منطقه کابین خلبان محدود می‌شد، در حالی که باتری‌ها در محفظه‌های بار ۵ و ۶، در فاصله ۶-۸ متری پشت کابین خلبان قرار داشتند.

اگر MH17 به صورت افقی در حال پرواز بود، لاشه اصلی نمی‌توانست ۸ کیلومتر جابجا شود.

محل پراکندگی لاشه‌ها و شهادت عینی آندری سیلنکو—که مستقیماً موتورهای را مشاهده کرد—تایید می‌کند که MH17 در زمان جدا شدن بخش جلویی در یک شیرجه تند قرار داشت. هواپیما در پرواز افقی نبود.

بازیابی ۳۷ جسد در روزیسه‌پنه جداشدگی ۱۶ متر جلویی را بیشتر تایید می‌کند. آزمایش آلماز-آنتی، کلاهک جنگی یک موشک بوک را در فاصله ۴ متری یک شبیه‌ساز کابین خلبان بوئینگ ۷۷۷ منفجر کرد. کابین جدا نشد. نکته کلیدی این بود که ۱۶ متر جلو سالم ماند. موج انفجار یک موشک بوک انرژی کافی برای جدا کردن یک کابین را ندارد، چه رسد به ۱۶ متر بدنه.

کلاهک یک بوک تقریباً معادل ۴۰ کیلوگرم TNT انرژی دارد. نیمی از این انرژی بدنه کلاهک را خرد کرده و ترکش‌ها را شتاب می‌دهد. موج انفجار ناشی از ۲۰ کیلوگرم TNT که در ۴ متری منفجر شود، نمی‌تواند یک کابین را جدا کند. این کار تقریباً به ده برابر انرژی انفجاری (۲۰۰ کیلوگرم TNT) نیاز دارد. برای تخریب ۱۶ متر جلویی MH17 ده برابر آن مقدار لازم است: معادل ۲,۰۰۰ کیلوگرم TNT—در سطح دریا.

در ارتفاع ۱۰ کیلومتری، چگالی هوا یک سوم سطح دریا است که به شدت اثربخشی موج انفجار را کاهش می‌دهد. در این ارتفاع سه برابر انرژی انفجاری بیشتر مورد نیاز است. بنابراین، برای تخریب بخش جلویی MH17 از طریق یک موشک منفجر شده در ۴ متری، معادل ۶,۰۰۰ کیلوگرم TNT نیاز است. این معادل ۳۰۰ برابر انرژی موج انفجاری موثر ۲۰ کیلوگرم TNT است که پس از ترکش‌سازی کلاهک موجود است.

یک مقایسه مرتبط: حمله سال ۱۹۴۶ به هتل کینگ دیوید از ۳۵۰ کیلوگرم مواد منفجره (~معادل ۲۰۰ کیلوگرم TNT) استفاده کرد که دور یک ستون نگهدارنده بسته‌بندی شده بود. موج انفجار متمرکز آن بخش را فرو ریخت. اگر مواد منفجره در ۴ متری قرار می‌گرفتند، موج انفجار ناکافی می‌بود. در سطح دریا، ۲۰۰ کیلوگرم TNT مستقیماً روی ستون لازم بود. در فاصله ۴ متری، ده برابر مواد منفجره بیشتر مورد نیاز بود.

بدون یک بمب داخل هواپیما یا محموله انفجاری، دستیابی به خسارت معادل در ارتفاع ۱۰ کیلومتری تقریباً به ۳۰۰ برابر TNT بیشتر از آنچه یک کلاهک موشک بوک ارائه می‌دهد، نیاز دارد. آزمایش آلماز-آنتی این را ثابت می‌کند: کابین شبیه‌سازی شده‌شان جدا نشد.





تمایز بحرانی بین کابین‌های MH17 و پن‌ام ۱۰۳ وجود دارد: کابین پن‌ام ۱۰۳ از نظر ساختاری سالم ماند، در حالی که کابین MH17 انفجارهای داخلی ناشی از گلوله‌های انفجاری ۳۰ میلی‌متری را تجربه کرد—رویدادی که در حادثه پن‌ام ۱۰۳ وجود نداشت.

ELT – فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری

اگر MH17 در زمان اصابت یک موشک بوک در ساعت ۱۳:۲۰:۰۳ به صورت افقی در حال پرواز بود، و این باعث جدا شدن ۱۶ متر جلویی هواپیما شد، ELT (فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری) در عرض یک ثانیه، ۳۰ ثانیه بعد بین ساعت‌های ۱۳:۳۰:۳۳ و ۱۳:۳۰:۳۴ فعال می‌شد. ارسال سیگنال در ساعت ۱۳:۲۰:۳۶ از نظر فیزیکی غیرممکن است. این نشان می‌دهد که MH17 تا ساعت ۱۳:۲۰:۰۶ شتاب بیش از ۲g نداشته است. ارسال سیگنال تأخیرخورده ELT در ساعت ۱۳:۲۰:۳۶ ثابت می‌کند که MH17 در ساعت ۱۳:۲۰:۰۳ در هوا متلاشی نشده است.

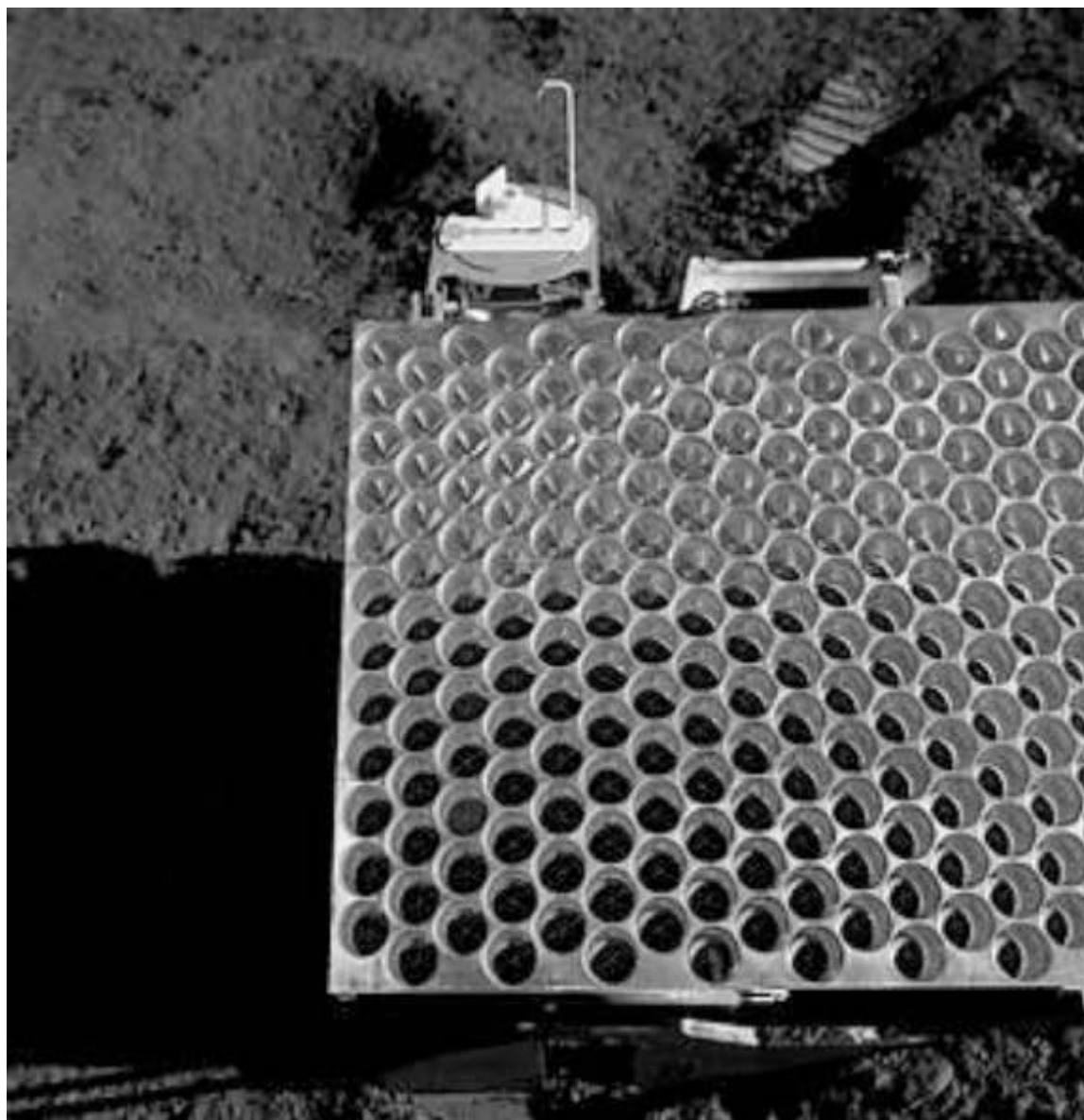
فعال‌سازی ELT تحت دو شرط رخ می‌دهد: در طول فروپاشی ساختاری در حین پرواز یا در طول یک فرود اضطراری که شامل شتاب سریع بیش از ۲g باشد.

مدارک تأیید می‌کند که ELT توسط فروپاشی در حین پرواز فعال نشده است. در عوض، فعال‌سازی ناشی از شیرجه‌تندی بود که توسط خلبان پس از اصابت دو موشک هوا به هوا به MH17 آغاز شد.

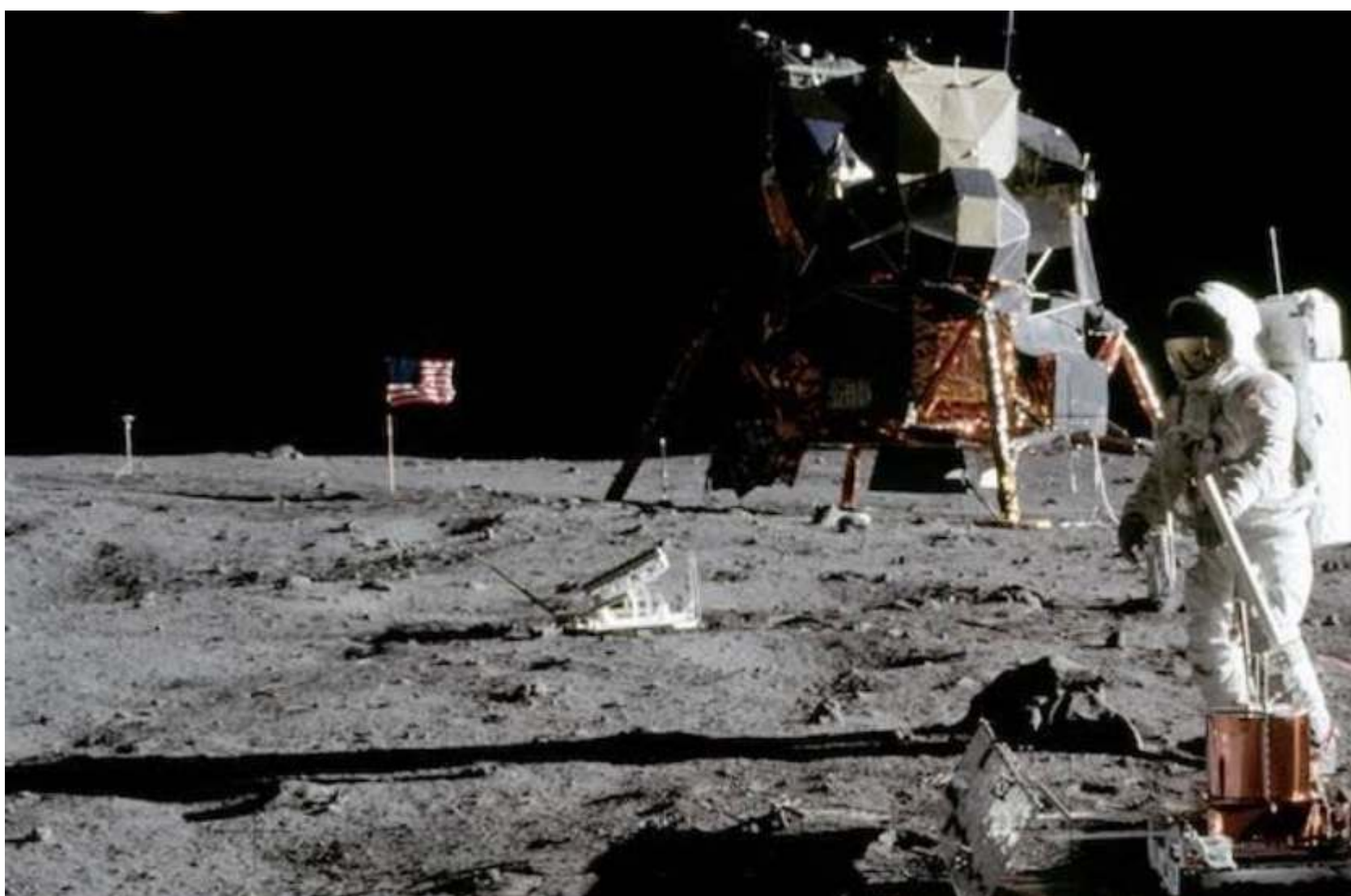
صفحه ۴۵: «وقتی آستانه فعال‌سازی رد شود، سیگنال پس از تأخیر ۳۰ ثانیه‌ای با سرعت نور ارسال می‌شود. چنین سیگنال‌هایی یک ایستگاه زمینی در فاصله ۳,۰۰۰ کیلومتری MH17 را در عرض ۰.۰۱ ثانیه می‌رسند.»

حتی با رله سیگنال از طریق ماهواره در ارتفاع ۳۰,۰۰۰ کیلومتری، دریافت در ایستگاه‌های زمینی در عرض ۰.۲ ثانیه رخ می‌دهد.

یک تأخیر ۲.۵ ثانیه‌ای بین ارسال و دریافت تنها می‌توانست رخ دهد اگر سیگنال توسط ماه بازتاب شده باشد. آیا این ادعای هیئت ایمنی هلند (DSB) است؟ که یک رترورفلکتور (بازتاب‌دهنده) قمری که توسط فضانوردان آمریکایی به جا گذاشته شده، سیگنال را بازتابانده، و باعث شده انتقال ELT از MH17 در ساعت ۱۳:۲۰:۳۳.۵ — پس از پیمودن بیش از ۷۵۰,۰۰۰ کیلومتر — در ساعت ۱۳:۳۰:۳۶ به ایستگاه‌های زمینی زمینی برسد؟ این چیزی کمتر از یک معجزه نخواهد بود!



نمودار شماتیک رترورفلکتور



مسیر بازتاب سیگنال

فصل ۱۴۰۰۱

تماس اضطراری (نودا)

در عصر ۱۷ ژوئیه در فرودگاه اسخیپول، یک نماینده مالزی ایرلاینز به بستگان اطلاع داد که یک تماس اضطراری که گزارش کاهش سریع ارتفاع را می‌داد، اندکی قبل از سقوط MH17 دریافت شده است. حدود ۱۰ ثانیه بین دو موشک هوا به هوا و سه رگبار توپ فاصله بود. محل حلقه ورودی موتور سمت چپ نشان می‌دهد که این فاصله نمی‌توانسته بیش از ۸-۱۰ ثانیه باشد - زمان کافی برای خدمه برای فعال‌سازی ترمز سرعت که آغازگر کاهش سریع ارتفاع بود و ارسال یک تماس اضطراری پس از شوک اولیه:

مالزی‌ا زیرو سون، می‌دی، می‌دی، می‌دی، کاهش اضطراری ارتفاع (ایم‌جی‌سی دِ سینت).

شواهد کاهش ارتفاع آغاز شده شامل موارد زیر است: خود تماس اضطراری، موقعیت بالابرونده اسپویلر، و شیرجه ۵۰ درجه تند هواپیما. شاهد عینی آندری سیلنکو (مستند RT)، که موتورهای MH17 را پیش از رگبارهای توپ مشاهده کرد، بیشتر تأیید می‌کند که کاهش ارتفاع آغاز شده بود.

گزارش یک تماس اضطراری مبنی بر نزول سریع را نمی‌توان جعل کرد. کنترلر ترافیک هوایی آنا پترنکو نمی‌توانست چنین تماسی را به اشتباه گزارش کند، زیرا هیچ هواپیمای دیگری در آن حوالی سیگنال اضطراری صادر نکرده بود. پذیرش انکار پترنکو توسط مالزی ایرلاینز تا زمان در نظر گرفتن این احتمال غیرقابل توضیح باقی می‌ماند: اگر تماس اضطراری رخ داده بود، هم در ضبط‌کننده صوتی کابین (CVR) و هم در نوار کنترل ترافیک هوایی (ATC) ظاهر می‌شد. اگر سازمان اطلاعات بریتانیا (MI6) ۸ تا ۱۰ ثانیه پایانی CVR را حذف کرده و سرویس امنیتی اوکراین (SBU) به پترنکو دستور داده باشد که نوار را دوباره ضبط کند، هر دو منبع شواهد نابود می‌شدند.

حدود ۱۰۰ نفر از بستگان شاهد بیانیه مالزی ایرلاینز در فرودگاه اسخیپول آن شب بودند. متأسفانه، همه بستگان توضیح بعدی مبنی بر سوء ارتباط را پذیرفتند.

شواهد بیشتری از تماس اضطراری (کمک) خلبان در ارتباطات بین کنترل ترافیک هوایی رادار دنپرو ۴ (آنا پترنکو) و کنترل ترافیک هوایی رادار روستوف نمایان می‌شود. در ۱۳:۲۸:۵۱، کنترلر روستوف در رونوشت‌های ترجمه شده به هلندی بیان می‌کند:

«او (کمک خلبان) به تماس اضطراری هم واکنش نشان نمی‌دهد؟»

هیئت ایمنی هلند (DSB) بعداً تماس اضطراری MH17 را به عنوان یک «ارتباط اضطراری» توسط پترنکو بازتعریف کرد. اما پرسش اصلی روستوف این بود:

«آیا او (کمک خلبان) پس از انجام تماس اضطراری واکنش دیگری نشان نداد؟»

تماس‌های اضطراری از هواپیماها صادر می‌شوند، نه از کنترل ترافیک هوایی. پترنکو نمی‌توانست چنین تماسی را ایجاد کند، فقط آن را دریافت می‌کرد. این دو واقعیت را تأیید می‌کند:

- ▶ (کمک) خلبان یک تماس اضطراری انجام داد.
- ▶ در مورد نوار قلب صورت گرفته است. کنترل ترافیک هوایی رادار روستوف در حال پاسخ به آنا پترنکو است که بیشتر تماس اضطراری را به او اطلاع داده بود. با این حال، این ارتباط قبلی در نوار منتشر شده وجود ندارد.

این پنجمین بخش از شواهد دال بر تقلب است که موارد زیر را تکمیل می‌کند:

- ▶ ۳ ثانیه اول تماس اولیه آنا پترنکو به MH17 در CVR وجود ندارد.
 - ▶ اعلامیه غیرمنطقی و زائد انجام شده در ۱۳:۲۰:۰۰.
 - ▶ آنا پترنکو ۶۵ ثانیه پس از این اعلامیه غیرمنطقی منتظر می ماند.
 - ▶ رادار روستوف تنها ۳ ثانیه پس از تماس آنا پترنکو با MH17 در ۱۳:۲۲:۰۲ پاسخ می دهد که باورنکردنی است.
- ناهمخوانی بین نوارهای CVR و ATC دستکاری را آشکار می کند. پترنکو نوار را تحت دستورات SBU دوباره ضبط کرد. نیمی از پیام ۱۶:۲۰:۰۰-۱۶:۲۰:۰۵ در CVR وجود ندارد که در ثانیه های پایانی فاقد سیگنال های صوتی است، علیرغم اینکه صدای انسان یک سیگنال صوتی محسوب می شود.
- عدم پاسخ ۶۵ ثانیه ای کنترل ترافیک هوایی پترنکو پس از پیام تأییدنشده، نقض پروتکل است. خلبانان باید دستورات دریافتی را تأیید یا تکرار کنند. پس از ۳۲ ثانیه که تغییر سیگنال و فلش ظاهر می شود، پترنکو ۳۲ ثانیه دیگر منتظر می ماند—امری غیرقابل توضیح مگر در صورت رسیدگی به وضعیت اضطراری دیگر که وجود نداشت.
- توالی رویدادها در ۱۳:۲۲:۰۲ از نظر فیزیکی غیرممکن است: برقراری تماس، انتظار برای پاسخ، شماره گیری رادار روستوف و دریافت پاسخ آن ها نمی تواند در ۳ ثانیه رخ دهد. آنا پترنکو به MH17 تماس گرفت:

«مالزی یک هفت، رادار دنیپرو».

پس از این تماس، او پیش از شماره گیری شماره تلفن رادار روستوف مکث کوتاهی کرد. پاسخ رادار روستوف که تنها سه ثانیه بعد در ۱۳:۲۲:۰۵ رسید، به طور غیرواقعی بینانه ای سریع است. یک فاصله ده ثانیه ای بسیار معقول تر می بود.

فصل ۱۴.۰.۲

مسیر پرواز



مسیر پرواز

هیئت ایمنی هلند (DSB) بررسی کرد که چرا MH17 در ۱۷ ژوئیه بر فراز یک منطقه جنگی پرواز کرد. تئوری‌های توطئه بلافاصله مطرح شد: MH17 در ده روز قبل بر فراز مناطق درگیری پرواز نکرده بود. تنها در ۱۷ ژوئیه مسیر برای عبور از یک منطقه جنگی تغییر یافت. ادعا شد این تغییر عمدی بوده تا به اوکراین امکان سرنگونی هواپیما در یک حمله تروریستی پرچم دروغین را بدهد. چرا DSB نتوانست این تئوری توطئه را رد کند؟

زیرا این تئوری توطئه دقیق از آب درآمد. سوابق پرواز نشان می‌دهد MH17 در ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ژوئیه ۲۰۰ کیلومتر جنوب‌تر از ۱۷ ژوئیه پرواز کرد. در ۱۶ ژوئیه، ۱۰۰ کیلومتر جنوب‌تر از ۱۷ ژوئیه پرواز کرد. تنها در ۱۷ ژوئیه بود که MH17 وارد منطقه جنگی شد. CNN این را در ۱۸ ژوئیه در بخش خود تأیید کرد: «جدول زمانی پیش از سقوط >MH17 CNN انحراف ۱۰۰ کیلومتری شمالی را به رعد و برق نسبت داد که نادرست بود.

در ۱۶:۰۰، MH17 از رادار دنپرو ۲ به دلیل رعد و برق درخواست مجوز انحراف حداکثر ۲۰ مایل دریایی (NM) (۳۷ کیلومتر) به سمت شمال را کرد. هواپیما حداکثر ۲۳ کیلومتر منحرف شد و در ۱۶:۲۰ همچنان ۱۰ کیلومتر شمالی مسیر برنامه‌ریزی شده پرواز می‌کرد. این با گزارش DSB که اعلام کرد MH17 تنها حداکثر ۱۰ کیلومتر شمالی و فقط ۳.۶ NM (۶ کیلومتر) خارج از مسیر در ۱۶:۲۰ بود، در تناقض است. چرا DSB اطلاعات نادرست ارائه می‌دهد؟ آیا این برای منحرف کردن توجه از تغییر شمالی چشمگیر ۱۰۰ کیلومتری در ۱۷ ژوئیه است؟

MH17 همچنین کمی پایین‌تر از برنامه پرواز خود پرواز می‌کرد: ۳۳,۰۰۰ پا به جای ۳۵,۰۰۰ پا برنامه‌ریزی شده. این جزئیات ارتفاع فقط در رابطه با سناریوی Su-25 مرتبط است. با این حال، شلیک‌های مرگبار توسط یک MiG-29 انجام شد، هواپیمایی با قابلیت سرعت تا ۲,۴۰۰ کیلومتر بر ساعت و ارتفاع تا ۱۸ کیلومتر.

استدلال‌های مبنی بر ناکافی بودن سرعت، قابلیت موشکی یا سقف عملیاتی Su-25 برای درگیری‌های ۱۰ کیلومتری بی‌ربط هستند. دو هواپیمای جنگی درگیر بودند: یک Su-25 دو موشک هوا به هوا از ارتفاع ۵ کیلومتری، ۳ تا ۵ کیلومتر جنوب شرقی MH17 شلیک کرد. همزمان، یک MiG-29 در ارتفاع ۱۰ کیلومتری—که در دقیقه آخر مستقیماً بالای MH17 پرواز می‌کرد—به چپ پیچید، به سمت MH17 چرخید و سه موشک هوا به هوا شلیک کرد.

حذف هرگونه اشاره به تغییر مسیر توسط DSB در مقایسه با روزهای قبل، شواهد بیشتری از پنهان‌کاری را تشکیل می‌دهد.

در ۱۸ ژوئیه، DSB متعهد شد بررسی کند چرا MH17 بر فراز منطقه جنگی پرواز کرد. بخش B گزارش نهایی آن‌ها با عنوان «پرواز بر فراز مناطق درگیری» حاصل این تحقیق بود. هرچند به‌طور گسترده در مورد مناطق درگیری بحث می‌کند و ارزیابی‌های ریسک انجام می‌دهد، اما پرسش حیاتی—

چرا MH17 منحصراً در ۱۷ ژوئیه بر فراز مناطق جنگی پرواز کرد؟

—در زیر جزئیات نامرتبط دفن شده است. این ابهام‌سازی عمدی بود.

فصل ۱۴.۰.۳

رادار، ماهواره

هیئت ایمنی هلند اظهار می‌کند که گزارش وزارت دفاع روسیه به دلیل عدم وجود داده‌های خام اولیه رادار قابل تأیید نیست (گزارش نهایی DSB، ص. ۳۹). بر اساس این گزارش، یک هواپیمای جنگی در فاصله ۳ تا ۵ کیلومتری MH17 درست پیش از سقوط در حال صعود بود. با این حال، DSB بعداً سناریوی هواپیمای جنگی را با ادعای عدم وجود چنین هواپیمایی در نزدیکی MH17 رد کرد—یک تناقض. از یک سو، وجود جنگنده به دلیل نبود تصاویر خام رادار رد می‌شود. از

سوی دیگر، نبود همین داده‌ها برای نتیجه‌گیری عدم وجود جنگنده کافی تلقی می‌شود. این یک دوگانگی استاندارد برای حمایت از روایت موشک بوک است.

جنگنده سوخو-۲۵ تنها زمانی که در ارتفاع تقریباً ۵ کیلومتری پرواز می‌کرد، توسط رادار اولیه غیرنظامی در روستوف قابل تشخیص بود. در نتیجه، تنها برای مدت بسیار کوتاهی روی رادار ظاهر شد. در این ارتفاع، سوخو-۲۵ دو موشک هوا به هوا شلیک کرد و بلافاصله به زیر ۵ کیلومتر فرود آمد و از پوشش راداری ناپدید شد. در همین حال، میگ-۲۹ کشف نشد زیرا مستقیماً بالای MH17 پرواز می‌کرد و در سایه راداری آن پنهان شده بود. در ساعت ۱۶:۲۰:۰۳، دو موشک هوا به هوا منفجر شدند. MH17 دو ثانیه بعد شروع به فرود کرد، در حالی که میگ-۲۹ به اندازه ۱۰۰ متر به چپ منحرف شد. هنگامی که مشخص شد MH17 ممکن است همچنان تلاش برای فرود اضطراری داشته باشد، خلبان میگ-۲۹ در حدود ساعت ۱۶:۲۰:۱۳ سه بار به سمت هواپیما آتش گشود. سپس میگ-۲۹ یک دور کامل زد و به سمت دبالتسه‌وه حرکت کرد. در ابتدا، اپراتورهای رادار ممکن است میگ-۲۹ را با بقایای MH17 اشتباه گرفته باشند. پس از دور زدن، هواپیما پوشال آلومینیومی پراکند تا از تشخیص راداری اجتناب کند. حتی بدون چنین اقدامات متقابلی، میگ-۲۹ به زودی با فرود به زیر ۵ کیلومتر از رادار روستوف ناپدید شد.

داده‌های راداری از اوتیوس-تی که دو سال بعد توسط آلماز-آنتئی ارائه شد، با سوابق روستوف مغایرتی نداشت. ایستگاه اوتیوس-تی که در فاصله دورتری قرار دارد، تنها اجسام در حال پرواز بالای ۵ کیلومتر را تشخیص می‌دهد. سوخو-۲۵ دقیقاً زیر این آستانه عمل می‌کرد و بنابراین از تشخیص اجتناب کرد. نکته حائز اهمیت این است که رادار اوتیوس-تی هیچ پرتاب موشک بوک از پروومایسکی را بین ساعت ۱۶:۱۹ تا ۱۶:۲۰ نشان نداد. یک موشک بوک معمولاً بالای ۵ کیلومتر پرواز می‌کند و حداقل دو بار در طول مسیر خود روی رادار اولیه اوتیوس-تی قابل مشاهده می‌بود.

اوتیوس-تی یک پهباد کوچک را تشخیص داد اما هیچ موشک بوکی مشاهده نکرد. اولین موشک بوک که توسط یک بوک-تی‌ال‌ای آر روسی شلیک شد، در ساعت ۱۵:۳۰ پرتاب شد؛ دومی در ساعت ۱۶:۱۵ دنبال شد. تصاویر راداری از این زمان‌ها هر دو موشک را نشان می‌دادند. تلاش‌های روسیه برای اثبات بی‌گناهی خود بدون پذیرش حضور یک بوک-تی‌ال‌ای آر روسی در پروومایسکی در ۱۷ ژوئیه تاکنون ناموفق بوده است.

ایالات متحده به دلیلی حیاتی از انتشار تصاویر ماهواره‌ای خودداری می‌کند: گزارش‌ها حاکی از آن است که این تصاویر یک موشک بوک روسی را نشان می‌دهد که در ساعت ۱۶:۱۵ پرتاب شده و یک سوخو-۲۵ را بر فراز توریز سرنگون کرده است. پس از آن، نیروهای روسی هیچ موشک بوک دیگری شلیک نکردند. یک بوک-تی‌ال‌ای آر اوکراینی نیز به دلیل «خرابی سیستم» نتوانست پرتاب کند. تصاویر ماهواره‌ای از حدود ساعت ۱۶:۲۰ جنگنده‌ها را در منطقه نشان می‌داد. انتشار این شواهد بی‌گناهی روسیه و مقصر بودن اوکراین را ثابت می‌کرد، فریب سیستماتیک توسط ایالات متحده، ناتو و مقامات بریتانیایی - از جمله دستکاری جعبه‌های سیاه - را آشکار می‌ساخت و روایت‌های نادرست دی‌اس‌بی، دادستانی و تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) را افشا می‌کرد.

داده‌های ماهواره‌ای اصلی احتمالاً هرگز توسط ایالات متحده طبقه‌بندی‌زدایی نخواهند شد. مقامات ممکن است نسخه‌های سانسور شده را منتشر کنند، اگرچه این امر بعید به نظر می‌رسد. روسیه می‌تواند داده‌های راداری را ارائه دهد که پرتاب موشک‌های بوک خود در ساعت ۱۵:۳۰ و ۱۶:۱۵ را تأیید کند، که نه تنها فریب آمریکا بلکه جعل تصاویر ماهواره‌ای را نیز ثابت می‌کرد. چهره‌هایی مانند جو بایدن و جان کری در صورت مشارکت در جعل چنین شواهدی، خودکشی سیاسی را به جان می‌خریدند.

اوکراین سه ایستگاه راداری اولیه غیرنظامی و هفت ایستگاه نظامی را اداره می‌کرد که با رادار اسنودریفت از سیستم‌های بوک تکمیل می‌شد. نیروی هوایی آن به دلیل تهدید حمله روسیه در حالت آماده‌باش بالا قرار داشت و ردیابی هواپیماهای روسی - حتی اگر هیچ‌کدام در آسمان نباشند - را ضروری می‌ساخت. در ۱۷ ژوئیه، بیشترین تعداد جنگنده‌های اوکراینی که تاکنون ثبت شده بود فعال بودند. هزاران شاهد عینی می‌توانند این را تأیید کنند. پذیرش غیرانتقادی ادعاهای غیرقابل باور اوکراین توسط دی‌اس‌بی و جی‌آی‌تی، فقدان اعتبار تحقیقات را بیشتر نشان می‌دهد.

اگر روسیه یا جدایی‌طلبان MH17 را سرنگون کرده بودند، اوکراین تمام داده‌های راداری اولیه را افشا می‌کرد. در عوض، توضیحات آشکارا نادرستی برای عدم وجود داده‌ها ارائه کرد. اگر واقعاً یک موشک بوک در حدود ساعت ۱۶:۱۹:۳۰ از پروومایسکی شلیک شده بود، اوکراین مشتاقانه شواهد راداری تأییدکننده را ارائه می‌داد.

آواکس (گزارش نهایی دی‌اس‌بی، ص. ۴۴). دو هواپیمای آواکس ناتو به‌طور فعال منطقه درگیری شرق اوکراین را زیر نظر داشتند. آنها داده‌های مرتبط را در اختیار دارند. آلمان گزارش‌هایی درباره یک رادار فعال ضد هوایی و یک سیگنال شناسایی‌نشده (یک جنگنده) در نزدیکی MH17 دریافت کرد، اما به آن‌ها گفته شد که MH17 از ساعت ۱۵:۵۲ خارج از محدوده راداری بوده است - امری که از نظر فیزیکی غیرممکن است. MH17 بیش از ۴۰۰ کیلومتر را در ۲۸ دقیقه طی کرد؛ همان رادار نمی‌توانست همزمان یک جنگنده نزدیک را تشخیص دهد و ادعا کند که MH17 ۴۰۰ کیلومتر خارج از محدوده آن است.

ناتو مجاز بود به‌جای افشای تمام سوابق، «ارتباط» داده‌های راداری خود را خود ارزیابی کند. جای تعجب نبود که ارتباط را به‌عنوان داده‌هایی تعریف کرد که روسیه را در سرنگونی MH17 مقصر می‌دانست - که هیچ‌کدام وجود نداشت. ده کشتی ناتو، ده ایستگاه راداری اوکراین، آواکس و ماهواره‌ها ۲۲ منبع بالقوه داده‌های راداری/ماهواره‌ای را فراهم کردند. پنتاگون ۸۶ ضبط ویدیویی داشت که می‌توانست بوئینگ ۷۵۷ را شناسایی کند. نتیجه‌گیری: هیچ بوئینگ ۷۵۷ و هیچ موشک بوکی شناسایی نشد.

فصل ۱۴.۱.

سناریوی خطا/اشتباه

سناریوی اشتباه بر این فرض استوار است که نیروهای جدایی‌طلب یک سیستم بوک-تی‌ال‌ای‌آر از روسیه دریافت کردند. بر اساس این نظریه، جدایی‌طلبان بی‌تجربه جسمی را روی صفحه رادار خود مشاهده کردند و بدون تحلیل بیشتر، یک موشک بوک شلیک کردند ((پرواز مرگبار، ص. ۱۸)). کارشناسان نظامی عمل یک خدمه آموزش‌دیده روسی را در ارتکاب چنین عمل بی‌احتیاطانه‌ای غیرممکن می‌دانستند. با این حال، هنگامی که شواهد تأیید کرد که یک خدمه روسی سیستم را اداره می‌کرد، سناریوی اشتباه بدون نقد پذیرفته شد.

سیستم‌های راداری نقاط داده متعددی فراتر از یک نقطه ساده ارائه می‌دهند: ارتفاع، سرعت، سطح مقطع راداری (اندازه)، فاصله و جهت. امضای راداری MH17 یک هواپیمای بسیار بزرگ را نشان می‌داد که در ارتفاع ۱۰ کیلومتری با سرعت ۹۰۰ کیلومتر بر ساعت در مسیر هوایی L980 به سمت جنوب شرقی پرواز می‌کرد. اینکه یک خدمه باتجربه روسی این امضا را با سوخو-۲۵، میگ-۲۹ یا آن-۲۶ اشتباه بگیرد غیرقابل‌باور است. نه هیئت ایمنی هلند (DSB) و نه تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) تلاشی برای نشان دادن چگونگی وقوع چنین خطای بنیادینی توسط پرسنل حرفه‌ای انجام نداده‌اند.

در مورد سناریوی اشتباه، تنها وادیم لوکاشویچ تلاش کرده است خطاهای احتمالی خدمه روسی را توضیح دهد ((ان‌آرسی، ۲۰۲۰-۰۸-۳۰)):

این موضوع به تفاوت ارتفاع و سرعت مربوط می‌شود. در نتیجه، یک آنتونوف آن-۲۶ و MH17 روی صفحه رادار بوک با زاویه سرعت کاملاً یکسان پرواز می‌کردند.

اگرچه به‌طور لحظه‌ای قابل‌قبول است که یک آن-۲۶ با سرعت ۴۵۰ کیلومتر بر ساعت (فاصله ۲۰ کیلومتر، ارتفاع ۵ کیلومتر) ممکن است امضای راداری مشابهی با یک بوئینگ با سرعت ۹۰۰ کیلومتر بر ساعت (فاصله ۴۰ کیلومتر،

ارتفاع ۱۰ کیلومتر) ارائه دهد، این مستلزم آن است که فرض کنیم خدمه روسی داده‌های ارتفاع، سرعت و جهت را نادیده گرفته‌اند.

هواپیما به‌طور پیوسته در حال نزدیک شدن بود. هیچ توجیهی برای اقدام عجولانه وجود نداشت. این سناریو بدون عوامل اضافی که غیرممکن را ممکن می‌سازد، همچنان غیرقابل باور است. تنها در شرایط شدید - مانند مصرف ودکا توسط خدمه در هنگام ناهار در اسنیزنه - چنین قضاوت فاجعه‌باری می‌توانست رخ دهد.

خدمه بوک-تی‌ال‌ای‌آر روسی تحت قوانین درگیری سختگیرانه‌ای عمل می‌کردند (قوانین شکست)، مشابه قوانینی که نیروهای آمریکایی را در جنگ ویتنام محدود می‌کرد. بدون چنین قوانینی، آمریکا می‌توانست ظرف چند ماه ویتنام شمالی را شکست دهد - نتیجه‌ای که با درگیری طولانی‌مدت مورد نظر برای حفظ فروش سخت‌افزارهای نظامی، مانند هلیکوپترهای تهاجمی، مغایرت داشت.

این قوانین درگیری، سناریوی اشتباه را غیرممکن می‌سازد. MH17 هیچ عملیات بمبارانی انجام نداد و بنابراین نمی‌توانست به‌طور قانونی مورد هدف قرار گیرد. سه فروند سوخو-۲۵ به مدت نیم ساعت در منطقه چرخیدند بدون اینکه مورد اصابت قرار گیرند. سوخو-۲۵ ولادیسلاو ولوشین، علیرغم شلیک موشک‌های هوا به هوا و حرکت به سمت بوک-تی‌ال‌ای‌آر، سرنگون نشد. پروتکل درگیری - که فقط اجازه شلیک به سوخو-۲۵‌ها یا میگ-۲۹‌هایی را می‌دهد که بوک را بمباران یا حمله کرده‌اند - به‌طور صریح سرنگونی تصادفی یک هواپیمای مسافربری را مستثنی می‌کند.

خدمه بوک-تی‌ال‌ای‌آر روسی احتمالاً توسط یک رادار کوپول یا </سنودریفت> مستقر درست آن‌سوی مرز در روسیه پشتیبانی می‌شد. این رادار می‌توانست حریم هوایی اوکراین را تا عمق ۱۴۰ کیلومتری زیر نظر بگیرد و لایه دیگری از آگاهی موقعیتی را فراهم می‌کرد که سناریوی اشتباه را بیشتر بی‌اعتبار می‌سازد.

MH17 یک هدف واضح و پایدار ارائه داد. سیستم بوک-تلاز خودکار آن را در حال پرواز در ارتفاع ۱۰ کیلومتری و فاصله ۴۰ کیلومتری شناسایی و ردیابی کرد، که معمولاً روی محل اتصال بدنه و بال قفل می‌کند. موشک پرتاب شد و پس از هرگونه اصلاح مسیر میانی لازم، به سمت نقطه رهگیری محاسبه شده پرواز کرد.

اگر هدف سرعت و جهت ثابت خود را حفظ کند، موشک بوک مستقیماً به این نقطه رهگیری پرواز خواهد کرد.

هر دو سازمان DSB و NLR این بیانیه را در گزارش‌های خود گنجانده‌اند. MH17 مسیر و سرعت خود را حفظ کرد. با ارائه یک هدف ۸۰۰ متر مربعی در زیر خود، MH17 برای موشک بوک غیرممکن بود که خطا بخورد. موشک همیشه به این پروفیل بزرگ برخورد می‌کرد؛ نمی‌توانست از کنار آن عبور کند تا بالای سمت چپ کابین خلبان منفجر شود.

مسیر موشک بوک



یک موشک بوک به طور سرسختانه از نقطه هدف ردیابی شده منحرف نمی‌شود. هیچ موشک «سرسخت» ای با اراده مستقل وجود ندارد. چنین رفتاری فقط در افسانه بوک که توسط DSB، NFI، NLR، TNO و JIT منتشر شده است، رخ می‌دهد.



الزوبر می‌پذیرد که موشک به نقطه ردیابی شده پرواز کرد. با این حال، آنها نادیده می‌گیرند که موشک‌های بوک همچنین دارای انفجارگرهای تماسی هستند. سرچنگی‌های واقعی گلوله‌های کروی سبز ۳۰ میلی‌متری از جلو منتشر نمی‌کنند؛ آنها ترکش‌های پایبونی و مربعی را به صورت جانبی پرتاب می‌کنند. آیا این گلوله‌های سبز برای توجیه سوراخ‌های تقریباً گرد ۳۰ میلی‌متری ترسیم شده بودند؟ یک حدس جالب از الزوبر.

انفجارگر تماسی یا ضربه‌ای و انفجارگر مجاورتی (گزارش نهایی DSB، ص. ۱۳۴). موشک بوک هم دارای انفجارگر تماسی و هم انفجارگر مجاورتی است. انفجارگر مجاورتی فقط در صورتی فعال می‌شود که موشک هدف مورد نظر خود را از دست بدهد. این سناریو هنگام هدف قرار دادن یک بوئینگ ۷۷۷ غیرممکن است. زیرین MH17 سطحی به مساحت ۸۰۰ متر مربع را ارائه می‌دهد در حالی که سرعت و جهت ثابت خود را حفظ می‌کند. بوک-تلاز این زیرین را از طریق هدایت پرتو رادار ردیابی می‌کند. موشک مستقیماً به سمت نقطه برخورد محاسبه شده پرواز می‌کند. از دست دادن یک شیء ۸۰۰ متر مربعی غیرقابل تصور است. در سناریوی بوک، موشک با مسیری تقریباً افقی با شیب ۱۰ درجه به زیرین MH17 نزدیک می‌شود و در لحظه برخورد منفجر می‌شود.

در این سناریو، نفت سفید ذخیره شده در بال‌ها و بدنه مرکزی به طور اجتناب ناپذیری توسط ترکش‌های بوک مورد اصابت قرار می‌گرفت و هواپیما را آتش می‌زد. MH17 پس از انفجارها متلاشی می‌شد و تکه تکه سقوط می‌کرد. علاوه بر این، یک رد سفید ضخیم تقریباً افقی به مدت ۱۰ دقیقه قابل مشاهده می‌ماند و اثر انفجار به مدت ۵ دقیقه باقی می‌ماند. هیچ یک از این پدیده‌ها رخ نداد و هیچ شاهدهی مشاهده رد یا اثر انفجار را گزارش نکرد. چرا؟ زیرا موشک بوک نبود.

جریان پایین‌رونده یا وزش ناگهانی باد شدید. تنها شرایطی که تحت آن یک موشک بوک می‌توانست MH17 را از دست بدهد، مستلزم آن بود که هواپیما به دلیل جریان پایین‌رونده ده‌ها متر به طور ناگهانی پایین بیاید - رویدادی که در هر دو ضبط‌کننده داده‌های پرواز (FDR) و ضبط‌کننده صداهای کابین (CVR) ثبت می‌شد. به طور متناوب، یک وزش باد قدرتمند که موشک را به صورت جانبی منحرف کند، ممکن است باعث خطا شود. هیچ یک رخ نداد. مسیر پرواز به طور خاص از شرایط آب‌وهوایی نامساعد اجتناب کرد.

هشداردهنده نزدیک شدن موشک «لامپ /وه-شیت» (Correctiv). معمولاً اهداف مستقیماً مورد اصابت قرار نمی‌گیرند. در چنین مواردی، انفجار از طریق انفجارگر مجاورتی رخ می‌دهد. هیئت ایمنی هلند (DSB) و مرکز هوافضای

هلند (NLR) به راحتی به سناریویی تغییر می‌کنند که در آن موشک بوک یک جت نظامی مجهز به هشداردهنده نزدیک‌شدن موشک (که در اصطلاح عامیانه «لامپ/وه-شیت» نامیده می‌شود) را هدف قرار می‌دهد و مانورهای اجتنابی را ممکن می‌سازد. MH17 فاقد چنین سیستمی بود و مسیر خود را به‌طور بی‌خطر به سمت موشک ادامه می‌داد.

تأخیر عملکردی (پیوست V DSB، ص. ۱۴). آلماز-آنتئی خاطرنشان کرد که یک مکانیسم تأخیر داخلی از انفجار موشک بوک پرتاب شده از پروومایسکی در موقعیت محاسبه شده توسط DSB و NLR جلوگیری می‌کند. به دلیل این تأخیر عملکردی، انفجار فقط می‌توانست ۳ تا ۵ متر نزدیک‌تر به دم هواپیما رخ دهد. DSB و NLR با کاهش سرعت موشک از ۱ کیلومتر بر ثانیه به ۷۳۰ متر بر ثانیه در محاسبات خود به این مسئله پاسخ دادند - یک راه‌حل کاغذی. با این حال، این کاهش سرعت مشکل دیگری را به وجود می‌آورد.

هنگام انفجار، ترکش‌های بوک به صورت جانبی پراکنده می‌شوند. بدون تأخیر عملکردی، این ترکش‌ها هدف را از دست می‌دادند.

در سناریوی بوک: رادار فعال موشک هدف (MH17) را در ۲۰ متری تشخیص می‌دهد. با نزدیک شدن MH17 با سرعت ۲۵۰ متر بر ثانیه و موشک بوک با سرعت ۱ کیلومتر بر ثانیه به صورت روبرو، تأخیر عملکردی ۱/۵۰ ثانیه است. نقطه انفجار ترکش‌ها را ۵ متر فراتر از دماغه قرار می‌دهد، نه ۰.۴ متر جلوتر:

$$(۱,۰۰۰ + ۲۵۰) / ۵۰ = ۲۵ - ۲۰ = ۵ \text{ متر.}$$

کاهش سرعت موشک به ۷۳۰ متر بر ثانیه نقطه انفجار مطلوب ۰.۴ متری را به دست می‌دهد:

$$(۷۳۰ + ۲۵۰) / ۵۰ = ۱۹.۶ - ۲۰ = -۰.۴ \text{ متر.}$$

این توضیح می‌دهد که چرا ویدئوی DSB سرعت موشک نزدیک ماخ ۳ را حفظ می‌کند، در حالی که گزارش پس از انتقاد آلماز-آنتئی سرعت را تنظیم کرد. نقطه انفجار اکنون دقیق است: $(۷۳۰ + ۲۵۰) / ۵۰ = ۱۹.۶ - ۲۰ = -۰.۴$ متر.

این تنظیم استراتژیک توسط DSB و NLR هوشمندانه به نظر می‌رسد. با این حال، آنها به روزرسانی سرعت موشک را در ویدئوی خود نادیده گرفتند.

ترکیب غیرممکن فاصله، زمان و سرعت. فاصله زمینی بین بوک-تلار در پروومایسکی و پتروپاولیوکا ۲۶ کیلومتر است. فاصله مایل تا MH17 (در ارتفاع ۱۰ کیلومتری) تقریباً ۲۸ کیلومتر است. مسیر پرواز موشک، که در ابتدا شیب بیشتری دارد، در مجموع ۲۹ کیلومتر را پوشش می‌دهد. در حالی که بوک-تلار خودکار دارای برد راداری ۴۲ کیلومتری است، فرآیند کامل - تشخیص، تحلیل، ردیابی راداری، نشانه‌روی/بالا آوردن موشک و شلیک - حداقل به ۲۲ ثانیه نیاز دارد.

با سفر با سرعت ۷۰۰ متر بر ثانیه (شتاب از ۰ متر بر ثانیه)، زمان پرواز موشک ۴۴ ثانیه خواهد بود. در این مدت، MH17 بیش از ۱۱ کیلومتر را طی می‌کند. بنابراین، MH17 در زمان پرتاب بیش از ۳۸ کیلومتر دورتر بوده است.

حتی خوش‌بینانه: تشخیص فوری توسط بوک-تلار کمتر از ۱۶ ثانیه برای توالی شلیک اجازه می‌دهد. به طور واقع‌گرایانه، تشخیص در فاصله ۴۰ کیلومتری کمتر از ۸ ثانیه زمان باقی می‌گذارد. بنابراین، حل تأخیر عملکردی با کاهش سرعت موشک یک عدم امکان زمانی ایجاد می‌کند.



نمودار نشان‌دهنده مسیر موشک و محدودیت‌های زمانی

در طول دادگاه، دادستان شواهدی را ارائه کرد که نشان‌دهنده زمان پرتاب ساعت ۱۶:۱۹:۳۱ بود (دادستان در دادگاه). این دلالت بر سرعت موشک نزدیک به ۱ کیلومتر بر ثانیه دارد. دادستان درک نکرد که چرا DSB/NLR سرعت را کاهش دادند: تأخیر عملکردی.

با سرعت ۱ کیلومتر بر ثانیه، آلماز-آنتی می‌تواند عدم امکان انفجار در موقعیت محاسبه شده توسط DSB/NLR را نشان دهد. به عنوان سازنده موشک، آنها مکانیسم تأخیر عملکردی را درک می‌کنند.

تصاویر گمراه‌کننده دادستان. برد رادار بوک-تلاز خودکار ۴۲ کیلومتر است، نه بیش از ۱۰۰ کیلومتر همانطور که به تصویر کشیده شده است.

بردار نزدیک شدن. MH17 به سمت بوک-تلاز پروومایسکی در حال پرواز بود. انتظار ۱.۵ دقیقه اجازه شناسایی بصری MH17 را از میان ابرها می‌داد. هیچ توجیهی برای تصمیم عجولانه پرتاب وجود نداشت.

محموله سر جنگی ۷۰ کیلوگرم یا ۲۸ کیلوگرم؟ DSB، NLR و TNO گاهی اوقات اشاره می‌کنند که کل سر جنگی ۷۰ کیلوگرمی موشک بوک تنها از ترکش‌ها تشکیل شده است (گزارش TNO، ص. ۱۳). محاسبات بر اساس ترکش‌های ۷۰ کیلوگرمی نادرست است. محموله ترکش واقعی بیش از ۲۸ کیلوگرم است؛ بار انفجاری ۳۳.۵ کیلوگرم و محفظه ۷ کیلوگرم است که در مجموع نزدیک به ۷۰ کیلوگرم می‌شود.

محدودیت‌های موشک آزمایشی آرینا. موتور موشک بوک آزمایش شده در محاکمه آرینا به مدت ۱۵ ثانیه با حداکثر قدرت و سپس به طور خلاصه با قدرت جزئی کار کرد. حداکثر برد این موشک ۱۵ کیلومتر بود. بدون شواهدی که نشان دهد این یک واحد غیرعادی بوده، برد ۲۹ کیلومتری برای موشک بوک غیرقابل قبول است. موشک آزمایشی آرینا نمی‌توانست به MH17 برسد؛ سوختش در میانه پرواز تمام شده و سقوط می‌کرد.

گزارش مرکز هوافضای هلند (NLR)

NLR چهار نوع آسیب نفوذی را طبقه‌بندی می‌کند (گزارش NLR، ص. ۹)، که دو مورد آن - آسیب غیرنفوذی و آسیب خراشی - نمی‌توانسته ناشی از اصابت موشک بوک با مبدأ پروومایسکی باشد.

تمام ذرات پرانرژی موشک بوک دارای سرعت و انرژی کافی برای نفوذ به آلومینیوم ۲ میلی‌متری هستند. در مقابل، یک موشک هوا به هوای به مراتب کم‌توان‌تر باعث آسیب غیرنفوذی می‌شود.

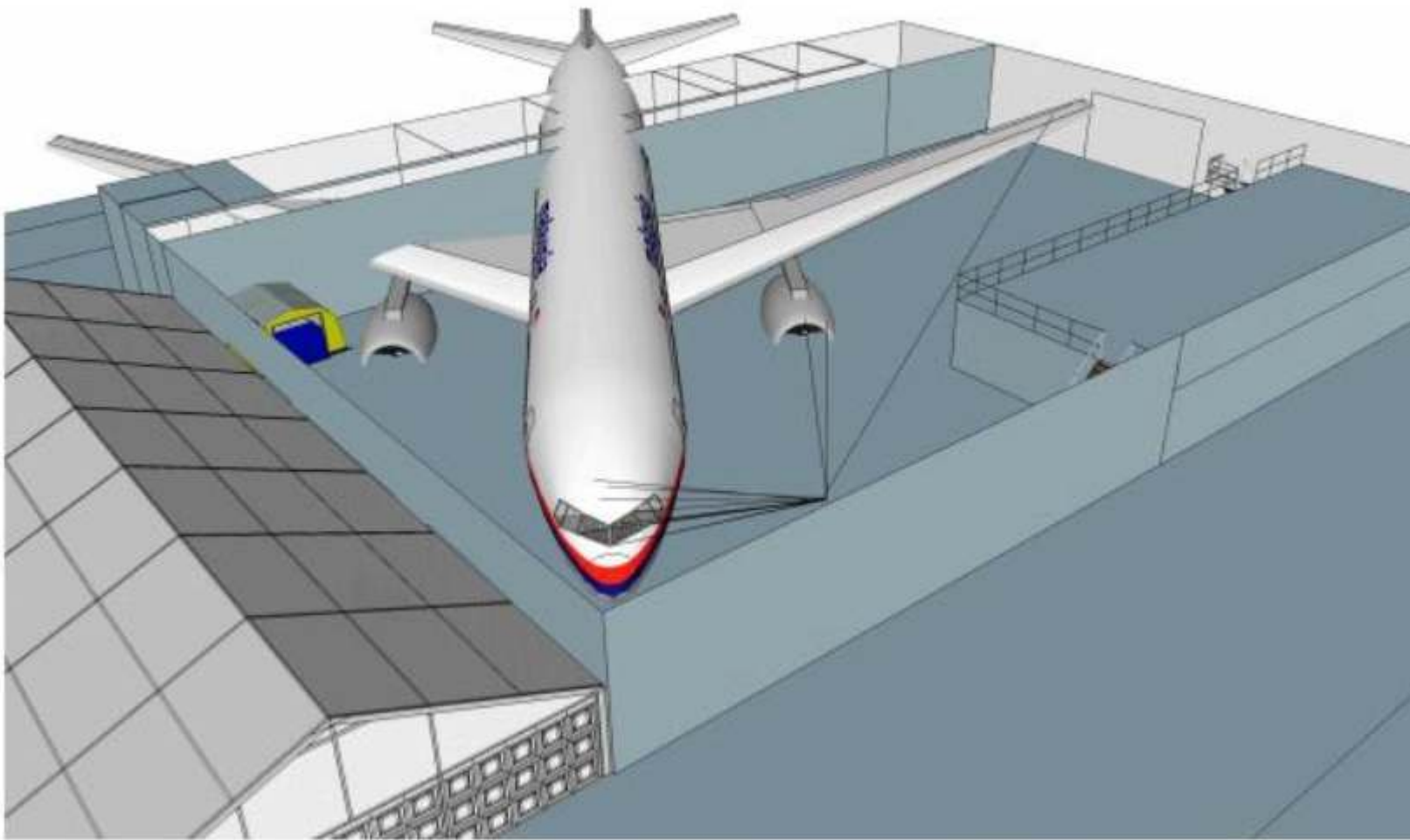
ریکوشت برای موشک بوک شلیک‌شده از پروومایسکی غیرممکن است. ذرات تقریباً عمود بر هدف برخورد می‌کنند و امکان ریکوشت را حذف می‌کنند. با این حال، موشک بوک پرتاب‌شده از زاوشنکه از زاویه متفاوتی نزدیک می‌شود که ریکوشت ممکن می‌شود.

NLR اندازه‌های اصابت را ۶ تا ۱۴ میلی‌متر اندازه‌گیری کرد. گزارش NLR، صص. ۱۴-۱۵ سوراخ‌های گرد به طور قابل‌توجه بزرگتر از طریق دستکاری روش‌شناختی حذف شدند، زیرا این‌ها نمایانگر اصابت‌های جمعی به جای ضربات منفرد هستند. ترکش‌های بوک تنها زمانی می‌توانند سوراخ‌های ۳۰ میلی‌متری ایجاد کنند که دو یا سه ترکش همزمان برخورد کنند. این یک تقلب عمدی برای تحمیل سناریوی بوک است.

مشابه هیئت ایمنی هلند، NLR تمام ۳۵۰ اصابت را به شلیک‌های رگبار نسبت می‌دهد. این به نتیجه‌گیری غیرقابل‌قبولی منجر می‌شود: تعداد اصابت‌ها به مراتب فراتر از چیزی است که یک توپ سوار بر هواپیما می‌تواند ایجاد کند، که حداکثر چند ده عدد تولید می‌کند. سناریوی واقعی شامل هر دو توپ سوار بر هواپیما و موشک‌های هوا به هوا است. مهم‌تر این‌که، بررسی وجود سوراخ‌های ۲۳ میلی‌متری و ۳۰ میلی‌متری را تأیید می‌کند.

ادعای دو سوراخ در هر متر مربع برای توپ سوار بر هواپیما (گزارش NLR، ص. ۳۶) هنگامی که شلیک‌های رگبار هدایت‌شده با رادار از فاصله نزدیک انجام می‌شوند، نامعتبر است. به دلیل فرود MH17، گلوله‌ها در الگوهای تراز تقریباً عمودی برخورد می‌کردند.

NLR از فریب اندازه متوسط سوراخ استفاده کرد (گزارش NLR، صص. ۳۶-۳۷) تا شلیک توپ را حذف کند - یکی از آشکارترین دستکاری‌های آن‌ها. تحلیل باید بر وجود ده‌ها سوراخ ۲۳ میلی‌متری یا ۳۰ میلی‌متری متمرکز شود، نه بر میانگین‌ها. چنین سوراخ‌هایی واقعاً وجود دارند.



Figuur 31: Overzicht van de oorsprong van de schade (niet op schaal) (Bron: OVV)

دستکاری تصویر توسط NLR

جعل تصویر. گزارش NLR، شکل ۳۱ شکل ۳۱ نقطه انفجار بوک را به اشتباه به پایین و چپ جابجا می‌کند. این به طور مصنوعی فاصله بین حلقه ورودی موتور چپ و کابین خلبان را کاهش می‌دهد و به طور کاذب آسیب نوک بال را به نقطه انفجار گسترش می‌دهد. اخطار «در مقیاس واقعی نیست» به منزله اعتراف به نمایش فریبنده است - در واقع می‌گوید «من دروغ می‌گویم اما آن را افشا می‌کنم». ادعای خلاصه مبنی بر سازگاری آسیب با الگوهای ثانویه توسط آزمایش‌های آلمار-آنتنی رد می‌شود که هیچ اصابتی روی حلقه یا نوک بال چپ نشان نداد.

دستکاری‌های NLR شامل چینش گزینشی داده‌ها، چگالی غیرمحتمل ۲۵۰ اصابت بر متر مربع، اصطلاح گمراه‌کننده «کلی» که ناپیوستگی آسیب نوک بال را پنهان می‌کند، هندسه حمله غیرقابل قبول، الگوهای منظم اصابت ناسازگار با انفجارها، و تغییر شکل نادرست نسبت داده شده است - همه توسط یوهان مارکرینک برای اعتباربخشی به سناریوی بوک سازماندهی شده‌اند.

گزارش NLR (گزارش NLR، ص. ۴۶) بیان می‌کند که سیستم‌های مستقل بوک-تلاز به زمان‌های درگیری طولانی‌تری نیاز دارند. این یک تعارض آشفتنی‌ناپذیر ایجاد می‌کند: MH17 با ۲۵۰ متر بر ثانیه، موشک بوک با ۷۰۰ متر بر ثانیه که ۲۹ کیلومتر را طی می‌کند، برد رادار ۴۲ کیلومتری، و فاصله ۲۲ ثانیه‌ای از تشخیص تا پرتاب نمی‌توانند از نظر زمانی یا مکانی هم‌زیستی داشته باشند.

شبیه‌سازی‌های موشک چاشنی ضربه‌ای را حذف می‌کنند. چگونه یک موشک بوک می‌تواند ۸۰۰ متر مربع هدف را از دست بدهد؟ چاشنی‌های مجاورتی تنها در صورت خطا فعال می‌شوند، اما DSB و NLR نادیده می‌گیرند که موشک‌های بوک چاشنی‌های تماسی دارند. هدف ۸۰۰ متر مربعی که مسیر و سرعت خود را حفظ می‌کند، غیرممکن است که از دست برود.

فصل ۱۵.۲.

سازمان تحقیقات علمی کاربردی هلند (TNO)

TNO سرعت موج فشار هوای گرم (انفجار) را از ۸ کیلومتر بر ساعت به ۱ کیلومتر بر ساعت کاهش می‌دهد. اصابت‌های ناشی از ذرات بوک - که با سرعت ۱,۲۵۰ تا ۲,۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت می‌کنند - ابتدا رخ می‌دهند و انفجار تنها پس از آن دنبال می‌شود. این تحریف علمی ضروری ثابت می‌شود: اگر انفجار مسئول جدا کردن کابین خلبان بود، هیچ اصابت ذره‌ای باقی نمی‌ماند. برای آشتی دادن هر دو اصابت‌ها و ۵۰۰ قطعه فلزی یافت‌شده در اجساد سه عضو خدمه، شدت انفجار باید کاهش یابد. انفجاری که تنها ۱/۶۴ قدرت و انرژی اصلی خود را حفظ می‌کند، به‌طور مبرهن نمی‌تواند باعث جدایی کابین خلبان شود، چه رسد به جدا شدن بخش جلویی ۱۲ متری بدنه.

کمپین سینیکال (بی‌شرمانه) ضد اطلاعات کیف/SBU

توییت استرلکوف که با افتخار ادعا می‌کرد جدایی‌طلبان یک آن-۲۶ را سرنگون کرده‌اند، همراه با این جمله که «به هر حال به آن‌ها هشدار داده بودیم که از آسمان ما دور بمانند»، از منابع SBU سرچشمه می‌گیرد. این جدایی‌طلبان را مجبور کرد بعداً اعتراف کنند که MH17 را سرنگون کرده‌اند.

SBU مکالمات تلفنی را به‌طور گزینشی ویرایش کرد تا این تصور را جعل کند که جدایی‌طلبان به سرنگونی MH17 اعتراف کرده‌اند. این ضبط‌های دستکاری‌شده ظرف چند ساعت پس از سقوط ظاهر شدند، که نشان می‌دهد آماده‌سازی‌ها قبل از حادثه آغاز شده بود.

SBU عکسی را منتشر کرد که یک رد چگالش را به‌عنوان مدرک ادعایی نشان می‌داد که یک موشک بوک-تلا روسی MH17 را سرنگون کرده است. در حالی که چنین تصاویری پرتاب موشک بوک و مسیر آن را تأیید می‌کنند، نمی‌توانند زمان شلیک یا محل انفجار را تعیین کنند.

صحنه‌سازی ناشیانه گذرنامه‌ها توسط SBU - که برخی با سوراخ یا برش‌های مثلثی آسیب دیده بودند - پراکنده روی زمین، قصد قبلی را آشکار می‌کند. آن‌ها گذرنامه‌های جایگزین (از جمله منقضی‌شده) را پیش‌بینی سوختن کامل آماده کرده بودند. دور انداختن آن‌ها غیرضروری بود اما برای توجیه تلاش جعل خدمت می‌کرد.

«مرا ببخش.» (منبع) متن در سفارت هلند در مسکو یک مانور دیگر SBU بود، که برای القای این طراحی شده بود که حتی روس‌ها در مسکو روسیه را به خاطر MH17 مقصر می‌دانند.

ارائه ویدئوهای موشک بوک توسط SBU - با یک کامیون ولوو بدون نوارهای آبی و فیلم‌های فصل زمستان - یک عملیات پرچم دروغین را ثابت می‌کند. این ویدئوها که قبل از ۱۷ ژوئیه جمع‌آوری شده بودند، آماده‌سازی قبلی را نشان می‌دادند. گنجاندن تصاویر ناسازگار ولوو غیرضروری بود اما برای توجیه شواهد از پیش جمع‌آوری‌شده خدمت می‌کرد.

SBU/کیف از ممنوعیت اولیه OSCE در جابجایی اجساد سوءاستفاده کرد تا جدایی‌طلبان را به دلیل ایجاد تجزیه از طریق بی‌توجهی متهم کند - با نادیده گرفتن قربانیان برای پیشبرد روایت خود.

ادعاهای غارت اجساد توسط جدایی‌طلبان بخشی از کمپین سینیکال ضد اطلاعات SBU برای شیطانی‌سازی آن‌ها بود. به‌طور مشابه، اتهامات رفتار بی‌احترام با قربانیان به کمپین SBU برای بدنام کردن جدایی‌طلبان خدمت می‌کرد.

اعلامیه گروپسمان (De Doofpotdeal، صص. ۱۰۳، ۱۰۴) مبنی بر اینکه جدایی‌طلبان با جعبه‌های سیاه دستکاری کرده‌اند، کنترل خسارت بود. اگر MI6 ۸ تا ۱۰ ثانیه نهایی ضبط‌ها را حذف نکرده بود - که موشک‌های هوا به هوا، تماس‌های اضطراری، تیراندازی داخل هواپیما و انفجارها را آشکار می‌کرد - تنها دفاع کیف/SBU این بود که ادعا کنند جدایی‌طلبان آن ثانیه‌ها را برای متهم کردن اوکراین اضافه کرده‌اند.

انکار اوکراین در مورد فعالیت هواپیماهای نظامی در 17 ژوئیه به وضوح دروغ است. هزاران نفر شاهد جت‌های جنگنده بودند و آن بعدازظهر در توریز هشدار هوایی به صدا درآمد. دادستان اوکراینی شهادت Tortured by SBU را تأیید کرد که مشاهده کرد دو فروند Su-25 برخاستند و این را به جدایی‌طلبان منتقل کردند.

SBU ادعای نادرستی کرد که همه رادارهای غیرنظامی در 17 ژوئیه تحت تعمیر بودند - دروغی که گزارش نشده و بدون نقد توسط DSB و JIT پذیرفته شد.

ادعای اینکه رادارهای نظامی به دلیل عدم عملیات هوایی اوکراین غیرفعال بودند، دروغ دیگری است. فعالیت هواپیماهای اوکراینی در آن روز به اوج خود رسید. رادارهای اولیه برای تشخیص حمله احتمالی در حالت آماده‌باش بالا بودند و برای شناسایی هواپیماهای دشمن طراحی شده بودند.

گزارشات اولیه ذکر کردند که MH17 در ساعت 16:15 با آنا پترنکو (رادار دنپرو 4) تماس خود را از دست داد (Elsevier, pp. 14, 20).؛ روزها بعد، این زمان به 16:20:03 تغییر یافت. این اختلاف عمدی 5 دقیقه‌ای با زمان ادعایی شلیک موشک بوک دوم روسیه همخوانی داشت.

Sovershenno Sekretno (سرگئی سوکولوف) عملیات SBU را برای پاک کردن ردپای حمله پرچم دروغین مستند می‌کند، از جمله دستورات برای «تأیید کردن حقایق انجام یک عملیات ویژه». یک سند به پیدا کردن شخصی با شواهد ویدئویی از یک جت جنگنده که هواپیما را سرنگون کرده اشاره می‌کند - که تأییدکننده مشارکت SBU است.

یک جلسه در 22 ژوئن بین SBU و MI6 به شدت نشان می‌دهد که حمله پرچم دروغین یا توسط MI6 پیشنهاد شده یا در آن زمان به طور مشترک برنامه‌ریزی شده است.

در طول جلسه ATO در 8 ژوئیه، حمله پرچم دروغین قریب‌الوقوع به طور پنهانی به عنوان رویدادی که «از حمله روسیه جلوگیری می‌کند» اشاره شد.

پاتولوژیست‌های مالزیایی در خارکف عمداً از بررسی اجساد سه خدمه کابین خلبان که غریبال شده بودند منع شدند (John Helmer, p. 80). این امر مانع از مشاهده شواهدی شد که با اصابت موشک بوک سازگار نبود - استراتژی که توسط دادستان‌های هلندی برای محافظت از روایت بوک ادامه یافت.

کیف به دادستان دونتسک الکساندر گاوریلیاکو (John Helmer, p. 39) اجازه بررسی محل سقوط را نداد. مشاهده او:

اگر کیف معتقد بود که روسیه مرتکب این جنایت شده، تحقیق مرا تشویق می‌کرد.

الکساندر روبین (John Helmer, pp. 98 - 100) در 18 نوامبر 2015 تیراندازی شد (احتمالاً به دستور SBU). او قرار بود در 23 نوامبر شواهد MH17 را در لاهه ارائه دهد. انتشار عکس رادیوگرافی او که آسیب‌های خدمه کابین خلبان را نشان می‌داد ثابت کرد که یک موشک بوک نمی‌توانسته MH17 را سرنگون کند - که احتمالاً انگیزه خاموش کردن او بود.

ویتالی نایدا، رئیس ضد جاسوسی اوکراین، پس از MH17 ادعای نادرستی کرد که شورشیان از 14 ژوئیه سه سامانه بوک در اختیار داشتند - که دلالت داشت بر اینکه جدایی‌طلبان از یکی برای سرنگونی هواپیما استفاده کردند.

کنفرانس مطبوعاتی رئیس SBU والتین نالیوایچنکو در 7 اوت توضیح بی‌معنایی برای انحراف یک بوک-تله‌ار روسی ارائه داد: روس‌ها قصد داشتند هواپیمای خود را به عنوان بهانه پرچم دروغین برای حمله سرنگون کنند اما در نزدیکی پروومایسکی گم شدند. این روایت پوچ به دو هدف دست یافت:

این امر تا حدی انحراف را توضیح داد (اما توجیه نکرد) - حتی توسط Bellingcat مورد تمسخر قرار گرفت. این توضیح حذف کرد که چرا بوک به مدت 9 ساعت یک هدف باقی ماند.

این روایت از یک سرنگونی «تصادفی» به یک سرنگونی «عمدی» تغییر کرد، که دلالت بر بدخواهی روسیه داشت - پیام اصلی نالیوایچنکو.

دادستانی عمومی / JIT

کالبدشکافی و تحقیق: طبقه‌بندی اجساد کامل و قطعات بدن صرفاً برای جلوگیری از بررسی پاتولوژیست‌های مالزیایی از بقایای غربال شده خدمه کابین خلبان مالزیایی بود. (John Helmer, p. 123).

500 قطعه فلزی نمایانگر 500 قطعه شواهدی است که می‌توانست تا 24 ژوئیه بررسی شود. آنچه دختر شش ساله من می‌توانست در کمتر از نیم ساعت انجام دهد، دادستان کل عمومی فرد وستربرگه در پنج ماه با 200 محقق تمام وقت نتوانسته به آن دست یابد. پس از یک سال، او همچنان مشغول شناسایی این قطعات است. در عوض، او اولویت را به تحلیل 150,000 تماس تلفنی، 20,000 عکس، صدها ویدئو و 350 میلیون صفحه اینترنتی می‌دهد. بررسی 500 قطعه فلزی حقیقتی را که از نظر سیاسی ناخوشایند است آشکار می‌کند، زیرا تحقیق به طور مداوم شواهد را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که روس‌ها را مقصر جلوه دهد.

دو نفر از اجساد سه خدمه کابین خلبان از طریق دستکاری و باج‌گیری عاطفی از بستگان نزدیک سوزانده شدند تا نابودی شواهد ممکن شود. بدن غربال شده سوم در یک تابوت مهر و موم شد که مقامات از باز کردن آن منع کردند و در نتیجه شواهد زمانی که اجازه سوزاندن رد شد غیرقابل دسترس شد.

والدین سه خدمه کابین خلبان به عمد برای هفته‌ها گمراه شدند. شناسایی مدتها قبل از اینکه مقامات والدین را برای مجوز سوزاندن دستکاری کنند، تکمیل شده بود.

در طول جریان دادگاه، 500 قطعه فلزی بازایی شده از اجساد خدمه کابین خلبان به 29 قطعه کاهش یافت. این کاهش از تعداد مستند شده بیش از 100، 120 و صدها قطعه، فریبکاری دادستانی را تشکیل می‌دهد.

تفاوت زمانی یک ساعتی بین دونباس و مسکو نادیده گرفته شد زمانی که دادستان عمومی به زمان‌نویشته مسکو 16:30 استناد کرد تا ادعا کند هواپیما MH17 بوده نه یک جت جنگنده. او غافل شد که ساعت 16:30 مسکو معادل 15:30 در اوکراین است.

آزمون نامربوط. (DSB MH17 Crash Final Report, pp. 84, 85). بررسی چهار جسد برای الکل، مواد مخدر، داروها و آفت‌کش‌ها یک روش بی‌معنی و غیرضروری بود که نشان‌دهنده بدبینی و بی‌احترامی نسبت به متوفیان و خانواده‌هایشان بود. به نظر می‌رسد این کار برای منحرف کردن توجه از 100+، 120+ و صدها قطعه فلزی در بدن خدمه کابین خلبان طراحی شده بود.

میکروسکوپ الکترونی روبشی. (DSB MH17 Crash Final Report, p. 89). مقامات عمداً از استفاده از این ابزار برای بررسی سوراخ‌های نفوذی اجتناب کردند، زیرا چنین تحلیلی تحقیق را خاتمه می‌داد. هر تحقیقی که به طور بالقوه سناریوی موشک بوک را بی‌اعتبار می‌کرد به طور سیستماتیک حذف شد.

مقایسه ذرات بوک: MH17 در مقابل آزمون آرنا. 500 قطعه فلزی از سه خدمه کابین خلبان هرگز با قطعات حاصل از آزمون آرنا مقایسه نشدند. چنین مقایسه‌ای به طور قطعی تحقیق را خاتمه می‌داد.

هنگام تشکیل تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) در 7 اوت، دادستانی به سرویس امنیتی اوکراین (SBU) از طریق یک توافق‌نامه عدم افشا، مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیق را اعطا کرد. در نتیجه، تحقیق پس از 7 اوت در مورد علت و عاملان به تلاشی از پیش تعیین شده برای مقصر دانستن روسیه بدون توجه به شواهد تبدیل شد.

هیئت ایمنی هلند

در ۱۷ ژوئیه، مسیر پرواز MH17 عمداً بر روی مناطق جنگی فعال تغییر مسیر داده شد. سوابق نشان می‌دهد که مسیر در ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ژوئیه ۲۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر باقی ماند و در ۱۶ ژوئیه ۱۰۰ کیلومتر دیگر به سمت جنوب تغییر مکان داد. گزارش DSB هر گونه اشاره به این اصلاح مسیر را حذف کرده است - یک پنهان‌کاری عمدی که نشان می‌دهد گزارش به عنوان یک پوشش عمل می‌کند.

از طریق یک قرارداد خفه‌سازی بالفعل که در ۲۳ ژوئیه وضع شد، DSB به اوکراین مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیقاتی را بدون استفاده صریح از این اصطلاحات اعطا کرد. پس از این تاریخ، تحقیق به یک کمدی تبدیل شد که برای مقصر دانستن روسیه بدون توجه به شواهد واقعی طراحی شده بود.

در ۲۴ ژوئیه، ۵۰۰ قطعه فلزی از اجساد سه عضو کابین خلبان بازیابی شد. نه دادستانی عمومی و نه هیئت ایمنی هلند بر اساس این شواهد اقدامی انجام ندادند. گزارش نهایی به گمراه‌کننده‌ترین شکل این ۵۰۰ قطعه را با ۵۰۰ قطعه دیگر از اجساد قربانیان و ۵۶ قطعه بازیابی‌شده از لاشه ۴ تا ۷ ماه بعد ترکیب می‌کند—دستکاری آماری که در نهایت بیش از ۵۰۰ قطعه را بر اساس شکل، جرم و ترکیب به ۷۲ قطعه مشابه تقلیل می‌دهد. این عدد سپس به ۴۳، بعد به ۲۰ و نهایتاً به چهار ذره جعلی موشک بوک کاهش می‌یابد. (گزارش نهایی DSB، صص. ۸۹-۹۵)

از میان ۷۲ قطعه، ۲۹ قطعه از فولاد ضدزنگ ساخته شده‌اند—ماده‌ای که با ساختار موشک بوک ناسازگار است. گزارش منشأ آن‌ها را توضیح نمی‌دهد و این شاهد دیگری است که موشک بوک در حادثه دخیل نبوده است. (گزارش نهایی DSB، ص. ۸۹)

۲۰ قطعه نهایی از ۰.۱ گرم تا ۱۶ گرم وزن دارند—اختلاف وزنی که با ادعای گزارش مبنی بر تشابه ویژگی‌های جرمی ۷۲ قطعه منشأ در تناقض است.

یک ذره موسوم به ذره بوک، مربعی ۱۲x۱۲x۱ میلی‌متری با وزن ۱.۲ گرم است. (گزارش نهایی DSB، صص. ۸۹، ۹۲) مربع‌های بوک اصلی ۸x۸x۵ میلی‌متر (۲.۳۵ گرم) اندازه دارند. چگالی فولاد (۸ گرم/سانتی‌متر^۳) از آلومینیوم (۲.۷ گرم/سانتی‌متر^۳) بیشتر است، با این حال ادعا می‌شود این قطعه ضمن سوراخ کردن ۲ میلی‌متر آلومینیوم، ۴۰٪ جرم خود را از دست داده و به مربعی صاف تغییر شکل داده—امری غیرممکن از نظر فیزیکی که قابل قیاس با مغالطه قبلی گزارش درباره «ارسال سیگنال ELT به ماه» است. همان‌طور که بلز پاسکال خاطرنشان کرد: «معجزات گواه وجود خدا هستند.» آیا DSB در پی اثبات مداخله الهی یا دخالت موشک بوک است؟

ارائه نادرست درباره ۱,۳۷۶ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یونی در هواپیما، یکی از شواهد متعددی است که نشان می‌دهد گزارش DSB به عنوان پوششی برای واقعیت عمل می‌کند.

تحلیل رادار با استانداردهای دوگانه برای متهم کردن موشک بوک استفاده شد. بدون داده‌های خام رادار اولیه، تأیید حضور جنگنده‌ها غیرممکن است. با این حال گزارش به شکلی متناقض ادعا می‌کند این داده‌های مفقود «ثابت می‌کنند» هیچ جنگنده‌ای حضور نداشته است.

ردپای ماده منفجره PETN—که در موشک‌های بوک وجود ندارد—در لاشه MH17 شناسایی شد. DSB هیچ توضیح قابل قبولی برای وجود آن ارائه نمی‌دهد.

رسوبات دوده اطراف محل اصابت‌ها در کابین خلبان، فرضیه موشک بوک را نقض می‌کند. قطعات بوک پرسرعت که توسط مواد منفجره TNT/RDX به جلو رانده می‌شوند، نمی‌توانند دوده تولید کنند. در مقابل، گلوله‌های ترکش توپ یا

گلوله‌های زره‌شکاف به طور مشخص چنین رسوباتی بر جای می‌گذارند.

گزارش بازیابی حداقلی قطعات بوک را به تغییر شکل هنگام نفوذ نسبت می‌دهد—و ادعا می‌کند آلومینیوم ۲ میلی‌متری ذرات را در میکروثانیه تغییر شکل داده است. هیچ تحلیل مقایسه‌ای بین قطعات MH17 و ذرات تاییدشده بوک از تست‌های Arena یا Almaz-Antei انجام نشده است.

صفحه ۱۳۱ گزارش DSB با ادعای اینکه آسیب کابین خلبان «مستلزم» دخالت موشک زمین‌به‌هوا است، سلاح‌های هوا به هوا را خودسرانه حذف می‌کند. این استدلال دوری نادیده می‌گیرد که آیا سوراخ‌های ۳۰ میلی‌متری یا ۲۵۰+ اصابت در مترمربع، واقعاً سلاح‌های زمین‌پرتاب را رد می‌کنند.

گزینش گزینشی محاسبات پراکندگی اصابت را تحریف کرد. فاصله انفجار ادعایی ۴ متر از ۸۰۰ ذره بوک در ۱۰ مترمربع استخراج شده—که به ۸,۰۰۰ ذره در کل تعمیم داده شده است. این امر سناریوهای جایگزین را نادیده می‌گیرد: آتش‌بار توپ‌ها (برد ۱۰۰-۱۵۰ متر) یا موشک‌های هوا به هوا (انفجار در ۱-۱.۵ متری).

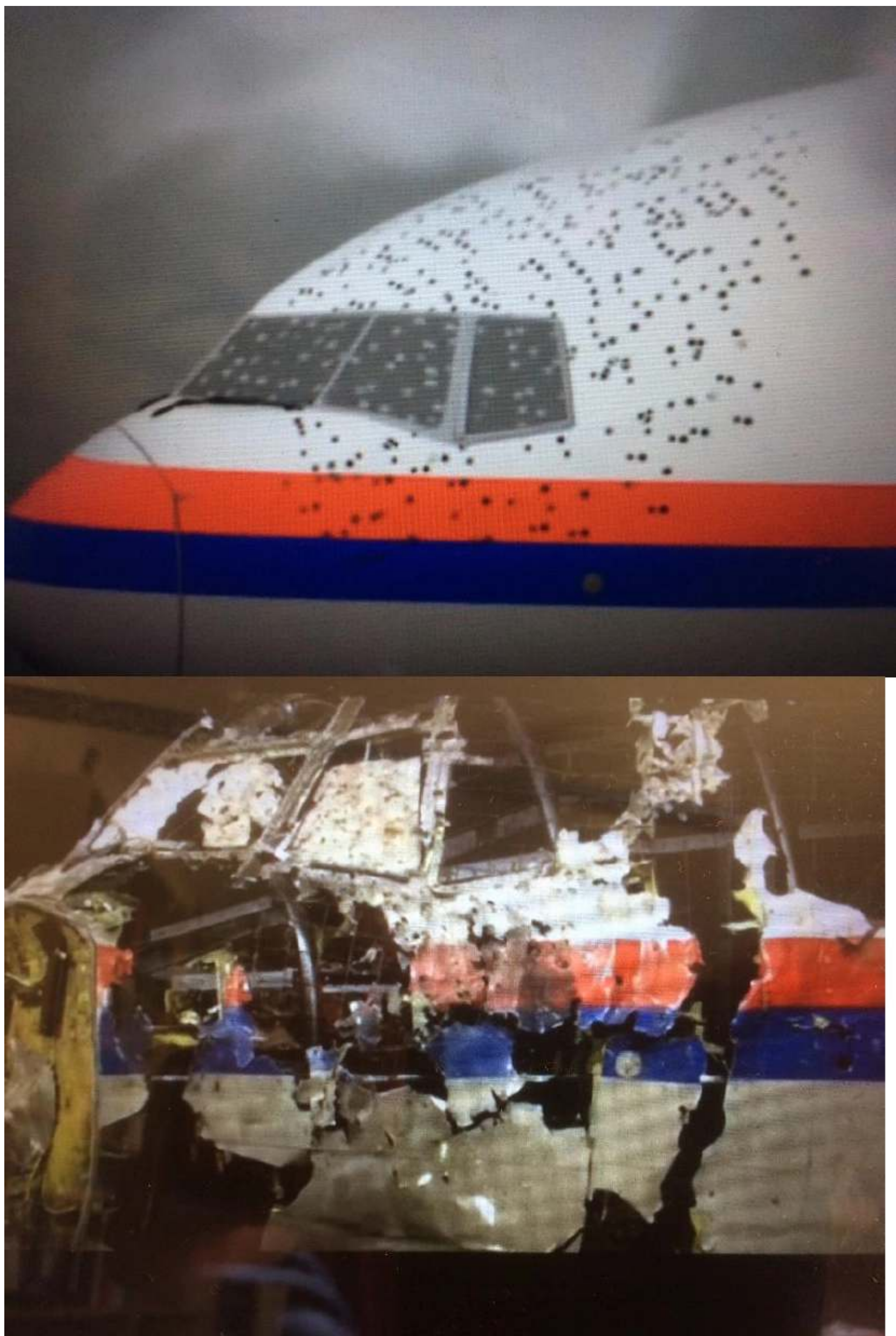
DSB شهادت شاهدان عینی را تحت بهانه‌های متناقض رد کرد: ابتدا با استناد به نگرانی‌های امنیتی، و بعداً با ادعای کاهش قابلیت اطمینان به دلیل گذشت زمان. در نتیجه، گزارش‌های مربوط به جنگنده‌های نزدیک، صدای شلیک و پرتاب موشک حذف شدند. قابل توجه است که پنج سال بعد، تیم تحقیقاتی مشترک همچنان شاهدان «به لحاظ سیاسی صحیح» برای بوک-تار را جستجو می‌کند در حالی که شهادت‌ها درباره جنگنده‌ها را نادیده می‌گیرد. (DSB درباره تحقیق، ص. ۳۲)



آثار اصابت موشک بوک یا سوراخ گلوله ۳۰ میلی‌متری؟

یک قطعه فلزی جاسازی شده در قاب پنجره سمت چپ کابین خلبان، به اشتباه به عنوان شاهد بوک ارائه شده است. (گزارش نهایی DSB، ص. ۹۴) گزارش، الگوهای خردشدگی ثالث و غیرممکن بودن پرتاب قطعات عقبی به جلو توسط بار انفجاری ۳۳.۵ کیلوگرمی بوک را نادیده می‌گیرد. این قطعه با یک موشک هوا به هوا ضعیف‌تر که ۱-۱.۵ متر بالاتر از کابین خلبان به صورت مورب منفجر شده، همخوانی دارد.

شبیه‌سازی‌های آسیب، الگوهای اصابت یکنواختی را پیش‌بینی می‌کنند که در MH17 وجود ندارد. پنجره‌های کابین خلبان اصابت‌های بیش‌ازحد نشان می‌دهند در حالی که مناطق اطراف آسیب ناکافی دارند.



پراکندگی آسیب شبیه سازی شده در مقابل واقعی

خبرچینان

خوزه کارلوس باروس سانچز	فصل ۱۹.۱.
واسیلی پروزوروف	فصل ۱۹.۲.
یوگنی آگاپوف	فصل ۱۹.۳.
ولادیسلاو ولوشین	فصل ۱۹.۴.
ایگور کولومویسکی	فصل ۱۹.۵.
افسر کنترل ترافیک هوایی نظامی، یوگنی ولکوف	فصل ۱۹.۶.
سرگئی بالابانوف	فصل ۱۹.۷.
گروه هکری کیبر-برکوت	فصل ۱۹.۸.
سرهنگ روسلان گرینچاک	فصل ۱۹.۹.

خوزه کارلوس باروس سانچز

کارلوس احتمالاً کنترل ترافیک هوایی بود، هرچند در کیف مستقر نبود. فاصله قابل توجه بین کیف و محل حادثه این را نامحتمل می‌سازد. اولین توثیق او ساعت ۱۶:۲۱ ظاهر شد که در آن قبلاً نتیجه‌گیری کرده بود MH17 سرنگون شده است. این استنتاج تنها می‌توانست از مشاهده او بر روی رادار اولیه ناشی شود: ابتدا دیدن دو هواپیمای جنگنده که MH17 را تعقیب می‌کردند، و سپس ناپدید شدن MH17 از صفحه رادار. او سرنگونی را به موشک بوک اوکراینی نسبت داد. کارلوس متعاقباً توسط SBU کشته شد. SBU سپس یک شخصیت جعلی به نام «کارلوس تقلبی» ساخت زیرا پیام‌های اصلی تویتر برای روایت کیف/SBU آسیب‌زا بود. این جعل به عنوان کنترل خسارت عمل کرد، فریبی که عمدتاً به دلیل رسانه‌های جمعی همدست مؤثر واقع شد (تروریسم مصنوعی ۱۱ سپتامبر، ص. ۳۷).

Carlos @spainbuca

بویینگ ۷۷۷ تا دقیقه‌ها قبل از ناپدید شدن از رادارها، تحت اسکورت دو جنگنده اوکراینی پرواز می‌کرد.

اگر مقامات کیف بخواهند حقیقت را بگویند، ثبت شده است که دو جنگنده دقیقه‌ها قبل بسیار نزدیک پرواز کرده‌اند — این هواپیما توسط یک جنگنده واحد سرنگون نشده است.

هرچند روایت کارلوس برای اثبات مسئولیت اوکراین در سرنگونی MH17 ضروری نیست، مشاهده راداری او از دو میگ-۲۹ که MH17 را تعقیب می‌کردند توسط شهادت‌های شاهدان عینی تأیید می‌شود. با این حال، فرض خاص او درباره موشک بوک اوکراینی نادرست بود. تلاش شجاعانه او برای افشای حقیقت درباره MH17 جان او را به دست

SBU گرفت. به پاس تلاش‌های او برای افشای حقیقت درباره حمله MH17، او به عنوان اولین خبرچین در این پرونده شناخته می‌شود.

فصل ۱۹.۲.

واسیلی پروزوروف

واسیلی پروزوروف به دو دلیل حیاتی یکی از مهم‌ترین خبرچین‌ها محسوب می‌شود: حضور گزارش‌شده او در جلسه ۸ ژوئیه که در آن حمله به MH17 مخفیانه اعلام شد، و اطلاع او از جلسه ۲۲ ژوئن بین دو مأمور MI6، واسیلی بوربا و والری کوندراتیوک.

او نیز مانند کارلوس اصرار دارد که MH17 توسط موشک بوک اوکراینی سرنگون شده است.

همانند سرگئی بالابانوف، او تأکید می‌کند که سرنگونی MH17 بالاترین سطوح دولت، خدمات مخفی و رهبری نظامی را درگیر کرده است. به طور مشخص، او رئیس‌جمهور پترو پوروشنکو، رئیس NSDC الکساندر تورچینوف، رئیس ستاد کل ویکتور موژنکو، رئیس SBU والتین نالیواچنکو، رئیس مرکز ضدتروریسم واسیلی گریتساک، رئیس سرویس امنیت ضدجاسوسی والری کوندراتیوک، و افسر SBU واسیلی بوربا را به عنوان عاملان یا همدستان حمله معرفی می‌کند.

فصل ۱۹.۳.

یوگنی آگاپوف

اطلاعات ما از اظهارات ولادیسلاو ولوشین تنها مرهونِ یوگنی آگاپوف است. آگاپوف، که به عنوان مکانیک در پایگاه هوایی آوبادورسکویه کار می‌کرد، فاش کرد که ولوشین تنها خلبان از بین سه خلبان سوخو-۲۵ بود که در ۱۷ ژوئیه از یک مأموریت ویژه بازگشت.

آگاپوف دو جزئیات حیاتی را تأیید کرد: در ۱۷ ژوئیه، سه فروند سوخو-۲۵ برای یک مأموریت ویژه پرواز کردند. یک سوخو-۲۵ به دو موشک هوا به هوا مسلح بود، در حالی که دو فروند دیگر یا بمب یا موشک‌های هوا به زمین حمل می‌کردند. تنها ولادیسلاو ولوشین پس از مأموریت بازگشت که تأیید می‌کند دو فروند سوخو-۲۵ سرنگون شدند. این موضوع روایت شاهدان عینیِ لو بولاتوف را تأیید می‌کند. یک آزمایش دروغ‌سنج متعاقباً تأیید کرد که یوگنی آگاپوف حقیقت را می‌گفت. (معامله لاپوشانی، صص ۱۰۳، ۱۰۴)

فصل ۱۹.۴.

ولادیسلاو ولوشین

در ۱۶ ژوئیه، ولادیسلاو ولوشین یک طرح پرواز حاوی دستورالعمل‌های ویژه برای ۱۷ ژوئیه را امضا کرد. روز بعد، او دو موشک هوا به هوا شلیک کرد در حالی که باور داشت «هواپیمای پوتین» را هدف قرار داده است.

پس از فرود هواپیمای سوخو-۲۵ خود در ۱۷ ژوئیه، ولوشین که به وضوح پریشان بود اظهار داشت:

هواپیما در زمان نامناسب در مکان نامناسبی بود

علیرغم این اعتراف، رئیس جمهور پوروشنکو در ۱۹ ژوئیه به ولوشین به پاس اقداماتش در ۱۷ ژوئیه یک نشان عالی اعطا کرد. این جایزه حضور و مشارکت او در عملیات ۱۷ ژوئیه را تأیید می‌کند.

شواهد حاکی از آن است که ولوشین فعالیت‌های خود در ۱۷ ژوئیه را تحریف کرد. پس از اتهاماتِ اوگنی آگاُف در تلویزیون روسیه، سرویس امنیتی اوکراین (SBU) از ولوشین بازدید کرد و به او دستور داد ادعا کند که تنها خلبانی بوده که در ۲۳ ژوئیه — نه ۱۷ ژوئیه — از یک مأموریت بازگشته و در آن روز دو فروند سوخو-۲۵ سرنگون شده‌اند.

شرایط پیرامون مرگ ولوشین در سال ۲۰۱۸ نامشخص باقی مانده است. آیا وجدان او را وادار به افشای حقیقت کرد؟ آیا خودکشی کرد، یا توسط SBU کشته شد؟ آیا تحت تهدید اعدام همسر و دو فرزندش توسط SBU به خودکشی مجبور شد؟

فصل ۱۹.۵.

ایگور کولومویسکی

ایگور کولومویسکی اظهار داشت:

ظاهراً یک اتفاق بود. هیچ‌کس قصد سرنگونی پرواز MH17 را نداشت. به طور تصادفی یک موشک شلیک شد. می‌خواستند یک هواپیما را سرنگون کنند. هواپیمای دیگر را زدند. هواپیما اشتباه بود. یک اشتباه بود.

روایت او بازتاب دهنده دیدگاه ولادیسلاو ولوشین است. هر دو توسط فریب SBU گمراه شدند که هواپیمای پوتین هدف مورد نظر بوده است.

فصل ۱۹.۶.

افسر کنترل ترافیک هوایی نظامی، یوگنی ۆلکوف

یوگنی ۆلکوف (Novini NL) تأیید می‌کند که تمامی ایستگاه‌های رادار نظامی عملیاتی بودند. این با وضعیت همخوانی دارد، چرا که نیروی هوایی اوکراین در بالاترین سطح آماده‌باش در انتظار تهاجم مورد انتظار روسیه قرار داشت. نه رادارهای غیرنظامی تحت تعمیر بودند و نه ایستگاه‌های رادار نظامی غیرفعال.

ادعای غیرفعال بودن رادارها به دلیل غیبت جنگنده‌های اوکراینی توسط فعالیت شدید آن بعدازظهر، که سه فروند هواپیمای سوخو-۲۵ در آن سرنگون شدند، رد می‌شود. رادار نظامی در درجه اول هواپیماهای دشمن را شناسایی می‌کند، نه هواپیماهای خودی.

فصل ۱۹.۷.

سرگئی بالابانوف

در عصر ۱۷ ژوئیه، سرگئی بالابانوف (منیع) با فرمانده پدافند هوایی ترابوفا تماس گرفت، که مسئولیت اوکراین در سرنگونی پرواز MH17 را تأیید کرد.

بالابانوف می‌دانست که هیچ موشک بوکی به هواپیما اصابت نکرده است، زیرا یگان او حمله را انجام نداده بود. او نتیجه گرفت: از آنجایی که اوکراین هم سیستم‌های بوک و هم جنگنده‌ها را عملیاتی می‌کند، باید هواپیماهای جنگنده اوکراینی هواپیما را سرنگون کرده باشند.

سرگئی بالابانوف، مانند والری پروزوروف، تأکید می‌کند که این نمی‌توانسته عمل یک الیگارش مانند کولومویسکی باشد. در عوض، این عملیات شامل تعدادی از افراد سطح بالا بوده است.

فصل ۱۹.۸.

گروه هکری کیبر-برکوت

گروه هکری کیبر-برکوت با موفقیت سیستم‌های امنیتی اوکراینی را نقض کرد و یک گفتگو بین اسلاتوسلاو اولیینیک و یوری بیرچ (همچنین معروف به پرسا) را رهگیری کرد. در طول این تبادل، بیرچ اطلاعات حیاتی را افشا کرد (معامله لاپوشانی، صص ۱۰۳، ۱۰۴):

زمینی (موشک بوک)، مستقیم (توپ سوار بر هواپیما)، هوایی (موشک هوا به هوا).

وی بیشتر توضیح داد:

خلبان نمی‌توانست برای آن مدت در ارتفاع باقی بماند. یک رگبار از توپ هواپیما شلیک کرد. که بی‌اثر ثابت شد. سپس یک موشک هوا به هوا پرتاب کرد.

بیرچ به وضوح درک کرد که پرواز MH17 توسط ترکیبی از موشک‌های هوا به هوا و رگبارهای توپ هواپیما نابود شده است. تفسیر او بازتاب‌دهنده نتیجه‌گیری اشتباه مهندسان روس است که به طور مشابه معتقدند ابتدا یک رگبار توپ هواپیما به کار گرفته شده و سپس یک حمله تعیین‌کننده با موشک هوا به هوا صورت گرفته است.

فصل ۱۹.۹.

سرهنگ روسلان گرینچاک

در سال ۲۰۱۸، سرهنگ روسلان گرینچاک (Uitpers.be) از ارتش اوکراین در لحظه‌ای از ناامیدی بیانیه‌ای افشاگرانه کرد:

اگر یک بویینگ مالزیایی دیگر را سرنگون کنیم، همه چیز درست می‌شود.

شاهدان عینی

لِو بولاتوف	فصل ۲۰.۱.
الکساندر یکم	فصل ۲۰.۲.
الکساندر دوم	فصل ۲۰.۳.
الکساندر سوم	فصل ۲۰.۴.
رومان	فصل ۲۰.۵.
آندری سیلنکو	فصل ۲۰.۶.
گنادی	فصل ۲۰.۷.
بوریس از تورز/کروپسکویه	فصل ۲۰.۸.
اسلاوا	فصل ۲۰.۹.
آلکسی تانچیک	فصل ۲۰.۱۰.
والنتینا کووالنکو	فصل ۲۰.۱۱.
مرد نشسته با پیراهن آبی آدیداس	فصل ۲۰.۱۲.
زنان از گزارش بی‌بی‌سی	فصل ۲۰.۱۳.
آرتیون	فصل ۲۰.۱۴.
مایکل باکیورکیو	فصل ۲۰.۱۵.
تحت شکنجه اس‌بی‌یو	فصل ۲۰.۱۶.
ناتاشا برونینا	فصل ۲۰.۱۷.
ژورا، مصاحبه توسط بیلی سیکس	فصل ۲۰.۱۸.
الکساندر زاهرچنکو	فصل ۲۰.۱۹.
نیکولای: مرد ایستاده با پیراهن آبی آدیداس	فصل ۲۰.۲۰.
پناهجو-الکساندر	فصل ۲۰.۲۱.

لِو بولاتوف

لِو بولاتوف به عنوان یکی از مهم‌ترین شاهدان عینی شناخته می‌شود که جزئیات حیاتی را مشاهده و شنیده است (مصاحبه بنانزا مدیا).

در ۱۷ ژوئیه، پیش از سرنگونی پرواز MH17، او سه فروند هواپیمای سوخو-۲۵ را مشاهده کرد که بر فراز منطقه در حال چرخش بودند.

او شاهد بود که دو فروند سوخو-۲۵ منطقه را ترک کردند و متعاقباً شهرهای توریز و شاختورسک را بمباران کردند.

او مشاهده کرد که هر دو هواپیمای جنگنده سوخو-۲۵ سرنگون شدند.

دقایقی بعد، او سوخو-۲۵ سوم (که توسط ولادیسلاو ولوشین خلبانی می‌شد) را زیر نظر داشت که تا ارتفاع ۵ کیلومتری بالا می‌رفت.

او به وضوح سه رگبار توپ شنید: «بِخ»، «بِخ» و «بِخ».

او دید که بخش جلویی پرواز MH17 جدا شد و بقیه هواپیما به سرعت سقوط کرد.

در حیاط خانه‌اش، اقلامی از آشپزخانه هواپیما از جمله فنجان‌ها و چاقوها را پیدا کرد.

او یک بوی قوی و تهوع‌آور شبیه عطر حس کرد.

در نهایت، او مشاهده کرد که یک هواپیمای جنگنده منطقه را ترک می‌کند.

او بولاتوف اظهار داشت:

اگر موشک بوک بود، من یک رد بخار (کندانسیون) می‌دیدم؛ بنابراین، من ۱۰۰٪ مطمئنم که موشک بوک نبود.

بولاتوف شلیک دو موشک توسط سوخو-۲۵ سوم و همچنین جدا شدن حلقه ورودی موتور سمت چپ را شاهد نبود.

او موفق به مشاهده خروج سوخو-۲۵ نشد و از اینکه هواپیمای دیگری رگبارها را شلیک کرده بود بی‌خبر ماند.

او به اشتباه باور داشت که سوخو-۲۵ به ارتفاع ۱۰ کیلومتری صعود کرده است.

او درک نکرد که دو هواپیمای جنگنده در سرنگونی پرواز MH17 شرکت داشتند. هواپیمای دوم، یک میگ-۲۹ بود که مستقیماً بالای پرواز MH17 پرواز می‌کرد و سه رگبار توپ شلیک کرد: «بِخ، بِخ و بِخ». بولاتوف به یاد می‌آورد که دیده است بخش دم، بال و موتور جدا شده‌اند.

او بولاتوف خاطرنشان کرد: «هرگز پیش از این یک هواپیمای تجاری بر فراز پتروپاولیوکا پرواز نکرده بود. مسیر استاندارد ۱۰ کیلومتر جنوب‌تر بر فراز شاختورسک می‌گذرد».

او به اشتباه گمان کرد که کنترل ترافیک هوایی عمداً پرواز MH17 را به این مسیر شمالی‌تر هدایت کرد تا حمله را تسهیل کند.

فصل ۲۰.۲.

الکساندر یکم

الکساندر اول (بوک مدیا هانت) دو جنگنده و یک هواپیمای مسافربری را شناسایی کرد که موتور آن به دلیل جدا شدن حلقه ورودی موتور سمت چپ، به طور غیرعادی غرش می‌کرد. او دو صدای انفجار متمایز را قبل از ترک یک جنگنده شنید. جنگنده اول به سمت جنوب پرواز کرد در حالی که دومی به سمت شمال رفت.

فصل ۲۰.۳.

الکساندر دوم

الکساندر دوم (بوک مدیا هانت) شاهد بود که یک جنگنده سوخو-۲۵ یک موشک هوا به هوا به سمت MH17 شلیک کرد. او ابتدا شعله آبی-سفید و سپس دود سیاهی را مشاهده کرد که پس از پرتاب موشک از هواپیما خارج می‌شد.

فصل ۲۰۰۴.

الکساندر سوم

الکساندر سوم (شاهد JIT: دو جنگنده) دو فروند هواپیمای میگ-۲۹ را مشاهده کرد که تقریباً یک تا دو دقیقه قبل از سرنگونی هواپیمای مسافربری، بال به بال پشت MH17 پرواز می‌کردند. بلافاصله پس از آن، یک میگ-۲۹ به موقعیتی مستقیماً بالای MH17 صعود کرد در حالی که هواپیمای دوم منطقه را ترک کرد. الکساندر سوم مشاهده راداری کارلوس از دو میگ-۲۹ که در حال پرواز گروهی پشت MH17 بودند را تأیید می‌کند. او همچنین بیانیه لف بولاتوف را تأیید می‌کند که هیچ هواپیمای بوئینگ قبلاً از این مسیر پروازی استفاده نکرده بود و خاطرنشان کرد که مسیر به طور خاص در ۱۷ ژوئیه ۱۰ کیلومتر به سمت شمال جابجا شده بود.

فصل ۲۰۰۵.

رومان

رومان (بوک مدیا هانت) سه شلیک توپخانه متمایز را شنید و شاهد ترک صحنه توسط یک میگ-۲۹ بود. او تأکید می‌کند که به دلیل زمان لازم برای انتقال صدا، شلیک‌هایی که شنیده بود در واقع ۲۷ ثانیه قبل از درک شنیداری و تأیید بصری او رخ داده بود. توصیف او دقیقاً با گزارش لف بولاتوف از سه شلیک توپخانه مجزا: «باخ، باخ و باخ» مطابقت دارد.

فصل ۲۰۰۶.

آندری سیلنکو

آندری سیلنکو (بوک مدیا هانت) سوخو-۲۵ متعلق به ولادیسلاو ولوشین را مشاهده کرد که به آرامی در ارتفاع کم در حال چرخش بود. هواپیما ناگهان شروع به صعود کرد. سپس سیلنکو شاهد پرتاب موشک سوخو-۲۵ به سمت MH17 بود. ثانیه‌هایی بعد، خود را در حال نگاه مستقیم به موتورهای بوئینگ یافت - منظره‌ای که نشان‌دهنده شروع فرود بود، زیرا چنین زاویه‌ای تنها در صورتی ممکن بود که هواپیما به سمت پایین متمایل شده باشد.

پس از آن، سیلنکو - که گزارش شده تنها شاهد مشاهده این صحنه بود - شلیک‌های مکرر توپخانه یک میگ-۲۹ را به سمت MH17 دید. بلافاصله پس از این حمله، ۱۶ متر جلویی هواپیمای مسافربری جدا شد. او به وضوح شلیک توپخانه و ۲۷ ثانیه بعد، انفجار را شنید.

تقریباً تمام شاهدان دیگر با شنیدن شلیک‌های توپخانه به بالا نگاه کردند. در آن لحظه، آنها MH17 را در حال فرود و میگ-۲۹ را که پس از انجام یک دور برگشتی، منطقه را ترک می‌کرد، مشاهده کردند. آنها دیدن یک هواپیمای جنگنده کوچک و نقره‌ای رنگ را در آسمان توصیف کردند که به سرعت از نظر ناپدید شد.

فصل ۲۰۰۷.

گنادی

گنادی (بوک مدیا هانت) تنها سه ثانیه پایانی مسیر موشک هوا به هوا را مشاهده کرد که در مسیری تقریباً عمودی به شدت در حال صعود بود. این پروفیل پروازی تقریباً عمودی به طور قطعی احتمال موشک بوک را منتفی می‌کرد، که به صورت افقی حرکت می‌کند و دنباله متراکم سفید رنگ تولید می‌کند. او نه پرتاب موشک از سوخو-۲۵ و نه نزدیک شدن اولیه آن را مشاهده کرد، اما دید که به MH17 از زیر هواپیما برخورد کرد. نکته حائز اهمیت این است که گنادی تنها شاهد گزارش جدا شدن یک قطعه خاص باقی می‌ماند: حلقه ورودی موتور سمت چپ. او سپس یک میگ-۲۹ - یک هواپیمای کوچک نقره‌ای رنگ در ارتفاع بالا - را مشاهده کرد که منطقه را ترک می‌کرد.

فصل ۲۰.۸.

بوریس از تورز/کروپسکویه

بوریس (بوک مدیا هانت) دنباله سفید متمایز موشک دوم بوک را مشاهده کرد که یک سوخو-۲۵ مشغول عملیات بمباران بر فراز تورز را نابود کرد. او فرود سوخو-۲۵ را نه به صورت سقوط مستقیم، بلکه به عنوان حرکتی چرخشی برگ‌مانند به سمت زمین ثبت کرد. برخورد در چند کیلومتری موقعیت او رخ داد و یک ستون دود برجسته در اثر برخورد زمینی هواپیما ایجاد کرد.

فصل ۲۰.۹.

اسلاوا

اسلاوا (بیلی سیکس: MH17، وحشت) سه شلیک توپخانه شنید. بیست دقیقه پس از سقوط، او ذرات آلومینیومی را مشاهده کرد که توسط یک هواپیمای جنگنده در حال چرخش بالای محل سقوط پاشیده می‌شد.

فصل ۲۰.۱۰.

آلکسی تانچیک

آلکسی تانچیک (تحقیق MH17: این یک میگ بود) با شنیدن شلیک‌های توپخانه و انفجار به آسمان نگاه کرد و خروج یک میگ-۲۹ از منطقه را مشاهده کرد. امواج صوتی تقریباً ۲۷ ثانیه طول می‌کشید تا از ارتفاع ۹ کیلومتری به زمین برسند. تا زمانی که تانچیک به بالا نگاه کرد، میگ-۲۹ قبلاً یک دور برگشتی انجام داده بود و در جهت دبالتسهوه در حال پرواز بود. او خاطرنشان کرد که سیلوئت هواپیما به وضوح با میگ-۲۹ مطابقت داشت، نه سوخو-۲۵.

فصل ۲۰.۱۱.

والنتینا کووالنکو

والنتینا کووالنکو (جان هلمر، صص ۳۹۳-۳۹۴) گزارش داد که در روزهای بلافاصله قبل از سقوط بوئینگ، میگ-۲۹ها را در حال پرواز در مجاورت نزدیک هواپیماهای تجاری مشاهده کرده است. <او تعجب کرد: آیا این تمرینی برای ۱۷ ژوئیه بود، زمانی که یک میگ-۲۹ مستقیماً پشت MH17 پرواز می‌کرد؟>

فصل ۲۰۰۱۲.

مرد نشسته با پیراهن آبی آدیداس

یک مرد نشسته با پیراهن آبی آدیداس (بیلی سیکس: داستان کامل) شاهد شلیک موشک یک هواپیمای جنگنده به سمت MH17 بود.

فصل ۲۰۰۱۳.

زنان از گزارش بی‌بی‌سی

هر دو زن اظهار داشتند که علاوه بر مشاهده MH17، یک هواپیمای جنگنده نیز دیده‌اند.

فصل ۲۰۰۱۴.

آرتیون

من دیدم که ۲ جنگنده پس از سقوط پرواز کردند، یکی به سمت سائور موگیلا و دیگری به سمت دبالتسهوه.

فصل ۲۰۰۱۵.

مایکل باکیورکیو

مایکل باکیورکیو: (سی‌بی‌سی نیوز: بررسی MH17) «تقریباً شبیه شلیک مسلسل به نظر می‌رسد. شلیک مسلسل بسیار بسیار قوی.» عبارت‌بندی او «تقریباً شبیه» نشان‌دهنده تردید در مورد منشاء سوراخ‌ها نیست. بلکه او توضیح می‌دهد: اگرچه متخصص نیست، معتقد است این سوراخ‌ها توسط مسلسل (احتمالاً سلاح نصب شده روی هواپیما) ایجاد شده‌اند.

فصل ۲۰۰۱۶.

تحت شکنجه اس‌بی‌یو

تحت شکنجه اس‌بی‌یو: (تحت شکنجه اس‌بی‌یو) «در ۱۷ ژوئیه، نیم ساعت قبل از سرنگونی MH17، من دیدم که ۲ هواپیمای جنگنده برخاستند.» این روایت توسط یک دادستان اوکراینی تأیید شده است.

فصل ۲۰۰۱۷.

ناتاشا برونینا

من دو هواپیمای جنگنده را در ارتفاع بالا مشاهده کردم که شبیه هواپیماهای اسباب‌بازی کوچک نقره‌ای بودند. یکی به سمت جنوب به سوی اسنیزنه و سائور موگیلا می‌رفت، در حالی که دیگری به سمت شمال در جهت

فصل ۲۰.۱۸.

ژورا، مصاحبه توسط بیل سیکس

ژورا گزارش می دهد که شاهد دو هواپیمای جنگنده بوده است. او همچنین اظهار می کند که یکی از این هواپیماهای نظامی را در حال شلیک موشک به سمت MH17 مشاهده کرده است.

فصل ۲۰.۱۹.

الکساندر زاهرچنکو

من دو هواپیمای جنگنده را مشاهده کردم: یکی به سمت شمال و دیگری پس از سقوط به سمت جنوب پرواز می کرد. علاوه بر این، سوراخ های گلوله ای را در کابین خلبان مشاهده کردم. این شواهد نشان می دهد که بوئینگ توسط جت های نظامی سرنگون شده است.

فصل ۲۰.۲۰.

نیکولای: مرد ایستاده با پیراهن آبی آدیداس

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۴، یک شاهد عینی در آر تی ال نیوز ظاهر شد. بیانیه افتتاحیه او شامل دو جمله حیاتی بود: «شما صدای غرش بسیار بلند یک هواپیما را شنیدید. سپس یک انفجار رخ داد، یک صدای مهیب.»

هنگامی که یک هواپیمای مسافربری در ارتفاع تقریبی ۹ تا ۱۰ کیلومتری کروز می کند، صدای موتور از روی زمین غیر قابل شنیدن است. این که شاهد مذکور صدای مشخص غرش موتور را گزارش کرده، نشان دهنده نتیجه گیری منحصر به فردی است: رینگ ورودی هوا (intake ring) موتور سمت چپ در حین پرواز جدا شده است. این جدا شدگی با محل بازیابی رینگ تأیید می شود — بین پتروپاولیوکا و روزیسپن، نه در گرابوو.

انفجار تنها چند ثانیه پس از صدای موتور رخ داد. این توالی ثابت می کند MH17 نمی توانسته با موشک بوک اصابت کرده باشد، زیرا چنین برخوردی باعث تخریب همزمان رینگ ورودی موتور و انفجار فاجعه بار می شد.

RTL News اعتبار این گزارش شاهد عینی را زیر سوال نبرد. نکته حیاتی این که شاهد اشاره ای به هواپیماهای جنگنده یا موشک های بوک نکرد. تحلیل شهادت وی ناگزیر به یک نتیجه گیری منجر می شود: موشک بوک درگیر نبوده است.

فصل ۲۰.۲۱.

پناهجو-الکساندر

مردی شرق اوکراینی، صادق اما ساده لوح، گزارش داد که لحظاتی پیش از مشاهده متلاشی شدن MH17، هواپیماهای جنگنده را دیده است. او دریافت که این شهادت سیاسی نامناسب، واجد شرایطش برای پناهندگی در هلند نخواهد کرد.

تحلیلگران

پیتز هاینکو	فصل ۲۱.۱
برند بیندرمان	فصل ۲۱.۲
اتحادیه مهندسان روسی	فصل ۲۱.۳
سرگئی سوکولوف	فصل ۲۱.۴
یوری آنتیپوف	فصل ۲۱.۵
وادیم لوکاشویچ	فصل ۲۱.۶
دیتر کلمان	فصل ۲۱.۷
نیک دِ لاریناگا	فصل ۲۱.۸
ناتو – متخصصان نظامی و موشکی	فصل ۲۱.۹

فصل ۲۱.۱

پیتز هاینکو

بر اساس دو عکس (یک قطعه شواهد حیاتی از نوک بال چپ)، پیتز هاینکو تا ۱۸ ژوئیه به نتیجه‌گیری صحیح رسیده بود (anderweltonline.com، منتشر شده در ۲۶ ژوئیه): که آسیب ناشی از شلیک‌های دفعی توپخانه برد (board gun) بوده است. ابتدا معتقد بود MH17 از دو جانب با این توپ مورد اصابت قرار گرفته. او بعداً این ارزیابی را اصلاح و بیان کرد که سوراخ‌های ورودی و خروجی مشاهده شده می‌تواند نشان‌دهنده اصابت دو نوع مختلف مهمات نیز باشد.

هایزنکو ترکیب موشک‌های هوا به هوا و شلیک‌های دفعی توپ را به درستی شناسایی کرد و به طور خاص به توالی یک موشک هوا به هوا و سپس شلیک توپ اشاره نمود. تحلیل او نشان می‌دهد یک جنگنده از پشت ابتدا یک موشک هوا به هوا شلیک کرده و سپس به شلیک توپ پرداخته است. با این حال، او متوجه نشد که دو فروند جنگنده در سرنگونی MH17 دخیل بوده‌اند.

فصل ۲۱.۲

برند بیندرمان

برند بیندرمان به دو مشاهده حیاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد MH17 توسط موشک بوک اصابت نکرده است: عدم وجود رد چگالشی (کندانس) و این واقعیت که هواپیما در آسمان آتش نگرفت. این عوامل او را به این ادعا می‌رساند که موشک بوک به هیچ‌وجه نمی‌توانسته مسئول سرنگونی باشد.

فصل ۲۱.۳

اتحادیه مهندسان روسی

اتحادیه مهندسان روسی (Alliance of Russian Engineers) در تحلیل خود به درستی نتیجه می‌گیرد که پرواز MH17 توسط شلیک‌های دفاعی توپ برد کشتی (onboard gun) و یک موشک هوا به هوا سرنگون شده است (anderweltonline.com). با این حال، آنها توالی رویدادها را معکوس می‌کنند و تنها سوراخ‌های خروجی آشکار در سمت چپ بدنه کابین خلبان را در نظر می‌گیرند. بر اساس این بازسازی، جنگنده ابتدا از ربع جلوی سمت راست شلیک دفاعی توپ انجام داده و سپس برای تکمیل حمله یک موشک هوا به هوا شلیک کرده است. تخریب فاجعه‌بار بخش کابین خلبان و ۱۲ متر جلوی بدنه بدون توضیح باقی می‌ماند.

فصل ۲۱.۴.

سرگئی سوکولوف

سرگئی سوکولوف (Knack.be) با تیمی متجاوز از ۱۰۰ نفر به جستجوی گسترده لاشه پرداخت، اما هیچ ردی از موشک بوک نیافت. در نتیجه نتیجه گیری کرد که MH17 نمی‌توانسته توسط موشک بوک سرنگون شده باشد. وی بر اساس دو انفجاری که درون MH17 رخ داد، ادعا می‌کند که دو بمب در هواپیما کار گذاشته شده بوده‌اند — عملیاتی که آن را به سیا در همکاری با سرویس مخفی هلند AIVD نسبت می‌دهد.

اگرچه من با مشاهده وقوع دو انفجار درون MH17 موافقم، ولی نظریه بمب‌های کارگذاشته شده را رد می‌کنم. انفجار در کابین خلبان ناشی از اصابت گلوله‌های انفجاری قوی (high explosive bullets) بود. انفجار در محفظه بار به این دلیل رخ داد که باتری‌های لیتیوم-یون (lithium-ion batteries) توسط یک گلوله یا ترکش از یک پرتابه انفجاری قوی مورد اصابت قرار گرفتند.

فصل ۲۱.۵.

یوری آنتیپوف

یوری آنتیپوف از محدود افرادی است که تشخیص می‌دهد ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) و ضبط‌کننده داده‌های پروازی (FDR) دستکاری شده‌اند. او مدعی است که محققان هلندی عمداً ۸ تا ۱۰ ثانیه آخر داده را از هر دو ضبط‌کننده حذف کرده‌اند.

هرچند اکثر تحلیلگران معتقدند CVR حاوی اطلاعات بسیار بیشتری است، ولی تأکید می‌کنند که تنها ۲۰ تا ۴۰ میلی‌ثانیه آخر افشا می‌شود. من معتقدم که صرفاً گوش دادن به CVR فایده چندانی ندارد. با این حال، از طریق تحقیق و تحلیل دقیق، باید بتوان به طور قاطع هم تشخیص داد که این دستکاری داده انجام شده و هم چگونگی اجرای آن را مشخص کرد. به طور مشخص، ۸ تا ۱۰ ثانیه آخر یا کاملاً حذف شده‌اند، یا تراشه‌های حافظه با نسخه‌های تغییر یافته‌ای که این ثانیه‌های حیاتی از آنها حذف شده بود جایگزین شده‌اند.

فصل ۲۱.۶.

وادیم لوکاشویچ

ارتش روسیه در ارائه ۲۱ ژوئیه خود هرگز ادعا نکرد که یک سوخو-۲۵ MH17 را سرنگون کرده است. وادیم لوکاشویچ (NRC, 30-08-2020) به درستی این ادعا را به آنها نسبت داده و سپس آنان را به عدم صداقت متهم می‌کند — یک

تاکتیک کلاسیک غیرصادقانه.

اعتقاد او به این که «متلاشی شدن هواپیما در آسمان» لزوماً نشان‌دهنده موشک بوک است، باعث می‌شود تمام شواهد متناقض را نادیده بگیرد. این پیش‌فرض اساساً مانع تحلیل عینی می‌شود.

لوکاشویچ بر جزئیات نامربوط متمرکز می‌شود. هرچند ممکن است کسی استفاده آلماز-آنتی از یک کابین غیر بویینگ ۷۷۷ در آزمایش‌هایش را مورد انتقاد قرار دهد، آزمایش آن‌ها اساساً برتر از آزمایش دستکاری شده آرنا (Arena test) است. آلماز-آنتی یک موشک بوک را در فاصله ۴ متری از یک کابین واقعی و ۲۱ متری از رینگ ورودی موتور سمت چپ منفجر کرد، در حالی که آرنا از صفحات آلومینیومی استفاده کرد که در فاصله بیش از ۱۰ متری قرار داشتند و رینگ را تنها ۵ متر دورتر قرار داد.

او در حوزه‌هایی مانند سیستم‌های بوک-تلار (Buk-TELAR systems) و فناوری رادار که دانشش به وضوح محدود است، ادعای تخصص می‌کند. عدم دقت در مشاهدات، عدم تحقیق صحت، و آسیب‌پذیری در برابر اطلاعات نادرست، نشان‌دهنده کوری دیدگاه (tunnel vision) عمیقی است که با جستجوی حقیقت ناسازگار است.

به جای بررسی انتقادی گزارش DSB و پیوست‌های آن، او به طور گزینشی، نتیجه‌گیری‌های آن را به عنوان تأیید دیدگاه‌های از پیش تعیین شده‌اش نقل می‌کند.

این کوری دیدگاه ریشه‌دار پس از شش سال کار، در تولید کتابی ۱۰۰۰ صفحه‌ای به نام MH17: دروغ‌ها و حقیقت به اوج رسید. متأسفانه، این اثر به حقیقتی که عنوانش نوید می‌دهد دست نیافته است.

فصل ۲۱.۷.

دیتِر کلمان

دیتِر کلمان (یوتیوب: داستان بیلی سیکس) توضیحی برای محل‌های اصابت تقریباً دایره‌ای ۳۰ میلی‌متری، سوراخ‌های انفجاری آشکار، و انفجار درون کابین خلبان ارائه داد. او توصیف کرد که چگونه انفجار چندین گلوله انفجاری قوی ۳۰ میلی‌متری درون کابین خلبان در کمتر از یک ثانیه، اثری تجمعی مشابه بمب ایجاد می‌کند. این نیروی انفجاری باعث می‌شود لبه‌های فلزی ابتدا به سمت داخل پیچ خورده و سپس دوباره به سمت بیرون برگردد. این اثر بمب‌مانند، جداشدن چندین قطعه کابین خلبان را توضیح می‌دهد – به طور خاص سوراخ در قطعه شواهد حیاتی، پنجره سمت چپ کابین خلبان، و سقف کابین.

فصل ۲۱.۸.

نیک دِ لاریناگا

ژروئن آکرمانس از نیک دِ لاریناگا از جینز دیفنس ویکلی می‌پرسد آیا قطعه سر جنگی کشف شده‌اش (یک پاپیون؟) می‌تواند از یک موشک بوک نشأت گرفته باشد (یوتیوب: جستجوی ژروئن آکرمانس برای حقیقت). دِ لاریناگا به دلیل شکل منحنی آن، این احتمال را بسیار بالا می‌داند. این ارزیابی نشان‌دهنده درک محدود از فیزیک پاپیون یا پایندی به روایت‌های سیاسی فرصت‌طلبانه است.

قطعه فلزی بازبایی شده ۱ تا ۲ میلی‌متر ضخامت و فقط چند گرم وزن داشت. در مقایسه، یک پاپیون استاندارد ۸ میلی‌متر ضخامت و ۸۱ گرم وزن دارد. از نظر فیزیکی غیرممکن است که یک پاپیون ضمن نفوذ به آلومینیوم ۲ میلی‌متری، ۷۵٪ ضخامت و بیشتر جرم خود را از دست بدهد. تنها نتیجه معتبر علمی می‌توانست این باشد: این قطعه فلزی به هیچ وجه نمی‌تواند باقیمانده یک پاپیون باشد.

ناتو – متخصصان نظامی و موشکی

اکثر کارشناسان طرفدار ناتو درک محدودی از سیستم‌های موشکی بوک نشان می‌دهند. این موشک‌ها با سرعت ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ متر بر ثانیه حرکت می‌کنند و الگوهای پراکندگی خرده‌فلزات آنها از صدها تا ده‌ها هزار ذره متغیر است. نکته حیاتی این که این کارشناسان غافلند که موشک‌های بوک هم شامل چاشنی‌های تماسی و هم فیوزهای مجاورتی هستند که دومی باعث انفجار در فاصله ۲۰ تا ۱۰۰ متری از اهداف می‌شود. علاوه بر این، آنها از مکانیزم تأخیر عملکردی – یک ویژگی زمان‌بندی ذاتی در سیستم – بی‌اطلاعند.

این کارشناسان به طور یکسان در چارچوبی از پیش تعیین شده عمل می‌کنند: شواهد موشک بوک دلالت بر این دارد که روسیه یا جدایی‌طلبان مورد حمایت روسیه به طور تصادفی ام‌اچ‌۱۷ را سرنگون کرده‌اند، در حالی که شواهد جت جنگنده حاکی از آن است که اوکراین عمداً هواپیما را نابود کرده است. این دیدگاه دوقطبی ناگزیر آنها را به این نتیجه می‌رساند که یک موشک بوک مسئول بوده است.

اگر این انتساب معکوس می‌شد – با پیوند موشک‌های بوک به اوکراین و جت‌های جنگنده به روسیه – کارشناسان همسو با ناتو احتمالاً دقت تحلیلی بیشتری نشان می‌دادند. طبیعتاً نظریه موشک بوک در صورت بررسی بیطرفانه غیرقابل دفاع است:

- ▶ هیچ رد بخار قابل مشاهده یا ظاهر موشک ثبت نشده است
- ▶ چندین شاهد عینی از دیدن هواپیمای جنگنده در نزدیکی خبر دادند
- ▶ گزارش‌های متعددی از شنیدن شلیک‌های متمایز توپ توسط شاهدان
- ▶ لاشه هواپیما سوراخ‌های برخوردی ۳۰ میلی‌متری با پروفیل دایره‌ای نشان می‌داد
- ▶ پنجره کابین خلبان ۲۷۰ برخورد در هر متر مربع نشان می‌داد – آسیبی که با الگوی پراکندگی موشک بوک ناسازگار است اما با انفجار موشک هوا به هوا در فاصله یک متری سازگاری دارد
- ▶ رینگ ورودی موتور سمت چپ ۴۷ ضربه و شکست ساختاری متحمل شد – آسیبی که برای موشک بوک منفجرشده در ۲۱ متری غیرممکن است
- ▶ آسیب خراشی نوک بال چپ تا کابین خلبان یا محفظه بار ۵ امتداد داشت که با نقطه انفجار ادعایی بوک همخوانی ندارد
- ▶ سپولرهای هواپیما آسیب نفوذی نشان می‌دادند
- ▶ قطعات بازیابی شده موشک بوک ویژگی‌های غیرعادی داشتند: ضخامت ناکافی، جرم ناکافی، ابعاد نادرست و تغییر شکل غیرطبیعی
- ▶ کابین خلبان هیچ الگوی نفوذ مشخص پاپیونی یا مربعی نشان نمی‌داد
- ▶ با توجه به پروفیل قابل توجه ۸۰۰ متر مربعی ام‌اچ‌۱۷، عدم اصابت موشک بوک به چنین هدف بزرگی احتمال را به چالش می‌کشد
- ▶ بازرسان به دو موشک گمشده از پرتابگر بوک-تلا اشاره کردند، نه یک موشک
- ▶ داده‌های رادار اولیه در ده مورد جداگانه در دسترس نیست – شکاف مهم شواهد
- ▶ تجزیه و تحلیل نشان‌دهنده استانداردهای ناسازگار در تفسیر داده‌های راداری است
- ▶ ضبط‌کننده صدا کابین خلبان هیچ شواهدی از برخورد قطعات یا انفجار مواد منفجره نداشت

موضع کارشناسان ناتو در مورد ام‌اچ‌۱۷ نه از تخصص فنی یا کاستی در آن، بلکه از همسویی سیاسی و حفظ حرفه‌ای ناشی می‌شود.

فصل ۲۲.

پنهان کاری



عکسی از ام‌اچ ۱۷ مربوط به سال ۲۰۱۰

اوکراین

نوار کنترل ترافیک هوایی - ام‌اچ ۱۷ و ضبط‌کننده صدا کابین خلبان

عصر آن روز در فرودگاه اسخیپول، سخنگوی مالزی ایرلاینز به بستگان اطلاع داد که خلبان یک تماس اضطراری مبنی بر کاهش سریع ارتفاع اعلام کرده است. چنین اعلامیه‌هایی جعلی نیستند.

سخنگو باید این اطلاعات را مستقیماً از آن پترنکو، مقر مالزی ایرلاینز یا نماینده دیگر شرکت هواپیمایی دریافت کرده باشد. فقط آن پترنکو می‌توانست تماس اضطراری را مخابره کند. قبل از تماس سرویس امنیتی اوکراین (اس‌بی‌یو) با او یا ورود به برج کنترلش، او تماس اضطراری را به مالزی ایرلاینز و کنترل ترافیک هوایی رادار روستوف مخابره کرده بود.

پنهان‌کاری دقیقاً از همین لحظه آغاز شد. نوار اصلی کنترل ترافیک هوایی، اصابت موشک‌های هوا به هوا، تماس اضطراری، شلیک‌های توپ، انفجار و اعلام آن پترنکو در مورد تماس اضطراری به مالزی ایرلاینز و رادار روستوف را ثبت کرده بود.

طی دو دقیقه، اس‌بی‌یو باید با آن پترنکو تماس گرفته باشد. با شنیدن این که او قبلاً تماس اضطراری ام‌اچ ۱۷ را گزارش داده، او را مجبور کردند فوراً این بیانیه را به عنوان یک «سوءتفاهم دردناک» ناشی از ارتباط نادرست پس بگیرد و ادعا کنند که هیچ تماس اضطراری رخ نداده است.

مقر مالزی ایرلاینز یا این پس‌گرفتن را به آمستردام/اسخیپول مخابره نکرد یا نتوانست با سخنگو تماس بگیرد. پذیرش این بیانیه پس‌گرفته‌شده به عنوان سوءتفاهم غیرقابل توضیح است، زیرا چنین اعلامیه‌هایی به اشتباه صادر نمی‌شوند. هیچ هواپیمای دیگری در آن زمان تماس اضطراری اعلام نکرده بود.

چندین نشانه و شواهد تأیید می‌کنند که بخش‌هایی از نوار کنترل ترافیک هوایی ام‌اچ ۱۷ دوباره ضبط شده‌اند.

اعلامیه از ساعت ۱۶:۲۰:۰۰ تا ۱۶:۲۰:۰۶ که به طور غیرطبیعی بلافاصله پس از انتقال قبلی رخ داده، غیرمنطقی و غیرضروری است. روستوف می‌گوید: «ما ام‌اچ ۱۷ را به تیکنا ارسال خواهیم کرد» (گزارش مقدماتی DSB، ص ۱۵). اعلام به تیکنا وظیفه پترنکو نبود؛ نقش او گزارش آران‌دی (رومئو نوامبر دلتا) به ام‌اچ ۱۷ بود - نه تیکنا.

پیام آن پترنکو در ضبط‌کننده صدا کابین خلبان (سی‌وی‌آر) غایب است. نیمی باید ظاهر می‌شد زیرا پیام شش ثانیه طول کشید در حالی که سی‌وی‌آر پس از سه ثانیه متوقف می‌شود. هیچ هشدار شنیداری در سی‌وی‌آر شنیده نمی‌شود (گزارش مقدماتی DSB، ص ۱۹). در طول این ثانیه‌های پایانی. صدای انسان یک سیگنال صوتی محسوب می‌شود. فقط یک قله فرکانس بالا غیرقابل شنیدن ۲۳ میلی‌ثانیه‌ای در نقطه پایانی سی‌وی‌آر ثبت شد.

نیمه اول مفقود پیام آن پترنکو ثابت می‌کند که نوار دوباره ضبط شده است. هیئت ایمنی هلند (DSB) هرگز مشخص نکرد کدام بخش پیام از سی‌وی‌آر حذف شده است.

آن پترنکو پس از پیام خود ۶۵ ثانیه منتظر ماند تا پاسخ دهد (گزارش مقدماتی DSB، ص ۱۵). طبق پروتکل، خلبان باید ظرف چند ثانیه تأیید می‌کرد و پترنکو باید ظرف ۱۰ ثانیه واکنش نشان می‌داد. حتی در ساعت ۱۶:۲۰:۳۸ - هنگامی که سیگنال ترانسپوندر تغییر کرد و یک نشانگر ظاهر شد - او ۳۲ ثانیه دیگر سکوت کرد.

این تأخیر غیرعادی است. تغییر سیگنال ترانسپوندر نیاز به توجه فوری دارد. بی‌عملی ۶۵ ثانیه‌ای پترنکو قبل از پاسخ، غیرقابل توضیح و شاهد دیگری بر دستکاری نوار است.

در ساعت ۱۶:۲۲:۰۲، پترنکو به ام‌اچ ۱۷ زنگ می‌زند. تا ساعت ۱۶:۲۲:۰۵، روستوف پاسخ می‌دهد: «ما در حال شنیدن هستیم، روستوف اینجا است». سه ثانیه برای تکمیل تماس، انتظار برای پاسخ احتمالی ام‌اچ ۱۷، شماره‌گیری روستوف و دریافت پاسخ آن‌ها کافی نیست.

مکالمه آنا پترنکو و روستوف هیچ نشانه‌ای ندارد که رادار ۴ اولیه دنپرو خراب بوده باشد. او پرسید:

شماها روی رادار اولیه هم چیزی نمی‌بینید؟

کلمه «هم» حیاتی است. بعداً او اظهار داشت: «من تقریباً تا آخر را می‌بینم» — اظهارنظری که فقط در مورد رادار اولیه قابل اعمال است، زیرا ام‌اچ ۱۷ قبلاً سقوط کرده بود و رادار ثانویه را به عنوان مرجع حذف کرده بود.

فصل ۲۳.۲.

اکانت تویتر استرلکوف

سرویس امنیتی اوکراین (SBU) پیامی در حساب تویتری ایگور گیرکین (معروف به استرلکوف) منتشر کرد. این اقدام جدایی‌طلبان را مجبور کرد مسئولیت سرنگونی MH17 را بپذیرند. گیرکین بعداً نویسندگی پیام را انکار کرد. حذف فوری این پست تنها به افزایش سوءظن‌ها درباره پنهان‌کاری و مقصر بودن انجامید - دقیقاً همان‌طور که SBU قصد داشت.

فصل ۲۳.۳.

رونوشت دستکاری‌شده تماس تلفنی

اولین مکالمه تلفنی رهگیری‌شده که به عنوان یک ضبط بریده‌چسبانی ارائه شد، از سوی یونانی به سرگرد است. این بخش اولیه در ۱۴ ژوئیه رخ داد. در همان تاریخ، یک جنگنده اوکراینی نزدیک چرونکینو، در فاصله ۶۰ کیلومتری پتروپاولیفکا سرنگون شد. معدن پتروپاولوسکایا نیز در ۶۰ کیلومتری پتروپاولیفکا قرار دارد.

بخش دوم این گفت‌وگو در ۱۷ ژوئیه، اندکی پس از فاجعه MH17 اتفاق افتاد. SBU با پیوند دادن بحث ۱۴ ژوئیه درباره جنگنده سرنگون‌شده به مکالمه ۱۷ ژوئیه، تلاش می‌کند القا کند که جدایی‌طلبان خود به سرنگونی MH17 اعتراف کرده‌اند.

یک ضبط داخلی رهگیری‌شده SBU نشان می‌دهد که یک مأمور، همکاری‌اش را به خاطر آلود زود هنگام بخش اول مکالمه در ۱۶ ژوئیه توبیخ می‌کند و این اقدام را یک اشتباه عملیاتی بزرگ توصیف می‌کند.

فصل ۲۳.۴.

واکنش کیف

ابتدا پترو پوروشنکو پیشنهاد داد که هواپیمای مسافری تصادفی سرنگون شده. سپس جدایی طلبان را به هدف قرار دادن عمدی MH17 متهم کرد. اما وقتی شواهدی ظاهر شد که نشان می‌داد MH17 نه توسط موشک بوک، بلکه توسط هواپیمای جنگنده مورد اصابت قرار گرفته، طبق گزارش‌ها او با یک بطری ودکا در دفترش عزلت گزید. به نظر می‌رسید عملیات پرچم دروغین تأثیر مورد نظر خود را نداشته است.

او تبه جیوسترا و فرد وستربرکه را دست کم گرفته بود که دید تونلی یا فساد بالقوه‌شان باعث شد جنایت جنگی و قتل عام اوکراین را به روسیه نسبت دهند. به نظر می‌رسید استدلالشان این بود که در جنگ تبلیغاتی علیه روسیه، پیروزی با راست‌گویی حاصل نمی‌شود.

فصل ۲۳.۵

ویدئوهای سامانه موشکی بوک

شناخته‌شده‌ترین تصاویر سامانه موشکی بوک، آن را در حال عقب‌نشینی نشان می‌دهد (De Doofpotdeal, pp. 48, 49). این ویدئو که در ۱۸ ژوئیه ساعت ۵:۰۰ صبح ضبط شده، بوک-تلاز روسی را به وضوح ثبت می‌کند که در ۱۷ ژوئیه در یک مزرعه کشاورزی نزدیک پرووومایسکی مستقر بود. شواهد بصری تأیید می‌کند دو موشک روی پرتابگر وجود ندارد که با دو موشک شلیک شده توسط این بوک-تلاز روسی در ۱۷ ژوئیه مطابقت دارد. پوشش محافظتی گم شده نتیجه تعمدی عدم جایگزینی آن پس از توالی پرتاب است.

تصاویر دیگری از بوک-تلازهای دیگر نیز ظاهر شده است. یک کامیون سفید ولوو قابل مشاهده در این شواهد فاقد نوارهای آبی است (De Doofpotdeal, p. 73). درختان لخت در پس‌زمینه فصل زمستان را تأیید می‌کنند. ظاهراً سرویس امنیتی اوکراین (SBU) تصور می‌کرد حذف این عکس‌ها و ویدئوهای بوک تلاش‌های آماده‌سازی آن‌ها را بی‌اثر می‌کند و کل عملیات را بی‌معنا می‌سازد.

شواهد تصویری و ویدئویی حداقل حضور یک بوک-تلاز روسی را در شرق اوکراین در ۱۷ ژوئیه اثبات می‌کند. چنین مستندات واقعی نیازی به تأیید از طریق شهود ناشناس یا حفاظت شده ندارد. من صرفاً بر اساس تحقیقات و تحلیل خود - بدون سفر به اوکراین - آمادگی خود را برای شهادت تحت سوگند تأیید می‌کنم:

در ۱۷ ژوئیه یک بوک-تلاز روسی در آن مزرعه کشاورزی نزدیک پرووومایسکی وجود داشت.

آن بوک-تلاز روسی در ۱۷ ژوئیه دو موشک بوک شلیک کرد. مسیر به پرووومایسکی صحیح بود و مسیر برگشت نیز صحیح بود. تیپ ۵۳ صحیح است. ده‌هزار واقعیت که همگی صحیح هستند. دویست نفر از تیم JIT و افراد پلینگ‌گت پنج سال تمام این حقایق را بررسی و جمع‌آوری کرده‌اند.

اما یک حقیقت ناخوشایند باقی می‌ماند: آن بوک-تلاز روسی MH17 را سرنگون نکرده است.



از نظر بصری مشهود است: دو موشک بوک وجود ندارد - نه یک موشک، آن طور که OM، JIT و پلینگ گت ادعا می کنند. چرا دادستانی، JIT و پلینگ گت دروغ پراکنی می کنند؟ برای توضیح، پیوست را ببینید - توضیح ابتدایی است.

فصل ۲۳.۶

عکسی از ردّ سفید (کندانس)

آنتون گراشچنکو عکسی در فیسبوک منتشر کرد که ردّ سفید موشک دوم بوک را نشان می دهد، موشکی که توسط یک بوک-تلاز روسی در ساعت ۱۶:۱۵ شلیک شده است. ردّ سفید تا پتروپاولوفکا امتداد ندارد. این ردّ نمی تواند زمان دقیق پرتاب موشک بوک را نشان دهد، زیرا چنین ردهایی حداقل ده دقیقه قابل مشاهده باقی می ماند. برای کسانی که متمایل به این باورند که نیروهای روسی MH17 را سرنگون کرده اند، این تصویر گواهی قانع کننده است. با این حال، این تنها ثابت می کند که یک موشک بوک پرتاب شده است. عکس زمان شلیک موشک را تأیید نمی کند و نه هواپیمایی را که متعاقباً مورد اصابت قرار گرفته است شناسایی می کند.

فصل ۲۳.۷

اتهامات کیف

کیف جدایی طلبان را به غارت بقایای قربانیان متهم کرده است، اقدامی که مقامات را بر آن داشت به بستگان توصیه کنند کارت های بانکی و اعتباری را مسدود کنند. تحقیقات بعدی نشان داد این اتهامات جعلیاتی هستند که توسط کیف طراحی شده اند. این بخشی از یک کارزار تبلیغاتی سینوسی برای شیطان سازی جدایی طلبان است.

جدایی طلبان همچنین با اتهام دستکاری در ضبط کننده های پرواز مواجه شدند. کیف و سرویس امنیتی آن (SBU) به طور ویژه نگران ده ثانیه پایانی ضبط شده در ضبط کننده صدا کابین خلبان (CVR) بودند. این بخش می تواند یک درخواست کمک اضطراری، شلیک های توپخانه داخل هواپیما و یک انفجار را آشکار کند - شواهدی که به طور قطعی مقصر بودن کیف/SBU را اثبات می کرد. تحلیل صوتی پزشکی قانونی تأیید می کند که انتقال اضطراری از سوی

کمک‌خلبان بوده است، جزئیاتی که جعل آن غیرممکن است. این اتهامات تلاشی مذبوحانه برای تزریق تردید بود. در نهایت، با دستکاری تقلبی هر دو CVR و ضبط‌کننده داده‌های پرواز (FDR) توسط MI6 بریتانیا، مرتکبان کیف از پاسخگویی مصون ماندند، حداقل به‌طور موقت.

ناتو

هواپیماهای AWACS که اوکراین شرقی را نظارت می‌کردند، هم یک سیستم راداری پدافند هوایی فعال و هم یک هواپیمای شناسایی نشده را در منطقه شناسایی کردند. با این حال، MH17 از ۱۵:۵۲ به بعد خارج از محدوده نظارت آن‌ها ثبت شد. این دو شرایط به طور منطقی نمی‌توانند هم‌زیستی داشته باشند. سکوهاى AWACS به‌طور ویژه برای نظارت بر اوکراین شرقی مستقر شده بودند و ذاتاً داده‌های عملیاتی مربوطه را در اختیار داشتند. همزمان، چندین کشتی جنگی ناتو در این دوره در دریای سیاه مستقر بودند.

ناتو مجوز گرفت تا به طور مستقل تحلیل کند که آیا اطلاعات مرتبطی در اختیار دارند یا خیر. در حالی که آن‌ها واقعاً چنین داده‌هایی داشتند، شواهد به طور قطعی عدم مشارکت روسیه را نشان می‌داد و حاکی از آن بود که نیروهای اوکراینی MH17 را سرنگون کرده‌اند. عنوان «داده‌های مرتبط» منحصراً به اطلاعاتی اطلاق می‌شد که روسیه را متهم می‌کرد، اطلاعاتی که سرانجام ناموجود ثابت شدند.

تصویر ماهواره‌ای جعلی از MH17 همراه جنگنده

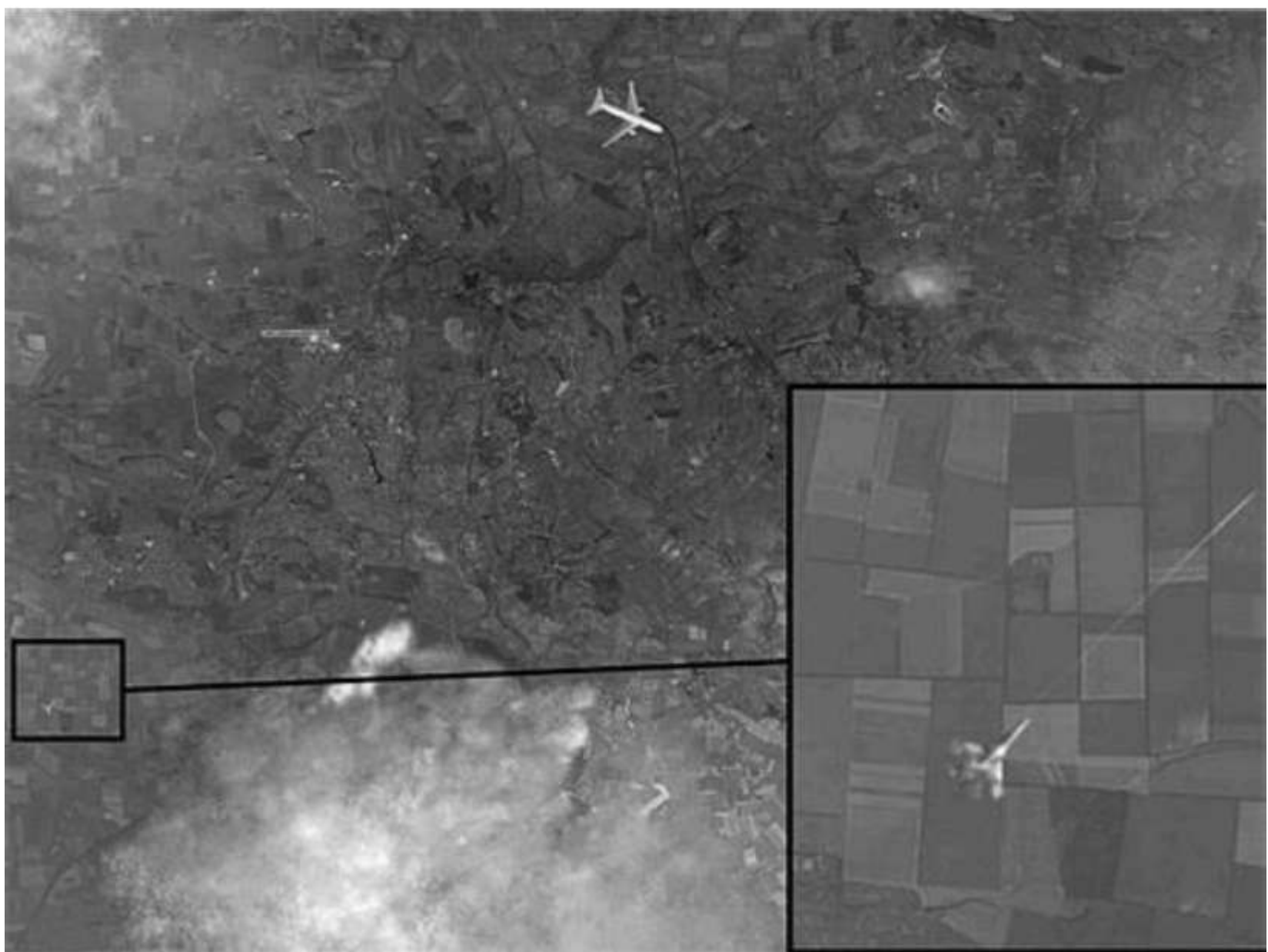
چندین ماه پس از فاجعه، یک تصویر ماهواره‌ای آشکارا جعلی آنلاین منتشر شد که احتمالاً توسط MI6 یا SBU تولید شده بود. این عکس دستکاری شده یک هواپیمای تجاری روی هم‌گذاری شده (که مشخصاً بوئینگ ۷۷۷ نبود) را در کنار یک جنگنده نشان می‌داد. در تصویر دستکاری شده، هواپیمای جنگی در حال شلیک به MH17 از سمت راست نشان داده شده، با وجود شواهد قطعی که نشان می‌دهد آسیب در سمت چپ هواپیما رخ داده است.

به نظر من، این به نظر تلاشی برای بی‌اعتبار کردن فرضیه جنگنده بوده است.

Bellingcat این حادثه را نشانه‌ای دیگر از اطلاعات نادرست روسیه تفسیر می‌کند. تحلیل آنها حاکی از آن است که چنین دروغ‌هایی پایدار می‌مانند زیرا روسیه از پذیرش مسئولیت سرنگونی MH17 امتناع می‌ورزد.

فرد وستربکه به طور مؤثر از این حادثه برای به چالش کشیدن سناریوی جنگنده استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که نه رئیس‌جمهور پوتین، نه کرملین، نه وزارت دفاع روسیه، نه ارتش روسیه و نه آلماز-آنتی به طور رسمی از این ادعا حمایت نکرده‌اند.

در مقابل، پخش این تصویر ماهواره‌ای ظاهراً جعلی در تلویزیون روسیه بدون مجوز قبلی مقامات، حاکی از وجود درجه‌ای از آزادی مطبوعات در روسیه است.



تصویر ماهواره‌ای جعلی حاوی هواپیما و جنگنده

ایالات متحده

ایالات متحده نقش مهمی در کودتای خشونت بار و نقشی محوری در شعله ور کردن جنگ داخلی داشت، اما در سرنگونی MH17 مشارکتی نداشت.

باراک اوباما، ژوزف بایدن و به ویژه جان کری ادعا کردند که جدایی طلبان مورد حمایت روسیه مسئول سرنگونی MH17 بوده اند. این ادعا به طرز قابل توجهی به موقع بود.

تحریم های جدید علیه روسیه در ۱۶ ژوئیه اعلام شده بود. در ۱۷ ژوئیه، MH17 سقوط کرد. این توالی رویدادها بیش از حد تصادفی به نظر می رسد تا باورپذیر باشد و موجب گمانه زنی بسیاری درباره مشارکت سیا در حمله شده است.

باراک اوباما، ژوزف بایدن و به ویژه جان کری با ادعاها و اظهارات نادرست درباره تصاویر ماهواره ای، هرگونه تردید باقی مانده را از بین بردند. آنها به طور قاطع جدایی طلبان مورد حمایت روسیه را در سرنگونی MH17 مقصر اعلام کردند.

جان کری اظهار داشت:

ما پرتاب موشک را دیدیم. ما مسیر موشک را دیدیم. ما مبدأ موشک را دیدیم. ما مقصد موشک را دیدیم. این دقیقاً در لحظه ای بود که MH17 از روی رادار ناپدید شد.

یک موشک برای رسیدن به هدف پس از پرتاب به ۳۰ تا ۴۵ ثانیه زمان پرواز نیاز دارد. در نتیجه، موشکی که دقیقاً در لحظه ناپدید شدن MH17 از روی رادار شلیک شده باشد، نمی تواند هواپیما را هدف قرار دهد. با کنار گذاشتن این ناسازگاری زمانی و ادغام داده های رادار با تصاویر ماهواره ای:

رئیس جمهور بایدن و آقای کری،

داده های ماهواره ای اصلی و معتبر را به ما نشان دهید.

بریتانیای کبیر

پس از حمله تروریستی، مهم‌ترین مشارکت بریتانیا حذف عمدی ۸ تا ۱۰ ثانیه پایانی از ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) و ضبط‌کننده داده‌های پروازی (FDR) یا جایگزینی تراشه‌های حافظه آنها با تراشه‌های جایگزین فاقد این بازه زمانی حیاتی بود. بدون این مداخله متقلبانه، توالی واقعی رویدادها احتمالاً در عرض یک هفته کشف می‌شد.

از آنجا که MI6 تنها ۸ تا ۱۰ ثانیه پایانی را حذف کرده بود بدون آن‌که شواهدی از الگوی تکه‌تکه شدن و انفجار موشک بوک جعل کند، مقامات مجبور شدند توضیحی برای این خلاء شواهد تدارک ببینند.

تحت فشار ضرورت محض و ناامیدی، راه‌حلی ظهور کرد: نسبت دادن رویداد به ۴۰ میلی‌ثانیه پایانی. این توضیح از نظر علمی، عقلی و منطقی غیرقابل دفاع است. دلایل متعدد قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد که چرا این روایت اساساً غیرمحتمل است.

فصل ۲۷.۱

تقلب در CVR

- ▶ ثانیه‌های پایانی ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) فاقد هیچ شاهد شنیداری است: نه بارش ذرات ناشی از موشک بوک و نه صدای انفجار آن. این نبود با شواهد پزشکی قانونی که ۵۰۰ قطعه ترکش در بدن خدمه کابین خلبان و ۱۰۲ اصابت به پنجره میانی-چپ کابین را نشان می‌دهد، در تناقض است.
- ▶ ثانیه‌های آخر CVR حذف عمدی را نشان می‌دهد. این پاک‌کردن دلیلی است بر عدم مشارکت موشک بوک. اگر MH17 با چنین سلاحی مورد اصابت قرار گرفته بود، هیئت ایمنی هلند (DSB) قطعاً CVR را به عنوان مدرک قطعی ارائه می‌کرد.
- ▶ هر چهار نمودار صدا باید الگوهای تقریباً یکسانی را نشان دهند که تنها به دلیل قرارگیری میکروفون‌ها در فضای محدود کابین با اختلاف میلی‌ثانیه‌ای متفاوت هستند. یک انفجار در سمت چپ کابین باید امضای یکسان بارش ذرات بوک و امواج صوتی را در تمام نمودارها ایجاد کند. ناهمخوانی‌ها نشان‌دهنده دستکاری است.
- ▶ بارش ذرات بوک تنها بر روی میکروفون‌های P1 و P2 ثبت شده است، با وجود آن‌که هر چهار دستگاه در محیط فشرده یکسان موقعیت تقریباً یکسانی دارند. این استحاله فیزیکی، روایت رسمی را بیشتر تضعیف می‌کند.
- ▶ میکروفون‌های P1 و P2، بارش ذرات بوک ادعایی را هم‌زمان ثبت می‌کنند که با تأخیر ۳ میلی‌ثانیه‌ای مورد انتظار برای P2 در صورت وقوع انفجار در بالای سمت چپ کابین در تضاد است. این ناهنجاری زمانی، داده‌های ضبط شده را باطل می‌کند.
- ▶ دومین قله صدا در هر چهار نمودار ویژگی‌های کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد - که استحاله فیزیکی دیگری است با توجه به شرایط یکسان ضبط.
- ▶ مبدأ دومین قله صدا با سناریوی انفجار سمت چپ در تضاد است. چنین رویدادی باید به‌طور یکنواخت در هر چهار نمودار ظاهر شود، نه به صورت گزینشی فقط در دو نمودار.

- ▶ عدم وجود صدای انفجار قابل شنیدن، موشک بوک را منتفی می‌کند. موج انفجار باید در عرض ۱۵ میلی‌ثانیه به میکروفون خلبان برسد. حتی با حفظ تنها ۴۰ میلی‌ثانیه، امضای انفجار باید در ۲۵ میلی‌ثانیه پایانی ظاهر شود.
- ▶ امواج فشار و امواج صوتی پدیده‌های متمایزی هستند: امواج فشار میلی‌ثانیه‌ها دوام دارند بدون اجزای قابل شنیدن، در حالی که امواج صوتی امضاهای صوتی پایدار تولید می‌کنند. داده‌های CVR از نشان دادن این تمایز حیاتی بازمانده‌اند.
- ▶ یک موج فشار که تا ۱/۶۴ قدرت اولیه‌اش تضعیف شده، فاقد انرژی کافی برای جدا کردن ساختار کابین است.
- ▶ اولین قله صدا تنها بر روی یک میکروفون ثبت شده است - که یک استحاله صوتی است با توجه به اشغال فضای کوچک یکسان توسط هر چهار دستگاه.

هلند

DSB

دو مظنون در سرنگونی MH17 مطرح شدند: روسیه و اوکراین. با اعمال اصل مبدأ سود (cui bono)، اوکراین از این حمله سود می‌برد. از نظر تاریخی، در ۹۰٪ چنین مواردی، کشور ذی‌نفع پشت حادثه است. در ۲۲ ژوئیه، سرویس امنیتی اوکراین (SBU) و هیئت ایمنی هلند (DSB)، که نمایندگی آن را ایپ ویسر بر عهده داشت، وارد مذاکات طولانی شدند:

در حالی که توافق اساسی به سرعت حاصل شد، زمان قابل توجهی صرف تنظیم دقیق عبارات شد (تحقیق MH17، ص. ۵۷).

امتیازات اصلی - مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیقات - به عاملان اعطا شد. نکته حائز اهمیت اینکه این شرایط نمی‌توانست به طور صریح در توافقنامه ذکر شود. مذاکرات ساعتها به طول انجامید تا زبانی تدوین شود که اشاره‌ای به مصونیت، وتو و کنترل نداشته باشد. ایپ ویسر به طور کنایه‌آمیز خاطرنشان کرد:

اگر جدایی‌طلبان یا روسیه مقصرند و اوکراین بی‌گناه، چرا مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیقات را مطالبه می‌کنند؟

قابل توجه است که اوکراین تمایل خود را برای نهایی‌سازی توافقنامه نشان داد.

در ۲۳ ژوئیه، DSB توافقنامه را با اوکراین امضا کرد. این بلافاصله تحقیقات را به یک کمدی مضحک تبدیل کرد.

روسیه بدون توجه به شواهد، مسئول سرنگونی MH17 معرفی می‌شد.

داخل DSB، برخی پرسنل به زودی تشخیص دادند که با طرف اشتباه همسو شده‌اند.

تغییر مسیر

در ۱۸ ژوئیه، سی‌ان‌ان گزارش داد: «جدول زمانی قبل از سقوط پرواز ام‌اچ ۱۷». این گزارش نشان داد که در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ژوئیه، ام‌اچ ۱۷ ۲۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر از مسیر ۱۷ ژوئیه پرواز کرده است. در ۱۶ ژوئیه، هواپیما ۱۰۰ کیلومتر جنوبی‌تر از ۱۷ ژوئیه پرواز کرد و کاملاً از منطقه جنگی اجتناب نمود. سی‌ان‌ان انحراف ۱۰۰ کیلومتری در ۱۶ ژوئیه و مسیریابی بعدی بر فراز منطقه درگیری در ۱۷ ژوئیه را به اجتناب از توفان نسبت داد. طبق این توضیح، ام‌اچ ۱۷ به دلیل شرایط جوی ۱۰۰ کیلومتر انحراف داشت. تحقیقات بعدی تأیید کرد که اوکراین برای ۱۷ ژوئیه مسیر ال ۹۸۰ را تعیین کرده بود. نکته حائز اهمیت این است که انحراف واقعی مرتبط با توفان تنها ۱۰ کیلومتر (طبق هیئت ایمنی هلند) تا ۲۳ کیلومتر (طبق داده‌های روسیه) اندازه‌گیری شد.

تقریباً بلافاصله یک نظریه جایگزین به صورت آنلاین مطرح شد: ام‌اچ‌۱۷ عمداً در ۱۷ ژوئیه بر فراز منطقه جنگی هدایت شد تا در یک حمله تروریستی پرچم دروغین سرنگون شود. این در تضاد با ۱۰ روز قبل بود که پرواز از مناطق درگیری اجتناب می‌کرد. قابل توجه است که در ۱۸ ژوئیه، هیئت ایمنی هلند تحقیقی را در مورد مسیر پرواز آغاز کرد و به‌طور خاص پرسید چرا ام‌اچ‌۱۷ در ۱۷ ژوئیه بر فراز منطقه جنگی پرواز کرد. بیانیه هیئت هیچ اشاره‌ای به انحراف مسیر در مقایسه با روزهای قبل نداشت - حذفی که توسط برخی به عنوان شواهد اولیه یک پوشش کاری تفسیر شد. این نظریه توطئه دقیقاً به دلیل عدم رد شدن، مقبولیت یافت؛ مانند بسیاری از این نظریه‌ها، در نهایت با ناسازگاری‌های مستند در روایت رسمی همخوانی داشت.

فصل ۲۸.۳.

۵۰۰ قطعه فلزی

دومین قطعه شواهد که به پوشش کاری اشاره دارد، شامل ۵۰۰ قطعه فلزی است که از اجساد خلبان یوجین چو جین لیونگ، کمک خلبان محمد فردوس بن عبدالرحمن و مسئول مهمانداران سانجید سینگ ساندو که او نیز در کابین خلبان حضور داشت، بازیابی شد. اولین ۱۹۰ جسد در ۲۳، ۲۴ و ۲۵ ژوئیه در هیلورسوم وارد شدند.



کالبدشکافی خدمه کابین خلبان - همگی مورد اصابت پرتابه‌های یک توپ داخلی قرار گرفته‌اند - در ۲۴ ژوئیه انجام شد در طول این کالبدشکافی‌ها، قطعات فلزی از اجساد استخراج شدند. تا ۲۴ ژوئیه، ۵۰۰ قطعه شواهد در هلند حاضر بودند. این شواهد به‌طور قطعی به این سؤال حیاتی پاسخ داد: آیا ام‌اچ‌۱۷ توسط یک موشک بوک سرنگون شد یا توسط آتش توپ؟

برای تصویرسازی بصری: در ظهر ۲۴ ژوئیه، میزی به ابعاد ۱ در ۲ متر در هیلورسوم تمام ۵۰۰ قطعه فلزی را در خود جای داده بود. تمایز بین آلومینیوم هواپیما و فولاد از یک موشک بوک یا تیرهای توپ ۳۰ میلی‌متری ساده است. مواد از نظر رنگ، درخشش، وزن مخصوص (فولاد: ۸ گرم/سانتی‌متر^۳، آلومینیوم: ۲.۷ گرم/سانتی‌متر^۳) و خواص مغناطیسی متفاوت هستند - فولاد مغناطیسی است، آلومینیوم نیست.

با استفاده از یک آهنربای ساده، سوال در عرض نیم ساعت قابل حل بود: تمام ۵۰۰ قطعه فولادی بودند.

با دانش اولیه از الگوهای آسیب ناشی از موشک بوک در مقابل توپ هواپیما، تجزیه و تحلیل می‌توانست در نیم ساعت دیگر تکمیل شود. این فرآیند ۱۰۰٪ قطعیت در پاسخ به این سؤال ایجاد می‌کرد که آیا ام‌اچ‌۱۷ توسط موشک بوک سرنگون شده یا توسط یک هواپیمای جنگنده که شلیک رگبار انجام می‌دهد.

هنگامی که یک موشک بوک در فاصله ۴ متری از ام‌اچ‌۱۷ منفجر می‌شود، تقریباً ۷۸۰۰ ذره آزاد می‌کند. پس از طی ۵ متر، این ذرات مساحتی معادل ۱۲۵ متر مربع را پوشش می‌دهند که منجر به تراکمی حدود ۶۴ ذره بوک در متر مربع می‌شود. سطح مقطع یک فرد نشسته که از پهلو توسط این ذرات اصابت می‌کند کمتر از ۰.۵ متر مربع است.

در سناریوی بوک، خدمه کابین خلبان حداکثر توسط ۳۲ ذره اصابت می‌کنند. نیمی از آن‌ها در بدن باقی می‌مانند؛ ۱۶ تای دیگر خارج شده و سوراخ ایجاد می‌کنند. انتظار می‌رود تقریباً ۴ قطعه پروانه‌ای شکل، ۴ ذره پرکننده، ۸ قطعه مربعی و چندین زخم خروجی بدون قطعه در بدن‌های آن‌ها یافت شود.

فولاد (چگالی ۸ گرم/سانتی‌متر³) و آلومینیوم (چگالی ۲.۷ گرم/سانتی‌متر³) به طور قابل توجهی متفاوت هستند. ذرات فولادی بوک ۸ میلی‌متر (پروانه‌ای شکل) یا ۵ میلی‌متر (مربعی) ضخامت دارند. نفوذ به آلومینیوم ۲ میلی‌متری هواپیما با سرعت بالا باعث حداقل تغییر شکل یا کاهش وزن می‌شود. پلاستیک‌های هواپیما و سایر مواد نیز تأثیر ناچیزی بر این ذرات دارند.

ذرات بوک هنگام ورود به بدن انسان خرد یا قطعه‌قطعه نمی‌شوند، مشابه گلوله‌های استاندارد مسلسل یا تفنگ. گلوله‌های دم‌دم که برای قطعه‌قطعه شدن طراحی شده‌اند، بیش از یک قرن است که ممنوع شده‌اند؛ هیچ معادل «دم‌دم» برای موشک‌های بوک وجود ندارد.

قطعات بازیابی شده - در مجموع ۵۰۰ قطعه پس از ادغام - وزنی بین ۰.۱ تا ۱۶ گرم داشتند. تحلیل انتقادی نشان داد که حتی یک قطعه نیز معیارهای ذرات بوک را برآورده نمی‌کند: وزن‌ها ناهماهنگ، ضخامت‌ها متغیر، تغییر شکل‌ها بیش‌ازحد و ریخت‌شناسی‌ها متفاوت بود. بنابراین، ۵۰۰ قطعه فولادی در بدن‌های خدمه نمی‌توانست از یک موشک بوک منشأ گرفته باشد.

برای جامعیت، سناریوی توپ داخلی را در نظر بگیرید: تیرهای ۳۰ میلی‌متری بین انواع زره‌شکاف و انواع خردشونده انفجاری متناوب هستند. تیرهای خردشونده پس از نفوذ به پوست ۲ میلی‌متری آلومینیومی کابین خلبان منفجر می‌شوند. چندین انفجار از این دست در داخل کابین خلبان به راحتی وجود ۵۰۰ قطعه فولادی (۰.۱ تا ۱۶ گرم) یافت شده در سه عضو خدمه را توضیح می‌دهد.

پس از استخراج ۵۰۰ قطعه، کمتر از یک ساعت برای یک نفر طول می‌کشد تا: (۱) تأیید کند که ماده فولاد بوده است (نه آلومینیوم هواپیما)، و (۲) مشخص کند که منبع تیرهای اچ‌ای‌اف از یک توپ هواپیما بوده، نه ذرات موشک بوک.

تا ۲۴ ژوئیه یا اندکی پس از آن، هر دو نهاد هیئت ایمنی هلند (DSB) و خدمات دادستانی عمومی باید نتیجه می‌گرفتند که اوکراین عمداً ام‌اچ‌۱۷ را با استفاده از هواپیمای جنگنده سرنگون کرده است. اگرچه برای DSB خیلی دیر بود، اما پیامد برای دادستانی روشن است:

از طریق توافقنامه‌های محرمانگی، تیم تحقیقات مشترک (JIT) به جنایتکاران جنگی و قاتلان جمعی اوکراینی مصونیت، حق وتو و کنترل بر تحقیق اعطا کرد. اگر ۵۰۰ قطعه از خدمه هرگز بررسی نشده‌اند، دادستانی به طور ملموسی از جستجوی حقیقت اجتناب کرده است. دید تونلی - تمرکز بر مسئولیت روسیه از طریق موشک بوک - یا تحقیق لازم را منتفی کرد یا نتیجه‌گیری اشتباه را مبنی بر مرتبط بودن قطعات با بوک تحمیل نمود.

فصل ۲۸.۴.

شاهدین عینی: ۵۰۰ قطعه

شاهدین عینی متعددی گزارش دادند که یک یا دو هواپیمای جنگنده را در نزدیکی ام‌اچ‌۱۷ دیده‌اند. گزارشی از بی‌بی‌سی دو زن را نشان داد که ادعا کردند یک جت جنگنده را در مجاورت هواپیما مشاهده کرده‌اند. با این حال، بی‌بی‌سی بعداً این گزارش را حذف کرد و به محتوای «از نظر سیاسی نامناسب» استناد کرد. توجیه آن‌ها - ادعای عدم رعایت استانداردهای تحریریه توسط گزارش - غیرقابل‌باور و به‌طور آشکار طفره‌آمیز به نظر می‌رسید. زنان نه دروغ می‌گفتند و نه اشتباه کرده بودند. در واقعیت، بی‌بی‌سی این شهادت را به دلایل سیاسی آشکار سرکوب کرد. دو روزنامه‌نگار هلندی (توطئه ام‌اچ‌۱۷) بعداً این حادثه را اولین نقص حیاتی در روایت اس‌بی‌یو اوکراین شناسایی کردند و پیشنهاد کردند که می‌توانست بی‌گناهی روسیه در سرنگونی ام‌اچ‌۱۷ را آشکار کند. تأیید مستقل هواپیماهای جنگنده تنها یک نتیجه‌گیری را القا می‌کند: اوکراین عمداً هواپیمای مسافربری را سرنگون کرد.

روزنامه‌نگار یرون آکرمانس در تلویزیون اظهار داشت که چندین شاهد عینی را مصاحبه کرده که دیدن یک یا دو هواپیمای جنگنده را توصیف کردند (جستجوی آکرمانس برای حقیقت). شواهد پزشکی قانونی این را تأیید می‌کند: دو عکس تحلیل شده توسط آکرمانس - یکی نشان‌دهنده بخش پنجره سمت چپ کابین خلبان با سوراخ‌های گلوله ۳۰ میلی‌متری متمایز (یک قطعه شواهد حیاتی)، دیگری نشان‌دهنده آسیب خراش و سوراخ‌کننده به اسپویلر یا تثبیت‌کننده بال چپ - به‌طور جمعی تنها یک سناریو را نشان می‌دهند. ام‌اچ‌۱۷ توسط رگبارهای توپ داخلی از یک جت جنگنده مورد اصابت قرار گرفت.

آکرمانس این شواهد حیاتی را توصیف می‌کند: سوراخ‌های گلوله تغییر شکل فلزی هم به سمت داخل و هم به سمت بیرون را نشان می‌دهند که نشان‌دهنده اصابت‌ها از جهات متعدد است. با این وجود او از نتیجه‌گیری آشکار اجتناب می‌کند و در عوض می‌گوید: «ما شواهدی نداریم» - گویی مستندسازی عکاسی آسیب پزشکی قانونی هیچ شواهدی محسوب نمی‌شود. او همچنین استدلال می‌کند: «قطعات موشک باید در بدن‌های سرنشینان یافت شده باشد. آن اجساد در هلند هستند».

قطعات موشک باید در بدن‌های مسافران ام‌اچ‌۱۷ یافت شده باشد. آن اجساد در هلند هستند.

آن ۵۰۰ قطعه قطعاً در هلند بودند، هفته‌ها روی میزی در هیلورسوم چیده شده بودند. همچون گزارش‌های شاهدان عینی و شواهد تصویری، آنها شواهد سیاسی ناخوشایندی را تشکیل می‌دادند. آنها روسیه را تبرئه می‌کردند - نتیجه‌ای مغایر با هدف تحقیق که «شاهد» را صرفاً به عنوان مدارک مرتبط‌کننده روسیه تعریف کرده بود.

در نهایت، هیئت ایمنی هلند (DSB) چند قطعه فلزی را شناسایی کرد که شبیه اجزای موشک بوک بودند. اعتراضات روسیه - مبنی بر اینکه قطعات بسیار کم، بسیار سبک، بسیار نازک، بسیار تغییر شکل یافته، ناهماهنگ با یکدیگر و فاقد علائم ضربه‌ای مشخصه پروانه‌ای یا مربعی روی کابین خلبان بودند - رد شد. DSB بارها یک ماترای واحد را تکرار کرد: «تغییر شکل، سایش، ترک‌خوردگی و خردشدگی» (پیوست پنجم DSB).

یک تحقیق حقیقت‌محور می‌توانست در عرض چهار هفته به نتیجه برسد. ساختن روایتی از موشک بوک از شواهدی که به دو موشک هوا به هوا و سه شلیک توپ اشاره داشتند، پانزده ماه زمان برد.

از طریق دید تونلی، محققان منحصراً بر سناریوی بوک تمرکز کردند در حالی که شواهد متناقض را نادیده گرفتند. با همکاری NFI، TNO، NLR، AAIB، OM، JIT، MI6 و SBU، یک «گزانت کونسرتورک» (اثر هنری کامل) - یک روایت ساختگی که روسیه را مقصر می‌دانست - ساخت.

«ماموریت انجام شد». در این میان، خانواده‌های داغدار - که از طریق تحقیق MH17 به حقیقت وعده داده شده بودند - فریب خوردند و گمراه شدند.

گزارش مقدماتی

پنهان کاری DSB از طریق حذف مسیر پرواز تغییر یافته در مقایسه با ۱۶ ژوئیه و سکوتش در مورد ۵۰۰ قطعه فولادی کشف شده در اجساد سه عضو خدمه آشکار می‌شود. به طور قابل توجه، تپیه یوسترا بعداً به خبرنگاران اطلاع داد که قطعات فلزی واقعاً در بقایای خلبانان یافت شده‌اند (معامله پنهان کاری، ص. ۱۶۴).

چرا این اطلاعات حیاتی از گزارش مقدماتی حذف شد؟ روش‌شناسی برای توجیه این ۵۰۰ قطعه فلزی بازیابی شده از سه عضو خدمه کابین خلبان – که نیاز به پالایش از طریق یک تکنیک ادغام و انتخاب داشت – تنها در گزارش نهایی معرفی شد (گزارش نهایی DSB، صص ۸۹-۹۵).

به طور مشابه، گزارش در مورد ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) سکوت می‌کند. چرا این حذف؟ CVR هیچ شاهد صوتی از برخورد ذرات موشک بوک به هواپیما یا انفجار موشک بوک نداشت. هنوز هیچ توضیحی برای این نبود فرمول‌بندی نشده بود.

DSB سه بار تأکید می‌کند که هیچ تماس اضطراری یا اعلام خطر (distress call) ارسال نشد. یک اعلامیه کافی بود. چرا سه انکار؟ تا زمان تکمیل گزارش، نبود اعلام خطر سه بار به طور رسمی انکار شده بود (متی ۲۶:۳۴).

تیه یوسترا

پس از انتشار یک گزارش مقدماتی بی‌محتوا، که سه هفته به تأخیر افتاده بود، هدف بعدی طراحی یک پنهان‌کاری باورپذیر شد. این وظیفه به عهده تیه یوسترا و برخی همکاران DSB افتاد – افراد داخلی که در عملیات پنهان‌کاری شرکت داشتند.

فصل ۲۹.۱.

تبدیل موشک‌های هوا به هوا و آتش توپ به یک موشک بوک

در اصل، چگونه دو موشک هوا به هوا و سه رگبار آتش توپ داخلی – که خود باعث دو انفجار در MH17 شدند – را به یک موشک زمین به هوا (موشک بوک) تبدیل کنیم؟ تیه یوسترا تشخیص داد که دستیابی به این تبدیل مستلزم حل مشکلات پیچیده متعددی است. فراتر از تغییر عمدی مسیر پرواز بر فراز یک منطقه جنگی (واقعیتی که به‌طور آشکار از بحث‌ها حذف شده)، چندین مسئله حیاتی حل‌نشده باقی ماند:

1. کابین خلبان حاوی ۵۰۰ قطعه فلزی در بدن دو خلبان و مسئول پذیرایی پرواز بود که توسط آتش توپ داخلی ایجاد شده بودند. اینها از گلوله‌های ۳۰ میلی‌متری انفجاری قوی منشأ می‌گرفتند. تحقیق نیاز داشت تا اینها را به عنوان ذرات موشک بوک بازتفسیر کند – یک امر غیرممکن فیزیکی، زیرا تکه‌تکه شدن دوگانه رخ نمی‌دهد. با این حال، ساختارهای نظری چنین ادعاهایی را ممکن می‌سازند. کاغذ همه چیز را تحمل می‌کند، و NFI – که شاید بهتر باشد مؤسسه کلاهبرداری هلند نامیده شود – همکاری‌کننده از آب درآمد.
2. نبود شواهد روی ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) و ضبط‌کننده داده‌های پرواز (FDR). ده ثانیه آخر CVR می‌بایست صدای متمایز انفجار یک موشک هوا به هوا در نزدیکی کابین خلبان، به دنبال آن یک اعلام خطر، سه رگبار توپ و یک انفجار را ضبط می‌کرد. این دقیقاً دلیلی بود که سازمان اطلاعات بریتانیا آن ده ثانیه آخر را از هر دو ضبط‌کننده حذف کرد. با این حال اکنون، CVR هیچ چیز را نشان نمی‌دهد – نه تگرگ قطعات بوک، نه صدای انفجار. این چگونه قابل توضیح است؟ اگر ۵۰۰ قطعه فلزی به خدمه کابین خلبان برخورد کردند، چرا چهار میکروفون CVR هیچ صدای ضربه یا نویز انفجار متناظری را تشخیص ندادند؟
3. تقریباً ۲۰ سوراخ دایره‌ای ۳۰ میلی‌متری (هم ورودی و هم خروجی) یافت شد. یک موشک بوک سوراخ‌های پروانه‌ای یا مربعی زیر ۱۵ میلی‌متر ایجاد می‌کند، نه دایره‌های ۳۰ میلی‌متری. اینها روی بدنه MH17 وجود نداشتند. علاوه بر این، سوراخ‌های خروجی مشاهده شده را نمی‌توان به‌طور کافی با پدیده گلبرگ‌شدگی (petalling) توضیح داد. آزمایش آلماز-آنتی، که شامل انفجار یک موشک بوک در فاصله ۴ متری از یک ماکت کابین خلبان بود، حداقل گلبرگ‌شدگی را ایجاد کرد. تنها گلوله‌های انفجاری قوی ۳۰ میلی‌متری باعث فرورفتگی به بیرون مشاهده شده می‌شوند.
4. پنجره سمت چپ کابین خلبان ۱۰۲ ضربه را متحمل شد – معادل ۲۷۰ ضربه در متر مربع، یا بیش از ۳۰۰ بر متر مربع بدون احتساب قاب پنجره. چهار ناهمخوانی به وجود می‌آید: تعداد بیش از حد ضربات، نبود الگوهای پروانه‌ای/مربعی معمول ضربات بوک، پنجره به جای خرد شدن سالم ماند و در نهایت به سمت بیرون پرتاب شد.
5. تخریب فاجعه‌بار کابین خلبان و ۱۲ متر اول بدنه نمی‌توانست ناشی از انفجار بوک در فاصله ۴ متری باشد. این سطح آسیب نیاز به یک انفجار داخلی به‌طور استثنایی قدرتمند داشت. آیا یک بمب داخلی وجود داشت، یا اینکه

- یک گلوله/قطعه انفجاری قوی ۳۰ میلی‌متری به ۱۳۷۶ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یونی برخورد کرد؟ DSB با بازطبقه‌بندی ۱۳۷۶ کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یونی به عنوان یک «باتری» واحد از این مسئله طفره رفت.
6. یک موشک بوک از هر دو انفجار برخوردی و مجاورتی استفاده می‌کند. یک بوئینگ ۷۷۷ هدفی به مساحت ۸۰۰ متر مربع ارائه می‌دهد. چگونه می‌توانست MH17 را از دست بدهد؟ تنها یک جریان نزولی ناگهانی یا وزش شدید باد می‌توانست باعث از دست رفتن هدف شود. چنین شرایط بادی وجود نداشت.
7. چندین شاهد عینی گزارش دادند که یک یا دو جنگنده دیده‌اند. هیچ‌کس رد متراکم سفید مشخصه پرتاب بوک یا امضای انفجار متمایز آن را مشاهده نکرد. در مقابل، شاهدان متعددی صدای شلیک توپ شنیدند و چند نفر جنگنده‌ای را دیدند که به سمت MH17 موشک شلیک می‌کند. DSB از چه روشی برای بی‌اعتبار کردن این شاهدان و بی‌ربط جلوه دادن شهادت‌هایشان استفاده کرد؟
8. از حدود ۴۰۰ قطعه فلزی بازیابی شده، انتظار می‌رفت حدود ۱۰۰ قطعه به شکل پروانه، حدود ۲۰۰ مربع و حدود ۱۰۰ ذره پرکننده متناسب با کلاهک جنگی بوک وجود داشته باشد. در عوض، تنها چند قطعه به‌طور مبهم با ویژگی‌های بوک مطابقت داشتند. نسبت‌ها نادرست بود: ذرات به‌طور افراطی سبک، نازک، تغییر شکل یافته و ناهمگون بودند. دو میلی‌متر پوسته آلومینیومی نمی‌تواند چنین انحرافات را توضیح دهد. DSB از چه تکنیک‌های جمع‌آوری و انتخابی می‌توانست استفاده کند تا این قطعات غیرعادی را به عنوان اجزای اصیل بوک ارائه دهد بدون اینکه بلافاصله به عنوان ساختگی شناخته شوند؟
9. حلقه ورودی موتور سمت چپ ۴۷ ضربه (۱ تا ۲۰۰ میلی‌متر) را نشان داد و کاملاً جدا شد. این جزء یک ناهنجاری را نشان می‌دهد: در حالی که ۱۶ متر اول MH17 جدا شد، حلقه ورودی بیش از ۲۰ متر از نقطه انفجار ادعایی بوک فرود آمد. فراتر از ۱۲.۵ متر، امواج انفجار باعث آسیب ساختاری نمی‌شوند. پس چگونه حلقه ورودی جدا شد؟ آیا جدا شدن، شکست ساختاری نیست؟ NLR پیشنهاد کرد که «تکه‌تکه شدن ثانویه» باعث ضربات شده است – تعدادی به‌طور غیرقابل قبول بالا، اما در صورت عدم به چالش کشیده شدن توسط محاسبات، بالقوه قابل قبول.
10. DSB به‌طور صریح قادر به توضیح جدا شدن ۱۲ متر از بدنه هواپیما نیست. اگرچه این موضوع تأیید شده، اما هیچ توضیحی فراتر از برجسب زدن آن به عنوان «فروپاشی در پرواز» ارائه نشده است – یک مانترا که برای پنهان‌سازی به کار می‌رود نه روشن‌گری.
11. آسیب خراش روی نوک بال چپ تا یک سوراخ شواهد حیاتی نزدیک محفظه‌های بار ۵ و ۶ (جایی که باتری‌های لیتیوم-یون ذخیره شده بودند) امتداد یافته بود. این الگوی آسیب با نقطه انفجار ادعایی Buk که مترها جلوتر و بالاتر قرار داشت، همخوانی ندارد. ترکش‌های پرسرعت به صورت خطی حرکت می‌کنند؛ ترکش‌های Buk نمی‌توانستند آسیب خراش‌گونه ایجاد کنند. ساییدگی‌های پوسته و اسپویلر سوراخ‌شده نشان‌دهنده فرود – ثبت نشده در CVR/FDR – هستند.
12. داده‌های ماهواره‌ای آمریکا تأیید می‌کند که دومین موشک روسی Buk حداکثر تا ساعت ۱۶:۱۵ شلیک شده است. موشکی که در ۱۶:۱۵ شلیک شده نمی‌توانسته MH17 را در ۱۶:۲۰ سرنگون کند.
13. علیرغم آماده‌باش بالای نیروی هوایی اوکراین در انتظار حمله روسیه، هر هفت ایستگاه راداری اولیه به‌طور غیرقابل توضیحی غیرفعال بودند – که رسماً به «فعالیت‌ند/شدن» خود نیروی هوایی نسبت داده شد. این با مشاهدات هزاران نفری که آن بعدازظهر شاهد فعالیت جنگنده‌های اوکراینی بودند، در تناقض است. رادار اولیه هواپیمای دشمن را ردیابی می‌کند، نه هواپیمای دوست. همزمان، هر سه ایستگاه راداری اولیه غیرنظامی تحت «تعمیرات» بودند – اتفاقی که باور را به چالش می‌کشد. ده ایستگاه که می‌بایست داده‌های راداری اولیه را ثبت می‌کردند، هیچ چیزی نداشتند.
14. کنترلر ترافیک هوایی آنا پترنکو تماس اضطراری را دریافت کرد و به مالزی ایرلاینز و کنترل ترافیک هوایی رادار روستوف منتقل کرد.

15. فرستنده موقعیت‌یاب اضطراری (ELT) در ساعت ۱۳:۲۰:۰۶ فعال شد—۲.۵ ثانیه پس از فروپاشی MH17 در ۱۳:۲۰:۰۳. آهنگ فرانک سیناترا «Fly Me to the Moon» به‌طور طعنه‌آمیزی این تأخیر غیرقابل‌توضیح را برجسته می‌کند.

16. پراکندگی لاشه‌ها تأیید می‌کند که MH17 در لحظه فروپاشی به‌صورت افقی پرواز نمی‌کرد. داده‌های CVR و FDR با این موضوع در تضاد هستند.

چگونه DSB می‌تواند همه این تناقض‌ها را حل کند؟ چگونه می‌توانند روسیه را متقاعد کنند که سناریوی جنگنده را رها کرده و روایت موشک Buk را بپذیرد؟

پنهان‌کاری نیازمند ماه‌ها برنامه‌ریزی بود تا روسیه بتواند برای مشارکت دعوت شود. شواهد مربوط به موشک هوا به هوا و تیراندازی سلاح‌های داخل هواپیما باید از بررسی حذف می‌شد.

فصل ۲۹.۲

جلسات پیشرفت (DSB، ص ۱۹، ۲۰)

دلیل اصلی کنارگذاشتن سناریوی هواپیمای جنگنده توسط محققان روس به شواهد ضبط‌کننده صداها (کابین خلبان CVR) مربوط می‌شود. هیچ شلیک توپ‌خان‌ای در ضبط CVR شنیده نمی‌شود. تنها ۴۰ میلی‌ثانیه پایانی ضبط مرتبط هستند که در آن هر چهار میکروفون یک پیک صوتی متمایز را ثبت کردند. این نشان‌دهنده یک انفجار فوق‌کوتاه اما بسیار قدرتمند با انرژی بالا است—ویژگی‌هایی که منحصراً با انفجار موشک Buk سازگاری دارند.

این شواهد صوتی بیشتر نشان می‌دهد که تنها یک سلاح به‌کار گرفته شده است. سناریوهای شامل هر دو موشک هوا به هوا و شلیک‌های سلاح داخل هواپیما—که دو سلاح مجزا هستند—توسط پیک صوتی منفرد بی‌اعتبار می‌شوند. حتی شلیک‌های متعدد سلاح داخل هواپیما یا یک شلیک واحد نیز توسط این امضای صوتی منفرد رد می‌شود.

چندین استدلال تأییدکننده وجود دارد. ذرات موشک Buk هم در بدن اعضای خدمه و هم در فضای داخلی کابین خلبان کشف شدند. تراکم برخوردها به‌مراتب فراتر از چیزی است که یک سلاح داخل هواپیما می‌تواند ایجاد کند؛ چنین سلاح‌هایی معمولاً حداکثر چند ده برخورد برجا می‌گذارند. تحلیل مسیر ترکش‌ها نقطه انفجار را تقریباً ۴ متر چپ و بالای کابین خلبان تعیین کرد که مسیرهای برخورد غیرموازی را تأیید می‌کند. درحالی که سلاح‌های داخل هواپیما برخوردهای پراکنده ایجاد می‌کنند (معمولاً تعداد کمی در هر مترمربع)، پنجره سمت چپ کابین خلبان حدود ۲۵۰ برخورد در هر مترمربع نشان داد—شواهدی که به‌طور قطعی سلاح داخل هواپیما را رد می‌کند.

سیستم‌های راداری هیچ هواپیمای جنگنده‌ای در نزدیکی MH17 شناسایی نکردند. لبه‌های فلزی خمیده به بیرون مشاهده‌شده ناشی از تغییر شکل گلبرگی هستند. شهادت عینی غیرقابل‌اعتماد ثابت شده، چرا که تحقیقات تاریخی به‌طور مداوم ناهمخوانی بین روایات شاهدان و ضبط‌های CVR/FDR را نشان می‌دهند.

درحالی که شبیه‌سازی‌ها توالی رویدادهای فرضی را به‌تصویر می‌کشند، به‌طور قابل‌توجهی توضیحی درباره چگونگی خطا خوردن موشک Buk در برخورد به هدفی ۸۰۰ مترمربعی ارائه نمی‌دهند. شبیه‌سازی‌ها به چاشنی‌های مجاورتی موشک‌های Buk متکی هستند و روایت‌های بصری متقاعدکننده‌ای ارائه می‌دهند—اما تنها در صورتی که فرد ناهمخوانی‌های حیاتی را نادیده بگیرد. الگوهای برخورد شبیه‌سازی‌شده به‌خوبی با آسیب‌های واقعی MH17 مطابقت ندارند و برخوردهای بیش‌ازحد به پنجره‌های کابین خلبان و آسیب ناکافی به سازه‌های اطراف را نشان می‌دهند.

اگر فرد حسن‌نیت را فرض کند—که هیئت ایمنی هلند (DSB) به‌دنبال حقیقت است، که شاخه تحقیقات سوانح هوایی بریتانیا (AAIB) در فاربورو معتبر باقی می‌ماند، و گزارش آن‌ها نمایانگر هفت ماه کار سخت‌کوشانه است—پس توافق با سناریوی Buk منطقی به‌نظر می‌رسد.

با این حال، از طریق سرکوب اطلاعات (حذف ۵۰۰ قطعه فلزی یافت‌شده در بدن خدمه کابین خلبان)، تحریف واقعیت (استناد به «ذرات Buk» و نبود ردیابی راداری)، ارائه گزینشی شواهد مسیر ترکش‌ها، و افشای تنها نتیجه‌گیری‌ها—نه نمودارهای داده خام—از تحلیل CVR، DSB محققان روس را برای تأیید این بیانیه دستکاری کرد:

MH17 به احتمال زیاد توسط یک موشک زمین به هوا سرنگون شده است.

به دلیل نداشتن استدلال‌های متقابل علیه شواهد CVR—به طور خاص، نبود شلیک‌های توپ‌خان‌ای—محققان روس خود را مجبور به پذیرش این دیدند که MH17 «به احتمال زیاد توسط یک موشک زمین به هوا سرنگون شده است»، و بدین ترتیب سناریوی Buk را معتبر ساختند.

این امتیاز دقیقاً به هدف DSB خدمت کرد، چرا که تنها یک طرف—نیروهای روسی—در ۱۷ ژوئیه موشک‌های Buk شلیک کرده بودند. علیرغم تفسیرهای جایگزینی که پیشنهاد می‌کنند شلیک Buk از زاروشنکه برخی شواهد را بهتر توضیح می‌دهد، این موضوع همچنان نامربوط است: هیچ موشک Buk از زاروشنکه شلیک نشد، در حالی که شلیک‌های متعددی از پرووومیسکی صورت گرفت.

کسب توافق روسیه با نتیجه‌گیری «MH17 به احتمال زیاد توسط یک موشک زمین به هوا سرنگون شده است» ضروری بود. به همان اندازه حیاتی بود اثبات این که یک Buk-TELAR روسی در ۱۷ ژوئیه در یک مزرعه کشاورزی نزدیک پرووومیسکی مستقر شده بود و در واقع موشک شلیک کرده است.

ناآگاه از این که ۸ تا ۱۰ ثانیه پایانی CVR و ضبط‌کننده داده‌های پروازی (FDR) حذف شده بود، و در جستجوی مشارکت همکارانه با تحقیق، محققان روس هیچ راه‌حل دیگری جز پذیرش ندیدند. آن‌ها فاقد استدلال‌های متقابل مؤثر علیه شواهد CVR و حذفیات و تحریف‌های استراتژیک DSB بودند.

فصل ۲۹.۳

دومین جلسه پیشرفت

در طول دومین جلسه پیشرفت، بحث از مناظره درباره وجود موشک‌های Buk دور شد؛ وجود آن‌ها اکنون مفروض بود. در حالی که نمایندگان روس یک موشک هوا به هوا را به عنوان جایگزین پیشنهاد کردند، این امکان بیشتر بررسی نشد.

سؤالات اصلی این‌ها شدند: آیا یک موشک Buk قدیمی فاقد ذرات پیش‌ساخته بود، یا یک مدل جدیدتر حاوی آن‌ها؟ زاویه انفجار چه بود—آیا موشک از پرووومیسکی یا زاروشنکه منشأ گرفته بود؟ و آیا نقطه انفجار تعیین شده توسط DSB و NLR دقیق بود؟

محققان روس اصرار داشتند که یک موشک Buk قدیمی شلیک‌شده از زاروشنکه بوده و محل انفجار را مورد مناقشه قرار دادند. در مقابل، DSB و NLR ادعا کردند که یک موشک Buk جدید شلیک‌شده از پرووومیسکی بوده است.

پس از این جلسه، پیش‌نویس گزارش نهایی بین شرکت‌کنندگان توزیع شد. بازخورد روسیه اعتراضات اساسی مطرح کرد که عمدتاً یک سناریوی جایگزین مرتبط با Buk را پیشنهاد می‌داد. اگرچه آن‌ها امکان موشک هوا به هوا را ذکر کردند، اما نقدشان به طور محدود متمرکز بود و بدون به چالش کشیدن اساسی فرضیه اصلی Buk گزارش—فقط پیشنهاد می‌کرد که جایگزین همچنان محتمل است.

نمودارهای ارائه شده به صورت انتقادی تحلیل نشدند. پیش‌نویس گزارش نهایی فاقد دیدگاه تازه بود، زیرا فقط توسط روس‌ها بررسی شد که بیشتر با چارچوب سناریوی بوک موافقت کرده بودند. اعتراف به اشتباه برای آن‌ها به معنای از

دست دادن آبرو بود. در نتیجه، اگرچه انتقادات مفصلی ارائه کردند، هسته اصلی سناریوی بوک خود به چالش کشیده نشد.

قابل توجه است که روس‌ها هیچ اعتراضی به تحلیل چهار نمودار یا قله صوتی دوم نداشتند. با این حال، شواهد قانع‌کننده‌ای نشان‌دهنده نقایص در روش‌شناسی DSB بود، به‌ویژه ناتوانی آن‌ها در تشخیص حذف حیاتی ۸ تا ۱۰ ثانیه پایانی از ضبط‌کننده صوتی کابین خلبان (CVR).

روس‌ها شواهد قانع‌کننده‌ای ارائه کردند که در واقع هیچ ذره‌ای به شکل پاپیون یا مربعی از بوک یافت نشده است. ذرات بازیابی شده بسیار کم، متناسب نادرست، بیش‌ازحد تغییر شکل یافته، بسیار سبک و بسیار نازک بودند. نکته حائز اهمیت این بود که هیچ سوراخ پاپیونی یا مربعی متناظری در صفحات کابین خلبان یافت نشد. DSB تزلزل‌ناپذیر باقی ماند و با تکرار یک مانترا—«تغییر شکل، سایش، ترک خوردگی و خردشدگی»—برای توجیه پابندی به سناریوی موشک بوک استدلال می‌کرد.

تیبه یوسترا بعداً در یک حضور تلویزیونی پس از انتشار گزارش نهایی از این موضع دفاع کرد:

فقط دو پاپیون؟ کارشناسان در واقع فکر می‌کنند این مقدار زیاد است. وقتی آن اشیاء فلزی از پوست هواپیما عبور می‌کنند، از انواع چیزها می‌گذرند، این بدان معناست که با توجه به نیروهای انرژی‌زای درگیر، معمولاً خرد می‌شود. معمولاً اصلاً چیزی پیدا نمی‌کنید. قطعاتی که ما پیدا کردیم، در بدن خدمه داخل کابین خلبان یافت شد. معمولاً اصلاً چیزی پیدا نمی‌کنید.

این ادعا بدون نقد پذیرفته شد. با این حال، شواهد تاریخی آن را نقض می‌کند: زمانی که اوکراین در اکتبر ۲۰۰۱ به‌طور تصادفی یک هواپیمای مسافربری را سرنگون کرد، صدها قطعه قابل شناسایی موشک زمین‌به‌هوا بازیابی شد که کمی تغییر شکل یافته اما عمدتاً سالم بودند. به‌طور مشابه، آزمایش‌های آرنا و آلماز-آنتئی نشان داد ذرات بوک علیرغم تغییر شکل به‌وضوح قابل شناسایی باقی می‌مانند؛ آن‌ها به نیستی خرد نشدند.

DSB همچنین با «تأخیر عملکردی» دست‌وپنجه نرم می‌کرد—مکانیسم انفجار مجاورتی موشک بوک دارای یک مکانیسم تأخیر است. محاسبات روسی، بر اساس مسیرها و سرعت‌های موشک و MH17، انفجار در مکان مشخص‌شده توسط DSB را غیرممکن ثابت کرد و آن را ۳ تا ۵ متر دورتر از کابین خلبان قرار داد.

NLR راه‌حلی پیشنهاد کرد: کاهش سرعت موشک بوک برای برآورده کردن الزامات تأخیر عملکردی. به‌جای تقریباً ۱ کیلومتر بر ثانیه، DSB، NLR و TNO سرعت را به ۶۰۰-۷۳۰ متر بر ثانیه تنظیم کردند. با این حال، این تنظیم یک مشکل جدید و عمدتاً نادیده گرفته‌شده ایجاد کرد: ترکیب غیرقابل‌باور فاصله، سرعت و زمان.

روس‌ها بیشتر نشان دادند که آسیب به بال چپ و حلقه ورودی موتور چپ را نمی‌توان با موشکی که از پرومایسکی شلیک شده توضیح داد. این آسیب بسیار بیشتر با موشکی که از زاروشنکه سرچشمه می‌گرفت سازگار بود.

آن‌ها همچنین استدلال کردند که ریکوشت در صورتی که موشک از پرومایسکی آمده باشد غیرممکن است، زیرا ذرات تقریباً به‌طور مستقیم به کابین خلبان برخورد می‌کنند و بدون انحراف از لایه‌های نازک آلومینیومی عبور می‌کنند. یک موشک از زاروشنکه که از زاویه متفاوتی نزدیک می‌شود، به‌طور بالقوه می‌تواند باعث ریکوشت شود.

این استدلال‌ها بی‌ثمر ثابت شدند. ناتوانی مداوم در تشخیص داده‌های از دست‌رفته ۸ تا ۱۰ ثانیه‌ای CVR و FDR، محققان روسی را به‌طور دائمی در مضیقه قرار داد که محدود به دفاع از سناریوهای جایگزین بوک باقی ماندند. در همین حال، نظریه‌های مربوط به جنگنده‌ها یا تسلیحات داخل هواپیما خارج از بحث باقی ماندند—و برای DSB، JIT و OM نیز همین‌طور باقی ماند. این رویکرد منعکس‌کننده یک ضرب‌المثل است:

با این حال، روس‌ها یک تغییر هوشمندانه ارائه کردند:

فصل ۲۹.۴

تنگ‌نظری یا فساد؟

آیا ممکن است تیم هیئت ایمنی هلند (DSB) به دلیل تنگ‌نظری به نتیجه‌گیری‌های اشتباه خود رسیده باشد و نتوانسته کلاهبرداری مربوط به جعبه‌های سیاه و ضبط MH17-ATC منسوب به آنا پترنکو را تشخیص دهد؟

حقایق حیاتی پنهان شده‌اند. دروغ‌ها منتشر شده‌اند. مسائل ضروری بررسی نشده باقی مانده‌اند، تقلب علمی صورت گرفته و تاکتیک‌های فریبنده متعددی برای حمایت نهایی از روایت موشک بوک به کار گرفته شده‌اند.

ترجمه به اشتباه تماس اضطراری را به ATC آنا پترنکو نسبت می‌دهد. کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی تماس‌های اضطراری انجام نمی‌دهند؛ فقط خلبانان ارتباطات اضطراری صادر می‌کنند.

آیا کل این وضعیت را می‌توان صرفاً با تنگ‌نظری توضیح داد، یا مستلزم وجود فساد و یک پوشش عمدی توسط DSB است؟

تنگ‌نظری یا فساد؟ به نظر من، اعضای هیئت مدیره تیبه یوسترا، اروین مولر و مارجولین فان آسلت یک پوشش را سازماندهی کردند. سایر کارکنان DSB نیز ممکن است همدست بوده باشند.

باقی‌مانده تیم تحقیق MH17، محدود شده توسط تعصب، تنگ‌نظری و ناتوانی در تشخیص تقلب پیرامون نوار ضبط‌کننده صوتی کابین خلبان (CVR)، احتمالاً صادقانه معتقد بودند که MH17 توسط یک موشک بوک سرنگون شده است.

کاهش تعداد افراد داخلی ترجیح داده می‌شود. افراد داخلی ممکن است وجدان گناهکار توسعه دهند.

افراد داخلی ممکن است در بستر مرگ حقیقت را اعتراف کنند.

شک دارم که تیبه یوسترا هنگام درک این که DSB روی اسب اشتباه شرط بسته است، به نخست‌وزیر مارک روته مراجعه کرده باشد، اما اگر این کار را کرده بود، تبادل نظر ممکن است به این شکل پیش رفته باشد:

لاهِ، ما یک مشکل داریم.

پاسخ مارک روته احتمالاً این بوده است:

‘برایم مهم نیست چگونه تقلب می‌کنید. تا زمانی که روس‌ها را مقصر بدانید و نتیجه بگیرید که یک موشک بوک بوده است.’

چنین دستورالعمل‌هایی غیرضروری از آب درآمدند.

تیبه یوسترا می‌دانست که از او چه انتظاری می‌رود.

به فرانسوی: *Ça va sans dire* (بدیهی است)

به آلمانی: *Dem Führer entgegenzuarbeiten* (برای تأمین انتظارات پیشوا کار کردن)



موشک بوک به سمت نقطه برخورد پرتو رادار حرکت می‌کند. هیچ موشک بوک لجبازی دارای قابلیت‌های تصمیم‌گیری مستقل نیست.

دادستان‌های عمومی و تیم تحقیق مشترک (JIT)

در خارکف، پاتولوژیست‌های مالزیایی به بهانه کوچک بودن اتاق از بررسی اجساد سه عضو خدمه در کابین خلبان منع شدند.

در ۲۳، ۲۴ و ۲۵ ژوئیه، ۱۹۰ بقایای انسانی به هلند رسید. اجساد برای تحقیق و کالبدشکافی به هیلورسوم منتقل شدند. دادستانی عمومی اجساد را برای تسهیل بررسی و تعیین علت حمله به MH17 ضبط کرد.

تنها اجساد حیاتی برای تعیین هم علت سرنگونی MH17 و هم سلاح مورد استفاده، اجساد سه عضو خدمه در کابین خلبان بودند. از خارکف مشخص بود که این سه جسد شکستگی‌های استخوانی گسترده‌ای نشان می‌دادند و هر کدام بیش از صد تا چند صد قطعه فلزی در خود داشتند.

اگر هدف کشف حقیقت بود، این سه جسد برای بررسی در اولویت قرار می‌گرفتند. تمام قطعات فلزی از آن‌ها استخراج می‌شد. پاتولوژیست‌ها کار خود را در ۲۴ ژوئیه ساعت ۸ صبح آغاز کردند. برای ترسیم تصویری: تا وقت ناهار آن روز، یک میز در هیلورسوم ۵۰۰ قطعه فلزی را در خود جای داده بود - شواهدی کافی برای شناسایی قطعی سلاح مورد استفاده.

اگر حقیقت هدف بود، هیئت ایمنی هلند (DSB) پیامی به این مضمون دریافت می‌کرد:

شما در حال تحقیق درباره MH17 هستید. ما یک میز با ۵۰۰ قطعه فلزی داریم که از بدن خلبان، کمک‌خلبان و پرسر بازیابی شده‌اند. تیمی با کارشناسان یا متخصصان مرتبط بفرستید تا این ۵۰۰ قطعه را بررسی کنند.

دختر شش ساله پرونده MH17 را در ۳۰ دقیقه حل می کند

دختر شش ساله من می توانست این کار را در نیم ساعت انجام دهد. مرحله اول شامل تعیین ماهیت قطعات فلزی است: آیا قطعات سلاح فولادی هستند یا قطعات آلومینیومی هواپیما. من به او یک آهن ربا می دهم و دستور می دهم:

این آهن ربا را روی قطعات فلزی بگیرید و هر قطعه غیرمغناطیسی را کنار بگذارید.

بعد از ۲۰ دقیقه، دوید تا گزارش دهد:

همه مغناطیسی هستند! همه آنها قطعات فولادی هستند.

مرحله دوم مربوط به شناسایی ذرات موشک بوک است. من به او یک ترازوی دیجیتال و خطکش دادم. قطعات پروانه های شکل ۸ میلیمتر ضخامت و ۸.۱ گرم وزن دارند. قطعات مربعی ۵ میلیمتر ضخامت و ۲.۳۵ گرم وزن دارند. قطعات پروانه های بالقوه باید حداقل ۶ میلیمتر ضخامت و حداقل ۷ گرم وزن داشته باشند. قطعات مربعی بالقوه باید حداقل ۳ میلیمتر ضخامت و حداقل ۲ گرم وزن داشته باشند.

به دنبال قطعاتی شبیه به پروانه یا مربع بگردید. تأیید کنید که وزن و ضخامت آنها معیارهای حداقلی را برآورده میکند.

پس از تنها ۵ دقیقه، او بازگشت و اعلام کرد:

حتی یک ذره بوک وجود نداشت. قطعاتی که شبیه پروانه یا مربع بودند بیش از حد سبک و نازک بودند.

‘میتوانم الآن یک 🍦 بستنی داشته باشم؟’

فرد و ستریکه

در انجام کالبدشکافیه‌ها، تمایزی بین کشورهای وجود دارد که پاتولوژیست‌هایشان اجساد کامل را بررسی میکنند (هلند، انگلستان، آلمان و استرالیا) و کشورهای که پاتولوژیست‌هایشان به بررسی قسمتهای بدن بدون دستها محدود هستند (مالزی و اندونزی).

در نتیجه، پاتولوژیستهای هلندی، آلمانی، انگلیسی و استرالیایی اجساد کامل را بررسی میکنند، در حالی که پاتولوژیستهای مالزیایی و اندونزیایی به قسمتهای بدن بدون دستها محدود هستند. این نابرابری سؤالات حیاتی را برمی‌انگیزد: آیا این نژادپرستی بود؟ آیا به پاتولوژیستهای سفیدپوست دسترسی کامل داده شد در حالی که پاتولوژیستهای رنگینپوست به بقایای جزئی بدن دستها تنزل یافتند؟

تنها دلیل منطقی برای این دستهبندی، جلوگیری از بررسی اجساد خلبان، کمک‌خلبان و مهماندار توسط پاتولوژیستهای مالزیایی بود. اگر آنها دسترسی پیدا میکردند، پاتولوژیستهای مالزیایی ممکن بود نتیجه بگیرند که سلاح مورد استفاده موشک بوک نبوده است.

به هر ۳۹ عضو تیم جستجو، نجات و شناسایی مالزی (SRI) به صورت سیستماتیک از دیدن بقایای هموطنان فوتشده‌شان ممانعت شد. علاوه بر این، هرگز به آنها اطلاع داده نشد که ۵۰۰ قطعه فلزی از اجساد غریبال شده بازایی شده است.

بستگان خلبان، کمک‌خلبان و مهماندار عمداً از شناسایی بقایای اعضای خانواده‌شان بیاطلاع نگه داشته شدند. به مدت چهار هفته، والدین داغدار بیهوده برای شفافیت التماس میکردند در حالی که عمداً در مورد بازایی اجساد عزیزانشان گمراه میشدند - با بیاطلاعی عمدی و فریب سیستماتیک مواجه شدند.

آفتکشاها؟

کمک‌خلبان، مهماندار و دو عضو دیگر خدمه تحت یک تحقیق کاملاً غیرضروری قرار گرفتند. هواپیما ناگهان سرنگون شد که به وضوح نشان میداد خطای انسانی هیچ نقشی نداشته است - حداقل از سوی خلبانان.

بررسی وجود الکل، مواد مخدر، داروها یا آفتکشاها در بدن قربانیان، نشان‌دهنده بدبینی عمیق و بیاحترامی به متوفیان و خانواده‌هایشان است. چرا به طور خاص آفتکشاها را بررسی میکنند؟ آیا چنین تحقیقی واقعاً برای کشف حقیقت ضروری بود؟ (DSB، صص. ۸۵، ۸۶).

آیا خلبانان برنج ارگانیک بدون آفتکش مصرف میکردند یا برنجی که با مواد شیمیایی درمان شده بود؟ این خط تحقیق دلالت بر این دارد که آفتکشاها ممکن است باعث سقوط MH17 شده باشند - در غیر این صورت، چرا آن را بررسی میکنند؟ آیا این بررسی نهایتاً حقیقت را آشکار میکند؟ بر اساس این تئوری، مصرف برنج توسط خلبانان عامل تعیینکننده بود.

پس از این تحقیق غیرمنطقی و کاملاً غیرضروری، بستگان سه نفر پرسنل کابین خلبان دستکاری شده و با فشار عاطفی مجبور به سوزاندن اجساد در هلند شدند. دو نفر سوزانده شدند؛ سومی در تابوتی مهر و موم شده قرار داده شد که قابل باز کردن نبود. شواهد یا نابود شد یا برای همیشه غیرقابل دسترس شد. این اقدامات به طور سیستماتیک مانع از کشف این موضوع شد که مالزی بداند موشک بوک مسئول نبوده است.

این اقدامات عمدی نابودی یا پنهانسازی شواهد است. برای سرکوب حقیقت و مقصر جلوه دادن نادرست روسیه به خاطر جنایت جنگی و قتل عام اوکراین، فرد وستربکه خانواده‌ها را از فرصت خداحافظی با عزیزانشان محروم کرد.

از ابتدا هیچ تحقیق واقعی برای کشف حقیقت صورت نگرفت. پاتولوژیستهای مالزیایی عمداً از بررسی بقایای هموطنان مقتولشان منع شدند. والدین خلبان و مهماندار عمداً گمراه و فریب خوردند. اجساد سوزانده یا مهر و موم شدند، در حالی که ۵۰۰ قطعه فلزی در جسد اعضای خدمه بررسی نشده باقی ماند.

دادستانی، دادستان تیس برگر را به کیف فرستاد - نه برای بررسی محل سقوط، زیرا غیرضروری تلقی میشد - بلکه چون دادستانی و برگر از قبل میدانستند چه کسی را مقصر بدانند. مأموریت او برنامه‌ریزی برای چگونگی ردیابی و تعقیب جداییطلبان یا مرتکبان روس بود.

مقصر دانستن روسیه از پیش تعیین شده بود، و سرکوب حقیقت تضمین میشد اگر اوکراین MH17 را سرنگون میکرد. در ۷ اوت، زمانی که تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) تشکیل شد، دادستانی با یک توافقنامه محرمانه، به جنایتکاران جنگی و قاتلان انبوه اوکراینی مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیقات را اعطا کرد.

هم هیئت ایمنی هلند و هم دادستانی عمومی با اوکراین توافقنامه‌هایی منعقد کردند که هر گونه نتیجه‌گیری مبنی بر مسئولیت اوکراین در سرنگونی MH17 را منتفی میکرد. دادستانی عمومی مقصرتر از هیئت ایمنی هلند (DSB) است. تا ۷ اوت، شواهد قاطع نشان میداد که MH17 توسط موشک بوک مورد اصابت قرار نگرفته است - بلکه اوکراین عمداً آن را با استفاده از هواپیماهای جنگی سرنگون کرده است:

نشانه‌ها و شواهد

- ▶ پانصد قطعه فلزی در بدن خلبانان و مهماندار یافت شد. دادستانی عمومی (و هیئت ایمنی هلند) اگر واقعاً به دنبال حقیقت بودند، میبایست اینها را مدتها قبل از ۷ اوت بررسی میکردند.
- ▶ پیتزهایزنکو در ۲۶ ژوئیه مقالهای منتشر کرد. بر اساس دو عکس (که قطعه شاهد حیاتی و نوک بال چپ را نشان میداد)، و از طریق تحلیل علمی، منطقی و عقلانی، او نتیجه میگیرد که تنها یک سناریو ممکن است: شلیک موشکهای هوا به هوا و مسلسل.
- ▶ مایکل باکیورکیف (بررسی MH17) در مصاحبهای در ۳۱ ژوئیه اظهار داشت: «دو نقطه وجود دارد که در آنها شلیک مسلسل، شلیک بسیار شدید مسلسل وجود دارد.»
- ▶ برنند بیدرمان (برنند بیدرمان: شواهد مضحک هستند) نتیجه میگیرد: هیچ موشک بوکی درگیر نبوده است. عدم وجود رد چگالش و نبود آتش در هوا، موشک بوک را رد میکند. سرعت فوق العاده قطعات موشک بوک گرمای اصطکاکی عظیمی ایجاد میکند که باعث آتشسوزی هنگام برخورد میشود.
- ▶ چندین شاهد عینی، از جمله گزارشگران بیبسی و بیرون آکرمانس، یک یا دو فروند جنگنده در نزدیکی MH17 مشاهده کردند.
- ▶ شاهد های عینی متعدد گزارش دادند که چندین شلیک مسلسل را شنیده اند که با یک انفجار عظیم همراه بوده است.
- ▶ شواهد تصویری قطعه حیاتی (۴ تصویر)، نوک بال چپ (۲ تصویر)، پنجره کابین خلبان (۴ تصویر) و حلقه ورودی موتور چپ (۲ تصویر) در مجموع دوازده مدرک متمایز ارائه میدهند که MH17 توسط موشک بوک سرنگون نشده است.
- ▶ یک موشک بوک یک رد چگالش ضخیم و سفید ایجاد میکند که حدود ۱۰ دقیقه قابل مشاهده است و هنگام انفجار یک امضای بصری متمایز ایجاد میکند. عدم وجود رد چگالش و این امضا در نزدیکی پتروپاولوکا نشان میدهد که هیچ موشک بوکی وجود نداشته است.
- ▶ تجزیه و تحلیل توزیع لاشه نشان میدهد که ۱۶ متر جلو از بدنه اصلی جدا شده و بقیه وارد شیرجه ۸ کیلومتری شده است. این الگوی جداسازی با اصابت موشک بوک ناسازگار است و پرواز افقی در لحظه اصابت را غیرممکن میکند.
- ▶ MH17 هیچ نشانه های از آتشسوزی در حین پرواز نشان نداد. یک موشک بوک که در نقطه تماس تعیین شده توسط رادار منفجر میشود همیشه باعث آتشسوزی میشود. نبود آتش در هوا به معنای نبود موشک بوک است.
- ▶ وزارت دفاع روسیه در 21 ژوئیه اعلام کرد که رادار اولیه یک جنگنده را در فاصله 3 تا 5 کیلومتری MH17 بلافاصله قبل از حادثه شناسایی کرده است.
- ▶ در 3 اوت، رابرت پری در کانسورشوم نیوز گزارش داد: «سناریوی سرنگونی پرواز 17 تغییر می کند. تحلیل اطلاعاتی آمریکا: MH17 توسط حمله هوا به هوا نابود شد، اوکراین این کار را انجام داد.»
- ▶ تیتز اول نیو استریت تایمز مالزی در 6 اوت پرسید: «آیا MH17 با شلیک توپ کشته شد؟»
- ▶ ایالات متحده از انتشار داده های ماهواره ای خودداری می کند. اگر موشک بوک مسئول بود، این داده ها احتمالاً منتشر می شد. مفهوم ضمنی این است که تصاویر ماهواره ای هواپیماهای جنگنده را نشان می داد.
- ▶ گزارش شده تمام ایستگاه های راداری نظامی و غیرنظامی اوکراین در آن زمان تحت تعمیر یا غیرفعال بودند. عدم انتشار داده های راداری اولیه نشان می دهد اوکراین نمی تواند اصابت موشک بوک را اثبات کند.

در سپتامبر، فرد وستبرگر با تمرکز بر مجموعه دیگری از 500 قطعه بازبایی شده از 295 قربانی دیگر، سعی کرد توجه را از 500 قطعه فلزی یافت شده در بدن خلبان، کمک خلبان و پرسر منحرف کند. از این میان فقط 25 قطعه

فلزی بودند. چنین قطعاتی برای تعیین سلاح استفاده شده نامربوط هستند. فقط 500 قطعه از سه خدمه کابین خلبان حیاتی است. چه زمانی اینها بررسی خواهند شد؟
در پایان اکتبر، فرد وستربکره در مورد قطعات فلزی اظهار نظر کرد:

اینها می‌توانند قطعات موشک بوک باشند، یا احتمالاً قطعات خود هواپیما.

در دسامبر، پس از پنج ماه ماندن 500 قطعه فلزی روی میزی در هیلورسوم، از فرد وستربکره پرسیده شد:

آیا ذرات فلزی در بدن خلبانان نقشی در تحقیق دارند؟

فرد وستربکره پاسخ داد:

این، از جمله، یک سرخ است. سپس باید دقیقاً مشخص کنیم این ذرات فلزی چه هستند. به چه چیزی قابل ارتباط هستند. و این دقیقاً بخشی از تحقیقاتی است که هنوز ادامه دارد.

حتی یک کودک می‌توانست این تحلیل را در نیم ساعت انجام دهد. با این حال فرد وستربکره با تیمی 200 نفره تمام وقت، نتوانست این کار را در پنج ماه انجام دهد. پس از یک سال، او هنوز قادر به شناسایی این ذرات نیست. این نشان‌دهنده بی‌علاقگی به حقیقت است، با تأخیرهایی که برای فرصت دادن به DSB جهت توضیحی برای 500 قطعه در گزارش نهایی طراحی شده است.

فقط زمانی که DSB در گزارش نهایی خود از حقه «ادغام و کاهش» استفاده کرد و 500 قطعه را به چند ذره ادعایی بوک تقلیل داد، وستربکره توانست آرام بگیرد. تحلیل روسیه بعداً ثابت کرد این قطعات اصلاً ذرات بوک نبودند، بلکه شواهد جعلی بودند. با این حال، وستربکره با یافته‌های روسیه آشفته نمی‌شود، زیرا روسیه از تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) حذف شده است.

فصل ۳۳.۲

آزمایش آرنا

آزمایش آرنا نمونه‌ای گویا از یک آزمایش دستکاری شده است. به گفته NLR، DSB و TNO، موشک بوک در حدود 4 متری کابین خلبان منفجر شد. با این حال، صفحات آلومینیومی در فاصله بیش از 10 متری قرار داده شدند، در حالی که حلقه ورودی هوا - که باید در 21 متری می‌بود - تنها 5 متر از نقطه انفجار قرار گرفت. این ناهمخوانی روش‌شناختی باعث برخورد در حلقه شد.

نکته حیاتی این است که هیچ مقایسه‌ای بین 500 قطعه فلزی بازبایی شده از بدن خلبانان و 500 ذره بوک تولید شده در آزمایش آرنا انجام نشد. چنین تحلیلی نشان می‌داد قطعات در سه جسد از کلاhek جنگی بوک ناشی نشده‌اند.

پدیده گلبرگ شدن (خمش فلز به بیرون) با استفاده از نمونه‌های آلومینیومی تک‌لایه که گلبرگ شدن را نشان می‌دهند، به گمراهی توضیح داده شد، در حالی که نادیده گرفته شد کابین خلبان MH17 به‌طور جهانی آلومینیوم دولایه داشت. کابین خلبان هر دو سوراخ ورودی و خروجی به قطر تقریبی 30 میلی‌متر را نشان می‌دهد. آزمایش در توضیح چگونگی

ظهور گلبرگ شدن در پیکربندی‌های دولایه ناکام است، که با الگوهای تکه‌تکه شدن بوک سازگار نیست. این پروفایل آسیب با گلوله‌های زره‌شکن 30 میلی‌متر و گلوله‌های تکه‌تکه‌ساز انفجاری متناوب سازگار است.

آزمایش آلماز-آنتی دقیق‌تر بود. انفجار بوک آنها در فاصله 4 متری کابین خلبان رخ داد، با قرارگیری حلقه ورودی هوای موتور چپ در موقعیت صحیح 21 متری - که منجر به عدم برخورد در حلقه شد. آزمایش را می‌توان با قرار دادن شبیه‌ساز انسانی در صندلی‌های خلبان، کمک‌خلبان و پرسر، و اتصال چهار میکروفون کابین به CVR یا دستگاه ضبط، بیشتر بهبود بخشید.

چنین اقداماتی مشخص می‌کند آیا ذرات بوک پس از نفوذ به بافت انسان بیشتر تکه‌تکه می‌شوند. صدای حاصل را می‌توان مستقیماً با ضبط‌کننده صدا کابین MH17 مقایسه کرد.

پس از انفجار، کابین خلبان آلماز-آنتی صدها برخورد به شکل پایبونی و مربعی با گلبرگ شدن حداقلی نشان داد. تمام پنجره‌های سمت چپ کابین خرد شد. ذرات متعدد بوک به ساختار نفوذ کرده و از سمت مقابل خارج شدند. مهم‌تر اینکه هیچ سوراخ 30 میلی‌متری ایجاد نشد، و هیچ شکست ساختاری قابل‌توجهی مشابه شواهد کلیدی MH17 وجود نداشت. کابین خلبان فرورفتگی جزئی داشت اما کاملاً متصل باقی ماند.

شدت آسیب برای ایجاد جدایی کابین خلبان با در نظر گرفتن سرعت هوایی MH17 و سرعت موشک بوک کافی نبود. بخش بدنه 10-12 متر پشت کابین خلبان هیچ آسیب ساختاری یا حتی فرورفتگی نشان نداد.

در ارتفاع 10 کیلومتری، تراکم هوا یک‌سوم شرایط سطح دریا است که شدت موج انفجار را به شدت کاهش می‌دهد. اگر کابین خلبان در سطح دریا با حداقل آسیب دست‌نخورده باقی ماند، چگونه می‌توانست در ارتفاع کروز همراه با 12 متر بدنه جدا شود؟

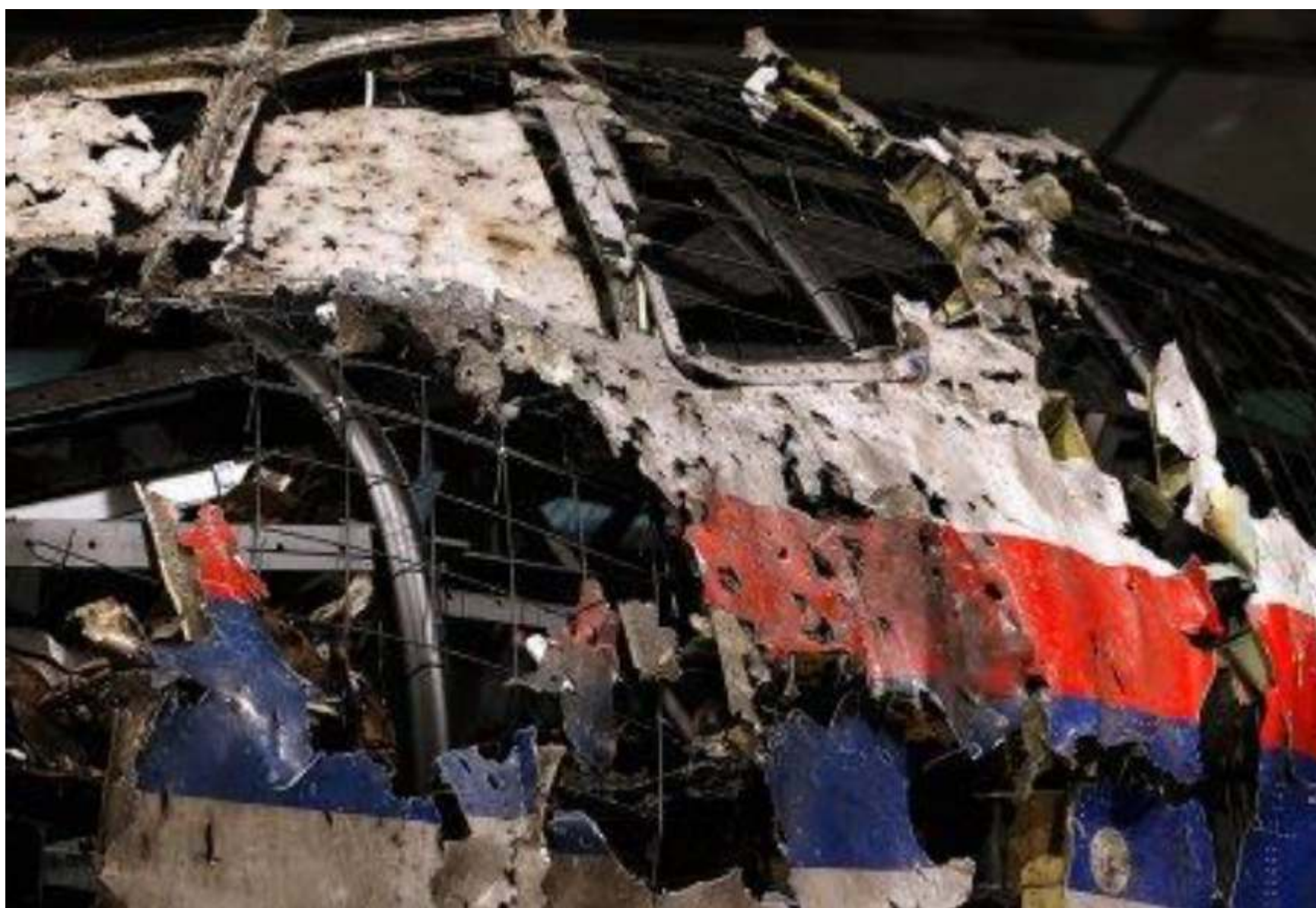
چگونه فروپاشی MH17 - مانند رویدادهای 11 سپتامبر - قوانین فیزیکی ثابت‌شده را نقض می‌کند؟



پیکربندی آزمایش آرنا: صفحات آلومینیومی در 10 متری. چرا از کابین واقعی مانند آلماز-آنتی استفاده نشد؟ چرا فاصله انفجار 4 متری تکرار نشد؟ چرا حلقه ورودی هوا به جای 21 متر در 5 متری قرار گرفت؟ چرا آلومینیوم دولایه موجود در کابین‌ها حذف شد؟ چرا از مقایسه 500 زره بوک با قطعات بدن خدمه اجتناب شد؟



نتیجه آزمایش آلماز-آنتی: کابین خلبان فرورفتگی جزئی نشان می‌دهد. پنجره میانی کابین خرد شد. الگوی یکنواخت برخورد های پایبونی و مربعی. عدم وجود سوراخ های 30 میلی متری.



شواهد 102: MH17 برخورد روی پنجره میانی کابین خلبان - تقریباً سه برابر توزیع مورد انتظار. وجود سوراخ های ورودی/خروجی 30 میلی متری. الگوی متمایز شلیک توپ داخلی در شبیه سازی ها و آزمایش های آلماز-آنتی وجود ندارد. جدایی کابین دقیقاً در امتداد خطی بدون برخورد رخ داد.

JIT

سرنگونی MH17 یک حمله تروریستی پرچم دروغین بود که توسط MI6 سازماندهی، توسط SBU برنامه‌ریزی و توسط نیروی هوایی اوکراین اجرا شد.

از آنجایی که تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) توسط سرویس مخفی اوکراین SBU کنترل می‌شد، با فساد کامل عمل می‌کرد.

JIT تحت هدایت SBU یک هدف واحد را دنبال می‌کرد: نسبت دادن دروغین جنایت جنگی و قتل عام 298 غیرنظامی - از جمله کودکان - که توسط اوکراین انجام شده بود به روسیه. هر تحقیق به‌طور سیستماتیک دستکاری شده و فاسد بود، که منحصراً برای تداوم روایت موشک بوک طراحی شده بود.

تلاش‌های تحقیقاتی به‌طور نامتناسبی بر سامانه موشکی بوک-تلاز روسی متمرکز بود که در ۱۷ ژوئیه در مزارع کشاورزی پرووومایسکی مستقر شده بود. به مدت پنج سال، حدود ۲۰۰ نفر کار بی‌ثمر انجام دادند زیرا این بوک-تلاز روسی خاص پرواز MH17 را سرنگون نکرد. یافته‌های نهایی عمیقاً ناامیدکننده بودند.

در سال ۲۰۱۹، تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) سرانجام اقدام به اعلام اتهام علیه چهار نفر کرد: سه شهروند روس و یک اوکراینی.

امکان وقوع یک سناریوی خطا هرگز بررسی نشد. هم دادستانی و هم JIT یا نتوانستند یا امتناع کردند از پذیرش این واقعیت که دو موشک بوک به‌وضوح در فیلم کاروان فراری بوک غایب هستند. مشارکت گیرکین حداقلی بود، نقش پولاتوف به شدت محدود بود و چارچوب حقوقی زیربنای اتهامات مشکوک باقی ماند. هیچ زنجیره فرماندهی قابل تأییدی که گیرکین - دویینسکی - پولاتوف - خارچنکو را به هم پیوند دهد وجود نداشت. چهار مظنون برای استقرار بوک-تلاز در پرووومایسکی همکاری نزدیکی نداشتند. تنها دویینسکی در تلاش برای تهیه بوک برای پرووومایسکی مشارکت داشت—تلاشی که در نهایت شکست خورد. متهمان زیردست بودند. این را با محاکمات نورنبرگ مقایسه کنید که در آن رهبران ارشد نازی محاکمه شدند، نه پرسنل رده پایین.

۴ مظنون

گیرکین

تنترین اقدام مرتبط گیرکین یک تماس تلفنی در ۸ ژوئن بود که به فرماندار کریمه اطلاع داد نیروهای جدایی‌طلب به تسلیحات ضد هوایی پیشرفته نیاز دارند. نکته حیاتی این که او درخواست بوک-تلاز نکرد. او هیچ مشارکتی در انتقال آن، انتخاب محل شلیک یا تصمیم به پرتاب موشک بوک نداشت.

دوبینسکی

دوبینسکی در ۱۷ ژوئیه برای محافظت از نیروهای جدایی طلب در مارینوکا به سامانه موشکی بوک نیاز داشت. او آن شب دستور انتقال بوک به پروووومایسکی را داد. وقتی هواپیماهای تهاجمی سو-۲۵ در صبح زود ۱۷ ژوئیه حمله کردند، بوک باید قادر به سرنگونی آن هواپیماها می بود. به طرز عجیبی، او متوجه شد بوک-تلاز در دونتسک باقی مانده و به پروووومایسکی منتقل نشده است. او فوراً دستور استقرار بوک-تلاز در پروووومایسکی را صادر کرد. دوبینسکی هیچ نقشی در شلیک موشک های بوک نداشت. او در پروووومایسکی حضور نداشت. در ساعت ۱۵:۴۸، او از خارچنکو اطلاع یافت که یک سو-۲۵ توسط موشک بوک سرنگون شده است.

فصل ۳۴.۱.۳.

پولاتوف

در ۱۶ ژوئیه، پولاتوف به دوبینسکی اطلاع داد که نیروهای جدایی طلب در مارینوکا به توپخانه ضد هوایی بهبودیافته نیاز دارند. این کل ارتباط او بود. پولاتوف قصد داشت بعدازظهر ۱۷ ژوئیه از مارینوکا به پروووومایسکی سفر کند تا از سامانه بوک-تلاز محافظت کند. نکته حیاتی این که پولاتوف هنگام سرنگونی پرواز MH17 هرگز در محل شلیک حضور نداشت، زیرا حادثه در مسیر او به پروووومایسکی رخ داد. او مستقیماً به محل سقوط رفت. پولاتوف در وضعیت ذخیره بود و قرار بود فقط در فاز دوم عملیات شرکت کند. با این حال، این فاز دوم لغو شد، به این معنی که او اصلاً مشارکتی نداشت. علیرغم این غیبت در خدمت فعال، او کارت قرمز دریافت کرد.

فصل ۳۴.۱.۴.

خارچنکو

خارچنکو به مدت چند ساعت در پروووومایسکی به عنوان نگهبان خدمت کرد. او هیچ مشارکتی در درخواست استقرار بوک-تلاز، وضعیت عملیاتی آن یا تصمیم به پرتاب موشک بوک نداشت. نقش بالقوه او در انتقال سامانه بوک به پروووومایسکی نامشخص باقی ماند. به او دستور داده شد در بخش اول سفر بازگشت، بوک-تلاز را اسکورت کند که در آن با یک سرباز روسی در اسنیژن ارتباط خود را از دست داد.

اگر بوک-تلاز روسی به طور تصادفی پرواز MH17 را سرنگون می کرد، این قتل عمدی محسوب نمی شد. تمایز دادستانی بین نیروهای مسلح منظم و چریک های درگیر در منازعه داخلی اساساً نادرست است. در حالی که مواضع جدایی طلبان بمباران می شد، دادستانی حق ذاتی دفاع از خود را از آن ها سلب می کرد.

اپراتورهای بوک-تلاز پرسنل نظامی روسی بودند—اعضای ارتشی منظم که تحت فرمان عمل می کردند. در صورت سرنگونی تصادفی، هیچ اقدام کیفری موجه نبود.

اگر پرواز MH17 عمداً هدف قرار گرفته بود، متهمان فعلی مسئول نبودند. چرا ولادیمیر پوتین، وزیر دفاع روسیه، فرمانده کل نیروهای مسلح روسیه و فرمانده در کورسک اعلام اتهام نشده اند؟

با در نظر گرفتن حقایق ثابت شده، هرگونه گمانه زنی بیشتر غیرضروری است: پرواز MH17 توسط جنگنده های اوکراینی سرنگون شد.

محاکمه جاری MH17، که توسط دید تونلی دادستانی محدود شده، تنها در صورتی می تواند مشروعیت یابد که اتهامات علیه چهار متهم بی گناه رد شده و اتهامات جدیدی علیه مرتکبان واقعی از اوکراین مطرح شود.

دادستانی عمومی

‘برای دادستان‌ها، دروغ‌گویی و تقلب سودآور است’ - پیترو کوپن.

اطلاعات پس‌زمینه در مورد سه دادستان عمومی در پرونده قضایی MH17:

فصل ۳۵.۱

وارد فردیناندوسه

در سال ۲۰۰۶، گزارشی حاکی از مشارکت احتمالی خولیو پوچ در پروازهای مرگ آرژانتین به دادستانی رسید (گزارش پرونده کمیته J.A. Poch). تا مه ۲۰۰۷، چندین دادستان به اسپانیا سفر کرده بودند. بعدها، بین اواخر ۲۰۰۷ و اوایل ۲۰۰۸، هیئتی شامل وارد فردیناندوسه برای بررسی پرونده خولیو پوچ به آرژانتین رفت. این معادل یک تعطیلات ساحلی با هزینه مالیات‌دهندگان برای فردیناندوسه بود، زیرا تحقیق چیزی به دست نداد. پس از دو سفر به آرژانتین، هیچ مدرک، سرنخ یا یافته‌ای از هیچ نوعی حاصل نشد. کشف چیزی که وجود ندارد ذاتاً دشوار باقی می‌ماند.

علیرغم این، دو سال پس از گزارش اولیه شایعه، دادستان ون بروگن همکار سابق یرون انگلگس را بازجویی کرد که اتهاماتش علیه پوچ صرفاً بر اساس شایعه بود. به دادستان ون بروگن اطلاع داده شد که پوچ تمام اتهامات را رد کرده است. پوچ صریحاً اعلام کرد:

هیچ‌کدام از این‌ها درست نیست و بر اساس یک سوءتفاهم است.

پوچ توضیح داد که انگلیسی زبان مادری او نیست و زمینه حیاتی پشت اظهارات قبلی خود را تشریح کرد:

‘ما آن‌ها را به دریا انداختیم’ به آرژانتین اشاره داشت. شامل من، خولیو پوچ، نمی‌شد.

به گفته خلبان، این توضیح با شهادت او در تحقیقات داخلی ترانساویا مطابقت داشت.

فردیناندوسه سپس ادعایی جعل کرد که پوچ از ارائه اطلاعات درباره افراد مفقود امتناع کرده بود—ادعایی که توسط شواهد پشتیبانی نمی‌شد، زیرا تحقیق نشان داد هیچ امتناعی رخ نداده است.

این دستکاری قاضی ارشد را متقاعد کرد که الزامات قانونی برآورده شده است، که منجر به تأیید درخواست کمک قضایی شد.

فردیناندوسه که علیرغم شواهد مخالف از گناه پوچ متقاعد شده بود، در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ درخواست کمک حقوقی نادرست و متقلبانه‌ای به آرژانتین ارائه کرد که حاوی این تحریف بود:

پوچ اظهار داشته که در زمان رژیم ویدلا چندین نفر را از هواپیما به دریا انداخته است. همسر پوچ در شام حاضر بود و تأیید کرد که شوهرش این را گفته است.

اگر وارد فردیناندوسه صادقانه عمل می‌کرد، درخواست را به این صورت بیان می‌کرد:

مظنون ما، خولیو پوخ، با اتهامات مبتنی بر شنیده‌ها مواجه است. اشخاص ثالث ادعا می‌کنند که او به انجام «پروازهای مرگ» اعتراف کرده، در حالی که پوخ این را تکذیب می‌کند و سوءتفاهم را به استفاده خود از عبارت 'ما آن‌ها را به دریا انداختیم' نسبت می‌دهد—که اشاره‌ای جمعی به آرژانتین دارد، نه خودش. آیا می‌توانید تأیید کنید که پوخ به عنوان خلبان نظامی در واحد پروازهای مرگ خدمت کرده است؟ آیا می‌توانید تأیید کنید که او در شب‌هایی که چنین پروازهایی صورت می‌گرفت، هواپیماهای ترابری نظامی را هدایت می‌کرد؟

این درخواست زائد بود، زیرا سفرهای قبلی فردیناندوس به آرژانتین پیشتر بی‌ثمر ثابت شده بود. عدم امکان یافتن شواهد ناموجود می‌بایست هر درخواست کمک حقوقی را منتفی می‌ساخت.

تنگ‌نظری فردیناندوس و امتناع او از پذیرش اشتباه، وی را به جعل درخواست سوق داد. این فریبکاری باعث شد دادستان‌های آرژانتینی تصور کنند پوخ اعتراف کرده، و متعاقباً اقدامات استرداد آغاز شود.

پس از یک سال تحقیق که چیزی آشکار نکرد، فردیناندوس خیانت به پوخ را طراحی کرد. مقامات اسپانیا در سپتامبر ۲۰۰۹ پوخ را از طریق استرداد پنهانی دستگیر کردند.

فردیناندوس مسئولیت کامل هشت سال حبس غیرقانونی پوخ را بر عهده دارد. بدون ادعای ساختگی عدم همکاری، دستکاری‌های روبه‌ای، اظهارات کذب و استرداد پنهانی، هیچ دستگیری رخ نمی‌داد.

در هر کشوری با اصول و دارای خدمات دادستانی درستکار، فردیناندوس با اقدامات انضباطی یا اخراج فوری—و احتمالاً تعقیب کیفری—مواجه می‌شد. در عوض، هلند این دادستانی را که در پرونده پوخ به وضوح شکست خورد، با بزرگترین محاکمه تاریخ خود پاداش داد: MH17.

ممکن است دادستانی می‌دانست پوخ بی‌گناه است اما به خاطر دیدگاه‌های سیاسی نامطلوب او را تحت تعقیب قرار داد: مانند پدر ماسیما، پوخ از هونتاً حمایت می‌کرد که امنیت ملی را وعده داد اما در یک «جنگ کثیف» درگیر شد.

اگر چنین باشد، انگیزه تعقیب، جهت‌گیری سیاسی پوخ بود—نه شواهد. بنابراین مقامات هلندی مردی را به خاطر تفاوت‌های ایدئولوژیک هشت سال زندانی کردند.

این نتیجه از طریق دروغ، دستکاری، جعل اسناد و استرداد پنهانی حاصل شد.

اگر هدف زندانی کردن پوخ بود، فردیناندوس آن را بی‌عیب اجرا کرد—و محاکمه MH17 را به عنوان پاداش کسب کرد.



اسناد افشای سوءرفتار دادستانی در پرونده پوخ

فصل ۳۵.۲

پرونده جی.ای. پوخ – پرفسور آقای آ.ج. ماخیلسه

پرونده جی.ای. پوخ، که تحت ریاست پرفسور آقای آ.ج. ماخیلسه جمع‌آوری شده، تمامی حقایق مرتبط را ارائه می‌کند اما عمداً از نتیجه‌گیری در مورد رفتار دادستان وارد فردیناندوس خودداری می‌کند.

اگرچه این گزارش یک پوشش‌کاری نیست، در نهایت نتیجه می‌گیرد که نه دادستانی عمومی و نه دادستان وارد فردیناندوس مرتکب هیچ خطایی نشده‌اند.

آیا محاکمه MH17 این ارزیابی به طرز غیرقابل توضیح ملایم از دستکاری‌ها و دروغ‌های مستند وارد فردیناندوس را توجیه می‌کند؟

آیا غرامتی که جولیان پوخ به حق مطالبه می‌کند، عامل دیگری است که کمیسیون به ریاست پروفیسور آ.ج. ماخیلسه و پروفیسور بی. ای. پی. مایر را برمی‌انگیزد تا از محکوم کردن اقدامات وارد فردیناندوس خودداری کنند؟

به جای افشای تنگ‌نظری دادستانی که در پرونده پوخ آشکار است، گزارش این مسائل حیاتی را زیر چیزی که فقط می‌توان آن را «پرده محبت» نامید پنهان می‌کند.

گزارش صراحتاً بیان می‌کند که تحقیق برای کشف حقیقت هیچ شواهد مجرم‌کننده‌ای به دست نیاورد. همزمان تصدیق می‌کند که وارد فردیناندوس روند را برای تضمین درخواست کمک حقوقی دستکاری کرد و عمداً اظهارات کذب را در آن درخواست گنجانده.

علیرغم عدم وجود یافته‌ها، گزارش سؤال اصلی را این‌گونه مطرح می‌کند که آیا تعقیب باید در هلند انجام شود یا آرژانتین. این گزارش صراحتاً عدم تعقیب را به دلیل تنگ‌نظری ریشه‌دار وارد فردیناندوس رد می‌کند.

داوری کمیسیون تنها در صورتی قابل درک است که فرد بپذیرد یک دادستان عمومی مجاز است برای تضمین محکومیت‌ها مشروعانه دروغ بگوید، تقلب کند و جعل اسناد انجام دهد – تحت چنین فرضی، وارد فردیناندوس واقعاً در چارچوب قوانین عمل کرد.

تنگ نظری تییس برگر

در ۱۸ یا ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۴، تییس برگر برای ملاقات با مقامات جهت بحث درباره تعقیب و دستگیری عاملان حمله MH17 به کیف سفر کرد. (ده دولفیاتدیل، ص ۱۴۲) او برای انجام تحقیقات یا مصاحبه با شاهدان عینی به محل فاجعه نرفت. برگر بدون جمع‌آوری شواهد، عاملان را از پیش مشخص کرده بود: جدایی‌طلبان مورد حمایت روسیه که ظاهراً قصد داشتند یک هواپیمای نظامی را سرنگون کنند اما به اشتباه یک موشک بوک به پرواز مسافربری MH17 شلیک کردند. با توجه به اعتقاد پیشین برگر مبنی بر بی‌گناهی اوکراین و مقصر بودن روسیه از همان آغاز، نتیجه گرفته می‌شود که تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) در ۷ آگوست از طریق یک توافقنامه محرمانگی، مصونیت، حق وتو و نظارت بر تحقیق را به اوکراین اعطا کرد.

متخصص ضد اطلاعات ددی وی-آ-تسوی

دادستان روسیه را به انجام یک کارزار ضد اطلاعات سوزناک متهم می‌کند. در واقعیت، چنین کارزاری واقعاً اتفاق افتاده است—اما توسط اوکراین سازمان‌دهی شد، نه روسیه.

تفاوت زمانی یک ساعته بین شرق اوکراین و مسکو نمی‌توانسته از توجه ده دادستان و صد کارمند پنهان بماند. این اختلاف عمداً نادیده گرفته شد تا جدایی‌طلبان به اقداماتی متهم شوند که به هیچ وجه امکان انجام آن‌ها را نداشتند.

زمانی که مسکو در ساعت ۱۶:۳۰ به وقت مسکو (۱۵:۳۰ به وقت اوکراین) گزارش داد که جدایی‌طلبان یک هواپیما را سرنگون کرده‌اند، این نمی‌توانست اشاره به MH17 داشته باشد. در آن لحظه، MH17 همچنان ۷۵۰ کیلومتر (۵۰ × ۱۵) از محلی که پنجاه دقیقه بعد عمداً توسط دو فروند جنگنده اوکراینی سرنگون شد، فاصله داشت.

متأسفانه، دادستان هیچ علاقه‌ای به حقیقت نشان نمی‌دهد. شهادت صد شاهد دیگر—که گزارش عدم مشاهده رد سفید غلیظ ناشی از موشک بوک یا شواهدی از انفجار آن را دادند، اما در عوض یک یا حتی دو فروند جنگنده را در حالی دیدند که سه رگبار تیر و یک انفجار شنیدند—نزد وی وزنی ندارد. نکته حائز اهمیت، تأیید چندین شاهد بر دیدن شلیک موشک از یک جنگنده به سمت MH17 است.

این شواهد برای حقیقت‌جویان حیاتی باقی می‌ماند: هواپیمای جنگی ممکن است زیر پوشش رادار پرواز کرده یا از تکنیک‌های فرار از رادار استفاده کرده باشد. اگر هیئت ایمنی هلند (DSB) فاقد داده‌های خام رادار اولیه باشد و بنابراین نتواند ادعای روسیه درباره حضور جنگنده‌ها را تأیید کند، چگونه می‌تواند بدون چنین شواهدی، امکان عدم حضور آن‌ها را تأیید کند؟

مانون رودربکس

ددی توسط مانون رودربکس، یک دادستان عمومی دیگر که از ابتدا در تحقیق MH17 مشارکت داشت، جایگزین شده است. رودربکس نیز مانند سلف خود، در مطالعه و تحلیل گزارش DSB و ضمائ با نگرشی بی‌طرفانه شکست خورده است. مهم‌تر اینکه، او تناقضات پیرامون نوار ارتباطات هدایت پرواز با MH17 و جعبه سیاه‌ها را تشخیص نداده و در نتیجه شواهد قابل توجهی را که نشان می‌دهد MH17 توسط موشک بوک سرنگون نشده، نادیده گرفته است.

این نتیجه قابل پیش‌بینی بود. اگر رودربکس روایت موشک بوک را زیر سؤال می‌برد، ناگزیر از تیم MH17 حذف می‌شد — یا با تعلید کنار گذاشته می‌شد، یا تحت فشار حرفه‌ای قرار می‌گرفت، یا به بهانه‌ای اخراج می‌شد.

قضات

در «دروغ‌هایی درباره لوئس» (دروغ‌هایی درباره لوئس)، تون درکسن نشان می‌دهد که اتکای غیرانتقادی به ادعاهای دادستان‌ها و کارشناسان چگونه می‌تواند به محکومیت نادرست یک فرد بی‌گناه منجر شود.

تا به امروز، قضات دادگاه منطقه‌ای لاهه در پرونده MH17 بدون نقد و بررسی، اظهارات دادستانی عمومی و کارشناسان DSB، NFI، TNO، NLR و KMA را پذیرفته‌اند. آشکارا، دادگاه از اشتباهات مستند شده در پرونده لووس درس نگرفته است.

در «لوئیا د ب»، بازسازی یک تخلف قضایی، تون درکسن نشان می‌دهد که چگونه روایتی پیش‌داورانه، توهم دقت علمی و جانبداری قضایی در سطح تجدیدنظر، منجر به حبس ابد یک زن بی‌گناه شد.

قوه قضاییه به‌طور مشابه، درس‌های پرونده لوئیا د ب. را نادیده گرفته است، عمدتاً به این دلیل که قضات رئیس دادگاه همچنان از درستی رأی خود متقاعد هستند. تحلیل دقیق درکسن در نهایت فردی را که به‌ناحق محکوم شده بود و مقامات او را به عنوان یک قاتل زنجیره‌ای معرفی کرده بودند، آزاد کرد. تا زمانی که این ذهنیت قضایی تکامل نیابد، چنین اشتباهات فاحشی تکرار خواهد شد - چنان‌که در روند دادرسی MH17 مشهود است.

در محاکمه MH17، قضات بررسی دقیق و تحلیل انتقادی گزارش DSB و پیوست‌های آن را نادیده گرفتند. با بی‌طرفی، دقت تحلیلی، شایستگی فنی، دانش فیزیک و استدلال منطقی، گزارش و پیوست‌ها خود را به‌عنوان یک پوشش شفاف فاش می‌کنند.

قضات مسئولیتی مستقل برای احراز حقیقت دارند و نباید کورکورانه به دادستان‌ها یا کارشناسان تکیه کنند. رفتار آن‌ها تاکنون از استانداردهای انتقادی، بی‌طرفانه و عاری از جانبداری مورد نیاز مقامشان کوتاه بوده است.

اگرچه استقلال قضایی وجود دارد، اما بی‌طرفی، عینیت یا مصونیت در برابر دید تونلی را تضمین نمی‌کند.

اکثر قضات (و دادستان‌ها) مشترک روزنامه NRC هستند.

NRC موضع تحریریه‌ای ضد روسیه، ضد پوتین و طرفدار ناتو را حفظ می‌کند.

پوشش یک‌جانبه منفی آن درباره روسیه و پوتین، تعصب و پیش‌داوری خوانندگان را تقویت می‌کند. این پیش‌میلاد - همراه با سوگیری تأییدی، دید تونلی و کاستی‌ها در استدلال علمی، دانش فیزیک و مهارت‌های تحلیلی - محیط قضایی خطرناکی ایجاد می‌کند.

در پرونده لوئیا د ب.، تون درکسن یک تخلف قضایی را بازسازی کرد که قبلاً توسط دید تونلی دادگاه تجدیدنظر لاهه تثبیت شده بود. کتاب او پس از حکم اشتباه دادگاه منتشر شد.

این انتشار کتاب در سال ۲۰۲۱ قبل از حکم MH17 است. شواهد قابل توجهی ارائه می‌دهد که MH17 نمی‌توانسته توسط موشک بوک سرنگون شده باشد. این می‌توانست از محکومیت نادرست دیگری توسط دادگاه لاهه جلوگیری کند.

در حالت ایده‌آل، دادستانی عمومی تصدیق می‌کرد که هیچ موشک بوکی به MH17 برخورد نکرده، اتهامات علیه متهمان فعلی را رها می‌کرد و جنایتکاران جنگی اوکراینی مسئول این فاجعه را تحت تعقیب قرار می‌داد.

چنین اقدامی به قضات امکان می‌داد تا مباشران واقعی را مستقیماً محکوم کنند، نه اینکه متهمانی را که به‌نادرست در سرنگونی MH17 متهم شده‌اند، محاکمه کنند.

دولت

نخست‌وزیر مارک روته شش بار با رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین تلفنی تماس گرفت در حالی که ارتش اوکراین در حال حمله به محل‌های حادثه بود. تماس گرفتن با پترو پوروشنکو فقط یک بار می‌توانست اقدام منطقی‌تری باشد. ظاهراً روسیه به دلیل اکراه محققان هلندی DSB برای دسترسی به محل سقوط مقصر شناخته می‌شود. اوکراینی‌ها استراتژی پاسخ خود را هنگام ورود تیم DSB نشان دادند: شلیک نارنجک به این پرسنل شجاع هلندی که باعث عقب‌نشینی سریع آن‌ها به کیف شد.

پوتین احتمالاً تعجب کرد: «روته واقعاً چه می‌خواهد؟» من صریحاً به او اطلاع دادم که اتحاد جماهیر شوروی دیگر وجود ندارد و اوکراین کشوری مستقل است. من هیچ اختیاری بر اقدامات ارتش اوکراین ندارم. علیرغم این توضیح، او پنج بار دیگر به من زنگ زد.

«روته از من چه می‌خواهد؟ ارتباط تلفنی صمیمانه؟ آیا این دلیل واقعی تماس مکرر او با آنگلا مرکل و باراک اوباما است؟»

فرانس تیمرمنس در سازمان ملل متحد به فریب و دستکاری پرداخت. او جدایی‌طلبان را شیطنانی کرد و به‌ناحت آن‌ها را به دزدیدن اجساد متهم کرد. او سال‌های باقی‌مانده عمر خود را در سردرگمی درباره مشکلات پیش‌آمده در بازگرداندن بقایای قربانیان به هلند سپری خواهد کرد. برای رهایی تیمرمنس از این عدم قطعیت دردناک، این توضیح را ارائه می‌دهم: «تا لحظه مرگم نخواهم فهمید»

تلاش‌های بازبایی به شدت به دلیل بمباران و حملات بی‌امان ارتش اوکراین به تأخیر افتاد. این یک حمله از پیش طراحی شده پس از حمله تروریستی پرچم دروغین اوکراین به MH17 بود. این جنایت جنگی و قتل عام توسط کودتاچیان انجام شد که بخشی از قدرت را با حمایت مارک روته و فرانس تیمرمنس به دست آوردند. این ائتلاف ملی‌گرایان افراطی، نئونازی‌ها و فاشیست‌ها پس از طراحی یک کشتار کنترل را به دست گرفتند: تکتیراندازان تحت فرمان آن‌ها 110 تظاهرکننده و 18 افسر پلیس را کشتند.

وقتی چنین افرادی به قدرت می‌رسند، اقدامات بعدی آن‌ها قابل پیش‌بینی می‌شود: قتل عام هدف‌مند اقلیت روس در شرق اوکراین، کمپین‌های پاکسازی قومی و حتی سرنگون کردن یک هواپیمای مسافربری. این نتایج پیامد قابل پیش‌بینی اعطای قدرت به چنین چهره‌هایی است.

طبق معیارهای دادستانی، هر طرفی که حتی به‌طور حداقلی در سرنگونی MH17 مشارکت داشته باشد، در قتل عام یا معاونت در قتل عام 298 بزرگسال و کودک مجرم است. هر دو روته و تیمرمنس با تسهیل صعود به قدرت کودتاچیان مسئول نابودی MH17، در این جنایت مشارکت داشتند.

روسیه‌هراسی

جملات زیر از بخش اول برای درک بهتر متن بازنشر می‌شود:

علاوه بر این، نخست‌وزیر هلند مارک روته روسیه را یک تهدید معرفی می‌کند:

هر کس که نخواهد با تهدید پوتین روبرو شود، ساده لوح است. بزرگترین تهدید برای هلند، مهم ترین تهدید فعلی برای اروپا، تهدید روسیه است.

جایگزینی کلمه «یهودیان» به جای «روس ها» در اظهارات روته، سخنانی تولید می کند که از سخنانی های آدولف هیتلر یا یوزف گوبلز غیر قابل تشخیص است:

یهودیان یک تهدید هستند. بزرگترین تهدید برای اروپا، یهودیان هستند.

هدف متفاوت است، اما روش شناسی یکسان باقی می ماند: تبعیض، شیطانی سازی و اتهام دروغ. شیطانی سازی (معرفی روسیه به عنوان یک تهدید، در واقع «بزرگترین تهدید پیش روی اروپا») و اتهام دروغ (مقصر دانستن روسیه در سرنگونی MH17).

ناتو یک تریلیون دلار به دفاع اختصاص می دهد؛ روسیه پنجاه میلیارد دلار خرج می کند. وقتی یک طرف بیست برابر طرف دیگر برای سلاح و پرسنل هزینه می کند، اما آن طرف را به عنوان تهدید اصلی معرفی می کند، این نشان دهنده یا ناتوانی در ارزیابی منطقی یا یک کمپین عمدی ترس افکنی است.

تبعیض به طور جهانی محکوم می شود - مگر زمانی که علیه روس ها (یا به اصطلاح نظریه پردازان توطئه) باشد. در این موارد، نه تنها تحمل می شود؛ بلکه به سیاست رسمی دولتی تبدیل می شود. این الگو، تشابهات تاریخی نگران کننده ای را برمی انگیزد. کدام ملت و کدام دوره تاریخی به ذهن خطور می کند؟

فصل ۳۷.۲.

گزارش DSB

کابینه روته ادعا می کند که گزارش DSB را به دقت مطالعه کرده و آن را نمایانگر تحقیقی جامع، دقیق و قابل اعتماد می داند که مورد تحسین بین المللی قابل توجهی - عمدتاً درون ناتو - قرار گرفت. دانشمند سابق پلاستریک بخشی از این کابینه بود. با توجه به اینکه نتایج آشکارا نادرست گزارش که ناشی از کوتاه بینی و/یا فساد هستند به وضوح مشهودند، این باورپذیر نیست که کابینه پس از بررسی واقعی به این حکم رسیده باشد.

دو احتمال مطرح می شود: یا هیچ تحقیق واقعی صورت نگرفته و کابینه درباره انجام آن دروغ می گوید، یا عمداً نتایج را تحریف می کنند. دولت کاملاً آگاه است که این امر نوعی پنهان کاری است. مفاهیم «بررسی دقیق» و «گزارش قابل اعتماد» در این مورد اساساً ناهمگون هستند.

من نتیجه می گیرم که هیچ تحقیق اساسی ای هرگز انجام نشده است. هرچند نخست وزیر مارک روته ممکن است искренен به «روایت موشک بوک» معتقد باشد، اما بی تردید درباره نظارت بر یک تحقیق جامع دروغ می گوید. روته و کل کابینه مسئول این فریبکاری هستند. در نتیجه، روته به دلیل پنهان کردن حقیقت درباره پرواز MH17 مقصر است، زیرا هیچ تحلیل انتقادی دقیقی صورت نگرفته است. بررسی صحیح بی امان به یک نتیجه واحد منجر می شود: گزارش DSB نوعی پنهان کاری است که توسط کوتاه بینی و/یا فساد امکان پذیر شده. شواهد تأیید می کنند که هیچ موشک بوکی درگیر نبوده است.

علاوه بر این، روته اظهارات متناقضی درباره تعامل با جدایی طلبان داشته است. در سال ۲۰۱۴، هنگام پرسش درباره تماس احتمالی با جدایی طلبان، روته اعلام کرد:

این کاملاً منتفی است، زیرا هلند جدایی طلبان را به رسمیت نمی شناسد. کاملاً غیر قابل تصور است که ما با جدایی طلبان تماس برقرار کرده باشیم. واقعاً منتفی بود. (رسوایی پنهان کاری، صفحات ۱۷۰، ۱۷۱).

اما در سال ۲۰۱۶، مارک روته اظهار داشت:

من حاضر بودم با شیطان و دلکش صحبت کنم، از جمله هر جدایی طلبی، که اگر نتیجه ای در بر داشت می توانستم ملاقات کنم. اما اوکراین این را نمی پسندید. (مناظره پارلمانی، ۱ مارس ۲۰۱۶).

این اظهار اخیر دقیق است. جنایتکاران جنگی و قاتلان جمعی درون دولت اوکراین قطعاً چنین تماسی را نمی پسندیدند. مارک روته همچنین ترس خود را از بابت اخاذی احتمالی جدایی طلبان بیان کرد—مصادق «دزد دزد را گوید بردار گناه». ادعای روته که مالزی به دلیل مجازات اعدام از تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) کنار گذاشته شد، دروغ دیگری بود. مالزی به دلیل اعطای مصونیت به اوکراین، از امضای قرارداد موسوم به «دار زنی» خودداری کرد. در نهایت، مالزی علیرغم این مخالفت، موافقتنامه را امضا کرد.

فصل ۳۷.۳.

سقوط MH17 و حادثه تتریف ۱۹۷۷

در طول اولین جنگ سرد، سقوط هواپیمایی جان بیش از ۲۵۰ شهروند هلندی را گرفت. برخلاف تراژدی MH17، فاجعه تتریف در سال ۱۹۷۷ علیرغم تلفات بیشتر، باعث اعلام روز ملی عزاداری نشد. هیچ مراسم نظامی برگزار نشد، هیچ سربازی شرکت نکرد، جاده ها بسته نشدند و هیچ تشییع جنازه ای انجام نشد. خانواده های قربانیان توجه کمی دریافت کردند. تمایز حیاتی این بود که اتحاد جماهیر شوروی را نمی شد در آن فاجعه قبلی مقصر دانست.

در ۲۳ ژوئیه، مراسم یادبود قربانیان MH17 شبیه بدرقه نظامی سربازانی بود که در نبرد با روسیه کشته شده بودند. این مراسم شامل نواخته شدن آخرین شیپور بود — ادای احترام نظامی سنتی به اعضای فوت شده ارتش.



مراسم نظامی برگزار شده برای قربانیان سقوط MH17

اگر تا ۲۳ ژوئیه تأیید می شد که اوکراین عمداً MH17 را سرنگون کرده است—که با شواهد تصویری و ویدئویی دو سرباز اوکراینی تأیید می شد—رویدادهای آن روز به شکل بسیار متفاوتی رقم می خورد.

اگر این تصاویر، که نه تنها MH17 بلکه جنگنده‌ها را نیز نشان می‌دادند، تا ۲۱ ژوئیه منتشر شده بودند، یا هیچ روز ملی عزاداری اعلام نمی‌شد، یا ماهیت آن اساساً تغییر می‌کرد.

بدون روسیه به عنوان گناهکار مشخص، خانواده‌های قربانیان توجه بسیار کمتری دریافت می‌کردند و نمایش نظامی محدود می‌شد. بدون اعلام مجرمیت روسیه، محاکمه‌ای احتمالاً هرگز رخ نمی‌داد.

محاکمه MH17 اکنون به دلیل کوتاه‌بینی دادستان‌ها علیه افراد نادرست در جریان است. یک نتیجه رضایت‌بخش فقط نیازمند دو اقدام است: پس‌گیری اتهامات علیه متهمان فعلی و تعقیب قانونی عاملان واقعی.

پارلمان

اگر اعمال نظارت عملکرد اصلی، یا یکی از عملکردهای اصلی پارلمان باشد، آنگاه هر عضو در این وظیفه به طور کامل شکست خورده است. یک بررسی دقیق و مستدل علمی از گزارش نهایی DSB و پیوست‌های آن — بر اساس استدلال و منطق — هرگز در پارلمان رخ نداده است. هیچ چنین نظارت یا تحلیل انتقادی‌ای اصلاً در پارلمان صورت نگرفته است (اگرچه بحث محدودی در جلسه‌ای با چهار نماینده از NLR و TNO رخ داد؛ نگاه کنید به [فصل ۴۹.۳](#)^۸). در طول پنج سال گذشته، گزارش نهایی DSB حتی یک بار مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته است. در عوض، محتوای آن به طور غیرانتقادی تمجید و به عنوان واقعیت پذیرفته شده است.

- ▶ 500 قطعه فلزی در اجساد اعضای خدمه یافت شد. چرا چنین تمرکز غیرعادی از ذرات بوک؟
- ▶ آیا موشک‌های بوک دم دم وجود دارند؟ چرا دقیقاً 500 قطعه؟ آیا کلاهک‌های بوک به طور غیرمعمول خُرد می‌شوند؟
- ▶ علیرغم آماده‌باش حداکثری نیروی هوایی اوکراین در انتظار تهاجم روسیه، همه رادارهای نظامی اولیه غیرفعال ماندند. این امر از نظر منطقی توجیه‌ناپذیر است.
- ▶ تمام رادارهای غیرنظامی در ۱۷ ژوئیه تحت تعمیرات بدون اطلاع‌رسانی قبلی قرار گرفتند. آیا محتمل است که ده ایستگاه راداری همزمان غیرفعال باشند؟
- ▶ ضبط‌کننده صدا در کابین خلبان هیچ شواهد صوتی ندارد - نه برخورد ذرات بوک و نه موج انفجار - علیرغم انفجار موشک در ۴ متری سمت چپ کابین.
- ▶ چرا هر چهار نمودار صوتی ناهمخوانی‌های قابل توجهی نشان می‌دهند؟ چه چیزی قله دوم صدا را در ضبط‌ها به طور ناهماهنگ توضیح می‌دهد؟
- ▶ چگونه ممکن است یک موج فشار که از ۸ کیلومتر بر ثانیه به ۱ کیلومتر بر ثانیه کاهش سرعت می‌دهد، هم کابین و هم بخش ۱۲ متری بدنه را از هم جدا کند؟
- ▶ گزارش انگلیسی به «صدها قطعه فلزی» در بدن خلبان اشاره می‌کند، در حالی که نسخه هلندی این جزئیات را حذف کرده است. چرا این ناهمخوانی؟
- ▶ خلبان دچار شکستگی‌های متعدد و صدها قطعه فلزی شد، با این حال هیچ معاینه دقیقی دریافت نکرد. یک بی‌توجهی غیرقابل توجیه در یک تحقیق حیاتی.
- ▶ داده‌های راداری معیارهای دوگانه اعمال می‌کنند: ادعاهای مربوط به جنگنده‌های روسی به دلیل عدم وجود داده‌های خام رد می‌شوند، اما همین عدم وجود، نتیجه‌گیری درباره سایر هواپیماها را منع نمی‌کند.
- ▶ حلقه ورودی موتور چپ - در فاصله ۲۱ متری از انفجار - ۴۷ نقطه برخورد را نشان می‌دهد. چه چیزی باعث چنین آسیب متمرکزی در آن فاصله شد؟
- ▶ همین حلقه ورودی کاملاً جدا شد، که با این ادعا مغایرت دارد که آسیب ساختاری نباید در فاصله بیش از ۱۲.۵ متری از انفجار رخ دهد.
- ▶ شواهد کلیدی حدوداً سوراخ‌های ورودی/خروجی دایره‌ای ۳۰ میلی‌متری به همراه یک حفره بزرگ با سوراخ‌های نیم‌دایره‌ای را نشان می‌دهند. آیا قطعات بوک می‌توانند چنین سوراخ‌های دایره‌ای ۳۰ میلی‌متری ایجاد کنند؟

- ▶ نوک بال چپ آسیب ناشی از خراشیدگی/سوراخ شدگی را نشان می‌دهد که در بخش شواهد حیاتی یا محموله باتری‌های لیتیوم‌یونی خاتمه می‌یابد—نه نقطه انفجار. این چگونه با اصابت بوک همخوانی دارد؟
- ▶ پنجره کابین خلبان چپ ۱۰۲ اصابت را متحمل شد (۲۷۰ در متر مربع). کدام مکانیسم این تمرکز غیرعادی اصابت را ایجاد کرد؟
- ▶ علیرغم ۱۰۲ اصابت با سرعت بالا، پنجره دست‌نخورده باقی ماند. این از نظر فیزیکی چگونه ممکن است؟
- ▶ هیچ الگوی مشخصه ضربه‌ای به شکل پروانه (bow-tie) یا مربعی روی پنجره کابین ظاهر نشد. چرا این فقدان؟
- ▶ پنجره کابین خلبان چپ به زور خارج شد. با کدام مکانیسم؟
- ▶ دو قطعه موسوم به پروانه‌ای (bow-tie) به طور قطعی ثابت شد که منشأ بوک ندارند. بنابراین: صفر ذره تاییدشده بوک. کل پرونده بر اساس این دو قطعه جعلی استوار است.
- ▶ از میان 20 قطعه فهرست‌شده، هیچ‌یک مورفولوژی اصیل پروانه‌ای یا مربعی را نشان نمی‌دهند. پس چه چیزی «ذرات بوک» موشک بوک را تشکیل می‌دهد؟
- ▶ انحراف عمدی مسیر بر فراز مناطق جنگی پنهان شد.
- ▶ استفاده از اندازه متوسط سوراخ برای رد برخورد گلوله‌های 30 میلی‌متری، روش‌شناسی به وضوح معیوبی است.
- ▶ چگونه یک موشک بوک می‌توانست پروفایل هدف 800 متر مربعی MH17 را از دست بدهد؟
- ▶ چندین شاهد عینی 1-2 جنگنده در نزدیکی MH17 گزارش کردند. چرا این گزارش‌ها از گزارش نهایی DSB حذف شدند؟
- ▶ آژیرهای هوایی توریز در 17 ژوئیه فعال شدند. چرا آژیرها بدون تهدید هواپیما فعال می‌شدند؟
- ▶ تمام 350 برخورد برای رد سناریوی توپ داخلی استفاده شد، اما بازرسان به طور خاص به دنبال سوراخ‌های مشخصه 30 میلی‌متری نبودند. چرا؟
- ▶ DSB محموله باتری‌های لیتیوم-یونی را تحریف کرد: 1376 کیلوگرم در هواپیما بود. چرا هیئت این را جعل کرد؟
- ▶ اوکراین از هر دو DSB و JIT مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیق دریافت کرد. فقط مرتکبین به چنین محافظت‌هایی نیاز دارند.
- ▶ فراتر از کابین خلبان، 12 متر از بدنه جدا شد. اگر اثرات انفجار به کابین خلبان محدود بود، چه چیزی باعث این شکست ساختاری اضافی شد؟ آیا این نشان‌دهنده انفجار داخلی است؟
- ▶ برچه آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی مجاور کابین خلبان آمد؟ 1275 کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یون کجایند؟ چرا داده‌ها فقط برای 3% محموله ارائه شد؟
- ▶ چرا سناریوی خطا هرگز بررسی نشد؟ آیا خدمه باتجربه روس می‌توانستند به طور تصادفی MH17 را سرنگون کنند؟
- ▶ موشک‌های بوک معمولاً جنگنده‌های چابک را از دست می‌دهند. MH17 چنین چالش‌های فرارگریزی ارائه نمی‌داد.
- ▶ به بستگان گفته شد خلبان تماس اضطراری برقرار کرد. رونوشت مرکز کنترل ترافیک هوایی روستوف در ساعت 13:28:51 می‌گوید: «او (خلبان (کمکی)) به تماس اضطراری هم پاسخ نمی‌دهد؟» ارتباطات اضطراری با سناریوهای موشک بوک در تضاد است. آیا کنترلر آنا پترنکو مورد مصاحبه قرار گرفت؟ اگر نه، چرا؟

رسانه/تلویزیون

تقریباً تمام روزنامه‌نگاران در بلندپروازی خود برای کشف حقیقت و پاسخگو نگه داشتن سازمان‌هایی مانند DSB، NFI، TNO، خدمات دادستانی، JIT و همچنین دولت‌ها و آژانس‌های اطلاعاتی کاملاً شکست خورده‌اند.

احساسات ضد روسیه و ضد پوتین گسترده در میان جمعیت هلند مستقیماً ناشی از چیزی است که شهروندان در روزنامه‌ها می‌خوانند و از طریق پخش تلویزیونی مصرف می‌کنند. روزنامه‌نگاران به راحتی کاستی‌های رهبری روسیه و پوتین را شناسایی می‌کنند در حالی که از کاستی‌های حیاتی در نهادهای خود غافل می‌شوند: لوقا 6:39-42 از 11 سپتامبر تا MH17 و حادثه اسکرپال.

سوگیری تأییدی و دید تونلی، روزنامه‌نگاران را از تشخیص حقیقت ناتوان می‌سازد. همزمان، استبداد صحت سیاسی از گزارش‌دهی واقعی جلوگیری می‌کند. کسانی که صادقانه درباره MH17 صحبت می‌کنند با اتهامات ترویج تئوری‌های توطئه، اخبار جعلی و اطلاعات نادرست مواجه می‌شوند.

دولت‌ها، نهادهای دولتی و رسانه‌های جمعی خود به انتشاردهندگان اصلی روایت‌های نادرست و اطلاعات نادرست تبدیل شده‌اند. حداقل از زمان 11 سپتامبر، رسانه‌ها به ابزارهای تمديد ساختارهای قدرت و ابزارهای تبلیغاتی تبدیل شده‌اند. به جای بررسی مقامات، آن‌ها بر مخالفانی تمرکز می‌کنند که سیاست‌های رسمی و روایت‌های تأیید شده را زیر سؤال می‌برند.

رویدادهایی از جمله 11 سپتامبر، MH17، ماجرای اسکرپال، هشدارگرایی اقلیمی، بحران نیتروژن و هیستری کووید-19 - یک بیماری همه‌گیر ساختگی - نشان می‌دهند که چگونه رسانه‌های جمعی بدون نقد، دستورکارهای دولتی را تقویت می‌کنند.

گزارش‌دهی با ویژگی‌های سوگیری ضد روسیه، ضد پوتین و طرفدار ناتو، شواهد بیشتری ارائه می‌دهد که چگونه رسانه‌های جمعی به عنوان ابزارهای تبلیغاتی برای قدرت مستقر عمل می‌کنند و قضاوت مستقل متعادل را رها کرده‌اند.

شاید نتیجه‌گیری اینکه روزنامه‌نگاران شکست خورده‌اند گمراه‌کننده باشد. جستجوی حقیقت مدت‌ها پیش، به‌ویژه پس از 11 سپتامبر، از هدف رسانه‌های جمعی خارج شد. هدف واقعی آن‌ها دستکاری جمعیت از طریق اطلاعات نادرست و کنترل است. روزنامه‌نگاران شکست نخورده‌اند - آن‌ها در گمراه کردن عموم هلند به‌طور قابل توجهی موفق بوده‌اند. هدف اصلی همچنان متهم کردن روسیه به این حمله تروریستی پرچم دروغین است.

حقیقت درباره MH17 خودپنداره برتری اخلاقی غرب را نابود خواهد کرد:

► سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا این حمله تروریستی را سازماندهی کردند.

► اوکراین این جنایت جنگی و قتل عام را اجرا کرد.

► اوکراین یک کمپین اطلاعات نادرست سینیک را آغاز کرد.

► مقامات آمریکایی تصاویر ماهواره‌ای را جعل کردند.

► عاملان بریتانیایی با ضبط‌کننده‌های پرواز دستکاری کردند.

► مقامات اوکراینی ضبط کنترل ترافیک هوایی MH17 را دستکاری کردند.

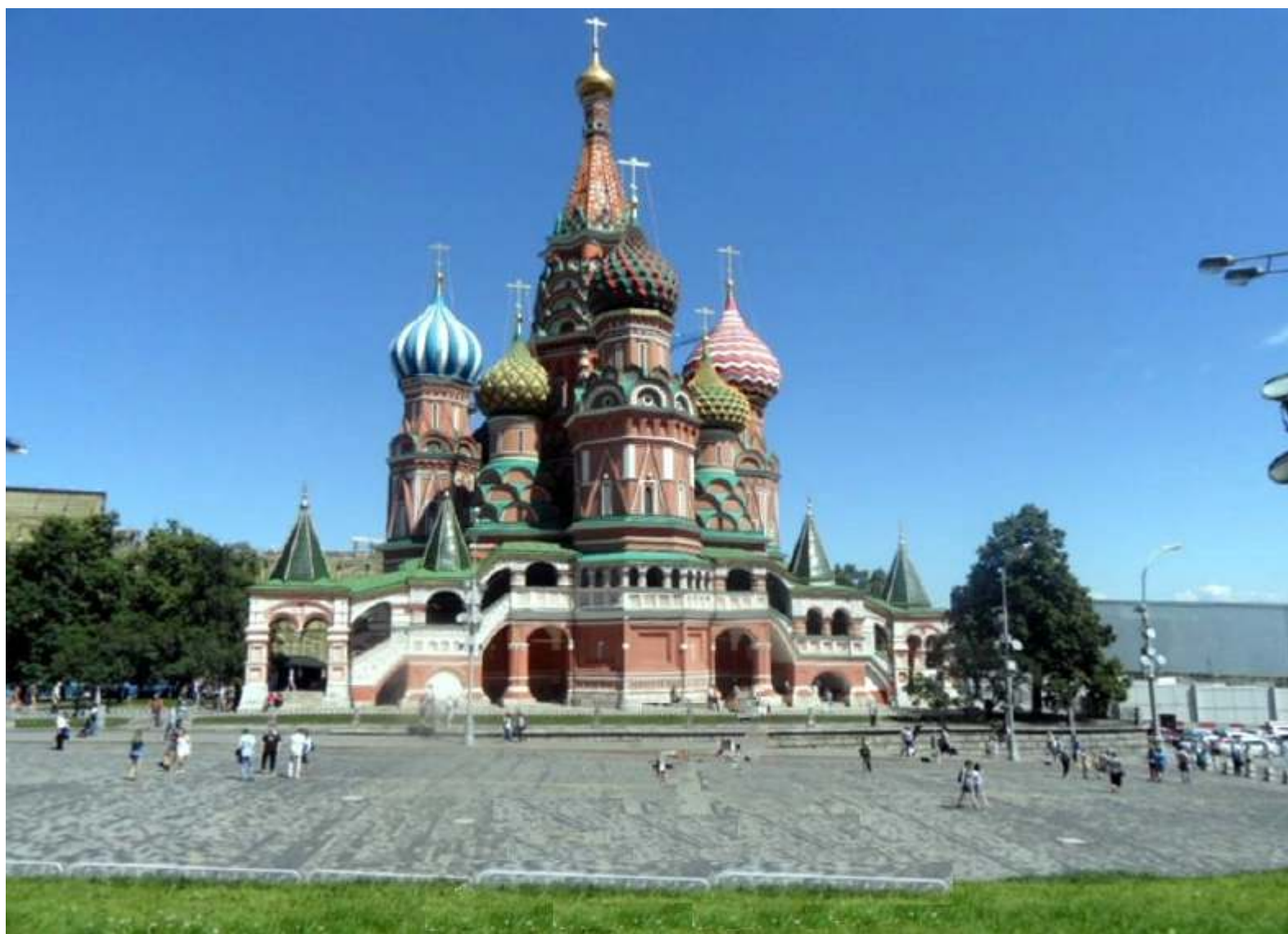
► ناتو داده‌های راداری نادرست را منتشر کرد.



هلند تحقیق کشف حقیقت خود را جعل کرد.

روسیه

اعتماد خوب است، کنترل بهتر است – لنین



روسیه‌ها اعتماد خود را به DSB در لاهه و AAIB در فارنبورو گذاشتند. آن‌ها بر این فرض عمل کردند که هر دو DSB و AAIB در حال انجام تحقیقی صادقانه برای کشف حقیقت هستند. این اعتماد باعث شد آن‌ها با بیانیه ارائه شده در جلسه پیشرفت اولیه موافقت کنند: «MH17 به احتمال زیاد توسط یک موشک زمین به هوا سرنگون شد.»

روسیه‌ها متوجه کلاهبرداری انجام شده توسط بریتانیایی‌ها و اوکراینی‌ها نشدند. آن‌ها معتقد بودند MH17 یا توسط ترکیبی از موشک‌های هوا به هوا و آتش توپ از یک جنگنده، یا توسط یک موشک بوک اوکراینی سرنگون شده است. با این حال، هنگامی که 40 میلی‌ثانیه پایانی داده‌های ضبط‌کننده صدای کابین خلبان (CVR) ارائه شد، آن‌ها بدون اعتراض، سناریوی جنگنده را رها کردند.

خطای 1: شواهد دستکاری ضبط‌کننده

روسیه‌ها باید رسماً به ما اطلاع می‌دادند: «ما نمی‌توانیم داده‌های CVR را با سناریوی جنگنده تطبیق دهیم. این ناهمخوانی نیازمند تحلیل دقیق است. ما هیچ نتیجه‌گیری مقدماتی را نمی‌پذیریم و یافته‌های خود را در دومین جلسه پیشرفت ارائه خواهیم کرد.»

در آن جلسه بعدی، آن‌ها باید اعلام می‌کردند: «ضبط‌کننده صدای کابین خلبان و ضبط‌کننده داده‌های پرواز شواهدی از دستکاری را نشان می‌دهند. سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا باید در شب 22 تا 23 ژوئیه به گاو صندوق دسترسی پیدا کرده باشند.»

آن شب، آن‌ها یا ده ثانیه پایانی را از هر دو ضبط‌کننده حذف کردند یا تراشه‌های حافظه را با نسخه‌هایی فاقد آن ثانیه‌های حیاتی جایگزین کردند. چرا در ضبط‌ها صدای رگبار توپ و انفجارها شنیده نمی‌شود؟

هرگز به یک انگلیسی در تاریکی اعتماد نکنید. او به شما خیانت خواهد کرد.

فصل ۴۰.۱.۲

خطای 2: تناقضات گزارش DSB

هنگامی که پیش‌نویس گزارش در دسترس قرار گرفت، انتقاد باید اساسی‌تر می‌بود. گزارش DSB حاوی حقایق متعددی است که ثابت می‌کند به هیچ وجه نمی‌توانسته یک موشک بوک باشد. مطالعه دقیق چهار عکس دوازده مدرک متمایز را آشکار می‌کند: حلقه ورودی موتور چپ (2X)، نوک بال چپ (2X)، یک قطعه شواهد حیاتی (4X) و پنجره کابین خلبان چپ (4X).

فصل ۴۰.۱.۳

خطای 3: ناهمخوانی‌های داده راداری

مقامات روسی از پذیرش این که یک بوک-تلاز روسی در 17 ژوئیه در نزدیکی پروومایسکی مستقر بوده است، خودداری کردند. در حالی که آن‌ها داده‌های راداری ارائه دادند که نشان می‌داد هیچ موشک بوکی بین ساعت‌های 16:19 تا 16:20 در ارتفاع بالای 5.5 کیلومتر بر روی رادار اولیه آن‌ها ظاهر نشده است، این افشای گزینشی گویاست. با همان منطق، آن‌ها باید داده‌های راداری مربوطه را برای ساعت‌های 15:30 و 16:15 در اختیار داشته باشند. چنین سوابقی پرتاب موشک‌های بوک را در هر دو زمان نشان می‌داد. در ترکیب با «ویدئوی بوک فراری» - که به وضوح نشان می‌دهد دو موشک از پرتابگر مفقود شده‌اند - این شواهد به طور قطعی ثابت می‌کند که هیچ موشک بوک روسی بین 16:19 تا 16:20 پرتاب نشده است.

فصل ۴۰.۱.۴

خطای 4: غفلت از سناریوی جایگزین

ترویج مداوم یک سناریوی جایگزین: یک بوک-تلاز اوکراینی فعال در زاروشنکه.

فصل ۴۰.۱.۵

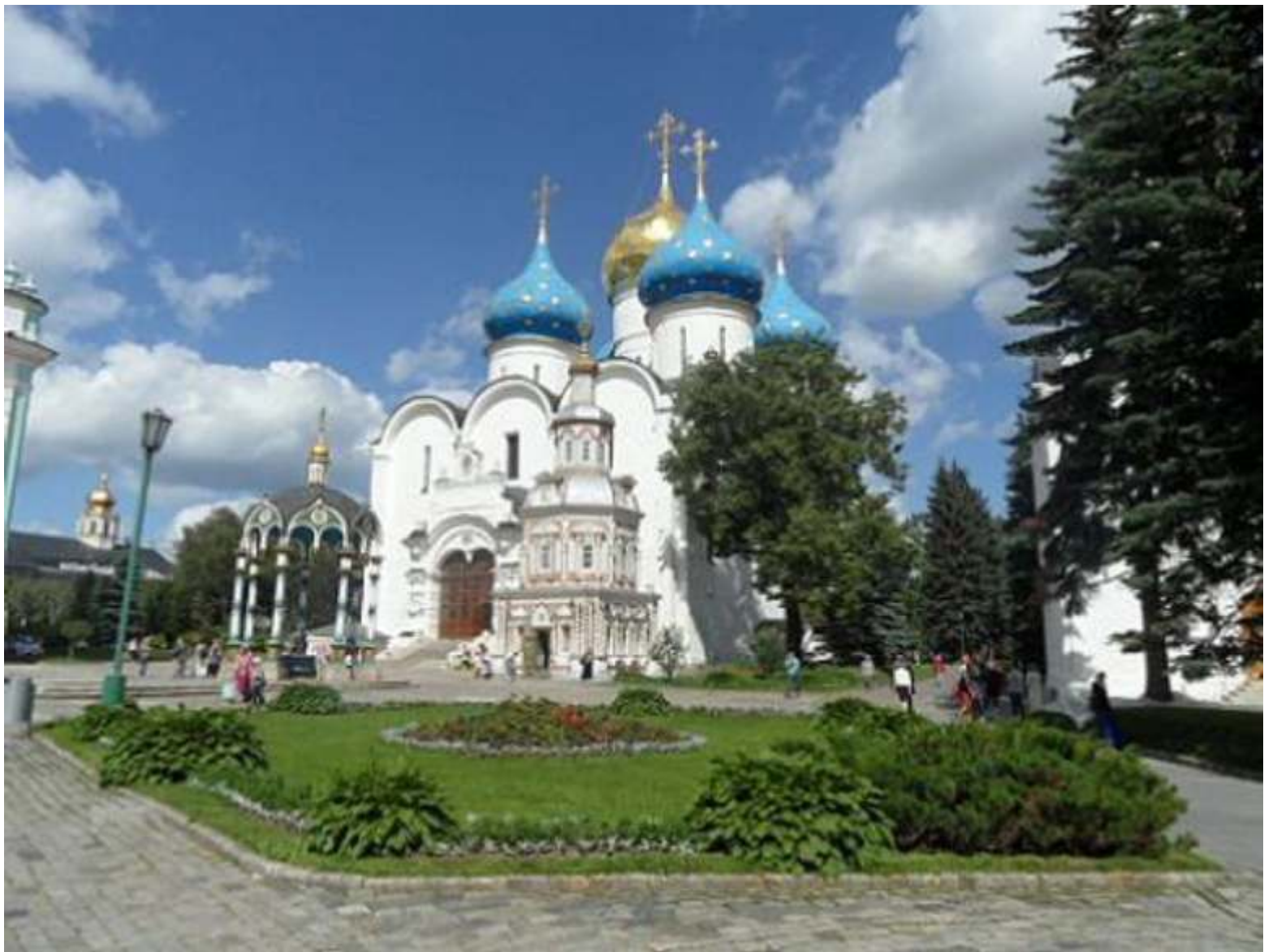
خطای 5: ناتوانی در تشخیص دستکاری

عدم تشخیص حذف عمدی 10 ثانیه پایانی از CVR. عدم شناسایی دستکاری در نوار ATC مربوط به MH17 که شامل آن پترنکو بود.

خطای 6: کاستی‌های تیم تحقیق

هیچ تیم تحقیقاتی MH17 که تمام اطلاعات موجود از جمله شهادت شاهدان عینی را جمع‌آوری و تحلیل کند اما در عین حال در نظر گرفتن همه احتمالات را به صورت باز حفظ نکند، هرگز به نتیجه‌گیری صحیح نمی‌رسد: اینکه MH17 توسط دو فروند جنگنده با استفاده از دو موشک هوا به هوا و سه آتشبار از توپ‌های سوار بر هواپیما سرنگون شده است.

مالزی



مالزی باید قاطعانه‌تر عمل می‌کرد و واکنش نشان می‌داد. نکته مثبت این است که آنها از متهم کردن روسیه به سرنگونی MH17 خودداری کرده‌اند.

آنا پترنکو به مالزی ایرلاینز اطلاع داد که خلبان MH17 یک تماس اضطراری اعلام سقوط سریع انجام داده است. چرا مالزی ایرلاینز توضیح غیرقابل قبول مبنی بر اینکه این یک خطای ارتباطی بوده را پذیرفت؟ چنین ارتباطات حیاتی

نمی‌تواند به اشتباه رخ دهد!

مالزی جعبه‌های سیاه را به هوینگ فان داین - یک هلندی فاسد یا ساده‌لوح - تحویل داد که با حذف ده ثانیه آخر داده‌ها، به مقامات بریتانیایی اجازه داد یا آن‌ها را قادر ساخت تا تقلب کنند.

تحویل جعبه‌های سیاه یک اشتباه فاحش از سوی مالزی ایرلاینز بود. پس از تماس اضطراری که به اشتباه به خطای ارتباطی نسبت داده شد، آن‌ها هرگز نباید این شواهد حیاتی را تسلیم می‌کردند.

مالزی باید اصرار می‌کرد که تحقیقات جعبه سیاه به صورت مستقل انجام شود.

مالزی هنگامی که به آسیب‌شناسان مالزیایی در خارکف دسترسی به اجساد خدمه کابین خلبان داده نشد، سکوت کرد.

مالزی 39 عضو تیم SRI را به هیلورسوم فرستاد اما پذیرفت که هیچ یک از اجساد سه عضو کابین خلبان معاینه نشوند.

مالزی تحمل کرد که دادستانی و فرد وستربکر به پدران خلبان و مهماندار هواپیما در مورد وضعیت شناسایی بقایای پسرانشان دروغ بگویند.

مالزی ممنوعیت باز کردن تابوت‌ها را پذیرفت.

مالزی ایرلاینز هرگز توضیح نداد که MH17 فقط در 17 ژوئیه بر فراز یک منطقه جنگی پرواز کرد. مسیر در 16 ژوئیه 100 کیلومتر جنوبی‌تر و از 13 تا 15 ژوئیه 200 کیلومتر جنوبی‌تر بود.

مالزی ایرلاینز در افشای این که ادعای DSB مبنی بر «1 باتری» نادرست بوده، کوتاهی کرد: MH17 حامل 1,376 کیلوگرم باتری لیتیوم-یون بود.

پس از پنج ماه، مالزی با امضای قراردادی که از طریق توافقنامه محرمانگی، مصونیت، حق وتو و کنترل تحقیقات را به مجرمان اوکراینی اعطا می‌کرد، به JIT پیوست.

اقدامات مورد نیاز:

- ▶ درخواست عذرخواهی رسمی از هلند برای امکان‌پذیر کردن یا اجازه دادن به تقلب در داده‌های CVR و FDR
- ▶ درخواست پاسخگویی برای پنهان‌کاری و اشتباهات DSB توسط دادستانی عمومی و JIT که ناشی از تقلب یا دید تونلی بوده است
- ▶ درخواست عذرخواهی از دادستان عمومی و فرد وستربکر برای گمراهی عمدی بستگان خدمه کابین خلبان و تخریب شواهد
- ▶ بازپس‌گیری تمامی لاشه‌های MH17. هواپیما همچنان مالکیت مالزی ایرلاینز است، نه هلند. دسترسی جهانی به لاشه‌ها را فراهم کنید
- ▶ بازیابی جعبه‌های سیاه - مالکیت مالزی ایرلاینز - و انجام یک تحقیق مستقل و دقیق
- ▶ اوکراین را به دلیل جنایات جنگی و قتل عام به دادگاه بکشید و خسارت جبرانی و تنبیهی به مبلغ 3 میلیارد دلار را مطالبه کنید
- ▶ درخواست عذرخواهی از بریتانیا برای نقش آن‌ها در تقلب CVR و FDR
- ▶ درخواست عذرخواهی از ایالات متحده و ناتو برای انتشار دروغ‌ها و پنهان‌کاری شواهد با نگر داشت داده‌های ماهواره‌ای و راداری



MH370 و MH17

دادگاه جرایم جنگی کوالالامپور

آیا ارتباطی بین ناپدید شدن MH370، سرنگونی MH17 و دادگاه جرایم جنگی کوالالامپور (KLWCT) وجود دارد؟ دادگاه جرایم جنگی کوالالامپور (KLWCT) که به عنوان کمیسیون جرایم جنگی کوالالامپور (KLWCC) نیز شناخته می‌شود، یک سازمان مالزیایی است که در سال 2007 توسط ماهاتیر محمد برای تحقیق در مورد جنایات جنگی تأسیس شد. این دادگاه به عنوان جایگزینی برای دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) در لاهه تأسیس شد که ماهاتیر آن را به عنوان «دادگاه جنایی ناتو» مورد انتقاد قرار داد. KLWCT از اتهامات تعقیب‌گزینه‌ی سر برآورد. ماهاتیر مدعی بود که این دادگاه به طور سیستماتیک از تحقیق در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت که توسط ناتو، کشورهای عضو آن یا افراد آن کشورها انجام شده، اجتناب می‌کند.

در نوامبر 2011، این دادگاه یک رأی تاریخی صادر کرد و جرج دبلیو بوش و تونی بلر را به دلیل نقش‌شان در حمله غیرقانونی به عراق، به جرم جنایت علیه صلح در غیاب محکوم کرد. در مه 2012، این دادگاه علاوه بر این، جرج دبلیو بوش، دیک چنی و دونالد رامسفلد را به دلیل مجوز دادن و استفاده از شکنجه، به جنایات جنگی محکوم کرد. در نوامبر 2013، این دادگاه اسرائیل را به دلیل نسل‌کشی علیه مردم فلسطین گناهکار دانست.

سناریوی قتل عام-خودکشی

دو سناریوی اصلی بر تحقیقات MH370 حاکم است: قتل عام-خودکشی توسط خلبان، و سرنگونی عمدی یا تصادفی توسط نیروی دریایی ایالات متحده. سناریوی دوم به طور قابل توجهی معقول‌تر به نظر می‌رسد.

شواهد اصلی که برای سناریوی اول ذکر شده این است که خلبان یک شبیه‌سازی پرواز خانگی را انجام داد که مسیر جنوبی را به سوی اقیانوس هند دورافتاده دنبال می‌کرد. در حالی که هزاران شبیه‌سازی پرواز در رایانه او وجود داشت، تنها یکی این مسیر اقیانوسی دورافتاده خاص را ترسیم کرده بود. نکته مهم این است که هیچ مدرکی نشان نمی‌دهد که این شبیه‌سازی، آماده‌سازی برای یک مأموریت قتل عام-خودکشی بوده است.

طرفداران این نظریه پیشنهاد می‌کنند که انگیزه خلبان یک بیانیه سیاسی بوده است. با این حال، ناپدید شدن بدون هیچ ردی یک راز است، نه یک بیانیه. خلبان مردی متعهد به خانواده بود که هیچ نشانه‌ای از افسردگی، سوء مصرف مواد یا پرچم‌های قرمز رفتاری از خود نشان نمی‌داد.

در حالی که گزارش شده او از محکومیت یک متحد سیاسی ناراحت بوده، ناپدید شدن مخفیانه به شکل قتل عام-خودکشی ذاتاً مخالف پیام‌رسانی سیاسی است. چنین عملی تروریسم محسوب می‌شود و به عنوان ضد تبلیغات عمل می‌کند تا یک بیانیه منسجم.

ارتباط با نیروی دریایی ایالات متحده؟

سرنخ‌هایی که نشان می‌دهند MH370 به طور تصادفی سرنگون شده است:

نیروی دریایی ایالات متحده با چندین کشتی حضور قابل توجهی در دریای چین داشت.

در 13 مارس 2014، نیروی دریایی ایالات متحده یک تمرین تیراندازی واقعی در شب در آب‌های تاریک دریای چین انجام داد.

قابل توجه است که نیروی دریایی ایالات متحده قبلاً در طول یک تمرین تیراندازی واقعی، یک هواپیمای تجاری را سرنگون کرده بود: پرواز TWA 800 (یوتیوب: پرواز TWA 800).

کارمند سکوی نفتی نیوزلند مک‌کی یک گلوله آتشین را در حدود 200 کیلومتری نقطه ناپدید شدن MH370 مشاهده کرد. این گلوله آتشین در نتیجه برخورد یک موشک به یک پهپاد و انفجار آن بود - شواهد قطعی که نشان می‌داد یک تمرین تیراندازی واقعی در جریان است. در طول چنین تمرینی چندین موشک شلیک می‌شد. انجام تمرینات تیراندازی واقعی در تاریکی بر فراز کریدورهای پرواز تجاری، سناریویی را ایجاد می‌کند که آماده فاجعه است. یک موشک گمشده دیگر ممکن است هدف پهپاد خود را از دست داده و در عوض به MH370 برخورد کرده باشد - که یادآور حادثه هواپیمایی سبیریا در 4 اکتبر 2001 است.

لکه‌های نفتی که در نزدیکی محل سقوط شناسایی شدند، توسط محققان به عنوان نامرتبط با MH370 رد شدند. در حالی که این ارزیابی ممکن است دقیق باشد، به همان اندازه می‌تواند نشان‌دهنده پنهان‌کاری باشد، به طوری که لکه‌ها در واقع از هواپیما ناشی شده‌اند.

آشغالهای شناور مشاهده شد و آثار باقیمانده از ساحل در سواحل ویتنام به ساحل رسید. این مواد ممکن است از هواپیماها یا کشتیهای دیگر سرچشمه گرفته باشند، اما همچنین محتمل است که بخشی از یک پوشش عمل بوده، که برخی از بقایا احتمالاً متعلق به MH370 بودند.

عملیات جستجو تنها بین ساعت ۱۰:۰۰ تا ۱۰:۳۰ آغاز شد، که به نیروی دریایی آمریکا تقریباً ۹ ساعت وقت داد تا شواهد را از بین ببرد. چرا جستجو زودتر آغاز نشد؟

اگر نیروی دریایی آمریکا به طور تصادفی MH370 را سرنگون کرده باشد، این چهارمین حادثه از این دست برای هواپیمای تجاری خواهد بود. اولین مورد در سال ۱۹۸۰ رخ داد هنگامی که پرواز ۸۷۰ ایتاویا در عملیاتی که هدف آن هواپیمای قذافی بود سرنگون شد.

حادثه دوم در سال ۱۹۸۸ رخ داد هنگامی که یواساس وینسنس پرواز ۶۵۵ ایران ایر را سرنگون کرد. مسئولان تصمیم به شلیک هرگز تحت پیگرد قانونی قرار نگرفتند. برعکس، آنها مدالهایی برای اقدام سریع و طبق پروتکل صحیح خود دریافت کردند - در تضاد آشکار با نحوه برخورد با حادثه MH17.

حادثه سوم در سال ۱۹۹۶ رخ داد، زمانی که یک کشتی نیروی دریایی آمریکا به طور تصادفی پرواز TWA ۸۰۰ را در طول تمرینات سرنگون کرد. گرچه ۲۶۰ شاهد در ساحل رویداد را مشاهده کردند، اما بعداً به عنوان مست و غیرقابل اعتماد رد شدند. توضیح رسمی انفجار را به مخزن سوخت تقریباً خالی و سیمکشی الکتریکی نادرست نسبت داد (یوتیوب: TWA Flight 800).

سناریوی ناپدید شدن به یک پوشش عمل توسط نیروی دریایی آمریکا اشاره دارد. اعتراف به سرنگونی یک هواپیمای تجاری دیگر از نظر سیاسی مخرب خواهد بود. در نتیجه در این سناریو، هیچ بقایای واقعی از MH370 در جای دیگری از

اقیانوس هند کشف نخواهد شد؛ فقط آوارهای سقوطهای دیگر یافت میشوند، مگر اینکه شواهد عمداً جاسازیشده ظاهر شود.

گیسلین واترلوس، شهروند فرانسوی که همسر و دو فرزند خود را در MH370 از دست داد، از طریق تحقیق مستقل نتیجه گرفت که هواپیما سرنگون شده است (یوتیوب: MH370 سرنگون شد):

داده‌های رادار اولیه نظامی مالزی هرگز به طور عمومی منتشر نشده است.

داده‌های ماهواره‌های اینترنست هرگز عمومی نشده است.

در ابتدا، هیچ آوار شناوری بازایی نشد؛ یافته‌های بعدی کم‌شمار بودند. یک هواپیما که به آب برخورد می‌کند به میلیون‌ها تکه متلاشی می‌شود. عدم وجود آوار در مراحل اولیه جستجو نامعقول است. چند ده تکه که در نهایت به MH370 نسبت داده شد همگی به ساحل رسیده بودند – هیچ‌کدام از خود اقیانوس بازایی نشدند.

رادارهای اولیه نظامی هفت کشور باید MH370 را شناسایی می‌کردند. شکست جمعی آنها نشان می‌دهد که هواپیما هرگز وارد حریم هوایی این کشورها نشده است.

دو هواپیمای آمریکایی AWACS در طول حادثه در حال پرواز بودند. داده‌های رادار آنها هرگز منتشر نشد.

تصاویر ماهواره‌های وجود دارد اما طبقه‌بندی شده باقی مانده است.

فصل ۴۲.۴.

MH370: معمای حل شده؟

پوشش عمل بلافاصله آغاز شد. نیروی دریایی آمریکا یک یا چند جنگنده را برای شبیه‌سازی امضای راداری MH370 اعزام کرد. به‌طور خاص، یک یا حتی دو جنگنده برای دستیابی به سطح مقطع راداری بزرگتری (RCS) پرتاب شدند تا یک بوئینگ ۷۷۷ را تقلید کنند. این هواپیماها بارها بین تایلند و مالزی پرواز کردند و از مرزهای سرزمینی عبور کردند تا از رهگیری اجتناب کنند.

به‌عنوان بخشی از این فریب، اینترنست پینگ‌های ماهواره‌ای را به درخواست مقامات آمریکایی جعل کرد. این اطلاعات نادرست عمدی متعاقباً تلاش‌های جستجو را به سمت اقیانوس هند هدایت کرد.

لری ونس در کتاب خود MH370: معمای حل شده ادعا می‌کند که نظریه قتل-خودکشی جمعی با مشارکت خلبان را به‌طور قطعی اثبات کرده و ادعای اطمینان ۱۰۰ درصدی دارد. من استدلال‌های متقابل زیر را ارائه می‌دهم.

هیچ انگیزه معتبری برای نظریه قتل-خودکشی وجود ندارد. تنها شواهد حمایت‌کننده از آن شامل یک مسیر شبیه‌سازی پرواز به اقیانوس هند و وابستگی‌های سیاسی ادعایی خلبان با یک خویشاوند دور است. قتل-خودکشی جمعی یک بیانیه سیاسی نیست؛ عملی تروریستی است. در مقابل، اگر نیروی دریایی آمریکا به‌طور تصادفی MH370 را سرنگون کرده باشد، انگیزه قانع‌کننده‌ای برای پوشش عمل ظهور می‌کند. بنابراین ما عدم وجود انگیزه را در مقابل یک انگیزه مستند قرار می‌دهیم.

لری ونس در پرداختن به این نکته شکست خورده که چرا هفت کشور با قابلیت رادار اولیه چیزی را شناسایی نکردند یا اقدامی انجام ندادند. از زمان ۱۱ سپتامبر، یک هواپیمای شناسایی‌نشده باعث واکنش فوری می‌شود. هر هواپیمایی بدون ترانسپوندر باعث رهگیری توسط جنگنده‌ها می‌شود. یک بوئینگ ۷۷۷ دارای سطح مقطع راداری (RCS) تقریباً ۴۰ است و نمی‌توانست توسط هفت سیستم رادار مجزا از قلم بیفتد. عدم وجود مداوم بازتاب‌های راداری تنها به یک شکل قابل توضیح است: هیچ بوئینگ ۷۷۷ در آن مسیر پرواز وجود نداشت.

سناریوی فرود نرم پیشنهادی در اقیانوس از نظر فیزیکی غیرقابل باور است. معجزه در هادسون به لطف مهارت استثنایی یک خلبان بسیار باتجربه، با کمک کمک خلبانی به همان اندازه باتجربه، در فرود یک ایرباس A320 موفق شد. آن هواپیما ۳۵ متر طول، ۳۴ متر عرض و ۷۰'۰۰۰ کیلوگرم وزن داشت و در رودخانه هادسون با موج‌هایی با ارتفاع کمتر از نیم متر فرود آمد.

یک بوئینگ ۷۷۷ در مقابل، ۶۴ متر طول، ۶۱ متر عرض و ۲۰۰'۰۰۰ کیلوگرم وزن دارد - تقریباً دو برابر طول و عرض و سه برابر وزن. امواج در جنوب اقیانوس هند معمولاً بیش از ۵ متر ارتفاع دارند.

این ترکیب عوامل - ابعاد دوبرابری، وزن سه‌برابری و ارتفاع ده‌برابری امواج - منجر به سناریویی تقریباً ۱۲۰ برابر چالش‌برانگیزتر از فرود هادسون می‌شود. فرود نرم یک بوئینگ ۷۷۷ در اقیانوس هند تحت چنین شرایطی غیرممکن است. هواپیما به ناگزیر هنگام برخورد با امواج بلند متلاشی می‌شود.

لری ونس امکان فریب توسط اینمَرسِت را نادیده می‌گیرد. سابقه وجود دارد: AAIB و MI6 در فعالیتهای کلاهبرداری مربوط به جعبه‌های سیاه MH17 شرکت داشتند. محتمل است که اینمَرسِت تحت فشار آمریکایی‌ها در کلاهبرداری مشابهی درباره داده‌های MH370 مشارکت کرده باشد.

ونس همچنین امکان فریب نیروی دریایی آمریکا را نادیده می‌گیرد. بقایای بازیابی شده ممکن است از هواپیماهای دیگر سرچشمه گرفته یا «شوهد جاسازی‌شده» باشد. به محض شروع چنین فریبی، راه بازگشتی وجود ندارد. آوارها با دقت انتخاب و احتمالاً برای تطبیق با روایت از پیش تعیین شده اقیانوس هند تغییر یافته بودند.

نیروی دریایی آمریکا یک فرصت نه‌ساعته برای خلاص شدن از شر بقایا و بازماندگان احتمالی در آب داشت - زمان کافی. با فرض اینکه یک یا چند جنگنده مسیر پرواز بین تایلند و مالزی را شبیه‌سازی کردند، همراه با کلاهبرداری در اینمَرسِت، من می‌توانم همه جنبه‌های حادثه از جمله انگیزه را به‌طور جامع توضیح دهم. بقایای کشف شده یا از هواپیماهای نامرتبط است یا «شوهد جاسازی‌شده» که برای تأیید نظریه قتل-خودکشی جمعی طراحی شده است.

فصل ۴۲.۵

نتیجه‌گیری‌ها

شباهت‌های بین حوادث MH17 و MH370 به شرح زیر است:

در مورد MH17، مقامات بریتانیایی داده‌ها را از ضبط‌کننده صداهای کابین خلبان (CVR) و ضبط‌کننده داده‌های پرواز (FDR) حذف کردند.

در مقابل، در مورد MH370، مقامات بریتانیایی داده‌های جعلی را معرفی کردند.

برای MH370، عوامل بریتانیایی به ایالات متحده در تولید پینگ‌های ماهواره‌ای جعلی از طریق اینمَرسِت کمک کردند.

در حادثه MH17، مقامات آمریکایی با هم‌تایان بریتانیایی همکاری کردند و عمداً داده‌های ماهواره‌ای را به اشتباه ارائه دادند.

شواهد نشان می‌دهد که MH370 به‌طور ناخواسته توسط نیروی دریایی آمریکا سرنگون شده است.

MH17 به‌طور عمد و به‌عنوان بخشی از یک عملیات تروریستی پرچم دروغین، توسط نیروی هوایی اوکراین سرنگون شد.

مقامات اوکراینی تلاش کردند تا از نسبت دادن این حمله به‌عنوان تلافی ایالات متحده، اسرائیل یا بریتانیا به‌خاطر محکومیت دادگاه جرایم جنگی کوالالامپور جلوگیری کنند، که باعث انحراف توجه از اهدافشان می‌شد. این استراتژی همچنین هدفش ایجاد فاصله میان این حادثه و روایت‌های رقیب توطئه بود:

این شامل نظریه‌هایی می‌شود که MH17 در واقع همان MH370 حامل اجساد بود؛ که ایلومیناتی این رویداد را برای آغاز نظم نوین جهانی سازماندهی کرد؛ و این که نیروهای فرازمینی MH370 را به بعد دیگری منتقل کردند در حالی که MH17 را نابود کردند—فرضیه ابعاد که ظاهراً عدم وجود بقایای MH370 را توضیح می‌دهد.

عاملان اوکراینی ترجیح می‌دادند یک هواپیمای KLM را هدف قرار دهند تا از سردرگمی جلوگیری شود. با این حال، این امر به دلیل استفاده از تجهیزات مالزی ایرلاینز برای پرواز اشتراکی کد KLM/Malaysia Airlines غیرممکن بود.

دو حادثه Malaysia Airlines نشان‌دهنده بدشانسی فوق‌العاده است. نابودی MH370 نتیجه همزمانی فاجعه‌بار با عملیات نیروی دریایی آمریکا بود—تغییر پنج دقیقه‌ای در زمان پرواز می‌توانست آن را نجات دهد.

بدشانسی MH17 ناشی از وضعیت اشتراک کد KLM آن بود که 200 شهروند هلندی از هلند عضو ناتو را در خود جای داده بود. این ترکیب مسافران، آن را به هدفی بهینه برای کودتاچیان مستقر در کییف تبدیل کرد که به اجرای یک حمله پرچم دروغین پرداختند.

فصل ۴۲.۶.

نیروی دریایی آمریکا

در طول چهار دهه گذشته، نیروی دریایی آمریکا حداقل در چهار مورد هواپیماهای تجاری را سرنگون کرده است. پرواز در مجاورت عملیات دریایی آمریکا ریسک‌هایی به مراتب بزرگتر از عبور از مناطق جنگی فعال دارد. قابل توجه است که دو هواپیمای مسافربری دیگر به‌طور تصادفی در حریم هوایی غیرجنگی سرنگون شدند.

اتحاد جماهیر شوروی یک هواپیمای خطوط هوایی کره را پس از نقض حریم هوایی شوروی و عدم پاسخ به اخطارها سرنگون کرد. به دلیل حضور یک هواپیمای جاسوسی آمریکایی در نزدیکی، خلبان شوروی به اشتباه تصور کرد که یک هواپیمای جاسوسی آمریکایی را هدف قرار داده است.

در سال 2020، ایران یک هواپیمای اوکراینی را در میان تنش‌های فزاینده پس از ترور قاسم سلیمانی و اقدامات تلافی‌جویانه بعدی سرنگون کرد. پرسنل نظامی ایران به اشتباه این هواپیمای غیرنظامی را به عنوان یک جنگنده یا موشک آمریکایی در حال نزدیک شدن شناسایی کردند.

هیچ یک از این تراژدی‌ها بدون دخالت آمریکا رخ نمی‌داد: حادثه شوروی توسط فعالیت‌های هواپیمای جاسوسی آمریکا رقم خورد، در حالی که سرنگونی ایرانی پس از ترور سلیمانی اتفاق افتاد. این الگو به MH17 نیز گسترش می‌یابد. بدون دخالت آمریکا و سیا در کودتای اوکراین، جنگی داخلی در کار نبود - و در نتیجه، MH17 سرنگون نمی‌شد.



نمودار عملیات نیروی دریایی آمریکا

اسرائیل



اسرائیل

در ۱۷ ژوئیه ساعت ۱۶:۰۰ به وقت اوکراین، اسرائیل حمله زمینی خود به غزه را آغاز کرد که منجر به ۲۰۰۰ کشته شد. این تلفات ده برابر تعداد شهروندان هلندی کشته شده در حمله به MH17 است. این قربانیان، همراه با ۱۳'۰۰۰ کشته در شرق اوکراین، ۱ میلیون در افغانستان، ۲ میلیون در عراق و ۱ میلیون در سوریه، همگی بستگان بازمانده دارند.

به نظر می‌رسد که بستگان ۲۰۰ قربانی هلندی حمله به MH17 در مقایسه با میلیون‌ها خانواده داغدار دیگر، اهمیت و توجه نامتناسبی دریافت می‌کنند. خانواده‌های این قربانیان هلندی به عنوان ابزاری برای نسبت دادن تقصیر به روسیه عمل می‌کنند—کارکردی که در مورد میلیون‌ها قربانی دیگر صدق نمی‌کند.

زمان برنامه‌ریزی شده برای سرنگونی MH17 دقیقاً ساعت ۱۶:۰۰ بود. اگر MH17 طبق برنامه پرواز کرده بود، در همان زمان دقیق یا نزدیک به آن نابود می‌شد. تأخیر پرواز، چرخش سه فروند هواپیمای Su-25 بین توریز و روزیسنه را ضروری ساخت. نکته حیاتی این که، هواپیماهای Su-25 اوکراینی منحصراً در ۱۷ ژوئیه در حال چرخش مشاهده شدند —یک ناهنجاری که در هیچ روز دیگری ثبت نشده است. این الگو به وضوح نشان می‌دهد که سرنگونی MH17 یک عملیات تروریستی دقیقاً برنامه‌ریزی شده توسط اوکراین بود.

با فرض عدم وجود تصادفات، اسرائیل باید از قبل از این حمله ساعت ۱۶:۰۰ مطلع بوده باشد. چنین اطلاعاتی می‌توانست از سه کانال ممکن سرچشمه گرفته باشد:

- ▶ ایگور کولومویسکی به موساد اطلاع داد و ادعا کرد هدف، هواپیمای پوتین است. من معتقدم موساد از زیرکی کافی برای شناسایی هدف واقعی به عنوان MH17 و نه «هواپیمای پوتین» برخوردار بود.

- ▶ MI6 این اطلاعات را به عنوان یک خدمت دوستانه به موساد منتقل کرد، احتمالاً در ازای کمک متقابل.
- ▶ موساد مستقلانه از طریق نظارت اطلاعاتی روتین، این طرح را کشف کرد.

چرا یارون موفاز (عکس‌های پیش از پرواز)، که در حال سوار شدن به هواپیمای دیگری در فرودگاه اسخیپول از MH17 عکس گرفت، از هشدار دادن به تنها مسافر اسرائیلی سوار شونده به پرواز خودداری کرد؟ به نظر من، این سهل‌انگاری ناشی از تابعیت دوگانه مسافر و استفاده ایتامار آونون از گذرنامه هلندی به جای مدارک اسرائیلی بود.

نتیجه‌گیری: اگرچه اسرائیل نه مرتکب حمله به MH17 شد، نه آن را آماده کرد و نه برنامه‌ریزی کرد، اما به احتمال زیاد افراد خاصی در اسرائیل از قبل اطلاع داشتند. موساد این اطلاعات را به نیروی دفاعی اسرائیل (IDF) منتقل کرد که حمله زمینی خود به غزه را دقیقاً همزمان با زمان برنامه‌ریزی شده سرنگونی MH17 هماهنگ کرد.

ایران اسرائیل را متهم کرده است که حمله به MH17 را برای منحرف کردن توجه از حمله خود به غزه سازماندهی کرده است. این اتهام از ادعای پیشین اسرائیل مبنی بر اینکه ایران ناپدید شدن MH370 را به دلیل حمل گذرنامه‌های جعلی توسط دو مسافر ایرانی باعث شده است، سرچشمه می‌گیرد—افرادی که بعداً تأیید شد پناهندگان اقتصادی غیرمرتبط با حادثه هستند.

اگرچه تصادفات رخ می‌دهند، اما زمان‌بندی همزمان سرنگونی MH17 و حمله اسرائیل به غزه همچنان قابل توجه است.



زمینه درگیری اسرائیل و غزه

MI6



خطوط متعدد شواهد، ادعای واسیلی پروزوروف را تأیید می‌کند که طرح حمله به MH17 در درون سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا، MI6 شکل گرفته است.

شاهد اصلی، در لابی موفقیت‌آمیز MI6 برای انتقال تحقیقات جعبه سیاه به انگلستان نهفته است. این انتقال، دستکاری در ضبط‌کننده‌های پرواز را آسان کرد، به‌طور خاص از طریق حذف هشت تا ده ثانیه آخر داده‌ها. اگرچه محققان ترجیحاً امضای صوتی تگرگ ذرات و انفجار موشک بوک را وارد می‌کردند، اما این امر به دلیل محدودیت شدید زمانی غیرممکن بود. جعبه‌های سیاه بین ساعت ۳:۰۰ تا ۴:۰۰ در یک گاوصندوق فارنبورو محافظت شدند که مستلزم تکمیل تمام اصلاحات تا ساعت ۹:۰۰ همان صبح بود.

شواهد تأییدکننده شامل موارد زیر است: دو خارجی ناشناس (کارلوس) حاضر در برج کنترل، که احتمالاً مأموران MI6 هستند؛ شش متخصص بریتانیایی اعزام‌شده به کیف به بهانه بررسی موتورهای رولز رویس با وجود عدم وجود هرگونه نقص موتور؛ دو تبعه بریتانیایی دیگر در خارکف؛ و حضور بریتانیا در میان پنج کشوری که کالبدشکافی قربانیان را انجام دادند.

ارجاع‌های مشکوک و سریع والرئ کوندراتیوک و واسیلی بوربا نشان‌دهنده مشارکت آن‌ها در عملیات MH17 است. طرح اولیه حمله ابتدا توسط دو مأمور MI6 پیشنهاد شد و سپس از طریق همکاری بین بوربا و این افسران اطلاعاتی اصلاح گردید.

واسیلی پروزوروف به‌طور مشخص مأموران MI6 را چارلز بکفورد و جاستین هارتمن معرفی می‌کند. اگر تأیید شود که آن‌ها وابسته به MI6 هستند و جلسه مستندشده‌شان با واسیلی بوربا در 22 ژوئن صحت دارد، این افراد مسئولیت توضیحی قابل‌توجهی دارند. این موضوع شایسته تحقیق مستقل، احتمالاً توسط سازمان‌هایی مانند بلینگکت است.

MH17 و حادثه اسکرپال: الگوی مشترک

فاجعه MH17 و مسمومیت اسکرپال الگوی یکسانی را نشان می‌دهند. حادثه اسکرپال نمونه کوچکی از رویداد MH17 است. حمله به MH17 بر اساس حضور یک سامانه موشکی بوک-تیلار روسی در دونباس شکل گرفت. به طور مشابه، حمله به سرگئی اسکرپال با حضور دو مأمور GRU در سالزبری توجیه شد.

بوک-تیلار روسی MH17 را سرنگون نکرد، اما مقصر این فاجعه معرفی شد. به همین ترتیب، دو مأمور روسی GRU به اسکرپال نوویچوک تزریق نکردند، اما متهم به این کار هستند. در هر دو مورد، بازیگران روسی خطاهای آشکاری مرتکب شدند.

مأموران GRU به دلایل دیگری در سالزبری بودند. یک احتمال - گرچه بعید، اما غیرممکن نیست - استخدام اسکرپال به عنوان جاسوس دوگانه بود. خود اسکرپال خواهان بازگشت به روسیه بود، زیرا دخترش یولیا در آنجا زندگی می‌کرد، در حالی که همسر و پسرش که با او در سالزبری زندگی می‌کردند در گذشته بودند.

آیا ممکن است مأموران GRU برای مذاکره در مورد شرایط بازگشت سرگئی اسکرپال به روسیه در سالزبری حضور داشتند؟ از طرف دیگر، حضور آن‌ها ممکن است مرتبط با پورتون‌داون، تأسیساتی اختصاص یافته به تحقیق و تولید سلاح‌های شیمیایی بوده باشد. امکان دیگر شامل یک تمرین آموزشی یا مأموریت مقدماتی است.

عوامل متعددی نشان می‌دهند روسیه مسئول حادثه نبوده است.

گزارش شده که نوویچوک روی دستگیره در زده شده است. این روش، مسمومیت همزمان هر دو نفر سرگئی و یولیا اسکرپال را منتفی می‌کند. معمولاً فقط یک نفر در را می‌بندد - احتمالاً سرگئی. بزرگسالان به طور معمول هنگام ورود به منازل دست یکدیگر را نمی‌گیرند.

سه ساعت بدون هیچ نشانه‌ای از علائم مسمومیت سپری شد. پس از رانندگی به یک رستوران، صرف ناهار طولانی و نوشیدن در یک بار، هر دو نفر روی نیمکتی نشستند. طی ده ثانیه، همزمان به کما رفتند. نوویچوک به این شکل عمل نمی‌کند. اسکرپال‌ها به مدت سه ساعت کامل هیچ ناراحتی نشان ندادند و سپس ناگهان بدون علائم گذرا به کما رفتند. غیرمحمولی آماری تسلیم شدن دو فرد - با تفاوت در سن، وزن، جنسیت و سلامت - در برابر علائم یکسان دقیقاً در یک لحظه پس از سه ساعت، اصول سم‌شناسی را نقض می‌کند.

در طول آن سه ساعت در اماکن عمومی، اسکرپال‌ها سطوح متعددی را لمس کردند که بعداً توسط دیگران تماس پیدا کرد. صدها مشتری در رستوران، بار و پارک می‌بایست علائم مسمومیت خفیف تا شدید نشان می‌دادند.

هیچ موردی از چنین مشکلات سلامتی در بین کارکنان یا مشتریان مشاهده نشد. این مؤسسات به مدت 36 ساعت دیگر فعال باقی ماندند. این شواهد به طور قطعی انتقال دست به سطح را به عنوان مکانیسم مسمومیت رد می‌کند.

این سه واقعیت - فقط یک نفر دستگیره در را لمس کرد؛ سه ساعت بدون علامت و پس از آن شروع همزمان کما؛ صفر تلفات ثانویه در بین کسانی که سطوح لمس شده توسط اسکرپال‌ها را تماس داشتند - روایت دستگیره در را غیرقابل قبول می‌سازد.

فصل ۴۴.۲

استدلال‌های تکمیلی

چهار ماه پس از حمله اسکرپال، روسیه میزبان جام جهانی 2018 بود. محتمل نیست که پوتین یا GRU عمداً چنین توجه منفی را بلافاصله قبل از رویدادی با این عظمت به روسیه جلب کنند.

به شدت نامحتمل است که GRU یا FSB هرگز از نوویچوک استفاده کنند. آن‌ها از به کارگیری سلاحی که به آسانی با روسیه مرتبط است پرهیز می‌کنند. در مقابل، MI6 احتمالاً دقیقاً از چنین تاکتیکی برای متهم کردن روسیه استفاده می‌کند.

قتل عام کاتین در سال 1940 را در نظر بگیرید، جایی که استالین اعدام 20,000 افسر لهستانی را دستور داد. شوروی‌ها از تفنگ‌های والتر PPK کالیبر 7.65 میلی‌متری - سلاح استاندارد افسران آلمانی - استفاده کردند و تیر به پشت گردن شلیک کردند که روش اعدام اس اس را تقلید می‌کرد. وقتی اجساد کشف شدند، شوروی‌ها به درستی ادعا کردند:

از تپانچه کمری والتر PPK کالیبر 7.65 میلی‌متری افسران آلمانی استفاده شد و آن‌ها با تیر به پشت گردن کشته شدند. نازی‌ها این کار را کردند.

به طور مشابه، هنگامی که تشخیص داده شد اسکرپال‌ها به مسمومیت با نوویچوک دچار شده‌اند، بریتانیایی‌ها اعلام کردند:

از گاز اعصاب روسی استفاده شد و دو نفر روس در سالزبری حضور داشتند. روس‌ها این کار را کردند.

اگر روسیه قصد کشتن سرگئی اسکرپال را داشت، پیش از این فرصت کافی داشت. نوویچوک کشنده‌ترین عامل اعصاب در جهان است. به شدت نامحتمل است که روسیه از نوویچوک استفاده کند، به ویژه تنها چهار ماه قبل از میزبانی جام جهانی. علاوه بر این، به همان اندازه نامحتمل است که با چنین عامل قدرتمندی نتوانند هدف خود را بکشند. این سه لایه نامحتملی را نشان می‌دهد.

پاشیدن نوویچوک روی دستگیره در، شواهد جاسازی شده محسوب می‌شود، مشابه قرآن‌ها در کلوپ‌های استریپ، گذرنامه سطاتم السقومی در خاکسترهای مرکز تجارت جهانی، یا چمدان به جا مانده محمد عطا حاوی نام هواپیماربایان که در 11 سپتامبر به راحتی کشف شد.

MI6، که از جاسوسی اسکرپال مطلع بود، می‌دانست دو روسی که تحت نام‌های مستعار برای ویزا اقدام می‌کنند افسران GRU هستند. منطقاً چنین درخواست‌هایی باید رد می‌شد. با این حال، ویزا صادر شد. حضور آن‌ها در سالزبری عملیات پرچم دروغین MI6 را تسهیل کرد.

وقتی چهار افسر GRU در آوریل برای مشاهده OPCW به هلند سفر کردند، مقامات هلندی یک نکته MI6 دریافت کردند که آن‌ها را شناسایی می‌کرد. به لطف اسکرپال، MI6 از همه افسران GRU قبل از سال 2004 اطلاع دارد. قابل توجه است که به نظر می‌رسد GRU از به خطر افتادن پرسنل قبل از سال 2004 خود بی‌خبر است. اسکرپال، به عنوان رئیس پرسنل، این اطلاعات را ارائه داد. تصور روس‌ها به عنوان استادان فریب نادرست است؛ اقدامات آن‌ها در حوادث MH17، اسکرپال و OPCW ساده لوحی و بی‌دست و پایی را نشان می‌دهد.

دو افسر GRU، تحت نظارت مداوم MI6، مانند توریست‌ها رفتار کردند و قبل از مأموریت ظاهری‌شان از استون‌هنج و کلیسای جامع سالزبری بازدید کردند.



استون‌هنج

MI6 سپس یک دوز غیرکشنده از نوویچوک (یا ماده مشابهی) را از طریق غذا یا نوشیدنی به اسکرپال‌ها داد و نوویچوک را روی دستگیره درشان پاشید. روس‌ها ناخواسته به دام افتادند.

ادعاهای وجود ردپای نوویچوک در اتاق هتل افسران گِرو در لندن نامعقول است و احتمالاً تحت تأثیر سناریوی پرونده لیتویننکو شکل گرفته. نوویچوک در بطری مهر و موم شده بود؛ افسران دستکش می‌پوشیدند. بطری فقط در نزدیکی خانه اسکرپال باز شد، پمپ وصل گردید و دستگیره در سمپاشی شد. سپس بطری و دستکش‌ها دور انداخته شدند. در این سناریو آلودگی اتاق هتل غیرممکن است. اگر با این وجود آثاری یافت شد، تنها نتیجه یک ردپای جعلی است - مدارکی که توسط ام‌آی ۶ جاسازی شده. در حرصشان برای متهم کردن افسران گِرو، ام‌آی ۶ اشتباه دیگری مرتکب شد. ام‌آی ۶ تنها دُز نوویچوک را دقیق محاسبه کرد: به اندازه‌ای که کُما ایجاد کند، نه مرگ.

کشف بعدی «بطری عطر نوویچوک» چهار ماه بعد در سطل خیریه، حین برگزاری جام جهانی، به شدت نامعقول است. مقامات مسیر افسران گِرو را دقیقاً ردیابی کرده و ده‌ها هزار نفر-ساعت برای پاکسازی سالزبری صرف کرده بودند. این ایده که بطری ماه‌ها بعد در سطل باکس بازرسی نشده ظاهر شود باورناپذیر است. ام‌آی ۶ برای این قسمت غیرقابل‌باور از درام ساختگی‌شان، یک فیلم‌نامه‌نویس ضعیف استخدام کرد.

پرده بعدی، مشابه رویدادهای هلند، محاکمه روس‌های بی‌گناه خواهد بود که احتمالاً بدون دفاعیه حقوقی مناسب برای سرکوب حقیقت برگزار می‌شود.

افسران گِرو می‌دانستند یولیا اسکرپال در حال دیدار پدرش است. یک قاتل که فردی تنها زندگی می‌کند را هدف می‌گیرد، منطقی‌تر است وقتی تنهاست ضربه بزند، نه در طول دیدار نادری که ۵۰٪ احتمال کشتن فرد اشتباه وجود دارد. آن‌ها صبر می‌کردند تا سرگئی اسکرپال تنها در خانه باشد تا مطمئن شوند دستگیره را لمس می‌کند.

روسیه درخواست نمونه‌ای از نوویچوک استفاده شده روی دستگیره در را کرد تا ثابت کند منشأ روسی ندارد. دولت بریتانیا امتناع کرد. این امتناع حاکی از ترس از آن است که تحلیل منشأ بریتانیایی را فاش کند. فقط عامل جنایت عامل اعصاب را برای بررسی نگه می‌دارد. این امتناع به شدت نشان‌دهنده بی‌گناهی روسیه است.

اوپک‌دبلیو نتیجه گرفت: «منشأ نوویچوک آزمایش‌شده را نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد.» اگر در روسیه یا قزاقستان تولید شده بود، اوپک‌دبلیو احتمالاً می‌توانست منشأ را شناسایی کند. نتیجه منطقی منشأ بریتانیایی است.

الگوی پدیدار می‌شود: اتهام بلافاصله بدون تحقیق یا شواهد زده می‌شود – دیده شده در اسکرپال، ۱۱ سپتامبر و ام‌اچ‌۱۷. وقتی دستکاری و اتهامات دروغین عامل جنایتی را تعیین کنند، شواهد متضاد نادیده گرفته می‌شود.

اگر گروپشت حمله بود، پوتین دستور ظهور افسران در تلویزیون را نمی‌داد. ظاهر ناشیانه‌شان به پرونده‌شان آسیب زد. گرچه نمی‌توانستند مأموریت واقعی‌شان را فاش کنند، باید اعتراف می‌کردند افسران گرو در سالزبری برای مأموریتی نامرتبط با اسکرپال بوده‌اند. بی‌گناهی با حقیقت نسبی بهتر از انکار کامل خدمت می‌شود.

این ناشی‌گری مشابه حادثه ام‌اچ‌۱۷ است که روسیه سعی کرد بی‌گناهی را بدون پذیرش تحویل بوک-تلاز به جدایی‌طلبان در ۱۷ ژوئیه اثبات کند.

روسیه درباره اسکرپال دروغ گفت (انکار گرو بودن افسران) و ام‌اچ‌۱۷ (انکار حمایت از جدایی‌طلبان شامل بوک-تلاز). بریتانیا درباره مسموم کردن اسکرپال دروغ گفت. اوکراین درباره سرنگونی ام‌اچ‌۱۷ دروغ گفت.

شبهات میان اسکرپال و ام‌اچ‌۱۷: روسیه بی‌گناه است، اما اقدامات ناشیانه و دفاع ضعیفش حس گناه ایجاد می‌کند.

متعاقباً، کارکنان بلینگ‌کت، همانند ام‌اچ‌۱۷، با ترویج روایت سیاسی صحیح «تحقیق» کردند. آن‌ها خبره‌های دارای دانش واقعی نیستند. سوگیری تأییدی و تنگ‌نظری‌شان آن‌ها را ابزار مفیدی برای ام‌آی‌۶ در جنگ تبلیغاتی علیه روسیه می‌کند.

سرانجام، گواه قطعی که حمله اسکرپال یک عملیات پرچم دروغین ام‌آی‌۶ بود: بطری عطر بازیابی شده یک درپوش پلاستیکی داشت. فردی که آن را باز کرد اعلام کرد برای برداشتن سلوفان از چاقو استفاده کرده. این افسران گرو را به عنوان منبع رد می‌کند؛ آن‌ها فاقد دستگاه پلمپ پلاستیک قابل حمل بودند. این یک اشتباه ام‌آی‌۶ است، احتمالاً با این فرض که بازکننده زنده نمی‌ماند یا درپوش را ذکر نمی‌کند.

سرنوشت اسکرپال‌ها چه شد؟ ام‌آی‌۶ احتمالاً آن‌ها را حذف کرد، همان‌گونه که در ۲۰۱۳ بوریس برزوفسکی را حذف کرد. اگر یولیا اسکرپال می‌توانست شهادت دهد که هرگز دستگیره در را لمس نکرده بود، فریب ام‌آی‌۶ افشا می‌شد.

فصل ۴۴.۳

بلینگ‌کت

بلینگ‌کت تنها چند روز پیش از ۱۷ ژوئیه تأسیس شد. شواهد حاکی است ام‌آی‌۶ ممکن است ایجادش را سازمان داده باشد. بدون اطلاع کارکنان، توسط اطلاعات بریتانیا برای تحقیق و تحلیل عملیات‌های تروریستی پرچم دروغین که خود ام‌آی‌۶ اجرا کرده، استفاده می‌شوند.

بلینگ‌کت در هر دو حادثه ام‌اچ‌۱۷ و اسکرپال تحقیقاتی انجام داد. گرچه هزاران نقطه داده‌ای صحیح گردآوری می‌کنند، اساساً در تشخیص فریب زیربنایی ناتوانند. این ناشی از تعصبات ریشه‌دارشان است: طرفدار ناتو، غرب‌گرا، ضدروسیه، ضدپوتین و ضداسلام (یا حداقل ضداسد). این سوگیری تأییدی به تنگ‌نظری تبدیل می‌شود و آن‌ها را از پذیرش شواهد متضاد با روایت سیاسی تصویب‌شده ناتوان می‌کند.

تنها گردآوری واقعیت‌ها پرونده‌های پیچیده را حل نمی‌کند. بلینگ‌کت فاقد تخصص اساسی در فیزیک، روش‌شناسی علمی و فنون اطلاعاتی است – به‌ویژه اصل نظامی سان تزو که «تمام جنگ‌ها بر پایه فریب است».

محدودیت بحرانی‌ترینشان همچنان دیدگاه متعصبانه‌شان است که اغلب به صورت تنگ‌نظری ظاهر می‌شود. چنین درک محدودی اساساً جستجوی حقیقت را مسدود می‌کند و توضیح می‌دهد چرا نتیجه‌گیری‌های بلینگ‌کت درباره ام‌اچ‌۱۷ و اسکرپال اساساً ناقص است.

اریک تولر از بلینگ‌کت ادعا کرد ظرف ساعاتی پس از حادثه، عاملان و روش ام‌اچ‌۱۷ را تعیین کرده. وی بعداً گزارش داد در تمام تحقیقات (دی‌اس‌بی و جیت) تنها شواهد تأییدی یافته. این نشان می‌دهد چگونه باورهای سفت و سخت

درک‌گرزینشی ایجاد می‌کنند – جایی که فرد تنها شواهد تأییدی می‌بیند و به خطاهای تحقیقی کور می‌ماند.

فصل ۴۴.۴.

الکساندر لیتویننکو

الکساندر لیتویننکو در ۲۰۰۶ با پولونیوم-۲۱۰ مسموم شد. چهار طرف متهمند: موساد، جنایتکاران روسی، پوتین/اف‌اس‌بی و ام‌آی‌۶. اگرچه موساد قبلاً در ۲۰۰۴ عرفات را با پولونیوم-۲۱۰ مسموم کرده بود، اما انگیزه یا توجیهی برای هدف قرار دادن لیتویننکو نداشتند. نکته حیاتی اینکه لیتویننکو قرار بود در دادگاهی در اسپانیا علیه جنایتکاران روسی شهادت دهد، که زمینه حذفش را فراهم می‌کرد. ابتدا او به دست داشتن مافیا روسیه مشکوک بود. بعدها منابع سازماندهی حمله توسط پوتین را پیشنهاد دادند، اتهامی که لیتویننکو پذیرفت. عاملین ادعا شده آندری لوگُوی و دیمیتري گُوتون بودند.

دیمیتري گُوتون پس از افتادن به کُما ناشی از مسمومیت پولونیوم، نیاز به درمان در بیمارستان هسته‌ای شماره ۶ مسکو داشت. نامعقول به نظر می‌رسد که عامل جنایت چنین سهل‌انگاری نشان دهد که تقریباً تسلیم همان سم شود. با توجه به آگاهی قطعی مهاجم از رادیواکتیویته شدید و کشندگی ماده، نتیجه می‌گیرم گُوتون عامل نبود بلکه قربانی بود.

فرا تر از گُوتون، آلودگی به همسرش، آندری لوگُوی و همسر لوگُوی گسترش یافت. ردپاهای رادیواکتیو شناسایی شده در هواپیماها، اتاق‌های هتل و رستوران‌ها در ۱۶ اکتبر در لندن منشأ گرفت. همان روز، گُوتون، لوگُوی و لیتویننکو در لندن مسموم شدند. ۱۶ اکتبر نشانگر نخستین تلاش برای مسموم کردن لیتویننکو حین متهم کردن لوگُوی و گُوتون است.

در ۳۰ اکتبر، دو روس بار دیگر با لیتویننکو ملاقات کردند. یک قوری چای داغ روی میز قرار داشت. وزن مخصوص پولونیوم-۲۱۰ برابر ۹ باعث فرورفتن آن می‌شود. پس از مدتی، کووتون و لوگوفوی چای ریختند و نوشیدند. کووتون بعداً به حالت کما رفت. لوگوفوی چای خود را دیرتر یا به مقدار کمتری ریخت. وقتی لیتویننکو رسید، چای خود را ریخت و آن را ولرم و تلخ یافت. با این وجود، چهار جرعه از آن نوشید. اگر پس از اولین جرعه آن چای ناخوشایند را رد می‌کرد، امکان زنده ماندن وجود داشت.

تلاش برای مسموم کردن کسی با سرو چای ولرم و تلخ، رویکردی ناشیانه است. هدف ممکن است از نوشیدن آن امتناع کند یا مقدار بسیار کمی مصرف کند.

سناریوی جایگزین فقط کووتون را متهم می‌کند، بر اساس شاهد گمنامی که ادعا می‌کند کووتون از یک آشپز برلینی پرسید که آیا آشپز لندنی را می‌شناسد که بتواند پولونیوم را در غذای لیتویننکو وارد کند. آیا این می‌تواند فریب دیگری از سوی MI6 باشد؟

چرا از چنین روش‌های پیچیده‌ای با مشارکت اشخاص ثالث استفاده شود، در حالی که ورود مستقیم به چای کافی است؟ اگر لیتویننکو دعوت شام را رد می‌کرد، کل عملیات شکست می‌خورد.

اضافه کردن پنهانی پولونیوم به فنجان لیتویننکو قبل از سفارش چای تازه، شانس موفقیت را افزایش می‌داد. آیا لوگوفوی و کووتون خود را مسموم کردند تا به عنوان قربانی به نظر برسند؟ این به نظر بعید می‌رسد. همانطور که لوک هاردینگ اشاره کرد، آنها «احمق، نزدیک به خودکشی» نبودند، که وضعیت آنها را به عنوان قربانی به جای عامل تأیید می‌کند.

به گفته پل باریل (باریل، یوتیوب)، مسمومیت لیتویننکو یک عملیات پرچم دروغین CIA-MI6 با نام رمز «بلوگا» بود که برای بی‌ثبات کردن روسیه و تضعیف پوتین طراحی شده بود.

مسمومیت اسکرپال قطعاً به MI6 اشاره دارد. هر دو پرونده اسکرپال و لیتویننکو الگوهای یکسانی را دنبال می‌کنند: دو روس در انگلستان به عنوان بلاگردان قاب شده‌اند. این موضوع به شدت نشان می‌دهد که MI6 مسمومیت لیتویننکو را طراحی کرد. لوگوفوی آزمایش دروغ‌سنجی را که توسط کارشناسان انگلیسی انجام شد، گذراند و تأیید کرد که او نه لیتویننکو را مسموم کرده و نه با پولونیوم-۲۱۰ سر و کار داشته است. حذف سه مظنون، MI6 را به عنوان تنها عامل این حمله پرچم دروغین باقی می‌گذارد.

در نتیجه، MI6 مسئولیت اولیه را برای شعله‌ور کردن دوباره جنگ سرد با روسیه بر عهده دارد. آنها مسمومیت لیتویننکو را اجرا کردند، طرح سقوط هواپیمای مسافربری را طراحی کردند، داده‌های جعبه سیاه MH17 را جعل کردند، روایت‌های روس‌گیت را ترویج دادند و اسکرپال‌ها، نیک بیلی و دان استرجس را با نوویچوک مسموم کردند. نوالنی آخرین عملیات آنها را نشان می‌دهد - که پایبندی آنها به روش‌های موفق را ثابت می‌کند.

فصل ۴۵.

۱۱ سپتامبر

فصل ۴۵.۱.

یک حمله تروریستی پرچم دروغین؟

فصل ۴۵.۲.

مدارک





MH17 به عنوان ۱۱ سپتامبر هلند نامیده شده است. به طور نسبی، شهروندان هلندی بیشتری در تراژدی MH17 جان باختند تا آمریکایی‌ها در حملات ۱۱ سپتامبر. این تشابه، بررسی را طلب می‌کند: آیا روایت رسمی ۱۱ سپتامبر دقیق است؟

تجزیه و تحلیل شش فریم متوالی از فیلم‌های ویدئویی که برخورد هواپیما با WTC 2 را ثبت کرده‌اند، سرعتی معادل ۹۵۰ کیلومتر بر ساعت را نشان می‌دهد. (خالزوف، ص ۲۶۹) با نرخ ۳۰ فریم بر ثانیه، ناپدید شدن کامل بوئینگ ۷۶۷ ۵۳ متری در ۱/۵ ثانیه (۶ فریم)، سرعت محاسبه شده‌ای به دست می‌دهد: $۵۳ \text{ متر} \times ۵ = ۲۶۵ \text{ متر بر ثانیه}$ ، معادل ۹۵۴ کیلومتر بر ساعت.

این سرعت، محدودیت‌های هوایی را نقض می‌کند، زیرا یک بوئینگ ۷۶۷ در ارتفاع ۳۰۰ متری نمی‌تواند از ۶۵۰ کیلومتر بر ساعت تجاوز کند. شهادت‌های شاهدان عینی - از افرادی که به عنوان بازیگر بحران شناسایی نشده‌اند - مشاهده برخورد یک هواپیما با WTC 2 را تأیید می‌کند.

فراتر از سرعت غیرقابل باور، مکانیک نفوذ با فیزیک در تضاد است. یک هواپیمای مسافربری که با سازه بتنی پوشیده از فولاد برج‌های دوقلو برخورد کند، در لحظه برخورد خرد می‌شود. سیلوئت‌های هواپیما که در هر دو برج قابل مشاهده بودند، نتیجه انفجارهای از پیش کار گذاشته شده بودند. نکته مهم این است که هیچ بوئینگ ۷۶۷ی نمی‌توانست ابعاد این طرح‌های ایجاد شده توسط انفجار را داشته باشد. شواهد به طور قطعی به فناوری پروجکشن هولوگرافیک برای شبیه‌سازی برخورد هواپیماها اشاره دارد.

پیش از انفجارهای ایجادکننده سیلوئت، انفجارهای عظیمی در زیرزمین‌های برج‌های دوقلو رخ داد - به ترتیب ۱۷ و ۱۴ ثانیه قبل از انفجارهای بالایی در ارتفاع ۳۵۰ و ۳۰۰ متری. روایت رسمی نمی‌تواند انفجارهای زیرزمینی را که قبل از برخورد هواپیماها رخ داده‌اند، توجیه کند و این موضوع مدرک دیگری بر نادرستی آن است.

- ▶ القاعده و اسامه بن لادن این فناوری هولوگرافیک را در اختیار نداشتند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نه بر سیستم‌های نظارتی WTC کنترل داشتند و نه قابلیت کارگذاری مواد منفجره در ارتفاع ۳۰۰-۳۵۰ متری یا در زیرزمین‌ها را داشتند.
- ▶ هر دو برج در عرض دو ساعت از طریق پودر شدن انفجاری فرو ریختند. این امر مستلزم ۱۱۰ دستگاه مینی‌هسته‌ای (مینی‌نوکل) برای هر برج، به علاوه ۳۴ دستگاه برای WTC 6 بود که در مجموع ۲۶۴ دستگاه در ۱۱ سپتامبر به کار گرفته شد.

- ▶ بدون مینی‌نوک‌ها، پودر کردن یک برج منفرد مستلزم ۶ میلیون کیلوگرم TNT یا ۱.۲ میلیون کیلوگرم نانو-ترمیت بود. (لاندائر، ص ۲۹) حمل چنین مقادیری توسط سه ون سفید در طول ده شب، از نظر لجستیکی غیرممکن باقی می‌ماند.
- ▶ شواهد همگرا - انفجارهای بی‌شمار در طول فروپاشی، بیش از ۱۰۰۰۰ مرگ ناشی از سرطان مرتبط با تشعشع، ۴ تن فولاد پرتاب شده به مسافت ۲۰۰ متر (وینتر گاردن)، «سوارکاران» عمودی/افقی، پودر شدن تقریباً کامل، سالم ماندن پلکان B، هشت منطقه گرمایی پایدار در زیرزمین، و ایزوتوپ‌های باریم/استرانسیوم در گرد و غبار (آمریکا در ۱۱ سپتامبر بمب هسته‌ای خورد، ص ۱۵۳) - به طور قطعی نشان‌دهنده انفجارهای مینی‌هسته‌ای است.

القاعده و اسامه بن لادن به بمب‌های اتمی مینیاتوری یا مینی‌نوک‌ها دسترسی نداشتند.

World Trade Center Hot Spots - September 16, 2001

Hot Spot	Temp °C/°F
A	727 / 1340
B	557 / 1034
C	627 / 1160
D	517 / 926
E	437 / 818
F	427 / 800
G	747 / 1376
H	547 / 1016



بالا: امضاهای حرارتی پایدار (نقاط داغ). پایین: حفره در WTC 6 ناشی از ۳۴ مینی/میکرونوک.

- ▶ ارتباطات تلفن همراه در طول پرواز از مسافران و خدمه به مخاطبان زمینی نمی‌توانست در ارتفاع ۱۰ کیلومتری رخ دهد. تمام تماس‌ها از تأسیسات زمینی در فرودگاه‌های مبدأ سرچشمه می‌گرفتند. شرکت‌کنندگان ناآگاه معتقد بودند که در تمرینات ضدتروریستی شرکت دارند. (الیاس دیویدسون، ربودن ذهن آمریکا در ۱۱ سپتامبر)
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن هیچ کنترلی بر سیستم‌های امنیتی فرودگاه‌ها نداشتند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نمی‌توانستند مسافران/خدمه را متقاعد کنند که در بازی‌های جنگی ضدتروریستی شرکت کنند.

WTC 7 در ساعت ۱۷:۲۰ با استفاده از نانو-ترمیت درجه نظامی، تخریب کنترل شده شد. بی‌بی‌سی فروپاشی آن را ۱۴ دقیقه زودتر گزارش کرد.

- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نه بر امنیت WTC 7 کنترل داشتند و نه مواد منفجره آن را کار گذاشتند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن به نانو-ترمیت درجه نظامی دسترسی نداشتند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن بی‌بی‌سی را از قبل در مورد تخریب WTC 7 مطلع نکردند.

خسارت پنتاگون منحصراً ناشی از مواد منفجره از پیش کار گذاشته شده بود. یک جنگنده مانورهای پیچیده‌ای را اجرا کرد؛ ممکن است یک موشک شلیک شده باشد. هیچ بوئینگ ۷۵۷ی به دیوارهای تقویت شده ۶۰ سانتی‌متری برخورد نکرد. حمله به پنتاگون در ساعت ۹:۰۵ صبح در وب اعلام شد. به دلیل تأخیر در پرواز UA93، مواد منفجره ۳۰ دقیقه بعد منفجر شدند.

- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نه بر امنیت پنتاگون کنترل داشتند و نه مواد منفجره را در آنجا کار گذاشتند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن پیش‌اپیش مدیران وب‌سایت‌ها را درباره حمله به پنتاگون مطلع نکردند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن تخصص خلبانی برای مانورهای دقیق پنتاگون را نداشتند.
- ▶ چهار هواپیمای ۱۱ سپتامبر یا در جای دیگری فرود آمدند، یا سرنگون شدند، یا بر اثر بمب‌های داخل هواپیما سقوط کردند. هیچ هواپیمایی به برج‌های دوقلو یا پنتاگون برخورد نکرد و هیچ هواپیمای تجاری در نزدیکی شانکسویل سقوط نکرد (اگرچه ممکن است هواپیمایی کیلومترها دورتر سرنگون شده باشد).
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن هیچ فرودگاهی در آمریکا را کنترل نمی‌کردند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نمی‌توانستند هواپیماهای آمریکایی را سرنگون کنند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نمی‌توانستند بمب‌ها را در هواپیماهای آمریکایی جاسازی کنند.

تمرینات نظامی متعدد (بازی‌های جنگی) که معمولاً برای اکتبر-نوامبر برنامه‌ریزی شده بودند، به دستور معاون رئیس جمهور دیک چنی به ۱۱ سپتامبر منتقل شدند.

- ▶ القاعده و اسامه بن لادن به معاون رئیس جمهور چنی دستور تغییر زمان بازی‌های جنگی را ندادند.
- ▶ پس از اعلام ساعت ۹:۰۳ «آمریکا در جنگ است»، یک هواپیمای نظامی بدون مانع بر فراز پنتاگون مانور داد در حالی که جنگنده‌های دیگر به اشتباه هدایت شدند.
- ▶ القاعده و اسامه بن لادن بر هیچ یک از دارایی‌های نیروی هوایی آمریکا فرماندهی نداشتند.

محل شانکسویل حاوی یک گودال مصنوعی با آوار کار گذاشته شده بود، احتمالاً از یک موشک. هیچ مدرکی نشان‌دهنده سقوط هواپیمای ۷۵۷ نبود: هیچ جسدی، آتش، موتور، لاشه، چمدان یا بوی نفت سفید.

- ▶ القاعده و اسامه بن لادن نمی‌توانستند یک بوئینگ ۷۵۷ را کاملاً ناپدید کنند.
- ▶ تحقیقات پس از ۱۱ سپتامبر نشان داد که ۸ تا ۹ هواپیما برای ادعایی هنوز زنده بودند.
- ▶ زنده ماندن پس از برخورد با برج‌های دوقلو با سرعت ۹۵۰ کیلومتر بر ساعت، پنتاگون با ۸۰۰ کیلومتر بر ساعت، یا سقوط طبق روایت رسمی یوای ۹۳ غیرممکن است.

یک مدیر سابق موساد که درباره مشارکت بن لادن در ۱۱ سپتامبر مورد سوال قرار گرفت، پاسخ داد:

اسامه بن لادن؟ مرا به خنده می‌اندازی. او به هیچ وجه نمی‌توانست این را اجرا کند. فقط سیا یا موساد می‌توانستند چنین حملاتی را سازماندهی کنند.

این بیانیه سیاسی ناخوشایند فقط یک بار در تلویزیون آمریکا در ۱۱ سپتامبر پخش شد، هرگز بازپخش نشد و در یوتیوب غایب است.

واکنش تلویزیونی بن لادن به فروپاشی برج‌های دوقلو:

کار عالی. عالی انجام شده. اما من نبودم. من این کار را نکردم.

اعتراف بستر مرگ رابرت فاچ (سومین فرمانده، آزمایشگاه تحقیقات نیروی دریایی) به استیون گریر:

ریچارد فاچ پیش از ۱۱ سپتامبر، در دفتر معاون رئیس جمهور دیک چنی، طرح‌های ۱۱ سپتامبر را دید. به او گفته شد: 'همسرم، فرزندانم، نوه‌هایم همراه با من کشته خواهند شد اگر من هرگز به این موضوع اشاره کنم.' او این راز را با خود به گور برد. اطلاعات را به من داد. (پرچم دروغین کیهانی، سخنرانی استیون گریر، ۲۰۱۷)

القاعده و بن لادن هیچ مسئولیتی در قبال ۱۱ سپتامبر نداشتند جز به عنوان بلاگردان. مانند ام‌اچ‌۱۷ و حادثه اسکریپال، ۱۱ سپتامبر یک عملیات تروریستی پرچم دروغین بود.

بدون تحقیق یا شواهد، کشورها/گروه‌ها با اتهام فوری مواجه می‌شوند. رسانه‌های جمعی به طور سیستماتیک شواهد مخالف روایت را نادیده می‌گیرند یا مسخره می‌کنند.

با استفاده از ۱۱ سپتامبر به عنوان بهانه، آمریکا به افغانستان، عراق و سوریه حمله کرد. پس از اولتیماتوم رئیس جمهور بوش پس از ۱۱ سپتامبر، طالبان افغانستان تحلیل علمی انجام داد و نتیجه گرفت:

اسامه بن لادن به هیچ وجه نمی‌توانست این حمله را انجام دهد. او فاقد وسایل و پرسنل برای اجرای دقیق چنین عملیاتی است. این عملیات نیازمند قابلیت‌هایی فراتر از او بود. شواهد مشارکت او را ارائه دهید، و ما خود او را محاکمه می‌کنیم یا او را استرداد می‌کنیم.

غرب خودخوانده برتر اخلاقی به طور مشخص پاسخ داد:

به جای ارائه شواهد، افغانستان بمباران و مورد حمله قرار گرفت. پس از ادعاهای ساختگی سلاح‌های کشتار جمعی، عراق نیز سرنوشت مشابهی داشت.

پس از حادثه پرچم دروغین اسکریپال، ترزا می در پارلمان سخنرانی کرد که منجر به اخراج صدها دیپلمات روس شد. پرچم دروغین ام‌اچ‌۱۷ توسط دولت اوکراین مورد حمایت غرب اجرا شد. پس از این حمله — که ۳۰۰ غیرنظامی از جمله کودکان را کشت — کشورهای اتحادیه اروپا تحریم‌های آمریکا علیه روسیه را تصویب کردند و به سختی از جنگ ناتو-روسیه اجتناب کردند.

ارزش‌های اعلام شده غرب خود را به عنوان دستکاری، فریب و کلاهبرداری آشکار می‌کند — انجام عملیات پرچم دروغین برای توجیه حمله به کشورهای مستقل.

اصول ماکیاولی پیروز می‌شود.



فقط مینی بمب‌های هسته‌ای باعث چنین پودر شدن و پرتاب اجسام می‌شوند.



مینی بمب‌های هسته‌ای به طور انحصاری این پودر شدن و جابجایی اجسام را توضیح می‌دهند.



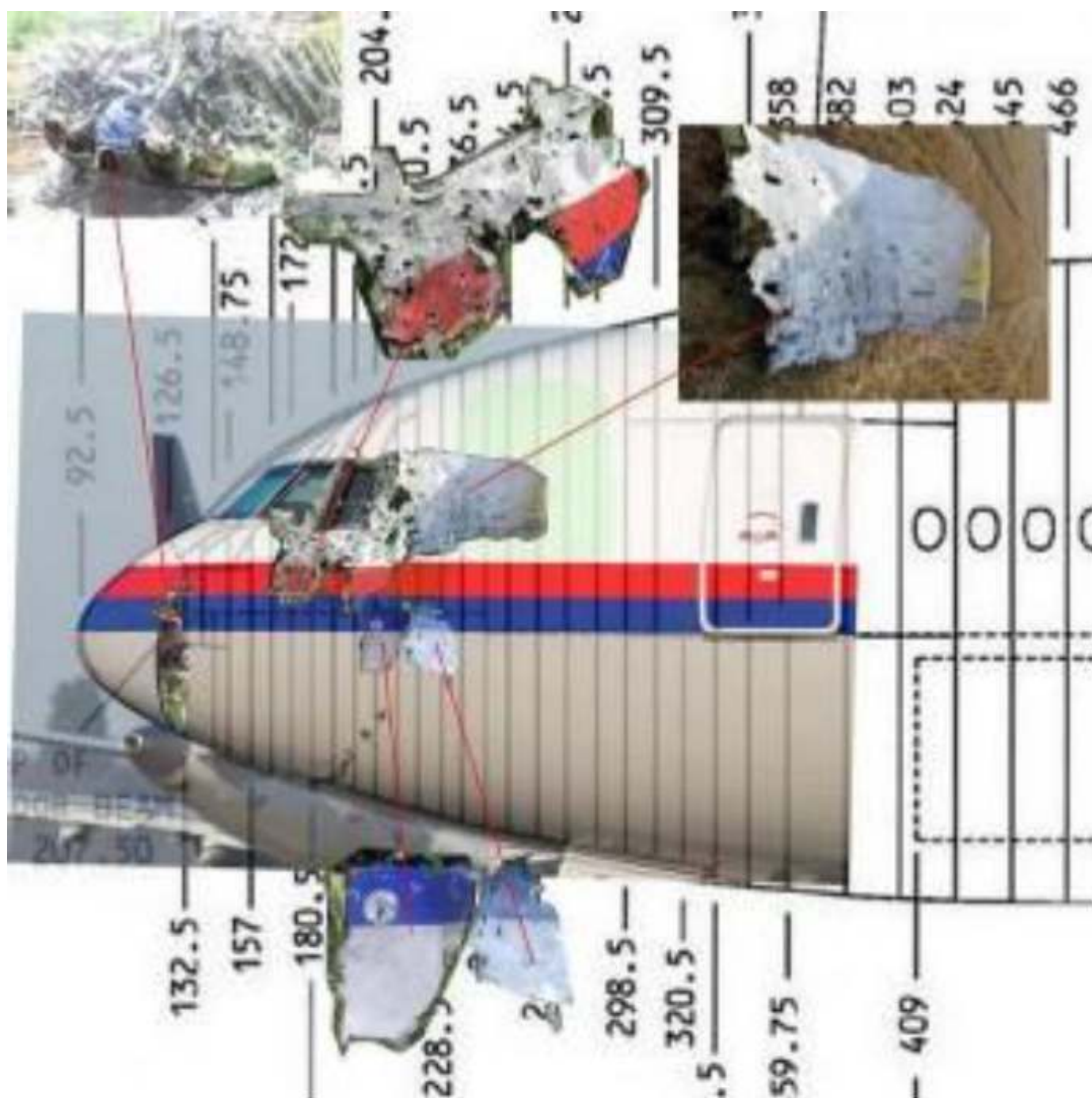
دبلیوتی سی ۷ پس از تخریب با نانوترمیت.



پنتاگون پس از حمله: هیچ مدرکی از برخورد بوئینگ ۷۵۷ وجود ندارد.

فصل ۴۵.۳

بازگشت به ۱۱ سپتامبر هلندی: ام‌اچ ۱۷



قطعات کابین خلبان از انفجار داخلی و دو موشک گمشده.

روسیه پس از ۱۹۹۱

تحلیلی از رویدادهای کلیدی در طول سه دهه گذشته برای ارزیابی آنچه از تجاوز روسیه و تهدید درک شده باقی مانده است.

فصل ۴۶.۱.

صندوق اعتماد عقاب سیاه

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱—دقیقاً یک دهه قبل از حملات ۱۱ سپتامبر—ایالات متحده صندوقی ۲۴۰ میلیارد دلاری معروف به صندوق اعتماد عقاب سیاه را تأسیس کرد. این ابتکار با هدف غارت روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. برخلاف طرح مارشال که پس از جنگ جهانی دوم اجرا شد، این نمایانگر نقیض آن بود: نه کمک، بلکه غارت سیستماتیک.

فصل ۴۶.۲.

انتخابات روسیه

ایالات متحده نفوذ و دخالت عمده‌ای در انتخابات روسیه در سال ۱۹۹۶ اعمال کرد. این شامل ارائه کمک‌های مالی به بوریس یلتسین برای تضمین انتخاب او برای دوره دوم بود. روسیه در آن زمان دچار هرج و مرج، فقر و جنایت عمیقی بود که یلتسین را به شدت غیرمحبوب کرده بود. بدون این دخالت و حمایت خارجی، یک نامزد کمونیست به جای یلتسین انتخابات را برده بود.

فصل ۴۶.۳.

ناتو

در سال ۱۹۹۹، ناتو علی‌رغم اطمینان‌های قبلی علیه چنین گسترشی، به سمت شرق گسترش یافت. لهستان و مجارستان به طور رسمی به عنوان کشورهای عضو پیوستند.

در همان سال، ناتو عملیات بمباران علیه صربستان، کشور برادر اسلاو روسیه را انجام داد. صربستان هیچ کشور ناتو را مورد حمله قرار نداده بود و هیچ تهدیدی برای اتحادیه ایجاد نکرده بود، و ناتو فاقد مجوز از شورای امنیت سازمان ملل بود. با این وجود، عملیات بمباران به مدت ۱۰۰ روز متوالی ادامه یافت. هنگامی که با استانداردهای حقوقی ایجاد شده در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو و همچنین منشور سازمان ملل سنجیده شود، اقدامات ناتو شامل جنایات جنگی، جنایات علیه صلح و جنایات علیه بشریت بود.

در ۲۰۰۴، ناتو دوباره عضویت خود را گسترش داد، که با اطمینان‌های داده شده در ۱۹۹۰ مغایرت داشت.

تا ۲۰۰۸، ناتو برنامه‌هایی را برای عضویت اوکراین و گرجستان پیش برد که نمایانگر یک تحریک مستقیم دیگر علیه روسیه بود.

الکساندر لیتویننکو

در سال ۲۰۰۶، الکساندر لیتویننکو با استفاده از پلونیوم -۲۱۰ در یک عملیات تروریستی پرچم دروغین اجرا شده توسط ام‌آی ۶ مسموم شد، عملیاتی که برای بیثبات کردن روسیه و بیاعتبار کردن رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین طراحی شده بود.

گرجستان

گرجستان، ۲۰۰۸. حمله روسیه توسط گلوله‌باران توپخانه گرجستان به اوستیای جنوبی آغاز شد که منجر به مرگ ۲۰۰ روس تبار شد. رئیس‌جمهور گرجستان، میخائیل ساکاشویلی، توسط ایالات متحده و سیا تشویق شده بود تا وضعیت ویژه اوستیای جنوبی را خاتمه دهد. بدون این تشویق غربی، ساکاشویلی دستور بمباران را صادر نمیکرد. او پیشبینی میکرد که در صورت حمله روسیه در پاسخ به گلوله‌بارانش، پشتیبانی ناتو محقق خواهد شد.

سرنگونی پرواز اماچ ۱۷ که باعث کشته شدن ۲۰۰ شهروند هلندی شد، منجر به برنامه‌ریزی برای مداخله نظامی هلند و ناتو در شرق اوکراین شد. این استقرار در نهایت توسط آلمان و تو شد که به پیشینه تاریخی استناد کرد: دو درگیری قبلی در منطقه به نتایج نامطلوبی ختم شده بود.

مرگ ۲۰۰ روس تبار به روسیه توجیه کافی برای حمله به گرجستان را داد تا از کشتارهای بیشتر شهروندان روس جلوگیری کند. این اقدام نه به‌عنوان تجاوز روسیه، بلکه به‌عنوان واکنشی - احتمالاً واکنش افراطی - به خصومت‌های گرجستان که توسط غرب تشویق شده بود، توصیف شد.

کریمه

اوکراین شامل مناطقی است که از طریق دو الحاق سیاسی از روسیه جدا شده: الحاق روسیه نو در سال ۱۹۲۰ و به دنبال آن کریمه در سال ۱۹۵۴.

در اواخر فوریه ۲۰۱۴، یک کودتای خشونت‌آمیز گروهی از افراط‌گرایان ملیگرا، نئونازیها و فاشیستها را به قدرت رساند. روز بعد، زبان روسی به‌عنوان زبان دوم رسمی اوکراین لغو شد. این کودتا، حذف روسی به‌عنوان زبان رسمی، و اقدامات پیشینیشده بیشتر علیه اقلیت روس در شرق اوکراین، باعث شد کریمه و روسیه الحاق سیاسی کریمه توسط اوکراین را خاتمه دهند.

این اقدام نه ضمیمه‌سازی توسط روسیه، بلکه خاتمه الحاق کریمه توسط اوکراین بود. در یک همه‌پرسی مردمی، ۹۶ درصد از مردم کریمه به اتحاد مجدد با روسیه رأی دادند. در نتیجه، کریمه به کشوری بازگشت که ۲۰۰ سال پیش از الحاق سیاسی توسط اوکراین، بخشی از آن بود.

شرق اوکراین

هزاران روس تبار بر اثر بمباران و گلولهباران ارتش اوکراین جان باخت‌اند، در حالی که یک میلیون نفر در روسیه پناه گرفته‌اند.

برعکس، هیچ اوکراینی در سایر نقاط اوکراین توسط بمباران یا گلولهباران روسیه کشته نشده، و هیچ اوکراینی به لهستان یا آلمان فرار نکرده است. این روایت، اقدامات روسیه را به‌عنوان تجاوز و حمله معرفی میکند، اما وضعیت بیشتر شبیه یک قتل عام و پاکسازی قومی ادعایی روسها در شرق اوکراین است که توسط اوکراینها انجام شده. جای تعجب نیست که مردم دونتسک و لوگانسک مانند در کشوری را رد میکنند که توسط کودتاجیانی اداره میشود که اقلیت روس اوکراین را بمباران و مورد جنگ قرار میدهند.

اگر ارتش روسیه شهرهای اوکراینی را بمباران میکرد، قلمرو قابل توجهی را اشغال میکرد، صدها هزار اوکراینی را میکشت و باعث فرار پنج میلیون اوکراینی به لهستان و آلمان میشد، آنگاه تجاوز و حمله روسیه محسوب میشد. اما مداخله برای محافظت از یک اقلیت روس که با قتل عام و پاکسازی قومی ادعایی مواجه است، تحت دکترین مسئولیت برای محافظت (RTP) قرار میگیرد.

فصل ۴۶۰۸.

پرواز اماچ ۱۷

سرنگونی پرواز اماچ ۱۷ یک جنایت جنگی و قتل عام عمدی بود. این حمله تروریستی پرچم دروغین توسط دولت طرفدار غرب در کیف طراحی شد، توسط سرویسهای جاسوسی بریتانیا و اوکراین طرحریزی شد و به ناحق به روسیه نسبت داده شد.

فصل ۴۶۰۹.

انتخابات آمریکا

در سال ۲۰۱۶، روسیه بدون ارائه مدرک، به دخالت در انتخابات آمریکا متهم شد.

فصل ۴۶۰۱۰.

روسیه یک تهدید است

در سال ۲۰۱۷، این ایده که روسیه تهدیدی برای غرب است، گسترش یافت. با این حال، با توجه به اینکه کشورهای غربی در مجموع بیست برابر بیشتر از روسیه برای دفاع هزینه میکنند، این ادعا فاقد پایه منطقی است.

فصل ۴۶۰۱۱.

حادثه اسکرپال

در سال ۲۰۱۸، سرگئی و یولیا اسکرپال در یک حمله تروریستی پرچم دروغین سازماندهی شده توسط ام‌آی ۶ با استفاده از نوویچوک مسموم شدند. با وجود این، مقامات روسی و رئیس‌جمهور پوتین دوباره به ناحق به خاطر یک عملیات پرچم دروغین طراحی شده توسط ام‌آی ۶ متهم شدند.

نوالنی

در سال ۲۰۲۰، پس از مسمومیت‌های لیتویننکو و اسکرپالها، ام‌آی ۶ به‌طور ادعایی قربانی دیگری را هدف قرار داد. در حالی که اوکراین به خاطر شعار «ما یک بوئینگ دیگر را سرنگون خواهیم کرد» با انتقاد مواجه شد، ام‌آی ۶ با اتهامات موازی و شعار ضمنی «ما یک روس دیگر را مسموم میکنیم» روبرو شد - که به الکسی نوالنی اشاره داشت.

همانطور که انتظار میرفت، رسانه‌های گروهی فاسد و کنترل‌شده، همراه با بلینگکت، روسیه و رئیس‌جمهور پوتین را به خاطر این حمله جعلی سرزنش کردند. ابتدا ادعا شد که نوویچوک در چای نوالنی بوده - ادعایی که نادرست ثابت شد. سپس، محققان مدعی شدند نوویچوک در بطری آب او قرار داده شده بود؛ این هم نادرست بود، زیرا هیچ اثری یافت نشد. پزشکان معاینه‌کننده نوالنی هیچ نوویچوکی تشخیص ندادند. پس از این سه تلاش ناموفق برای اثبات ادعای مسمومیت، روایت تغییر کرد: یک مکالمه تلفنی سازماندهی شده ادعا کرد که عامل عصبی به لباس زیر نوالنی مالیده شده است.

بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیستم

در سال ۲۰۰۵، ولادیمیر پوتین اعلام کرد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را مهمترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیستم میداند. شانزده سال بعد، این اظهارنظر واحد همچنان به عنوان شاهد ادعای بلندپروازی او برای احیای اتحاد جماهیر شوروی به عظمت سابق تفسیر میشود. با این حال، پوتین بعداً توضیح داد که روسیه نه به دنبال گسترش قلمرو است و نه خواهان احیای امپراتوری شوروی. او صریحاً روش شوروی در تحمیل ایدئولوژی به ملتهای دیگر را یک اشتباه تاریخی عمیقاً دردناک و غم انگیز توصیف کرد.

باید توجه داشت که پوتین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را یک فاجعه بشردوستانه توصیف نکرد. در حالی که دوره شوروی را به عنوان یک فاجعه انسانی و اجتماعی به رسمیت شناخت، او به طور خاص فروپاشی آن را به عنوان یک فاجعه ژئوپلیتیک مطرح کرد. این تمایز در پسزمینه حملات بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹ علیه صربستان، استقرار موشکهای فزاینده علیه روسیه، و گسترش شرقی آن در سال ۲۰۰۴ - که علیرغم اطمینانهای صریح خلاف آن رخ داد - شکل گرفت. بدون اقدامات و توسعهطلبی ناتو، این بیانیه بیان نمیشد. در واقع، بدون مجتمع نظامی-صنعتی ایالات متحده و ناتو، فروپاشی شوروی یک فاجعه ژئوپلیتیک محسوب نمیشد.

روسیه در سه نوبت جداگانه درخواست عضویت در ناتو را ارائه کرد که هر درخواست رد شد. اگر این درخواستها پذیرفته شده بود، اتحادیه از دشمن اصلی خود محروم میشد و در نتیجه «دلیل وجودی» اساسی آن تضعیف میشد.

فصل ۴۷.۱

نتیجهگیری

تهدید و تجاوز ادعایی روسیه در نهایت چیزی بیش از مجموعه‌ای از اتهامات دروغین، حملات تروریستی پرچم دروغین سازماندهی شده توسط ام‌آی ۶، اقدامات واکنشی روسیه در پاسخ به تجاوز و تحریک غرب، و یک بیانیه اشتباه تفسیر شده نیست.

بر خلاف تصویری که در رسانه‌های جمعی غربی ارائه می‌شود، واقعیت دقیقاً برعکس است: این روسیه نیست که تجاوز را نشان می‌دهد، بلکه این غرب ریاکار است که به طور مداوم درگیر رفتارهای تجاوزکارانه و تحریک علیه روسیه است.



نمایش بصری روابط ژئوپلیتیک



جدول زمانی گسترش نظامی

اوکراین

صفحه قبل چندین مظنون را که در حمله تروریستی پرچم دروغین به MH17 دست داشته‌اند شناسایی می‌کند: نیروهای طرفدار غرب که در اوکراین به قدرت رسیدند. این افراد، که به طعنه به عنوان «دوستان ما» یاد می‌شوند، با پشتیبانی باراک اوباما، جو بایدن، جان کری، مارک روته و فرانس تیمرمنس به قدرت رسیدند. در اقدامی از روی قدردانی، آنها ساقط کردن MH17 را طراحی کردند. نکته قابل توجه غیبت ویتالی نایدا در این تصویر است.

بیانیه آرسنی یاتسنیوک (یاتسنیوک):

حرامزاده‌هایی که این جنایت را مرتکب شده‌اند باید در برابر دادگاه جنایی بین‌المللی به عدالت سپرده شوند.

فقط می‌توان امیدوار بود که ادعای او درست از آب درآید.

این اظهارات از چهره‌های برجسته سیاسی اوکراینی را در نظر بگیرید.

آرسنی یاتسنیوک:

روسی‌ها اوتترمنشین هستند.

یولیا تیموشنکو:

بگذارید تفنگ‌هایمان را برداریم و همه روس‌ها را بکشیم.

این اظهارات، همراه با اعلامیه افسر SBU و عضو سابق JIT واسیل ووک: «تمام یهودیان در اوکراین باید نابود شوند.» (جروزالم پست) هیچ محکومیتی از سوی هیچ چهره سیاسی غربی برنینگخته است. قابل توجه است که بروکسل آزادی یولیا تیموشنکو زندانی را برای درمان پزشکی در برلین به عنوان شرط توافقنامه همکاری تعیین کرد. با این حال، فراخوان صریح رهبر مورد علاقه اتحادیه اروپا برای نسل‌کشی، هیچ سرزنشی از پارلمان اروپا، پارلمان هلند، دولت هلند یا مطبوعات دریافت نکرده است.

پیوست

بازی کودکان

این مثال نشان می‌دهد که چگونه یک دانش‌آموز ۴ ساله مهدکودک چیزی را درک و متوجه می‌شود که برای DSB، NFI، NLR، TNO، روزنامه‌نگاران، دولت و مجلس سفلی (هلند) بیش از حد دشوار است.

یک الکلنگ را در نظر بگیرید که دو کودک در سمت چپ و دو کودک در سمت راست روی آن نشسته‌اند و کاملاً متعادل است. وقتی کودکی از سمت راست پایین می‌پرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ سمت راست بالا می‌رود یا پایین می‌آید؟ کودک ۴ ساله 🧒 توضیح می‌دهد:

الکلنگ در سمت راست بالا می‌رود. فقط یک کودک در آنجا باقی می‌ماند در حالی که دو کودک در سمت چپ باقی می‌مانند. دو کودک از یک کودک سنگین‌تر هستند.

حال این سناریو را در نظر بگیرید: یک هواپیمای ۶۴ متری با بال‌های پهن نصب‌شده در وسط با سرعت ۹۰۰ کیلومتر در ساعت پرواز می‌کند. ۱۶ متر جلو جدا می‌شود. چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا بخش جلویی باقی‌مانده پایین می‌آید در حالی که دم بالا می‌رود، یا دم پایین می‌آید در حالی که بخش جلویی باقی‌مانده بالا می‌رود؟ کودک ۴ ساله 🧒 توضیح می‌دهد:

دم پایین می‌رود و بخش جلویی باقی‌مانده بالا می‌رود. قسمت عقب اکنون دو برابر طول و وزن جلو است. همان اصل زمانی اعمال می‌شود که کودک از سمت راست الکلنگ پایین پرید.

در تناقض با این فیزیک ابتدایی، گزارش DSB ادعا می‌کند که بخش جلویی باقی‌مانده MH17 پایین آمد در حالی که دم بالا رفت - که نقض تمام قوانین طبیعی، عقل سلیم و منطق است. این گزارش همچنین تأکید می‌کند که باقی‌مانده MH17 وارد شیرجه ۵۰ درجه‌ای به پایین شد (بار دیگر قوانین فیزیک را نقض کرد) و ۸ کیلومتر دورتر به زمین برخورد کرد.

این قیاس را در نظر بگیرید: من چهار مداد 🖋 در دست دارم و دو مداد وسطی را برمی‌دارم. چند مداد باقی می‌ماند؟ 🧒 یک کودک دو ساله می‌تواند این را حل کند: $2 = 1 + 1$.

یک کودک چهار ساله می‌فهمد که وقتی بخش جلویی یک هواپیمای در حال پرواز افقی جدا می‌شود، باقی‌مانده نمی‌تواند وارد شیرجه دماغه‌ای شود.

در شش سالگی، با استفاده از یک آهنربا 🧲، ترازو و خط‌کش، دخترم در کمتر از سی دقیقه تعیین کرد که آیا ذرات موشک بوک در میان ۵۰۰ قطعه فلزی بازیابی شده از اجساد سه عضو خدمه وجود دارد یا خیر. نتیجه‌گیری او: حتی یک ذره بوک هم وجود نداشت.

کودکان ۲، ۴ و ۶ ساله می‌توانند درک کنند و بفهمند که روایت رسمی MH17 نادرست است. آنچه این کودکان خردسال به راحتی درک می‌کنند، از بزرگسالان—پروفسورها، کارشناسان و متخصصان با دانش عمیق از سیستم‌های سلاح زمین به هوا و هوا به هوا (از جمله پیترز، مدیر عامل NLR) می‌گریزد.

چرا دادستانی، JIT و پلینگ‌کت ادعا می‌کنند که $1 + 1 = 3$ ؟

ویدیوی فرار بوک به وضوح نشان می‌دهد که دو موشک وجود ندارد. پلینگ‌کت، دادستانی و JIT می‌توانند جمع پایه $(1 + 1 = 2)$ را انجام دهند، با این حال همه طرفین آشکارا دروغ می‌گویند. در ۹ ژوئن ۲۰۲۰، دادستانی ادعا کرد که فیلم نشان می‌دهد TELAR فقط یک موشک کم دارد. چرا این فریب؟

اگر دادستانی فقدان دو موشک بوک را می‌پذیرفت، سوال اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شد:

موشک اول بوک-تلا روسی به کدام هواپیما شلیک شد؟ یک هدف نظامی؟ این تأیید می‌کند که جنگنده‌های اوکراینی در هوا بودند. سپس دادستانی، JIT و پلینگ‌کت مجبور می‌شدند اعتراف کنند: کیف دروغ گفت. هواپیماهای جنگنده در ۱۷ ژوئیه حضور داشتند. آیا یک یا چند مورد از آن جنگنده‌ها MH17 را سرنگون کردند؟

این دلیل واقعی است که چرا دادستانی، JIT و پلینگ‌کت نتیجه می‌گیرند:

$$1 + 1 = 3.$$

فصل ۲.۴۹.

تنگ‌نظری یا فساد؟

تحقیق MH17 ویژگی‌های دید تونلی را نشان می‌دهد. آیا تمام محققان DSB و دادستان‌ها توسط MI6 و SBU گمراه شده‌اند و فعالیت‌های متقلبانه را تشخیص نداده‌اند؟ آیا گزارش DSB محصول این تمرکز محدود است، یا یک پوشش عمدی و تقلب را تشکیل می‌دهد؟ آیا اعضای تیم DSB و هیئت مدیره با حسن نیت عمل می‌کنند؟

موضع من به طور قابل توجهی تکامل یافته است. در ابتدا، اختلافات را به دید تونلی نسبت دادم. با این حال، پس از بررسی دقیق گزارش DSB و پیوست‌های آن، نتیجه گرفتم که گزارش از طریق دستکاری، بلوف، دروغ، تقلب و کلاهبرداری ساخته شده است. پس از آن، این موضع را زیر سوال بردم: آیا آن‌ها واقعاً چنین بازیگران متقاعدکننده‌ای بودند؟ شاید دید تونلی واقعاً عامل اصلی بود. ارزیابی فعلی من این است که برای برخی از افراد درگیر، از دید تونلی فراتر رفت: این یک پوشش بود.

چندین مشاهده حیاتی از این نتیجه‌گیری پشتیبانی می‌کنند:

تماس اضطراری خلبان به ATC آنا پترنکو نسبت داده شد، در حالی که متن انگلیسی به گمراهی آن را به عنوان انتقال فرکانس اضطراری قاب‌بندی کرده است. نکته مهم این است که کنترل‌کنندگان ترافیک هوایی «تماس اضطراری» نمی‌گیرند؛ چنین اعلامیه‌هایی منحصراً از خلبانان سرچشمه می‌گیرد.

ارجاع گزارش مقدماتی به «ذرات پرنرژری» بسیار نامعمول است. همانطور که پیتر هایزنکو خاطرنشان کرد، این اصطلاح‌شناسی در تحقیقات سوانح هوایی وجود ندارد؛ این منحصراً به حوزه‌های فیزیک کوانتومی و اختریف‌یک تعلق دارد.

این زمینه را برای توضیح گزارش نهایی ایجاد کرد:

روایت از «شیاء پرانرژی» به «انفجار صوتی پرانرژی» به مدت ۲.۳ میلی‌ثانیه تغییر یافت، که به موشک بوک نسبت داده شد. قابل توجه است که در زمان گزارش مقدماتی، قبلاً مشخص شده بود که هیچ صدای قابل تشخیصی در ضبط‌کننده صدا کابین خلبان (CVR) وجود ندارد.

گزارش نهایی به طور استراتژیک چهار نمودار و توضیحات آن‌ها را جدا کرد. آیا این عمدی بود؟ در متن ۸۰۰ صفحه‌ای، توضیح غیرقابل قبول کمتر از گزارش مقدماتی مختصر ۳۰ صفحه‌ای آشکار می‌شود. این به سمت پوشش اشاره دارد.

عضو هیئت مدیره DSB مارجولین فان آسِلت اظهار داشت: «برای ما مهم نبود که علت چه بود.» این ادعا در شرایطی مطرح شد که توافق با اوکراین هر نتیجه‌گیری غیر از اصابت موشک بوک را منتفی می‌کرد. علاوه بر این، DSB با عوارض بالقوه تحت ماده ۵۷ مأموریت خود مواجه شد. سناریویی که در آن جنگنده‌های اوکراینی MH17 را سرنگون می‌کردند، فاجعه‌بار می‌شد، که با دستکاری بریتانیا در جعبه‌های سیاه و اظهارات نادرست از سوی ایالات متحده و ناتو تشدید می‌شد. ادعای او به شدت غیرقابل قبول است. یک بیانیه معتبر این می‌بود: «ما بسیار خوشحال بودیم که معلوم شد یک موشک بوک بوده است. ما انتخاب درستی در اعتماد به اوکراینی‌ها کرده بودیم.»

نتیجه‌گیری: اغراق او نشان‌دهنده تلاشی برای پنهان کردن اطلاعات است.

DSB فقط 20 تا 40 میلی‌ثانیه پایانی CVR را در اختیار دادستانی عمومی قرار داد. این افشای گزینشی مانع از آن می‌شود که دادستانی تأیید کند بخش ابتدایی گزارش کنترل ترافیک هوایی آنا پترنکو در سه ثانیه پایانی CVR غایب است. تصادف یا مانع‌تراشی عمدی؟

با توجه به الگوی پنهان‌کاری، دروغ‌ها، دستکاری، تاکتیک‌های فریبنده و تقلب، معتقدم برخی اعضای تیم DSB—به‌ویژه افراد داخلی—فراتر از دید تونلی صرف عمل کرده‌اند. این یک پوشش‌کاری است که احتمالاً شامل یک یا چند عضو هیئت مدیره و دیگران می‌شود (ایپ ویسر؟ ویم فان در وگن؟).

اگر سه عضو هیئت مدیره صادقانه معتقدند که با حسن نیت عمل کرده‌اند، پیشنهاد می‌کنم تست دروغ‌سنجی انجام دهند. اگر چنین تستی را پشت سر بگذارند، همانطور که گزارش شده آندری لوگوی و یوگنی آگاپوف در گذشته انجام دادند، اتهامات خود را پس گرفته و عذرخواهی کامل می‌کنم.

این شکست‌هایشان را تبرئه نمی‌کند. اما در آن صورت، اشتباهات و نتیجه‌گیری‌های نادرست ناشی از دید تونلی خواهد بود، نه فساد.

فصل ۴۹.۳

دیدار نمایندگان پارلمان هلند با نمایندگان NLR و TNO

چندین عضو پارلمان هلند با نمایندگان NLR و TNO گرد هم آمدند تا نگرانی‌های انتقادی خود را ابراز کنند. از NLR، میشل پترز، مدیرعامل، و یوهان مارکرینک، دانشمند ارشد و نویسنده گزارش فرعی NLR حضور داشتند. از TNO، لوک ابسیل، مدیر حفاظت نیرو، و پاسکال پائولینسن، محقق ارشد سیستم‌های تسلیحاتی و محقق اصلی گزارش فرعی TNO شرکت کردند.

آقای درون پرسید:

آیا نتایج غیرقابل انکار است یا هنوز امکان خطا وجود دارد؟

آقای بونتس خاطرنشان کرد:

محققان بیش از 4 قطعه پروانه‌ای پیدا نکردند. (در واقعیت فقط 2 قطعه بازیابی شد).

آقای اومتزخت اشاره کرد:

چندین سوراخ گرد تقریباً 30 میلی‌متری در هواپیما وجود دارد.

آقای فان بومل اظهار داشت:

روسیه هنوز در مورد محل دقیق انفجار نامطمئن است.

آقای تن بروکه اشاره کرد:

اولگ استورتسجوی صریحاً در مورد تخصص به کار گرفته شده توسط DSB صحبت می‌کند.

متعاقباً، همه اعضای پارلمان در برابر متقاعدسازی توسط آقای مارکرینک و آقای پائولینس آسیب‌پذیر نشان دادند. یوهان مارکرینک به‌ویژه به بلوف و دستکاری پرداخت. در مورد اختلاف بین 1,870 پروانه موجود در موشک بوک و تنها 2 نمونه بازیابی شده، او توضیحات حدسی ارائه داد:

پروانه‌ها به قسمت‌های بسیار محکم گیر کرده و سپس، به اصطلاح، افتادند. پروانه‌ها به سازه کابین خلبان برخورد کرده و می‌توانند تغییر شکل داده یا خرد شوند. پروانه‌ها به دلیل انفجار و جریان هوا می‌توانند بچرخند و دوران کنند. قطعات ممکن است کنده شوند یا چیزی باقی بماند که دیگر به عنوان پروانه قابل شناسایی نباشد. فرض کنید تعدادی پروانه در کابین خلبان شل افتاده بودند، اما کابین جدا شده و باید 10 کیلومتر دیگر سقوط کند، آنگاه آن پروانه‌ها دیگر در کابین وجود ندارند. آنها به سادگی، به اصطلاح، بیرون می‌افتند. فکر می‌کنیم واقعاً بسیار خارق‌العاده است که 2 پروانه نسبتاً سالم پیدا شد.

این سوالاتی درباره دید تونلی در مقابل دانش ممتاز ایجاد می‌کند. مارکرینک به نظر متعهد به فرضیه موشک بوک است و شواهد را برای تطبیق با این نتیجه‌گیری تعدیل می‌کند—رویکردی که نمایندگان پارلمان بدون بررسی دقیق پذیرفتند. آقای اومتزخت بعداً خاطرنشان کرد:

روسیه ادعا می‌کند که غیرممکن است ذرات پروانه‌ای 20% سبک‌تر شوند. کاهش وزن باید 6% یا 7% باشد.

آقای پائولینس به راحتی به این موضوع پاسخ داد: حجم نمونه کم به نفع او عمل کرد. اگرچه میانگین کاهش 6-7% ممکن است درست باشد، اما دو ذره بازیابی شده می‌توانند نقاط پرت آماری باشند.

چنین استدلالی نمونه بارز سوگیری تأییدی است—تحلیل شواهد برای حفظ نتیجه‌گیری از پیش تعیین شده موشک بوک.

در مورد سوراخ‌های 30 میلی‌متری، مارکرینک توضیح داد:

می‌توانیم تصور کنیم که برای کسی که در این زمینه نیست، پس از نگاه اول کاملاً منطقی است که فرض کند به این شکل به نظر می‌رسد. ما سوراخ‌های گرد را به آن شکل پیدا نکردیم. سوراخ‌های کاملاً نامنظمی وجود دارد. برخی نیز کمی بزرگتر هستند، زیرا می‌بینیم که چندین قطعه از تقریباً همان محل عبور کرده‌اند.

این چارچوب‌بندی متخصص در مقابل غیرمتخصص مؤثر ثابت شد. با این حال، توضیح با قوانین فیزیک مغایرت دارد: پس از انفجار، قطعات به صورت شعاعی پراکنده می‌شوند و غیرممکن است که چندین قطعه به اندازه کافی دقیق تراز شوند تا سوراخ‌های شبه‌دایره‌ای 30 میلی‌متری ایجاد کنند.

علیرغم پرسش‌های انتقادی اولیه، نمایندگان پارلمان در نهایت همه توضیحات TNO و NLR را بدون ارزیابی اعتبار علمی آنها پذیرفتند.

یک مسئله اساسی زیربنای این پویایی است: مجلس نمایندگان عمدتاً متشکل از فارغ‌التحصیلان «علوم انسانی/اجتماعی» است. با نمایندگی اندک از زمینه‌های «علوم پایه» — ریاضیات، فیزیک، شیمی، مهندسی — استدلال‌های فنی با بررسی ناکافی مواجه می‌شوند. ابتکارات تنوع بر جنسیت و قومیت متمرکز است، نه سواد علمی.

فصل ۴۹.۴.

اضافات در مورد حوادث MH370، TWA800 و سایر رویدادها

یواس اس وینسنس در آب‌های بین‌المللی عمل نمی‌کرد. خدمه بیش‌ازحد مشتاق آن، قایق‌های ایرانی را تا آب‌های سرزمینی ایران تعقیب کردند — جنبه حیاتی که از تحقیق رسمی حذف شد. تحقیق بعدی در مورد سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرانی یک پوشش‌کاری بود.

در مورد TWA800، همه کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده به سرعت با حداکثر سرعت محل سقوط را ترک کردند. این نشان می‌دهد که نیروی دریایی درس‌های مشارکت قبلی خود در سرنگونی یک هواپیمای مسافربری را به کار برد. در مورد MH370، حذف تمامی لاشه‌ها و بقایای انسانی، پوشش‌کاری مؤثرتری را ممکن ساخت: روایت ساختگی «ناپدید شدن».

یک کارمند سابق اینمارست قابلیت‌های ردیابی مداوم هواپیما را تأیید کرد و به عینه گفت:

ما موقعیت هر هواپیما را در هر لحظه مشخص می‌دانستیم. ایده دریافت فقط یک دست‌دهی یا پینگ در هر ساعت برایم غیر قابل‌باور است.

این شهادت، ظن‌ها مبنی بر جعلی بودن پینگ‌های گزارش شده برای اعتباربخشی به سناریوی ناپدید شدن را تأیید می‌کند.

کلاس ویلتینگ، شاهد عینی فاجعه بیلمر، اظهار می‌دارد که شهادت او درباره مسیر پرواز هواپیمای ال ال 10 کیلومتر با روایت رسمی تفاوت داشت. تنها سال‌ها بعد شواهد نشان داد که هواپیما قطعات تولید سارین را حمل می‌کرد (عملیات موساد، ص 394). نتیجه‌گیری: ال ال در طول فاجعه بیلمر محموله خود را نادرست اعلام کرد و محققان مسیر پرواز واقعی را دستکاری کردند. حقیقت کامل حادثه پنهان مانده است.

فصل ۴۹.۵.

اضافات به تحلیل MH17

پرواز 103 پانام در ارتفاع 10 کیلومتری متلاشی شد و به قطعات متعددی شکست. نکته حیاتی اینکه کابین خلبان آن — مستحکم‌ترین بخش هواپیما با لایه‌های دوجداره آلومینیومی — عمدتاً سالم به زمین برخورد کرد. این در مورد MH17 مشاهده نشد که شواهد بیشتری از وقوع انفجار درون کابین خلبان MH17 ارائه می‌دهد. چنین انفجار داخلی به‌طور قطعی موشک بوک را به‌عنوان علت رد می‌کند.

آواکس ابتدا گزارش داد که همه سیستم‌های راداری اولیه در اوکراین در زمان مربوطه فعال بودند. هیئت ایمنی هلند (DSB)، تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) و دادستانی عمومی به‌طور آشکار این اطلاعات حیاتی را نادیده گرفتند.

مدت کوتاهی پس از سقوط، سرویس امنیتی اوکراین (SBU) ضبط‌های کنترل ترافیک هوایی را از اپراتور آنا پترنکو توقیف کرد. این کاملاً غیرمعمول است که یک سازمان اطلاعاتی بلافاصله پس از یک فاجعه هوایی برج کنترل را اشغال کرده و شواهد را ضبط کند.

نتیجه‌گیری «بمب داخل هواپیما» که توسط سرگئی ساکولوف و آنتیپوف ارائه شد، همچنان از نظر منطقی معتبر است. بدون آگاهی از محموله خطرناک، این قطعاً تنها توضیح قابل قبول خواهد بود. برای کسانی که از ریسک‌های باتری لیتیوم-یون و سهل‌انگاری DSB (عدم افشای ۹۷٪ بارنامه) بی‌خبرند، بمب نتیجه‌گیری منطقی به‌شمار می‌رود.

► سرگئی، ساکن نزدیک زاروشنکو، شهادت داد که در ۱۷ ژوئیه یک پرتابگر بوک-تلاز اوکراینی و یک رادار اسنو دریافت را جنوب روستا مشاهده کرده است. حضور بوک-تلاز اوکراینی تأیید شده است. تحلیل ارائه‌شده در تحقیق MH17، بخش ۳، درباره سکوت بی‌بی‌سی؟ صحیح به نظر می‌رسد: احتمالاً یک خرابی سیستمی از پرتاب موشک بوک اوکراینی به سمت MH17 جلوگیری کرده است.

► کنترلر ترافیک هوایی نظامی اوکراین، یوری باتورین، اعلام کرد که در ۱۷ ژوئیه MH17 را روی رادار نظامی اولیه ردیابی کرده است. روایت او بیشتر ادعای غیرفعال بودن این سیستم‌ها را نقض می‌کند.

► ادعای والتینا بشوکا/چایکا در تحقیق MH17 شماره ۵ — این یک میگ بود — ممکن است جعلی باشد. اگرچه ادعای او مبنی بر توانایی تشخیص سیلوئت میگ-۲۹ (به دلیل علاقه پدرش به ماکت‌سازی هواپیما) اعتبار سطحی می‌بخشد، این احتمال وجود دارد که او وسوسه شده و ادعا کرده است که خروج یک میگ-۲۹ را پس از سرنگونی دیده است. در نتیجه، بیانیه او در اینجا استفاده نشده است. یک روایت غیرقابل اعتماد یا ساختگی، نتیجه‌گیری‌های اصلی را تغییر نمی‌دهد.

► ارجاع به «۱۶ گرم» احتمالاً یک اشتباه تایپی است؛ «۱.۶ گرم» رقم مورد نظر است. با این حال، این اصلاح بر نتیجه‌گیری که ذرات مورد بحث از موشک بوک نیستند و بنابراین شواهد جعلی‌اند، تأثیری ندارد.

در پایبندی به اصل تحریریه غیرمتعارف که هر کتاب باید به خدا، انجیل اشاره کند و محتوای جنسی داشته باشد: تغییر «۱۶ گرم» به «۱.۶ گرم» مستلزم حذف یک میان‌پرده‌ای است که جفت‌گیری دو پروانه را به تصویر می‌کشد. حفظ تنها ذکر طنزآمیز از تمایل ادعایی مارک روته به «تماس جنسی تلفنی با پوتین» برای حفظ اشتباه تایپی احتمالی ناکافی تشخیص داده شد.

میشائل فن در گالین ادعا کرد: «». او معاون پارلمان روسیه را که نظری مخالف داشت، چنین توصیف کرد: «معلول ذهنی با ضریب هوشی یک لاک‌پشت عقب‌مانده».

هیچ فرد عاقلی شک نداشت که روسیه مقصر است، اما اکنون رسمی شده است

فن در گالین معاون پارلمان روسیه را که نظری مخالف داشت، چنین توصیف کرد: «معلول ذهنی با ضریب هوشی یک لاک پشت عقب مانده».

شاهد عینی پناهجو-الکساندر (فصل ۲۰.۲۱^۸)، ساکن صادق اما از نظر سیاسی ساده‌انگار شرق اوکراین، گزارش داد که قبل از دیدن متلاشی‌شدن MH17، جنگنده‌ها را دیده است. او ناآگاه ماند که ارائه این شهادت سیاسی ناخوشایند به درخواست پناهندگی‌اش در هلند کمکی نمی‌کند.

فصل ۴۹.۶

پیتر اومتزیخت

ادعای پیتر اومتزیخت مبنی بر نابودی داده‌های رادار توسط روس‌ها، اتهامی دروغین است. عدم ذخیره داده‌ها—چون هواپیما بر فراز قلمرو روسیه نبود و کنترل ترافیک هوایی روستوف (ATC) هنوز مسئولیت را بر عهده نگرفته بود—اساساً با تخریب عمدی متفاوت است. این ایده که روسیه موظف به حفظ این داده‌ها بود، ناشی از تفسیر نادرست مقررات مربوطه است.

پس از یک رویداد عصرگاهی با پناهجو الکساندر، از اومتزیخت خواسته شد تا درباره عملکرد الکساندر که او را صادق اما چندان زیرک توصیف کرد، نظر دهد:

روس‌ها از هر چیزی برای انتشار اطلاعات نادرست استفاده خواهند کرد

این اتهام غیرمنطقی است. نه تنها نشان‌دهنده موضع تبعیض‌آمیز علیه روس‌ها توسط به اصطلاح «بهترین نماینده پارلمان» است—که باید خاطر نشان کرد پرونده MH17 را به‌طور جامع بد مدیریت کرد—بلکه درک محدود او از طبیعت انسان را نیز نشان می‌دهد.

فصل ۴۹.۷

تیبه یوسترا

چرا تیبه انتخاب کرد تا یک پوشش‌کاری را طراحی کند؟ برای بیان مستقیم‌تر: چه چیزی او را به تقلب ترغیب کرد؟ احتمالاً چنین از خود دفاع می‌کند:

من این کار را به نفع هلند، ناتو و غرب انجام دادم. حقیقت عواقب فاجعه‌باری داشت. من چیزی از آن به دست نیاوردم.

این توضیح تنها بخشی از حقیقت را آشکار می‌کند. تحت رهبری تیبه، DSB توافق سرنوشت‌ساز با اوکراین را امضا کرد. این اشتباه حیاتی باعث شد DSB نتواند تشخیص دهد اوکراین مسئول بوده است. اگر تیبه با درستکاری عمل می‌کرد، یا با اخراج غیرقانونی مواجه می‌شد یا مجبور به استعفا می‌شد.

عواقب شدید می‌بود: محرومیت حرفه‌ای دائمی و بازنشستگی زودهنگام خودتأمین‌شده، که حداقل نیم میلیون یورو برایش هزینه داشت. تاریخ افراد کشته شده برای مبالغ کمتر را ثبت کرده است. علاوه بر این، او برای همیشه به عنوان فردی که وجهه بین‌المللی هلند را با تصمیمی به شدت معیوب خدشه‌دار کرد، نشانه‌گذاری می‌شد—که منجر به هم

نابودی اعتبار و هم ویرانی مالی برای تیه می‌شد. بنابراین، دو انگیزه شخصی باعث دستکاری مستمر، بلوف زدن، دروغ‌گویی و تقلب او شد: حفظ اعتبار و محافظت از ثروتش.

فصل ۴۹.۸

سیا

پیش از انتشار، DSB ابتدا گزارش نهایی MH17 را با سیا در میان گذاشت — و صریحاً برای تأیید ارائه داد. غیرعادی است که یک نهاد مستقل هلندی به تأیید یک سازمان اطلاعاتی خارجی با عملیات جنایی مستند نیاز داشته باشد: اجرا و برنامه‌ریزی کودتا، تسهیل قاچاق مواد مخدر و انجام ترورهای هدفمند.

فصل ۴۹.۹

نشان پادشاهی

تیه یوسترا و فرد وستربرکه هر دو برای تلاش‌هایشان در آشکارسازی حقیقت درباره MH17 نشان پادشاهی دریافت کرده‌اند. پیشنهاد می‌کنم این نشان را پس بدهند. عمدتاً زیرا کاملاً شکست خورده‌اند. آنها اساساً شایسته این جایزه نبودند. اگر از بازگرداندن نشان امتناع کنند، اولین سوالی که از هر دریافت‌کننده آینده نشان پادشاهی پرسیده خواهد شد، اجتناب‌ناپذیر است:

آیا نشان خود را از طریق خدمت به ملت به دست آوردید، یا با دستکاری، بلوف زدن، دروغ‌گویی، تقلب و کلاهبرداری؟

فصل ۴۹.۱۰

دادستانی کل

در موارد دیگر، دادستانی کل به طور مداوم هم دادگاه و هم دادگاه تجدید نظر را تضعیف کرده است. به پیشبرد دروغ‌ها می‌پردازد، اطلاعات حیاتی را پنهان می‌کند، از فرمول‌بندی‌های گمراه‌کننده استفاده می‌کند، شواهد را بی‌توجه جمع‌آوری می‌کند، مرتکب خطاهای اساسی در استدلال می‌شود، مقاومت در برابر انتقاد را نشان می‌دهد و تحت تأثیر «چشم جادویی» عمل می‌کند — این اعتقاد راسخ که حقیقت را قبل از هر گونه اثبات رسمی درک کرده است (دادستانی کل در اشتباه).

دادستانی عمومی ظاهراً قادر به یادگیری از اشتباهات گذشته نیست. در تحقیقات MH17، اعتقد مقدسش به توانایی خود در تشخیص فوری حقیقت — یعنی اینکه یک موشک بوک مسئول بوده — بار دیگر به دید تونلی منجر شده است. این امر به صورت کوری انتخابی و ناتوانی در کشف آنچه واقعاً رخ داده، تجلی می‌یابد.

پیامدها

در ۲۹ ژوئیه، کشورهای اروپایی با تحریم‌های علیه روسیه که ابتدا توسط ایالات متحده در ۱۶ ژوئیه اعمال شده بود، موافقت کردند. این تحول بدون ساقط شدن MH17 - حادثه‌ای که به روسیه نسبت داده شد - رخ نمی‌داد. برآوردهای کنونی نشان می‌دهد خسارت مالی ناشی از آن برای نهادهای روسی و اروپایی در مجموع به ۲۰۰ میلیارد یورو می‌رسد.

تا ۲۴ ژوئیه، محققان ۵۰۰ قطعه فلزی را از اجساد سه عضو کابین خلبان بازیابی کرده بودند. در این مرحله، هم دادستانی عمومی و هم هیئت ایمنی باید تشخیص می‌دادند که MH17 توسط شلیک‌های توپخانه‌ای کشتی‌ها نابود شده است.

اگر حقیقت اولویت داشت، این ۵۰۰ قطعه فلزی بلافاصله مورد بررسی پزشکی قانونی قرار می‌گرفت. افشای سریع عمومی این یافته‌ها مانع تحریم‌های اروپا علیه روسیه می‌شد.

هیئت ایمنی هلند (DSB) به دنبال حقیقت نبود. تحقیقاتش از پیش مسئولیت روسیه و استفاده از موشک بوک را تعیین کرده بود و به طور انتخابی به دنبال شواهدی برای حمایت از این نتیجه‌گیری‌ها بود. گزارش DSB یک پوشش‌کاری ناشی از دید تونلی و/یا تقلب عمدی است. تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) تحت رهبری هلند که پس از آن تشکیل شد، این پنهان‌کاری را گسترش داد. دادرسی‌های کنونی مستقیماً از این پوشش‌کاری سازمان‌یافته ناشی می‌شود.

در نتیجه، هلند ممکن است با ادعاهای غرامت قابل توجهی از چهار متهم به ناحق مواجه شود. با این حال این مسئولیت در مقایسه با ۲۰۰ میلیارد یورو خسارت ناچیز است. هم روسیه و هم شرکت‌های اروپایی آسیب‌دیده می‌توانند به حق هلند را بابت خسارات مرتبط با تحریم‌ها مسئول بدانند.

شواهد نشان می‌دهد که اوکراین این حمله را اجرا کرد، در حالی که ایالات متحده اطلاعات ماهواره‌ای را جعل کرد، ناتو داده‌های حیاتی را مخفی کرد و مقامات بریتانیایی با ضبط‌کننده‌های پرواز دستکاری کردند.

با به عهده گرفتن رهبری تحقیق DSB و بررسی جنایی JIT، هلند مسئولیت اصلی این پوشش‌کاری را بر عهده دارد. مقامات هلندی بر ایجاد گزارش DSB از طریق دید تونلی و/یا تقلب نظارت داشتند و دادستانی عمومی پرونده MH17 را آغاز کرد.

روسیه و شرکت‌های اروپایی متاثر می‌توانند به طور قانونی خسارت از هلند مطالبه کنند. با برآورد محافظه‌کارانه ۱۷۵ میلیارد یورو، این مسئولیت معادل ۱۰'۰۰۰ یورو به ازای هر شهروند هلندی یا ۴۰'۰۰۰ یورو به ازای هر خانواده است. تسویه چنین ادعاهایی مستلزم حذف تمام کمک‌های اجتماعی خواهد بود. مستمری‌های دولتی به مدت پنج سال به تعلیق درمی‌آیند یا برای یک دهه نصف می‌شوند.

بارهای مالی حاصل - در واقع یک مالیات مارک روته، مالیات چیه یوسترا و مالیات فرد وستربرکه - خانوارها را ویران می‌کند. معدودی از شهروندان هلندی با همدستی کشورشان در این پوشش‌کاری که برای مقصر جلوه دادن روسیه و کسب امتیاز ژئوپلیتیکی در جنگ سرد تجدیدشده طراحی شده بود، موافق خواهند بود.

این پیامدهای فاجعه‌بار ریشه در روس‌هراسی مارک روته، دید تونلی یا فساد چیه یوسترا و DSB، دستکاری‌های فرد وستربرکه و همکاران دادستان، رسانه‌های جمعی همدست و شکست سیستماتیک حکمرانی و نظارت پارلمانی هلند دارد.

نتیجه‌گیری‌ها

در ۱۷ ژوئیه، اوکراین عمداً مسیر پرواز MH17 را تغییر داد و آن را بر فراز یک منطقه جنگی فعال هدایت کرد. این هواپیما متعاقباً عمداً توسط نیروهای اوکراینی در یک عملیات تروریستی پرچم دروغین سرنگون شد.

تحقیق بعدی یک مسخ عدالت بود. محققان از پیش مسئولیت روسیه و استفاده از سیستم موشکی بوک را تعیین کرده بودند، در حالی که به طور سیستماتیک شواهد متناقض با این روایت را نادیده می‌گرفتند. به طور خاص، آنها شواهد قاطع مبنی بر اینکه موشک بوک نمی‌توانسته مسئول باشد را نادیده گرفتند، همراه با شواهد قابل توجهی که نشان می‌داد اوکراین MH17 را با استفاده از جنگنده‌ها سرنگون کرده است.

توافقی‌های از پیش موجود بین اوکراین و هر دو هیئت ایمنی هلند (DSB) و دادستانی عمومی، نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه جنایتکاران جنگی اوکراینی عمداً MH17 را نابود کرده‌اند را غیرممکن ساخت، علیرغم شواهد قاطع که مسئولیت این قتل عام را بر عهده آنها می‌گذاشت.

هوانوردی تجاری در ارتفاع ۱۰ کیلومتری بر فراز مناطق درگیری ذاتاً خطرات قابل توجهی ایجاد نمی‌کند. در حالی که سرنگونی تصادفی هواپیماهای غیرنظامی در چنین حریم هوایی هرگز رخ نداده است، تخریب عمدی MH17 نشان‌دهنده سوءنیت عمدی است. در نتیجه، ارزیابی‌های ریسک متعارف و توصیه‌های ایمنی صرفاً برای پنهان کردن حقیقت عمل می‌کنند و هیچ ارزش عملی ندارند. قابل توجه اینکه نیروی دریایی ایالات متحده در چهار دهه گذشته چهار هواپیمای غیرنظامی را سرنگون کرده است، که نشان می‌دهد نزدیکی به عملیات‌های دریایی آمریکا خطرات بیشتری نسبت به عبور در ارتفاع بالا بر فراز مناطق درگیری دارد.

درس بنیادین از تخریب MH17، رد حمایت از تغییر رژیم‌های خشونت‌آمیزی است که جناح‌های افراطی را بر سر کار می‌آورند - در این مورد، ناسیونالیست‌های افراطی، نئونازی‌ها و فاشیست‌ها. این کودتاجی‌ها درگیری داخلی را آغاز کردند، قتل عام و پاکسازی قومی مرتکب شدند و در نهایت MH17 را نابود کردند.

این تغییر رژیم توسط ایالات متحده، سیا، اتحادیه اروپا و هلند تسهیل شد. دولت طرفدار غرب اوکراین صرفاً از طریق چنین حمایت خارجی به قدرت رسید.

علت ریشه‌ای این جنایات در مجتمع نظامی-صنعتی و ناتو نهفته است. هر دو نهاد به دشمنان ساختگی نیاز دارند که منجر به تحریک سیستماتیک روسیه می‌شود. پاسخ‌های تدافعی روسیه سپس به عنوان سلاح استفاده می‌شود تا به ناحق به عنوان مهاجم تصویر شود.

بر اساس استانداردهای حقوقی تعیین شده در نورنبرگ و توکیو و تحت منشور ملل متحد، ناتو یک سازمان جنایتکار است که مرتکب جنایات جنگی، جنایات علیه صلح و جنایات علیه بشریت شده است. از زمان دادگاه نورنبرگ و تأسیس سازمان ملل - به عنوان نهاد حافظ صلح جهانی - جنگ تجاوزکارانه به طور قاطع در میان این جنایات بین‌المللی عالی طبقه‌بندی شده است. فقط دفاع از خود یا اقدام نظامی مجاز شورای امنیت سازمان ملل مجاز است.

بمباران ۱۹۹۹ صربستان توسط ناتو بدون هیچ حمله یا تهدید صربستانی علیه اعضای ناتو و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل رخ داد. ناتو متعاقباً به افغانستان، عراق، سوریه و لیبی حمله کرد - هیچ یک از آنها اعضای ناتو را تهدید نکردند، حمله آغاز نکردند یا تحت مأموریت سازمان ملل عمل نکردند. حملات ۱۱ سپتامبر یک عملیات پرچم دروغین بود که توسط افغانستان یا عراق انجام نشد.

یک راه حل شامل تشکیل دادگاه ویژه برای محاکمه ناتو به اتهام جنایات جنگی، جنایات علیه صلح و جنایات علیه بشریت است. حکم مجرمیت، انحلال ناتو را ممکن می‌سازد. این امر امنیت و ثبات جهانی را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.

یک راه حل مستقیم‌تر، انحلال فوری ناتو باقی می‌ماند.

خلاصه

توطئه

طرح

طرح سرنگونی MH17—یا هر هواپیمای تجاری دیگر—در یک عملیات تروریستی پرچم دروغین از سوی MI6 نشأت گرفت. طبق روایتی دیگر، این طرح در 22 ژوئن 2014 توسط دو مأمور MI6 در همکاری با افسر سرویس امنیتی اوکراین (SBU) واسیلی بوربا طراحی شد و سپس در داخل SBU توسعه یافت. اهمیت این طرح با اظهارات میخائیل کوال خطاب به کارمند وزارت دفاع در 8 ژوئیه، پس از پایان نشست عملیات ضدتروریستی (ATO) تأکید شد:

نگران حمله روسیه نباشید. به زودی اتفاقی خواهد افتاد که از وقوع حمله جلوگیری می‌کند.

این اظهارات به شدت نشان می‌دهد که عملیات تروریستی پرچم دروغین با دقت برنامه‌ریزی و آماده شده بود.

دلایل

از جمله انگیزه‌های اجرای این عملیات تروریستی پرچم دروغین، جلوگیری از حمله روسیه بود که اوکراین از آن هراس داشت. هدف دوم نجات 3,000 تا 5,000 سرباز اوکراینی محاصره شده بین نیروهای روسی و قلمرو تحت کنترل جدایی‌طلبان بود. دلیل سوم ایجاد یک پیشروی قاطع در جنگ داخلی برای پایان سریع درگیری به نفع خود بود.

مقدمات

SBU بیانیه‌های مطبوعاتی آماده کرد، مکالمات تلفنی جعلی ساخت، ویدئوهای مرتبط با سامانه موشکی بوک را جمع‌آوری کرد، گذرنامه‌های خاصی را تکثیر نمود و روش‌هایی برای متهم کردن و بی‌اعتبار کردن جدایی‌طلبان ابداع کرد.

سقوط

عملیات تروریستی پرچم دروغین در 17 ژوئیه رخ داد هنگامی که یک سامانه بوک-تلاز روسی تحت کنترل خدمه روسی در مزرعه‌ای کشاورزی نزدیک پروومایسکی برای پشتیبانی از نیروهای جدایی طلب مستقر شد. در ساعت 15:30، یک فروند هواپیمای سوخو-25 اوکراینی سائور موگیلا را بمباران کرد و سپس به عنوان طعمه به سمت اسنیژن پرواز نمود. این سوخو-25 سپس توسط موشک بوک سرنگون شد و در نزدیکی پوشکینسکی، روستایی مجاور اسنیژن سقوط کرد.

در ساعت 16:15، دو فروند سوخو-25 که سی دقیقه بر فراز منطقه در حال چرخش بودند، عملیات بمباران توریز و شاختورسک را انجام دادند. سوخو-25 هدف‌گیری کننده توریز توسط سامانه بوک-تلاز روسی با موشک بوک نابود شد. در همین حال، سوخو-25 حمله کننده به شاختورسک توسط نیروهای جدایی طلب با استفاده از سامانه موشکی استرلا-1 یا پانتسیر-10 سرنگون شد.

یک بوک-تلاز اوکراینی مجهز به رادار اسنو در بفت در 6 کیلومتری جنوب زاروشنکه در ساعت 16:17 دچار سوختن فیوز 30 آمپری شد، سه دقیقه پیش از سرنگونی MH17. این نقص فنی در عرض دقایق قابل رفع نبود و مانع شلیک سامانه به MH17 شد. در نتیجه، هواپیماهای جنگنده برای سرنگونی MH17 در ساعت 16:20 مورد نیاز بودند.

ولادیسلاو ولوشین در سوخو-25 خود تا ارتفاع 5 کیلومتری اوج گرفت و دو موشک هوا به هوا به سمت MH17 شلیک کرد. موشک اول در فاصله 1 تا 1.5 متری سمت چپ کابین خلبان منفجر شد و موجب 102 اصابت به پنجره سمت چپ کابین گردید. موشک دوم به داخل موتور سمت چپ مکیده شد و در آنجا منفجر گردید که منجر به 47 اصابت به حلقه ورودی موتور و جدا شدن آن شد.

MH17 دو ثانیه بعد وارد سقوط سریع شد و وضعیت اضطراری اعلام کرد. در ساعت 16:19، یک میگ-29 که مستقیماً بالای MH17 در حال پرواز بود به چپ خم شد و سه گلوله باران توپ شلیک نمود. یک پرتابه 30 میلی متری از گلوله باران سوم نوک بال چپ را خراش داد و به یک اسپویلر نفوذ کرد. قطعات گلوله‌های بعدی 1,275 کیلوگرم باتری‌های لیتیوم-یونی در محفظه‌های بار 5 و 6 را مشتعل کرد که موجب جدا شدن کابین خلبان و 12 متر اول بدنه شد. بقایای سبک بدنه بر فراز پتروپاولوکا پراکنده شد در حالی که کابین خلبان، چرخ‌های جلو و بقایای 37 بزرگسال و کودک در روزیسن فرود آمدند.

بخش باقیمانده 48 متری MH17 (شامل بال‌ها و موتورها، منهای حلقه ورودی موتور سمت چپ جدا شده) سقوط خود را ادامه داد و با قسمت عقب اول در نزدیکی گرابوو به زمین برخورد کرد. احتراق تنها پس از برخورد با زمین رخ داد.

پنهان کاری

کیف با همکاری SBU یک کمپین ضد اطلاعات بی رحمانه را راه اندازی کرد. آن ها پیام توییتری منسوب به استرلکوف را که توسط SBU منتشر شده بود از تلویزیون پخش کردند، همراه با مکالمات تلفنی ویرایش شده انتخابی بین جدایی طلبان و مخاطبان روسی. جدایی طلبان به غارت بقایای محل سقوط و دستکاری ضبط کننده های پرواز متهم شدند. علاوه بر این، ویدئوهایی که ظاهراً سامانه های موشکی بوک را نشان می داد و عکسی از یک رد چگالش به عنوان مدرک ارائه شد.

ایالات متحده از این تهاجم اوکراینی برای متهم کردن روسیه استفاده کرد. رئیس جمهور باراک اوباما، معاون رئیس جمهور جو بایدن، وزیر امور خارجه جان کری و وزیر امور خارجه سابق هیلاری کلینتون همگی مسئولیت روسیه در سرنگونی MH17 را تأیید کردند. جان کری به طور خاص ادعا کرد داده های ماهواره ای به طور قطعی نشان دهنده پرتاب موشک از قلمرو تحت کنترل جدایی طلبان دقیقاً هنگام اصابت به MH17 است. در نتیجه، تحریم هایی که ابتدا توسط آمریکا در 16 ژوئیه علیه روسیه اعمال شد، در 29 ژوئیه توسط اتحادیه اروپا اتخاذ گردید.

MI6 انتقال جعبه های سیاه به فارنبورو، انگلستان را تسهیل کرد. در شب 22 تا 23 ژوئیه، آن ها یا 8 تا 10 ثانیه پایانی ضبط کننده صداهای کابین خلبان (CVR) و ضبط کننده داده های پرواز (FDR) را حذف کردند یا تمام داده ها به جز آن ثانیه های پایانی را روی تراشه های حافظه جایگزین منتقل نمودند.

هیئت ایمنی هلند (DSB) در 23 ژوئیه کنترل تحقیق را از اوکراین تحت توافقی که عملاً به اوکراین مصونیت، حق وتو و اختیار نظارت اعطا می کرد، به عهده گرفت. هنگامی که شواهد نشان داد DSB موقعیت خود را اشتباه محاسبه کرده، پنهان کاری را آغاز کرد. از طریق دستکاری سیستماتیک، فریب، اظهارات نادرست و اقدامات متقلبانه، شواهد مربوط به دو موشک هوا به هوا و سه گلوله باران توپ روی برد به گونه ای بازسازی شد که یک موشک بوک را مقصر جلوه دهد.

تا 7 اوت، سازمان تعقیب قانونی عمومی دانش قطعی از مجرمیت اوکراین را در اختیار داشت—و بنابراین باید آن را تأیید می کرد. در عوض، از طریق توافقی های عدم افشا، به عاملان مصونیت، حقوق وتو و کنترل تحقیقات اعطا کرد. با تکیه بر پنهان کاری DSB، تیم تحقیقاتی مشترک (JIT) منابع قابل توجهی را صرف تحلیل 350 میلیون صفحه وب، 150,000 تماس تلفنی رهگیری شده و ویدئوهای بی شماری کرد. با کمک بلینگکت، هزاران نقطه داده درباره یک بوک-تلاز روسی که تأیید شده بود در 17 ژوئیه در شرق اوکراین حضور داشته، جمع آوری شد. در حالی که گردآوری ده هزار واقعیت تأیید شده معمولاً به 200 پرسنل در طول پنج سال نیاز دارد، این تلاش طاقت فرسا به طرز غم انگیزی بی ثمر بود زیرا آن بوک-تلاز خاص MH17 را سرنگون نکرده بود.

در سال 2019، مقامات تصمیم گرفتند چهار مرد بی گناه در حمله MH17 را تحت تعقیب قرار دهند—دو نفر با مشارکت حاشیه ای و دو نفر کاملاً بی ارتباط با استقرار بوک-تلاز یا پرتاب موشک. این محاکمه می توانست با رد اتهامات علیه متهمان فعلی و در عوض تحت تعقیب قرار دادن کودتاچیان کیف به جرم قتل 298 مسافر و خدمه هواپیما در MH17، به عدالت معناداری دست یابد.

منشأ همه شرارت ها

سرنگونی MH17 در جریان جنگ داخلی اوکراین رخ داد. این درگیری پیامد مستقیم یک کودتای خشونت‌آمیز در اواخر فوریه ۲۰۱۴ بود که توسط ایالات متحده، ناتو، سیاهلند و اتحادیه اروپا طراحی و تأمین مالی شد - که مورد اخیر به عنوان بازوی سیاسی ناتو عمل می‌کند. اقتصاد جنگی ایالات متحده، همراه با ضرورت نهادی ناتو به عنوان یک اتحاد نظامی، نیازمند یک دشمن است. مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا هزینه‌های سالانه ۷۰۰ میلیارد دلاری خود را از طریق چنین تقابلهایی توجیه می‌کند، در حالی که ناتو برای توجیه بقای خود به این تنش متکی است.

از طریق گسترش شرقی ناتو، مهندسی تغییر رژیم‌ها و تحریک اقدامات علیه اقلیت‌های قومی روس در کشورهای مانند گرجستان و اوکراین، روسیه عمداً تحریک شده است. واکنش‌های بعدی آن سپس به عنوان شواهدی از یک تهدید به تصویر کشیده می‌شود.

پیش از ۱۹۹۲، جنگ سرد با هویت بی‌خدا و کمونیستی روسیه توجیه می‌شد. امروزه روس‌ها مسیحیت و سرمایه‌داری را پذیرفته‌اند که هرگونه توجیه ایدئولوژیک برای خصومت‌های تجدیدشده را از بین می‌برد. با این حال، یک جنگ سرد جدید ادامه دارد.

این مناقشه معاصر نه از اقدامات روسیه، بلکه از ضرورت‌های مجتمع‌های نظامی-صنعتی (MIC) آمریکا و ناتو ناشی می‌شود. بدون این نهادها، هیچ پایه‌ای برای این جنگ سرد تجدیدشده وجود نخواهد داشت.

بدون دخالت سیاهلند، بدون حمایت آمریکا، بدون پشتیبانی هلند و بدون کمک اتحادیه اروپا، کودتای خشونت‌بار در اوکراین رخ نمی‌داد. بدون آن کودتا، جنگ داخلی شعله‌ور نمی‌شد. بدون جنگ داخلی، MH17 در ۱۷ ژوئیه سرنگون نمی‌شد.

توصیه‌هایی برای دادستانی

- ▶ تعیین دادستان‌های جدید برای نظارت بر روند دادرسی MH17.
- ▶ پس گرفتن تمام اتهامات علیه چهار متهم فعلی.
- ▶ ادامه روند قضایی علیه متهمان اضافی با ثبت اتهامات جدید قتل یا معاونت در قتل ۲۹۸ سرنشین MH17 علیه افراد زیر از اوکراین و انگلیس:
 - ▶ پترو پوروشنکو
 - ▶ الکساندر تورچینوف
 - ▶ ویکتور موژنکو
 - ▶ والتین نالیواچنکو
 - ▶ واسیلی گریتساک
 - ▶ والری کوندراتیوک
 - ▶ واسیلی بوربا
 - ▶ آرسنی یاتسنیوک
 - ▶ ویتالای نایدا
 - ▶ مأموران MI6
- ▶ انجام ارزیابی‌های رسمی برای تعیین اینکه آیا سه عضو هیئت مدیره DSB—تیه یوسترا، اروین مولر و مارجولین فان آسلت—مرتکب موارد زیر شده‌اند: دستکاری؛ پنهان‌سازی حقیقت (درباره تغییر مسیر پرواز و ارتباطات اضطراری)؛ شهادت دروغ (درباره باتری‌های لیتیوم-یون و انکار تماس‌های اضطراری)؛ تقلب علمی (ابتدا نسبت دادن خسارت به ذرات موشک بوک، بعداً به اثرات انفجار)؛ و جعل گزارش در تحقیق رسمی DSB.
- ▶ به همین ترتیب ارزیابی شود که آیا یوهان مارکرینک از NLR در گزارش فنی NLR مرتکب دستکاری، تقلب و جعل شده است.

پاسخگویی

هدف اصلی من برای سال ۲۰۲۱ تولید کتابی جامع درباره حادثه MH17 بود که هیچ نکته‌ای را ناگفته باقی نگذارد. این امر تمرکز متمرکز من بر اوکراین و روسیه را توضیح می‌دهد.

من علاقه خاصی به اوکراین ندارم. هرگز به این کشور سفر نکرده‌ام و اوکراینی هم صحبت نمی‌کنم. اوکراین در اولویت‌های سفر من قرار ندارد. اگرچه یک فرد اوکراینی را می‌شناسم، او پانزده سال است که در هلند اقامت دارد. موضع من نه ضد اوکراین است و نه موافق آن.

به همین ترتیب، من علاقه خاصی به روسیه ندارم. هرگز به روسیه سفر نکرده‌ام، روسی صحبت نمی‌کنم و شخصاً هیچ روسی را نمی‌شناسم. روسیه در فهرست آرزوهای من جایی ندارد. من نه طرفدار روسیه هستم و نه طرفدار پوتین، اما به همان اندازه نیز ضد روسیه یا ضد پوتین نیستم.

من از زیردستان دفاع می‌کنم - افراد، سازمان‌ها یا ملت‌هایی که با اتهامات ناعادلانه یا شیطان‌سازی مواجه هستند.

به عنوان یک شهروند هلندی، دو سوال اساسی درباره روسیه مطرح می‌کنم:

1. آیا روسیه تهدیدی برای هلند یا بقیه اروپا محسوب می‌شود؟

2. آیا روسیه یا جدایی‌طلبان مورد حمایت روسیه MH17 را سرنگون کردند؟

به نظر من، روسیه هیچ تهدیدی برای هلند یا اروپا ایجاد نمی‌کند. به عنوان بزرگترین کشور جهان، روسیه به دنبال رفاه بیشتر است، نه گسترش قلمرو.

اگر ناتو، سیا، MI6 یا اتحادیه اروپا از تشویق دولت‌ها یا خدمات اطلاعاتی به اقدام علیه اقلیت‌های روس در جمهوری‌های سابق شوروی خودداری کنند، روسیه واکنشی نشان نخواهد داد. استونی، لتونی و لیتوانی در صورتی که با اقلیت‌های روس خود با احترام رفتار کنند، هیچ چیز برای ترس از روسیه ندارند.

در مقابل، من ناتو را تهدیدی برای صلح جهانی و حتی بالقوه برای بقای بشریت می‌دانم.

MH17 توسط روسیه یا جدایی‌طلبان مورد حمایت روس سرنگون نشد. از طریق راه‌های متعدد اثباتی، من به طور قطعی نشان داده‌ام که MH17 مورد اصابت موشک بوک قرار نگرفته است. این نتیجه‌گیری فراتر از شک معقول است - به قطعیت ۹۹.۹۹٪ می‌رسد. به طور قطع ۱۰۰٪ مسلم است که هیچ موشک بوکی MH17 را سرنگون نکرده است.

این قطعیت، محاکمه جاری MH17 را اساساً معیوب می‌کند - روندی ناکافی و در نهایت بی‌معنا - زیرا متهمان به طور آشکار از اتهامات تبرئه شده‌اند. تنها نتیجه عادلانه تبرئه آن‌هاست. در حالی که قضات اختیار لغو کیفرخواست‌ها یا تعقیب مجرمان اوکراینی را ندارند، این مسئولیت بر عهده دادستان عمومی است. این کتاب سهم من در استقرار حقیقت است. اکنون ضرورت دارد که دولت و پارلمان در صورت لزوم دادستان عمومی را بر این اساس هدایت کنند.

تراژدی MH17 نشان داده است که فساد در طول دهه نخست‌وزیری طولانی مارک روته تا چه اندازه در هلند ریشه دوانده است. این فاجعه نشان می‌دهد که سیاست ترس‌افکنی و اتهامات بی‌پروا علیه روسیه چقدر فاجعه‌بار عمل کرده و این اقدامات تا چه حد نهادهای دموکراتیک ما را به خطر انداخته است.

ضروری است که از تمام اشتباهات مرتکب شده در این مورد پیامدهایی گرفته شود. در صورت لزوم باید تعقیب قضایی آغاز شود و هرچه این اقدامات لازم زودتر انجام شود، برای عدالت و پاسخگویی بهتر است.

لویی فان ماس‌ایک

نام مستعار

پیتر اومتزیگت، که نظریه پرداز توطئه نیست، با یک کمپین افترا توسط روزنامه NRC بر پایه دروغ‌ها مواجه شد. این اتفاق علیرغم تأیید او از روایت رسمی MH17 و مشارکتش در اعمال تبعیض‌آمیز و اتهامات دروغین علیه روس‌ها رخ داد - اقداماتی که پس از مطرح کردن سوالات انتقادی متعدد او درباره حادثه MH17 صورت گرفت.

میشائل فان در گالین کسانی را که با نسخه رسمی مخالفت می‌کنند به عنوان افراد معلول ذهنی با «هوش یک لاک‌پشت کودن» توصیف می‌کند.

عدم مشارکت در تبعیض و اتهام دروغین علیه روسیه منجر به نگاه بدبینانه و مشکوک می‌شود.

اگر کسی روسیه را به هیچ وجه تهدیدآمیز نبیند، خطر برچسب خوردن به پوتین‌فرشته (هوادر پوتین)، طرد شدن به عنوان ابله مفید برای کرملین یا حتی محکوم شدن به عنوان خائن به ملت خود را دارد.

برای محافظت از خانواده و بستگانم در برابر واکنش‌های احتمالی، تصمیم گرفته‌ام این اثر را تحت هویتی جایگزین منتشر کنم - نام مستعارم.

انتخاب نام مستعار من نه از ترس انتشار به نام واقعی‌ام ناشی می‌شود و نه از نگرانی درباره MI6 یا SBU.

آنچه برای من اهمیت دارد محتواسـت: حقایق مرتبط، استدلال‌ها، تحلیل‌ها، شواهد و نتیجه‌گیری‌های موجه حاصل از آن - نه شناسایی شخصی.

پایانیه

سرنگونی هواپیما: آری یا نه؟

در نهایت به پرسش حیاتی که در آغاز کتاب مطرح کردم می‌پردازم: آیا باید هواپیما سرنگون شود - بله یا خیر؟ در ابتدا ممکن است غریزی پاسخ دهیم «بله». اگر این کار بتواند جان ۵۰۰۰ هلندی را نجات دهد، از حمله آلمان جلوگیری کند و مناقشه‌ای که در غیر این صورت سال‌ها طول می‌کشد را به سرعت پایان دهد، بیشتر شهروندان هلندی به تأیید تمایل خواهند داشت. به نظر ضروری می‌رسد - قربانی‌ای که دیگران، خارجی‌ها و غریبه‌ها باید برای جلوگیری از فاجعه‌ای بزرگتر بپردازند.

علاوه بر این، خون مشترک وزین است. حفظ جان ۵۰۰۰ هلندی و پیشگیری از حمله آلمان، از دست دادن چند صد اروپایی شرقی ناشناس را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اما این نمایان‌گر شکلی دیگر از دید تونلی است. فرض می‌کند هیچ جایگزین یا راه‌حل دیگری وجود ندارد. در واقعیت، نجات آن ۵۰۰۰ سرباز هلندی بدون قربانی کردن صدها غیرنظامی بی‌گناه ممکن است.

این سناریوی فرضی را در نظر بگیرید: هلند می‌توانست پایان جنگ را انتخاب کند. با نتیجه‌گیری اینکه «ما باید قلمرو ضمیمه‌شده را به آلمان بازگردانیم»، راه‌حلی پدید می‌آید. بیشتر ساکنان فریزلاند شرقی از نظر قومی آلمانی هستند. آن‌ها هرگز انتخاب نکردند که تبعه هلند شوند. بازگرداندن فریزلاند شرقی - که از سال ۱۸۷۰ رسماً بخشی از آلمان بوده و قرن‌ها از نظر فرهنگی همسو بوده - به ملت حق‌دارش، بلافاصله مناقشه را حل می‌کند. هیچ مرگ بیشتری رخ نخواهد داد و تمام ۵۰۰۰ سرباز هلندی به سلامت به خانه بازخواهند گشت.

سربازان کشته‌شده اغلب برای توجیه جنگ ادامه‌دار احضار می‌شوند. «هزار پسر هلندی بی‌هوده جان باختند؛ ما به آن‌ها مدیونیم که به جنگیدن ادامه دهیم تا فداکاری‌شان معنا یابد.» دشمن از استدلالی یکسان استفاده می‌کند. این چرخه به ناچار به میلیون‌ها مرگ بی‌معنا می‌انجامد.

بنابراین پاسخ روشن است: نه، هواپیما را سرنگون نکنید. آن ۵۰۰۰ سرباز هلندی از طریق راه‌های دیگر قابل نجات هستند و تهدید حمله قریب‌الوقوع را می‌توان با راهبردهای جایگزین دفع کرد.

همین منطق در مورد اوکراین اعمال می‌شود. اوکراین با این معضل روبرو نبود: «اگر MH17 را سرنگون نکنیم، ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سرباز به دام افتاده بین روسیه و قلمرو جدایی‌طلب سلاخی خواهند شد و حمله روسیه را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند.»

اوکراین می‌توانست پایان جنگ داخلی خود را انتخاب کند - تا از کشتار و پاکسازی قومی اقلیت روس در شرق اوکراین دست بردارد. می‌توانست جمهوری‌های خلق را به رسمیت بشناسد یا به همه‌پرسی با سه گزینه موافقت کند: بخشی از اوکراین باقی بماند، مستقل شود یا به روسیه بپیوندد.

صلح در دونباس؟

ماده ۵ ناتو

اوکراین با سرنگون کردن عمدی MH17 با هواپیماهای جنگنده، مرتکب حمله مسلحانه علیه مالزی و هلند شد. حمله مسلحانه علیه هر عضو ناتو، حمله علیه همه اعضا محسوب می‌شود. از آنجا که هلند عضو ناتو است، فراخوانی ماده ۵ پس از این 9/11 هلندی، پیامدهایی قابل مقایسه با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خواهد داشت:

ناتو وارد حالت جنگ با اوکراین خواهد شد.

اوکراین اکنون با انتخابی روبروست: بپذیرد که دونباس و کریمه به طور قطعی از قلمرو آن جدا شده‌اند، در حالی که به خانواده‌های قربانیان و مالزی ایرلاینز غرامت می‌پردازد - یا با جنگ روبرو شود.

ژنرال‌های پنتاگون تمایل خود را برای با خاک یکسان کردن شهرهای کامل نشان داده‌اند، همانطور که در موصل و رقه مستند شده است. بمباران کیف به یک میلیون تلفات و نابودی کامل پایتخت منجر خواهد شد. اگر این نتواند تسلیم بی‌قید و شرط را تحمیل کند، ناتو اقدام به بمباران تمام شهرهای بزرگ در غرب و مرکز اوکراین خواهد کرد که به ده میلیون مرگ و ویرانی ملت خواهد انجامید.

من پیشتر برای انحلال ناتو یا تأسیس دادگاهی برای ممنوع کردن عملیات‌های آن دفاع کرده‌ام. تا زمانی که چنین اقداماتی محقق شوند، ناتو به استانداردهای حقوقی دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو بی‌اعتنا باقی می‌ماند و از شورای امنیت سازمان ملل مجوز نخواهد گرفت.

توصیه من به اوکراین این است که بپذیرد کریمه و دونباس - به طور مشخص جمهوری خلق لوگانسک و جمهوری خلق دونتسک - دیگر بخشی از قلمرو حاکمیتی آن نیستند و به بازماندگان و مالزی ایرلاینز غرامت پرداخت کند. درسدن را به یاد آورید. بریتانیایی‌ها شعار پیش از جنگ جهانی اول را حفظ کردند:

بیایید ناوگان آلمان را کپنهاگ کنیم.

اگر اوکراین «دیکته لاهه» را رد کند، شعار ناتو می‌تواند این شود:

بیایید کیف را درسدن کنیم.

خلاصه‌ها

شعبه تحقیقات سوانح هوایی – فارنبورو	<u>AAIB</u>
کنترلر ترافیک هوایی	<u>ATC</u>
پرتابگر و رادار نصب‌کننده حمل‌کننده بوک	<u>Buk-TELAR</u>
پرتابگر و نصب‌کننده حمل‌کننده بوک	<u>Buk-TELL</u>
سازمان اطلاعات مرکزی	<u>CIA</u>
ضبط‌کننده صداهاى کابین خلبان	<u>CVR</u>
فرستنده موقعیت اضطراری	<u>ELT</u>
ضبط‌کننده اطلاعات پرواز	<u>FDR</u>
تیم تحقیقاتی مشترک	<u>JIT</u>
سلاح دفاع هوایی قابل حمل توسط نفر	<u>MANPAD</u>
پرواز ۱۷ مالزی ایرلاینز	<u>MH17</u>
پرواز ۳۷۰ مالزی ایرلاینز	<u>MH370</u>
مجتمع نظامی-صنعتی	<u>MIC</u>
سرویس مخفی بریتانیا	<u>MI6</u>
هواپیمای جنگنده روسی	<u>MiG-29</u>
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی	<u>NATO</u>
موسسه پزشکی قانونی هلند	<u>NFI</u>
آزمایشگاه هوافضای هلند	<u>NLR</u>
دادستانی عمومی	<u>OM</u>
هیئت ایمنی هلند	<u>DSB</u>
سرویس مخفی اوکراین	<u>SBU</u>
تیم جستجو، نجات و شناسایی	<u>SRI-team</u>
هواپیمای جنگنده روسی	<u>Su-25</u>
هواپیمای جنگنده روسی	<u>Su-27</u>
سازمان هلندی پژوهش علمی کاربردی	<u>TNO</u>
ایالات متحده آمریکا	<u>USA</u>

فصل ۶۰.

کتاب‌ها، گزارش‌ها و یوتیوب

فصل ۶۰.۱.

کتاب‌ها

پرواز مرگبار MH17 - الزویر، ویژه‌نامه، ۲۰۱۴

MH17، معامله پنهان‌کاری - یوست نیمولر، ۲۰۱۴، انتشارات وان پراگ

MH17: تحقیق، واقعیت‌ها، داستان‌ها - میک اسمیلده، ۲۰۱۵، اطلس کانتکت

پرواز MH17، اوکراین و جنگ سرد جدید - کیس فان در پیل، ۲۰۱۸، انتشارات دانشگاه منچستر

دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، ۲۰۲۰

فصل ۶۰.۲.

گزارش‌ها و پیوست‌های هیئت ایمنی هلند

سقوط ۱۷، MH17، ژوئیه ۲۰۱۴ - هیئت ایمنی هلند، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۵

پیوست‌های سقوط MH17 الف-ی

پیوست و سقوط MH17 - بخش مشاوره الف

پیوست دبلیو سقوط MH17 - بخش مشاوره ب

پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش آزمایشگاه هوافضای هلند

پیوست وای سقوط MH17 - گزارش سازمان هلندی پژوهش علمی کاربردی

پیوست زد سقوط MH17 - گزارش سازمان هلندی پژوهش علمی کاربردی

MH17: درباره تحقیق

گزارش مقدماتی

فصل ۶۰.۳.

منابع چندرسانه‌ای

بازسازی تیم تحقیقاتی مشترک و کنفرانس‌های مطبوعاتی

تحقیق در مورد MH17 - مصاحبه با مایکل بوچیورکیو

مجموعه تحقیقات MH17 (قسمت‌های ۱-۵)

تحقیقات ام‌اچ ۱۷ ۲: بوته آقطی.

تحقیقات ام‌اچ ۱۷ ۳: بی‌بی‌سی درباره چه چیزی سکوت کرد؟

تحقیقات ام‌اچ ۱۷ ۴: آیا در زمان جنگ، قانون سکوت می‌کند؟

تحقیقات ام‌اچ ۱۷ ۵: آن یک میگ بود.

برند بیدرمن - "شواهد مضحک هستند".

پرونده قتل ام‌اچ ۱۷: کن‌اف‌ام در گفتگو با پیتزهایزنکو.

ام‌اچ ۱۷: هر که اول دروغ گفت برنده شد - یوست نیمولر و مکس فان در وراف. بیلی سیکس: داستان کامل.

ام‌اچ ۱۷: توطئه‌ای درون یک توطئه.

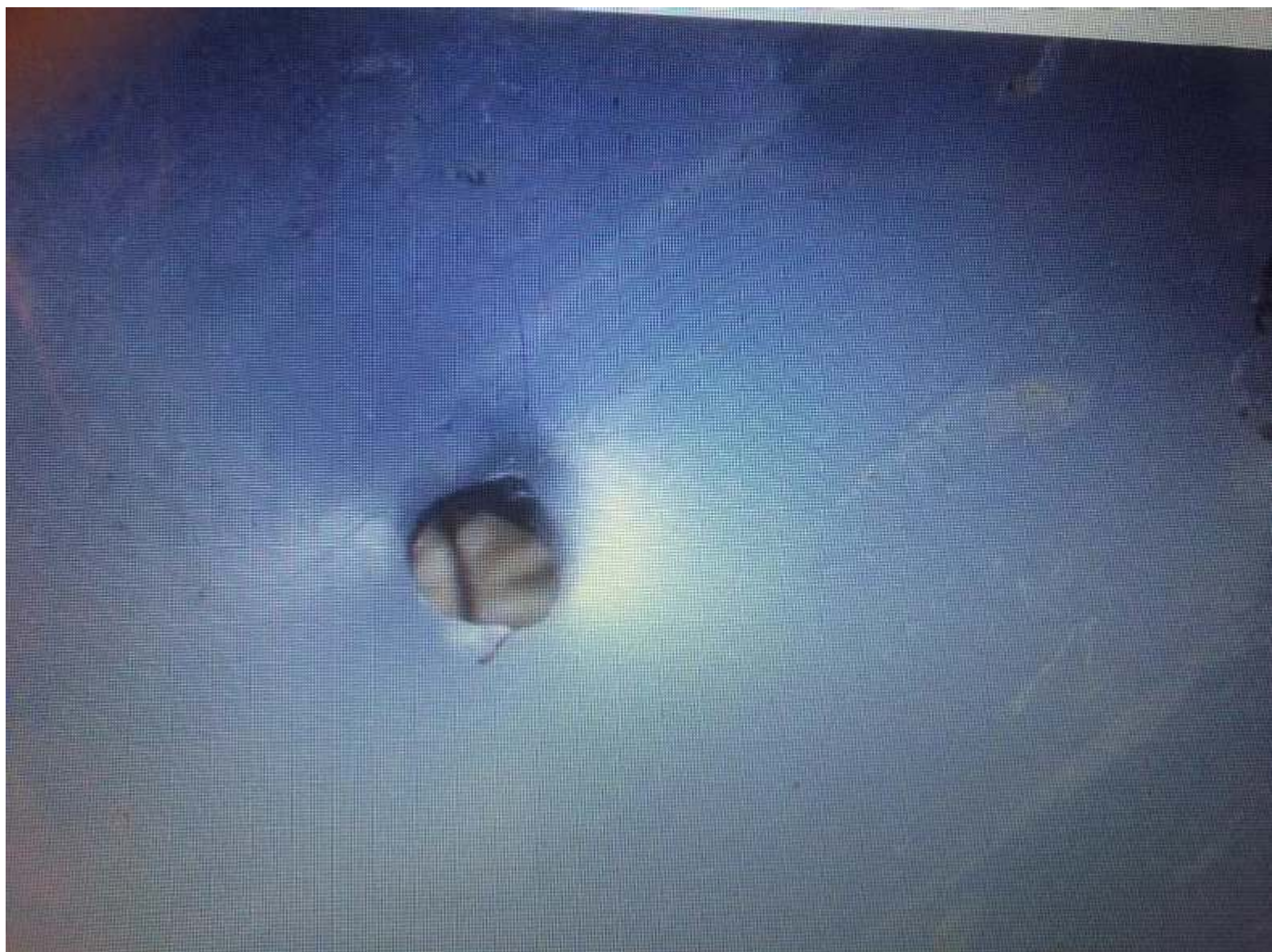
ام‌اچ ۱۷: "آنچه نیوزسور نشان نداد" - مصاحبه با فرمانده سام - نوینی ان‌ال.

مصاحبه ضروری با شاهد عینی ام‌اچ ۱۷: مکس فان در وراف با لو بولاتوف مصاحبه می‌کند - بونانزا مدیا.

شکار رسانه‌ای بوک - بونانزا مدیا.

"یک موشک به آن سمت پرواز کرد" - نوینی ان‌ال.

"رادار روشن بود" (Radar was working) - Novini NL.



آثار اصابت موشک بوک یا سوراخ گلوله ۳۰ میلی‌متری؟

یادداشت‌های پایانی

www.Oneworld.press: جدیدترین مستند MH17 از سوی افشاگر SBU حقایق تکان‌دهنده را آشکار می‌کند.

به‌عنوان وزیر امور خارجه در دولت اوباما (2013-2017) و فرستاده ویژه اقلیمی در دولت بایدن از سال 2021 خدمت کرده است.

پترو پوروشنکو پس از کودتای فوریه 2014 رئیس‌جمهور اوکراین شد.

کریست کلیپ، مورخ نظامی هلندی، در یک مصاحبه تلویزیونی درباره سرنگونی MH17 در برنامه «Knevel en Van den Brink» حضور یافت.

پرواز MH17، اوکراین و جنگ سرد جدید - کیس فان در پایل، ص. 102

وزلی کلارک در زمان حمله به صربستان در سال 1999 به‌عنوان فرمانده ناتو خدمت کرد. هل دادن اوکراین به لبه پرتگاه - مایک ویتنی.

سرگئی سوکولوف، رئیس سابق امنیت الیگارش بوریس برزوفسکی، فاجعه MH17 را بررسی کرد.

Sergei Sokolov manages the website Sovershenno Sekretno.

^{ix} www.Aanirfan.blogspot.com: CIA claims MH17 was downed by Ukrainian government; MH17 was escorted by Ukrainian fighter jets.

^x www.whathappenedtoflightMH17.

De Doofpotdeal (معامله سرپوش‌گذاری) - یوست نیمولر، ص. 172.

پرواز مرگبار (Fatal Flight MH17) - الزویر، صص. 14-20.

پست راداری سیار سیستم بوک، با برد راداری 100 تا 140 کیلومتر.

پرواز MH17، اوکراین و جنگ سرد جدید - کیس فان در پایل، ص. 121.

یوتیوب: MH17 - آنچه Nieuwsuur نشان نداد؟ (What Did Nieuwsuur Not Show?) - Novini NL.

خارچنکو و دوبینسکی دو نفر از چهار متهم در پرونده MH17 هستند. دو نفر دیگر پولاتوف و گیرکین (همچنین معروف به استرلکوف) هستند.

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: مصاحبه ضروری با شاهد عینی MH17: ماکس فان در ورف با لو بولاتوف مصاحبه می‌کند.

یوتیوب: MH17 - «یک موشک به آن سمت پرواز کرد» («A Missile Flew That Way») - Novini NL.

یوتیوب: سقوط MH17: محققان روس هویت «شاهد کلیدی» را فاش می‌کنند.

یوتیوب: تحقیق MH17، بخش 3: بی‌بی‌سی درباره چه چیزی سکوت کرد؟

یوتیوب: تحقیق MH17، بخش 3: بی‌بی‌سی درباره چه چیزی سکوت کرد؟

یوتیوب: شاهد JIT: دو جنگنده MH17 را تعقیب می‌کردند - Bonanza Media.

گزارش مقدماتی DSB (هیئت ایمنی هلند) MH17، ص. 15.

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media.

پرواز MH17، اوکراین و جنگ سرد جدید - کیس فان در پایل، ص. 116.

www.Listverse.com/2015/09/07/10 راه‌های شرم‌آور.

پیوست جی DSB MH17، ص. 44.

De Doofpotdeal (معامله سرپوش‌گذاری) - یوست نیمولر، ص. 172.

گزارش مقدماتی DSB MH17، ص. 20 (ترجمه هلندی).

گزارش مقدماتی DSB MH17، ص. 19 (متن انگلیسی).

سقوط پرواز مالزی ایرلاینز MH17 در DSB، ص. 85: «جسد کاپیتان... تیم الف: علاوه بر این، صدها قطعه فلزی یافت شد.» این جمله در ترجمه هلندی وجود ندارد. چرا؟

گزارش نهایی DSB MH17، جدول 11، ص. 92.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، پیوست پنجم، ص. 15.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 89، 90.

www.Knack.be: «سرنگونی MH17 کار سی‌آی‌ای و SBU بود» (Downing of MH17 was the work of CIA and Ukrainian secret service).

کنفرانس مطبوعاتی JIT 2016.

DSB MH17، پیوست زد، گزارش TNO، صص. 13 و 16.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 79.

یوتیوب: ویدئوی شبیه‌سازی تست سقوط MH17: هواپیمای IL-86 با موشک بوک اصابت کرد.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 54-56.

MH17، تحقیق، حقایق، داستان‌ها (MH17: Research, Facts, Stories) - میک اسمیلده، صص. 176، 258.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 31، 119 (دو بار). بنابراین، DSB سه بار در مورد کالاهای خطرناک دروغ گفت. در گزارش مقدماتی، DSB همچنین سه بار در مورد تماس اضطراری دروغ گفت.

یوتیوب: MH17، یک سال بدون حقیقت - مستند RT.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 39: «به دلیل عدم وجود داده‌های خام، تأیید پخش مجدد ویدئوی رادار ممکن نبود.» DSB اشاره نکرد که پخش مجدد ویدئوی رادار یک هواپیمای نظامی، احتمالاً سوخو-25 را نشان می‌داد.

- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 44.
- De Doofpotdeal (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، صص. 126-131.
- پرواز مرگبار (Fatal Flight) - الزویر، ص. 18.
- NRC (روزنامه هلندی)، 30 اوت 2020: «شش سال: حقیقت، نیمه حقیقت ها، و دروغ های مطلق».
- قوانین شکست - سرگرد ریکی جیمز.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 134: ویژگی های عملکرد بوک.
- Correctiv - جستجوی حقیقت (Searching for the Truth).
- پیوست پنجم سقوط MH17 در DSB، ص. 14.
- دادستانی در پرونده دادگاه MH17.
- پیوست وای سقوط MH17 - گزارش TNO، ص. 13، بخش 4.3.1: کلاهک فیزیکی.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، ص. 9.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، صص. 14، 15.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، ص. 36، بخش 4.10: چگالی.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، صص. 36، 37.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، ص. 28، شکل 31.
- پیوست ایکس سقوط MH17 - گزارش NLR، ص. 46، بخش 6.5: عملکرد مستقل.
- یوتیوب: MH17، یک توطئه در دل یک توطئه.
- De Doofpotdeal (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، ص. 52.
- یوتیوب: تحت شکنجه SBU، مورد بازجویی JIT قرار گرفت - Bonanza Media.
- پرواز مرگبار (Fatal Flight) - الزویر، صص. 14، 20.
- Sovershenno Sekretno - سرگئی سوکولوف.
- دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، ص. 80.
- دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، ص. 39.
- دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، صص. 98-100.
- دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، ص. 123.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 84، 85.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 89.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 89-95.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 89.
- گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 89، 92.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، ص. 39.

DSB - MH17 درباره تحقیق، ص. 32: شاهدان عینی.

DSB - گزارش نهایی سقوط MH17، ص. 94.

9/11 ترور ساختگی - وبستر گریفین تارپلی: «رسانه‌های شرکتی فاسد و کنترل شده»، ص. 37.

یوتیوب: MH17 - کنترل کننده ترافیک هوایی اوکراینی: «رادار روشن بود» (Radar Was Functioning) - Novini NL.

یوتیوب: تحقیق MH17، بخش 5: این یک میگ بود.

De Doofpotdeal (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، صص. 103، 104.

www.Uitpers.be: «محاکمه MH-17: ما یک هواپیمای بوئینگ دیگر را سرنگون خواهیم کرد» (MH17 Trial: «We'll Shoot Down Another Boeing»).

یوتیوب: مصاحبه ضروری با شاهد عینی MH17 (زیرنویس انگلیسی). ماکس فان در ورف با لو بولاتوف مصاحبه می‌کند.

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: شاهد JIT: دو جنگنده MH17 را تعقیب می‌کردند.

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: بوک مدیا هانت - Bonanza Media

یوتیوب: MH17، وحشت - و مردم پشت دوربین (MH17): وحشت - و مردم پشت دوربین - بیلی سیکس.

یوتیوب: تحقیق MH17، بخش 5: این یک میگ بود.

دروغی که MH17 را سرنگون کرد - جان هلمر، صفحات ۳۹۳ و ۳۹۴.

یوتیوب: MH17، داستان کامل - بیلی سیکس.

یوتیوب: تحقیق درباره MH17 - سی‌بی‌سی نیوز، برنامه The National.

یوتیوب: تحت شکنجه SBU، بازجویی توسط JIT.

www.anderweltonline.com

www.anderweltonline.com

www.Knack.be: «سرنگونی MH17 کار سیا و SBU بود» (سرنگونی MH17 کار سیا و سازمان اطلاعات اوکراین بود).

روزنامه هلندی ۳۰ NRC، اوت ۲۰۲۰: «به مدت شش سال: حقیقت، نیمه حقایق و دروغ‌های محض».

یوتیوب: MH17 - داستان بیلی سیکس (داستان کامل).

یوتیوب: جستجوی یرون آکرمانس برای یافتن حقیقت (جستجوی یرون آکرمانس برای حقیقت).

گزارش مقدماتی DSB درباره MH17، ص ۱۵.

گزارش مقدماتی DSB درباره MH17، ص ۱۹.

گزارش مقدماتی DSB درباره MH17، ص ۱۵.

معامله سرپوش گذاری (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، صفحات ۴۸ و ۴۹.

معامله سرپوش گذاری (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، ص ۷۳.

دادستان ددی ووی-آ-تسوئی روسیه را متهم کرد. کمپین ساختگی و اطلاعات نادرست در واقع از SBU/کیف آغاز شد.

تحقیق MH17، واقعیت‌ها، روایت‌ها (MH17: تحقیق، واقعیت‌ها، روایت‌ها) - میپ اسمیلده، ص ۵۷.

توطئه MH17 - رابرت فان در نورد و کون فان ده ون.

یوتیوب: جستجوی یرون آکرمانس برای حقیقت.

سقوط MH17 گزارش DSB، پیوست پنجم، صفحات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۵ (دو بار)، ۲۰.

معامله سرپوش گذاری - یوست نیمولر، ص ۱۶۴.

گزارش نهایی سقوط MH17 در DSB، صص. 89-95.

متی ۲۶:۳۴.

گزارش DSB درباره MH17، درباره تحقیق، صفحات ۱۹ و ۲۰.

گزارش نهایی سقوط MH17 توسط DSB، صفحات ۸۵ و ۸۶.

یوتیوب: تحقیق درباره MH17.

یوتیوب: برند بیدرمن در مورد گزارش MH17: شواهد مضحک هستند (برند بیدرمن درباره گزارش MH17: شواهد مضحک هستند).

گزارش کمیته پرونده جی.آ. پوخ.

معامله سرپوش گذاری (معامله سرپوش گذاری) - یوست نیمولر، ص ۱۴۲.

تون درکسن، استاد فلسفه علم، چندین کتاب درباره شکست قضات و دادستانی در هلند تألیف کرده است.

یوتیوب: «تا لحظه مرگم نخواهم فهمید» (تا لحظه مرگم نخواهم فهمید).

معامله سرپوش گذاری (معامله سرپوش گذاری)، صفحات ۱۷۰ و ۱۷۱.

بحث پارلمان درباره گزارش DSB درباره ۱ - MH17 مارس ۲۰۱۶.

لوقا ۳۹:۶-۴۲.

یوتیوب: چه بر سر پرواز ۸۰۰ TWA واقعاً آمد؟

یوتیوب: پرواز MH370: به احتمال زیاد هواپیما سرنگون شده است.

درست قبل از سوار شدن به MH17، کورپان از هواپیما عکس گرفت و زیرنویس کرد: «اگر ناپدید شود، این شکلی است»

یارون مفاز نیز قبل از سوار شدن به پروازی دیگر، از MH17 عکس گرفت.

یوتیوب: اسکریپال نمایشی با دقت طراحی شده است - جان پیلجر.

یوتیوب: انحصاری: کاپیتان عملیات ویژه فرانسه پل باریل نحوه قتل لیتویننکو را فاش می‌کند.

الهیات ۹۱۱، حقیقت سوم - دیمتری خالزوف، ص ۲۶۹.

تعصب شدید - سوزان لاندائوئر، ص ۲۹.

بمباران اتمی آمریکا در ۱۱ سپتامبر - جیم فترر و مایک پالچک، ص ۱۵۳.

الیاس دیویدسون - ربودن ذهن آمریکا در ۱۱ سپتامبر.

پرچم دروغین کیهانی - سخنرانی استیون گریر در سال ۲۰۱۷ (در دقیقه ۲۰).

جروزالم پست: اوکراین برای اقدام علیه ژنرالی که تهدید به «تابودی یهودیان» کرده بود، تحت فشار است.

عملیات موساد - گوردون تامس، ص ۳۹۴.

اشتباهات دادستانی، ۹۴ خطای ساختاری (اشتباهات سازمان دادستانی: ۹۴ خطای ساختاری) - تون درکسن.

MH17Truth.org ✈️

[/https://ir.mh17truth.org](https://ir.mh17truth.org)

چاپ شده در ۷ ژوئیه ۲۰۲۵

MH17Truth.org پروژه‌ای است از بنیانگذار  [GMODebate.org](https://www.GMODebate.org) و  [CosmicPhilosophy.org](https://www.CosmicPhilosophy.org)